

ایران کنونی و خلج فارس

تکثیر :

اسمعیل نورزاده بوشهری



خليج
فارس

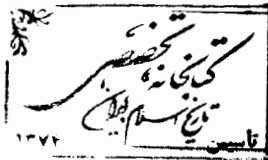
١

٥

٢٢

استادان شریف

ایران کنونی و خلج فارس



تهران - ۱۳۲۵

اسمهیل نورزاده بوشهری

چاپخانه روزنامه امید

فهرست مندرجات

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
تهران		بغداد	
ابنیه قاجاریه و تاریخچه امیر کبیر		منافع انگلیسها در بین النهرین و	
و عقیده ارد « کرزن » راجع		عملیات نظامی آنها نامه اداره امور	
به آن مرحوم	۳۵-۳۸	سیاسی هند بنایب السلطنه هندوستان	
راه بوشهر بشیراز از طریق فیروز آباد		و جواب سر لشکر « بارون » و	
و جنگ بین لشکریان انگلیس و		اظهارات ارد « سالیس بوری » راجع	۲
ایران در تل توپخانه و بوشهر و		به بین النهرین و خلیج فارس	
خرمشهر در سال ۱۲۷۳ قمری	۴۴	خانقین	
سمنان		تاریخچه شرکت نفت انگلیس	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		و ایران و معادن نفت مسجد سلیمان	
معادن نفت خوریان	۵۰	و نقاط دیگر	۶
دامغان		خسروی بکرمانشاه	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		اوضاع اجتماعی و سیاسی و	
تاریخی آنجا	۵۱	یاد داشت ژنرال « دنسترویل »	
شاهرود		انگلیسی راجع به ایران	۱۳
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		کرمانشاه	
تاریخی آنجا	۵۲	اوضاع اقتصادی- اجتماعی و آثار	
سیروان		تاریخی طاقستان و کوه بیستون	۱۶
اوضاع اجتماعی و اقتصادی	۵۳	اسد آباد	
نیشابور		حالات مرحوم سید جمال الدین	
اوضاع اجتماعی و اقتصادی و		اسدآبادی معروف به افغانی	۲۰
تاریخی آنجا	۵۴	همدان	
مشهد		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و آثار	
اوضاع اجتماعی و اقتصادی و		باستانی و تاریخچه استرومردخای	۲۴
آثار تاریخی و تاریخچه ابنیه		قزوین	
آستان قدس رضوی	۵۶	اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
		تاریخچه انتونی شرلی انگلیسی	
		در حضور شاه عباس	۳۰

تهران

- مجلس شورای ملی - تاریخچه
پارلمان انگلیس و فرانسه - شرح
جنگهای ژنرال «موند» در عراق
عرب و ژنرال «رابرت» در
افغانستان و تاریخچه کاپیتولاسیون
(حق قضاوت کنسولات) ۶۲-۶۹
دانشگاه تهران و موزه ایران باستان
و کارخانه های قند و بارچه بافی ۷۱-۷۳

قم

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
تاریخچه بنای حضرت معصومه و شرح
حالات امین السلطان صدر اعظم ۷۵

کاشان

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
تاریخی ۷۹

اصفهان

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
اینیه تاریخی و تاریخچه کارخانه
وطن و شرح جنگهای نادرشاه در
هندوستان ۸۱-۹۱

آباد

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی ۹۲
تخت جمشید
آثار باستانی و تاریخچه سر جان
ملکم نماینده انگلیس در دربار
فتحعلیشاه ۹۴-۹۹

شیراز

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
اینیه تاریخی و شرح حالات علما و
فضای آنها ۱۰۱

کازرون

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
تاریخی و شرح جنگ های عشایر
جنوب با سباهیان انگلیس ۱۰۹

برازجان

- اوضاع اجتماعی و تاریخچه
حالات واسوس آلمانی و جنگهای
بین انگلیسیها و تنگستانیها ۱۱۴-۱۲۲

بوشهر

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
تاریخی ۱۲۳

بندر لنگه

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
معاملات و روایید ۱۲۹

ناحیه دشتستان

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
بنادر دشتستان ۱۳۱

ناحیه تنگستان

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
بنادر شیبکوه و تنگستان ۱۳۳

ناحیه دشتی

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
بنادر دشتی ۱۳۴

بنادر ثلاث و سیرف

- اوضاع اقتصادی و اجتماعی و
تاریخی ۱۳۵ ۱۳۹

موضوع	صفحه	موضوع	صفحه
جزیره هنگام		بندر عباس	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی ۱۷۱		اوضاع اقتصادی و اجتماعی ۱۴۰	
جزیره کیش		سیرجان	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
تاریخی ۱۷۲		تاریخی و تاریخچه آقاخان محلاتی ۱۴۵	
جزیره هرمز		کرمان	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
تاریخی و جنگ بین سپاهیان ایران		ابنیه باستانی ۱۴۷-۱۵۱	
و برتقاليها ۱۷۵		رفسنجان	
جزیره خارگ		اوضاع اقتصادی و اجتماعی ۱۵۲	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		یزد	
یادداشت ژنرال «اترام» انگلیسی ۱۸۰		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
جزایر خلیج فارس		ابنیه تاریخی ۱۵۲-۱۵۵	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		بندر میناب	
جغرافیائی ۱۸۴-۱۸۶		اوضاع اقتصادی و اجتماعی ۱۵۶	
خورموسی و بندر شاهپور		بندر جاسک	
اوضاع جغرافیائی و سیاسی ۱۸۷		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
اهواز		سیاسی و جنگهای بین انگلیسیها و	
اوضاع اقتصادی و اجتماعی و		برتقاليها ۱۵۹	
تاریخی ۱۷۹		بندر چابهار	
راه آهن ایران		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
تاریخچه تأسیس راه آهن و		سیاسی ۱۶۰	
خطوط فرعی آن ۱۹۴-۲۰۰		بهرین	
صید مروارید		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
چگونگی صید مروارید و اوضاع		سیاسی ۱۶۲-۱۶۹	
غواصی آنجا ۲۰۲		جزیره قشم	
خلیج فارس		اوضاع اقتصادی و اجتماعی و	
اوضاع سیاسی و تاریخچه نیروی		تاریخی ۱۷۰	
دریائی ایران ۲۰۶-۲۲۵			



اسمعیل نورزاده مؤلف کتاب

دیباچه

پس از آنکه کتاب « نظری بایران و خلیج فارس » تألیف نگارنده انتشار یافت و مورد توجه مردان صاحب‌دِل و صاحب نظر واقع گردید تشویق ارباب فضل و کمال مرا بر آن داشت که بنگارش کتابی جامع‌تر و کامل‌تر بنام (ایران کنونی و خلیج فارس) بپردازم .

این کتاب که بنظر خوانندگان گرامی میرسد حاوی یک‌رشته از مشاهدات آمیخته بمطالعات و تشبّعات و حاصل چندین سال زحمت و رنج و سفرهای طولانی نویسنده میباشد که طی سیاحت‌های اخیر خود از شهرهای عمده و از آثار تاریخی و اوضاع سیاسی و اقتصادی آنها یادداشت‌های دقیق کرده بامجملی از سوابق تاریخی و وضع جغرافیائی بهم میهنان محترم تقدیم مینماید و امیدوار است مطالعه آن از لحاظ معلومات سیاسی و جغرافیائی سودمند افتد زیرا مادام که ما از اوضاع بلاد میهن خویش بی‌خبر باشیم چگونه اندیشه و نقشه اصلاح آن شهرها را توانیم داشت امیدوار است این کتاب برای سیاحان و مسافران راهنمایی باشد و آرزو مندیم اهل فضل و دانش نواقص این اثر ناچیز را بدیده اغماض نگریسته و با اصلاح و تکمیل آن بربنده منت نهند و بمصدق من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق از الطاف و مساعدت ادیب لیبب آقای یوسف اخوت مدیر جریده خلیج ایران تشکر کنم . اسمعیل نورزاده بوشهری .

ایران کنونی و خلیج فارس

پس از بازگشت از عراق عرب با راه آهن بغداد بخانقین رهسپار ایران شدم. مسافت بین بغداد تا خانقین در حدود ۱۸۶ کیلومتر است. دهستانهای یعقوبیه - شهر بان - قزل رباط و قره خان در عرض این راه واقع شده است. لوکوموتیو غرش کنان قطار کوه پیکر را باخود میبرد و از دهستانها میگذشت تاریکی شب اطراف ما را فرا گرفته بود و روشنایی برق واگونهای قطار مسیر راه آهن را روشن مینمود در این هنگام بتاریکی و سیاهی دشت و هامون نظر انداخته و در این اندیشه فرو رفته بودم که چگونه نقاش روزگار با الوان سپید و سیاه نقش لیل و نهار را مینگارد و ستاره های درخشان سحری با انوار خود در آسمان سر بر آورده و طلیمه صبح را اعلان میدارد و سپیده دم نمایان شده سپس شفق از دریاچه افق طلوع خورشید را نوید میدهد و آفتاب جهانتاب با اشعه طلایش روی زمین رازرین مینماید در این ساعت قطار با سرعت از آبادیها میگذشت و با عبور آن منظره حیات مانند فیلم دواری از مد نظر رد میشد و سرعت زمان را که چه زود در گذر میباشد در خاطر مجسم میساخت. در این موقع در باره فواید راه آهن از نظر اهمیت بین المللی و همچنین از لحاظ سیاسی و اقتصادی آن فکر میکردم که پس از اختراع راه آهن سرعت فوق العاده در کلیه ممالک راقیه بسط و توسعه یافته و هر کشوری بنا باستعداد خود از آن بهره مند شده بطوریکه در مدت یک قرن از تاریخ اختراع آن در حدود یک میلیون و پانصد هزار کیلومتر راه آهن در جهان دایر گردیده و کمک بزرگ و موثری بتقویت بنیه اقتصادی و احیای صنایع نمود و در زندگانی بشر انقلابی تولید کرد

و نیز بیاد می‌آوردم که چگونه «لرد گرزن» سیاستمدار انگلیسی معروف موفق گردید که نقشه راه آهن گویته سند و نوشکی را تا میرجاوه و زاهدان عملی کند و در نظر داشت که آنرا از راه بلوچستان از طریق ~~کرانه~~ جنوب خلیج فارس تا کویت و بصره امتداد دهد و نیز تصمیم باعالی در سال ۱۸۹۹ میلادی در دادن امتیاز ساختن راه آهن بآلمان از آناتولی بغداد که ضمناً انگلیسی‌ها حاضر شدند که آلمان‌ها در آسیای صغیر تقسیمت شمال بغداد آزادی عمل داشته باشند بشرطی که نظیر این امتیاز را خود در ناحیه جنوب بین‌النهرین دارا باشند.

در قرارداد ۱۹۱۳ میلادی با ترکیه دولت انگلیس موفق گردید که اوضاع سیاسی خود را در خلیج فارس و نیز برسمیت شناختن پیمان‌های بین آندولت را با شیوخ کویت و بحرین پابرجا نماید و انتهای نقطه راه آهن بغداد بیابین بدون رضایت دولت انگلیس امتداد نیابد و توسعه بندر بصره بدست آن دولت سپرده شود که بتواند سدی پولادین در جلو پیشروی‌های آلمان و روسیه برای ممانعت از رسیدن بدریای آزاد کشیده باشد. نماینده سیاسی انگلیس در بغداد طرح کاملی برای بسط موقعیت خود در بین‌النهرین تهیه نمود و نقشه آبیاری زمین‌های حاصلخیز آنجا را بوسیله سرو ویلیام «ویلکوک» ریخت و بوسیله شرکت انگلیسی اجرا گردید و نیز قرارداد کشتی رانی در رودخانه دجله بنام شرکت «نیتوس گریس نمرود» و بعداً شرکت کشتی رانی برادرای «لنج» مهمترین وسیله افزایش نفوذ انگلیسها در بین‌النهرین بود بعلاوه سهم مهمی از معادن نفت کرکوک بعد از انحصار انگلیسها گردید «لرد سالیس بوری» نخست وزیر فقید معروف انگلیسی میگوید «هر هیئت وزیرانی که بر سر کار باشند هرگز نباید اجازه بدهند

که نفوذ دولت دیگر در بین النهرین برقرار گردد و منافع سیاسی ما نباید در خلیج فارس محدود باشد بلکه تا بغداد میبایست توسعه یابد. • یکی دیگر از رجال سیاسی میگوید که « موقعیت بغداد و بصره نظیر بنادر خلیج فارس میباشد و میبایست جزء منطقه‌هائی قرار گیرد که نفوذ ما در آنجا غیر قابل مقاومت باشد بنا براین هر تغییری در وضعیت بین النهرین پیدا شود مانند تحولاتی در خلیج فارس خواهد بود و نفوذ سایر دول در بغداد بهمان اندازه که نفوذ آن در جنوب ایران باشد ناگوار میباشد » -

در نتیجه ورود ترکیه در جنگ بین الملل اول و عملیات ترک‌ها در تجهیزات و تمرکز قوای در بغداد و بصره اولیاء مقامات نظامی و سیاسی انگلیس در صدد برآمدند که عملیات فوری نموده و عده نیرو با آبادان بفرستند که در ظاهر برای حفظ و حراست مؤسسات نفت آنجا باشد اداره امور سیاسی هندوستان در نامه خود بنایب السلطنه هند پس از صدور حکم اعزام قشون مینویسد « از جمله منظور مختلفی که برای بدست آوردن آنها اکنون سپاهی بخلیج فارس فرستاده میشود تأثیر روحی که در رؤسای عرب مقیم سواحل خلیج فارس پیدا میشود در درجه اول قرار میگیرد و حمایت مؤسسات و پالشگاه نفت آبادان در درجه دوم است حکومت هندوستان عقیده دارد که ارزش نفت آنجا آنقدر هائینست که بالنتیجه باعث اعزام قشون بخاک ایران بشود » سرلشکر « بارون » در پاسخ این نامه جواب میدهد « که در صورت حدوث جنگ با ترکیه منافع امپراطوری انگلیس در بین النهرین از بین میرود و مشایخ خرمشهر و بندر کویت (مقصود شیخ خزعل و شیخ مبارک بن صباح است) که متحدین ما هستند تحت تهدید قرار گرفته ممکن است از طرف ترکیه مورد حمله واقع شوند و در نتیجه تمام زحمات

و کوشش ما در این مدت چند سال بهدر خواهد رفت و نیز موقعیت ما در خلیج فارس متزلزل خواهد شد »

اعزام قشون انگلیس بین النهرین نه تنها مخاطرات را از بین برد بلکه آنها را بحفظ موقعیت سیاسی و نظامی خود در خلیج فارس قادر ساخت باین طریق از تمام خطرهای احتمالی مخصوصاً از مخالفت اعراب جلوگیری نمود و پایه محکمی برای تأمین دفاع هندوستان و حفظ راه های سوق-الجیشی استوار کرد و دست ترکیه از بغداد و شامات قطع شد و اشغال نظامی موجب گردید که هرگاه در مدیترانه اختلافی بین دول اروپا خاصه ایتالیا ظهور نماید از راه خلیج فارس و بین النهرین تمام حرکات استراتژی را بدون خطر میتواند انجام بدهد و راه ارتباط نظامی کاملاً محفوظ گردید و نیز از گشودن راه عبور سایر دول در خلیج فارس و دریای هند جلوگیری شد و بنام اجرای وظیفه حفظ هندوستان اقتدار خود را در خلیج فارس تأمین نمود .

خانقین

بامداد روز جمعه وارد خانقین شدم هوای این شهر بسیار گرم و پراز گرد و خاک بود و کوچه های آنجا کشیف بنظر میرسید و مردمش بیشتر از نژاد کرد هستند اولین ساختمانی که جلب نظر میکرد بنای شرکت نفت ایران و انگلیس بود و پالشگاه نفت خانه در چند کیلومتری خانقین واقع شده و نفت این محل آنقدر نیست که بخارج فرستاده شود ولی تاحدی احتیاجات آنجا را تأمین میکند امتیاز معدن نفت خانه و قسمت جنوبی آن جزء همان امتیاز معروف داریسی است که اکنون در دست شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد .

داری نیوزاندی در سال ۱۹۰۱ میلادی در دوره مظفرالدین شاه
 امتیاز نفت و موم معدنی برای مدت شصت سال در تمام نقاط ایران باستثناء
 چهار استان شمال گیلان - مازندران - خراسان و آذربایجان بدست آورد
 و شروط عمده قرارداد یکی پس از شروع به بهره برداری صدی ۱۶
 از عایدات خالص بدولت ایران بدهد و دیگر پس از مدت شصت سال تمام
 ابنیه و ساختمانها و ماشین آلات و غیره را بدولت ایران واگذار نماید و نیز
 هرگاه اختلافی بین صاحب امتیاز و دولت ایران پیدا شود طرفین در تهران
 بحکمیت نمایندگان خود حل و تصفیه نمایند - داری بعنوان حق الامتیاز
 مبلغ بیست هزار لیره نقد و بیست هزار لیره سهام بدولت ایران پرداخت
 نمود و با سرمایه ششصد هزار لیره بنام شرکت استخراج اولیه در نقاط
 چاه سرح در ناحیه غرب و در دهاوران و دلیپری در پشت کوه مشغول کار
 گردید ولی موفقیتی در آن نقاط بدست نیاورد و چون سرمایه شرکت
 نامبرده بمصرف رسید با کمک مالی شرکت برمه اوایل کمپانی در سال ۱۹۰۷
 میلادی در میدان نفتون « مسجد سلیمان » مشغول حفاریات شد و برای
 تسهیل کار خود شرکتی دیگر بنام بختیاری اوایل کمپانی با سرمایه چهارصد
 هزار لیره تأسیس نمود پس از موفقیت در تحصیل نفت در این محل ناگهان
 داری بدون مراجعه بدولت ایران حق امتیاز خود را بشرکت نفت ایران
 و انگلیس فروخت و از ایران رفت و شرکت نامبرده در مسجد سلیمان
 مشغول حفاری چاه نفت گردید پیش از جنگ بین الملل اول دولت انگلیس
 برای تأمین نیازمندی سوخت کشتیهای خود قراردادی با شرکت نفت
 منعقد ساخت و صدی ۵۰ سهام شرکت نفت بدولت انگلیس تعلق یافت که
 بالغ بر دو میلیون و دویست هزار لیره بوده و بعد مقداری سهام دیگر نیز

از خوانین بختیاری خریداری کرد و از آن پس معدن نفت مسجد سلیمان زیر نظر دولت انگلیس قرار گرفت - علاوه از معدن نفت سرشار مسجد سلیمان بعداً شرکت نفت در نقاط گچ ساران - هفت گل - آقا جری - و در ناحیه سومار قرب طبروق نزدیک قصر شیرین - عملیات حفاری برای استخراج نفت مشغول شد و اکنون نفت خام در آن نقاط بدست آمده از گچ ساران و آقاجری و هفت گل لوله کشی بتصفیه خانه در آبادان شده از گچ ساران يك لوله از آقاجری دو لوله و از هفت گل سه لوله مقادیر زیادی نفت خام در آب پالشگاه تصفیه میگردد و در نظر است که بعداً مرکز تصفیه خانه را در بندر معشور نزدیک خور موسی ساخته شود از ناحیه آقاجری به بندر معشور شصت کیلومتر مسافت است و عمق دریا بحدی است که کشتی میتواند در آنجا لنگر انداخته و نفت حمل نماید بعلاوه در ناحیه لالی نزدیک شوشتر در ناحیه بختیاری و نیز در چشمه سفید معدن نفت کشف شده و مشغول عملیات حفاری میباشد .

در مسجد سلیمان چندین چاه نفت وجود دارد که برخی هنوز دست نخورده است و مشهورترین چاه نفت که اکنون مورد استفاده است چاه ف نمره ۷ که سرشارترین نفت را دارا میباشد .

از مسجد سلیمان نفت خام بوسیله چند رشته لوله های بزرگ به پالشگاه آبادان برای تصفیه وارد میشود و در مخازن آهنین در آنجا نگاه میدارند اخیراً در خسروآباد نزدیک آبادان نیز بندری برای صادرات نفت بنا گردیده که دارای چند مخزن و چند سده (اسکله) جهت کشتیهای نفت کش تهیه شده است . عقیده پروفیسور « بوخ » اطریشی که از مهندسين عالی رتبه طبقات الارضی بود اینست که معدن نفت مسجد سلیمان در حدود

پنجهزار پانصبت بمعادن نفت شمال ایران پائین تر قرار گرفته ورشته هائی از چشمه های نفت شمال بطرف جنوب جاراست .

درعهد رضا شاه پهلوی شرکت نفت انگلیس و ایران چند سال حق الامتیاز بدولت ایران نمیداد و علت مسامحه شرکت نامبرده از عدم پرداخت این بود که بهانه بدست دولت ایران برای لغو قرارداد داری داده باشد که با شرایط جدید و بهتری مخصوصاً تمديد مدت امتیاز و الغاء حکمیت در ایران که در قرارداد داری مقرر شده بود منعقد نماید (در قرارداد جدید هر گاه اختلافی بین دولت ایران و شرکت نفت پیدا شود میبایست بحکمیت مجمع بین الملل احاله گردد) مدت قرارداد داری در سال ۱۹۶۱ میلادی خاتمه مییافت ولی در قرارداد جدید تا سال ۱۹۹۳ میلادی تمديد یافت بعد از جار و جنجال زیادی که جراید انگلیسی براه انداختند و مشاجرات قلمی و -نگهای زرگری آنها عاقبت در خرداد ماه ۱۳۱۲ خورشیدی قرارداد جدید منعقد گردید که طبق مواذیر بامضاء طرفین رسید .

۱- حقوق شرکت نفت در امور کشفیات و استخراج و تصفیه نفت و لوله کشی در این قرارداد تعیین شده -

۲- شرکت نفت باید تا سال ۱۹۳۸ میلادی اراضی مورد اکتشاف را که در حدود یکصد هزار میل مربع است مورد استفاده قرار دهد :

۳- زمین های دیگر که مورد احتیاج شرکت نفت واقع شود هر گاه لم یزرع باشد مجاناً بشرکت واگذار میشود و اگر زمین مزروعی باشد شرکت بهای آنرا بنرخ عادلّه پرداخت مینماید .

۴- احداث راه آهن - خطوط هوایی - بیسیم و تلگراف و تلفن باید باموافقت دولت ایران انجام گیرد .

۵- واردات شرکت نفت در ایران با استثنای اشیائی که برای کارمندان وارد میشود از پرداخت حقوق گمرکی و عوارض و مالیات معاف باشد.

۶- تمام مواد نفتی که از ایران خارج میشود از هر گونه مالیات و حقوق گمرکی و عوارض بخشوده خواهد بود.

۷- دولت ایران از شرکت نفت و کارمندان آن حمایت قانونی نموده و تسهیلات لازمه فراهم خواهد ساخت.

۸- شرکت نفت ملزم نیست بهای صادرات نفت را بیول رایج ایران تبدیل نماید.

۹- شرکت نفت بلافاصله شروع با استخراج نفت در کرمانشاه نموده و تصفیه نفت را در همان محل انجام بدهد.

۱۰- حق امتیاز که بدولت ایران پرداخت خواهد شد شامل دو رقم خواهد بود در اول سال ۱۹۳۳ میلادی تا آخر مدت قرارداد برای هر تن نفت که از ایران صادر میشود و یا در داخل کشور بمصرف میرسد چهار شلینگ بدولت ایران پرداخت نماید و نیز از مجموع سود سهام که بین صاحبان سهام توزیع میگردد میبایست بیست درصد بدولت ایران تعلق گیرد و حد اقل مبلغی که شرکت نفت باید بپردازد نباید از مبلغ ۷۵۰,۰۰۰ لیره کمتر باشد.

۱۱- شرکت نفت از پرداخت هر گونه مالیات بر درآمد معاف است ولی شرکت نامبرده تعهد مینماید در ۱۵ ساله اول ۲۲۵ هزار لیره و در ۱۵ سال دوم هر سال ۳۰۰ هزار لیره برای این منظور بپردازد.

- ۱۲- دولت ایران حق دارد که هرگاه لازم بداند در امور فنی شرکت نفت بررسی بنماید (متأسفانه تاکنون انجام نشده)
- ۱۳- شرکت نفت تعهد مینماید که هر ساله مبلغ دوهزار لییره برای هزینه نماینده ایران در لندن پرداخت کند.
- ۱۴- شرکت نامبرده قبول مینماید که کارکنان فنی ایرانی را در کارها بگمارد و آنها را تربیت کند.
- ۱۵- نسبت به بهداشت کارگران طبق اصول جدید که در ایران معمول است بموقع اجرا بگذارد.
- ۱۶- هر زمان سهام جدیدی از طرف شرکت نفت بمعرض فروش برسد در ایران نیز فروخته شود.
- ۱۷- بهای نفت که در ایران بفروش میرسد پایه قیمت مواد نفتی در کشورهای رومانی و مکزیک میباشد و شرکت نفت حق داده شده که هزینه حمل و نقل همچنین اگر مالیات و عوارضی را دولت ایران وضع نماید بقیمت مواد نفتی بیفزاید.
- ۱۸- پس از خاتمه قرارداد تمام دارایی شرکت نفت در ایران مانند اراضی - ابنیه - کارخانها - چاه های نفتی - سده و اسکله ها - راه ها - و لوله ها - بدولت ایران واگذار میگردد.
- ۱۹- اجرای این قرارداد با حسن نیت طرفین انجام میشود.
- ۲۰- این قرارداد از طرف دولت ایران لغو نمیشود و تغییرات در متن و مواد آن بوسیله آئین نامه ها داده نخواهد شد.
- ۲۱- حق الغای این قرارداد با شرکت نفت ایران و انگلیس خواهد بود.
- ۲۲- طرز تعیین حکم و صدور رأی حکمیت در صورت بروز

اختلاف بین طرفین باجمعه بین الملل خواهد بود.

- ۲۳- درمقابل ادعای دولت ایران بابت سالهای گذشته تا آخر سال ۱۹۳۰ میلادی يك ملیون لیره ازطرف شرکت نفت پرداخت خواهدشد
- ۲۴- حق امتیاز دولت ایران بابت سالهای ۱۹۳۱ و ۱۹۳۲ میلادی طبق این قرارداد جدید تادیه خواهدگردید.
- ۲۵- اعتبار قرارداد های جزء که مربوط بقرار داد داری بود در این قرارداد تعیین و برقرار میشود.

۲۶- تا قبل از تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۹۳ میلادی این امتیاز خانه پیدا نمیکند مگر آنکه شرکت نفت آنرا لغو نماید یا اینکه محکمه حکمیت در اثر ارتکاب تخلفی نسبت به اجرای مقررات ابطال آنرا اعلام نماید باین معنی که هرگاه مبلغی که بر حسب رأی محکمه باید بدولت ایران پرداخت شود تا مدت یکماه بعد از تاریخ صدور رأی محکمه پرداخت نگردد یا اینکه محکمه تصمیم بر انحلال اختیاری یا اجباری شرکت نفت بگیرد.

این قرارداد بعد از تصویب مجلس شورای ملی ایران و صحه پادشاه بموقع اجرا گذارده میشود و دولت ایران تعهد مینماید که این قرارداد را به تصویب مجلس شورای ملی ایران برساند.

شرکت نفت ایران و انگلیس سالیانه در حدود ۱۴ ملیون تن نفت خام از مسجد سلیمان و سایر نقاط دیگر بدست می آورد بعلاوه سهام زیادی در معادن نفت عراق و بندر کویت و نقاط دیگر دارا میباشد - از اول بنای تأسیس شرکت نفت انگلیس و ایران از معادن نفت مسجد سلیمان و ناحیه هفت گل تا سال ۱۹۴۴ میلادی مقدار ۱۷۰،۰۰۰،۰۰۰ تن نفت خام بدست آورده و در معدن گچ ساران در حدود دو ملیون تن نفت خام

استخراج شده نیز در ناحیه آقاچری نزدیک بهبهان همین مقدار محصول نفت در سال داشته است و دستگاههاییکه میزان محصول نفت را به چهار میلیون تن بالا ببرد نصب و برقرار گردیده - شرکت نامبرده برای افزودن محصول بنزین سوخت هواپیمائی مساعی زیادی بکار برده و در جنگ بین الملل دوم مقدار ۱۴۲۵۰۰۰۰ تن بنزین سوخت طیاره در سال اضافه بر میزان سالهای پیش از جنگ بدست آورده و درجه حرارت نیروی بنزین هواپیمائی به ۷۵ اکتان رسانید که کمک شایانی در جنگ دوم نموده است. ایستگاه مخزنهای نفت که هریک در حدود یک میلیون گالن ظرفیت آنهاست و نیز ایستگاه تجدید فشار جریان نفت را در نقاط درخزین و هالائانی و کوت عبدالله و دارخوین احداث گردیده و پنج رشته اولیه های نفت که از مسجد سلیمان کشیده شده در قریه مارد بسایر اولیه های دیگر متصل شده و از رودخانه بهمن شیر عبور نموده برای تصفیه به ایستگاه آبادان وارد میگردد و هر روز چند کشتی نفت کش نفت بارگیری کرده و بخارجه میبرند وعده کارگران بالغ بر ۲۹۰۰۰ نفر ایرانی و هندی و عرب میباشند شرکت نفت انگلیس و ایران پیش از جنگ عمومی دوم دارای ۹۳ کشتی نفت کش اقیانوس پیما بوده که ظرفیت آنها بالغ بر ۹۸۰۰۰۰ تن بود از این تعداد کشتیها ۴۴ آنها در جنگ گذشته غرق یا خسارت دیده اکنون باز ۶۹ کشتی مشغول نفت کشی میباشد و در صدد است بر تعداد آنها اضافه نماید. با در نظر گرفتن اهمیت نفت در زندگانی بشر و کم شدن این ماده حیاتی در جهان معادن نفت ایران از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی در آتیه سرلوحه سیاست کشورهای ذینفع خواهد بود.

پس از دیدن تصفیه خانه نفت خاتقین ظهر روز جمعه از این شهر

حرکت کرده بسرحد ایران و عراق در نقطه موسوم بکوچل کوچل رسیدیم در این محل برج و قلعه کوچکی روی تپه قرار دارد و مأمورین مرزی عراق در آنجا نگهبانی میکنند از این محل گذشته وارد خسروی شدم در اینجا اداره گمرک سرحدی و پست امنیه ایران واقع شده ابنیه و انبارهای گمرک همه خراب و تعمیر زیاد لازم دارد و اکثر مال التجاره و کالا در حیاط گمرک ریخته شده بود که باعث خسارت صاحبان آنهاست از مرز عراق تا قصر شیرین در حدود ۳۶ کیلومتر است در اینجا در ناحیه سومار نزدیک قصبه طبروق معدن نفت وجود دارد که بوسیله لوله تا کرمانشاه کشیده شده قصر شیرین در دامنه کوه بنا گردیده و آثار قلعه ویرانه معروف بقلعه داریوش در آنجا دیده شد و رودخانه کوچکی نزدیک شهر نامبرده میگذرد که مزارع آنجا را مشروب میسازد محصول آنجا گندم و جو است و هوایش بسیار گرم در گمرک همه قسم کالا و مال التجاره بطور ترنیزت از راه عراق وارد ایران میشود از قصر شیرین تا کرمانشاه در حدود ۱۷۷ کیلومتر مسافت است و دهستانهای بین راه عبارت است از پل ذهاب - سرپل - کرند - حسن آباد - شاه آباد و ماهی دشت و محصول آنجا گندم و جو و خشکبار است اطراف جاده و دهستانها همه سبز و خرم بود خاصه در قصبه ماهی دشت که منظره با صفائی داشت این نقاط محل قشلاق عشایر کلهر و سنجابی است .

در پل ذهاب نقش یکی از پادشاهان اشکانی دیده شد که بر اسب سوار است و یکی از رعایا دسته گلی را بیادشاه تقدیم میکند و نیز در سرپل يك دخمه بنظر رسید که موسوم بدکان داود است در آنجا نقشی درسنگ کنده شده و تصویر مردی را در لباس های قدیم نشان میدهد

در فصل زمستان قسمت بیشتر این جاده مستور از برف و عبور مسافران دشوار است در راه چند برج و باروی مخروبه دیده شد که میگویند هرگز دزدها و راهزنهاى عشایر باجیلانی بوده که خود را تابع دولت عراق میدانند در گردنه پاتاق که اکنون طاق ویرانه است لوح سنگی بنظر رسید که بر آن نوشته بود « فوج پنجانی نمره ۲۸۹ سال ۱۹۲۰ و تاج سلطنتی انگلیس » در سمت بالای آن نقر شده بود گویا در جنگ بین الملل اول که زدو خورد هائی بین روسها و سپاهیان ترك و ژاندارمری ایران در این ناحیه واقع شده بود که بعداً منجر بقشون کشی انگلیسها از بغداد بسر داری ژنرال « دنسترویل » شده و از این راه گذشته آنرا نوشته اند ژنرال نامبرده در فصل اول کتابش زیر عنوان « دروازه های بی پاسبان » مینویسد یکی از مسائل عمده نقشه سیادت جهانگیری آلمان قبل از ناپره جنگ عمومی این بود که آسیای صغیر را بتصرف در آورد و با ایجاد راه آهن بغداد در اعماق آسیا نفوذ پیدا کند هنگامیکه آسیا تحت اشغال قوای انگلیس در آمد و احتمال استرداد آن از طرف ترکیه از بین رفت آلمانها ناگزیر شدند که خط سیر خود را بطرف مرکز آسیا تغییر دهند و نقشه جدید آنها با مساعدت ترکها استیلا بر ممالک ماوراء قفقاز و باد کوبه و بحر خزر بود بعلاوه انقلاب روسیه و ظهور بولشویکها برای پیشرفت و نفوذ قوای آلمان و ترکیه راه شمال را برای آنها مفتوح ساخت.

افتخار این مأموریت نصیب من گردید و بادسته قوایی در دسامبر ۱۹۱۸ میلادی از بغداد بطرف ایران و قفقاز حرکت نمودیم و بمحض ورود بمحل مأموریت خود فوراً قشونی از قفقازی و گرجی و ارمنه تشکیل داده و فروتنی در مقابل پیشرفت قوای خصم ایجاد شد و با آنکه دولت ایران اعلان بیطرفی داده بود معذالک اراضی آن از همان ابتدای جنگ عمومی

مبدل بعرضه کشمکش و جدال بین قوای ترك و روسیه گردیده بود و در تمام نواحی بین قزوین و کرمانشاه شروع بزدو خورد شده بود و اکثر دهات و قصبات بین راه خراب و ویرانه و مردمش با حال پریشانی بسایر نقاط دیگر فرار کرده بودند این وضعیت تا موقعی ادامه داشت که ما بغداد را بتصرف در آوردیم و کفه ترازوی روسها بدون تزلزل سنگین تر شد و در سایه موفقیت و پیشرفت ما روسها توانستند کلیه خطوط و راه ارتباط سرحدی بین النهرین و ایران را بطرف شمال و بحر خزر تحت نظر بگیرند ولی بعد از عملیات بولشویک ها وقتی که قوای روسیه شروع بتخلیه نواحی ایران نمودند معلوم شد که در جناح راست قوای انگلیس در فرونت مرزی عراق شکافی بمسافت ۴۵۰ میل مربع باز شده بود که از بین این شکاف قوای آلمان و ترك بدون مانع میتوانند آسیای مرکزی را احاطه و محاصره نمایند و ممکن بود این شکاف را از نفرات داوطلب قشون روس که مشغول عقب نشینی از خاک ایران بودند با پرداخت حقوق گزاف که میبایست بدهیم گرفته شود ولی کمیته های انقلابی بولشویک حکم اعدام هر کسی را که باسم داوطلب برای خدمت ما حاضر بشود صادر نمودند که ما ناچار شدیم از این اقدام صرف نظر نماییم و با قوای نسبتاً کم خودمان تا چندی از این شکاف جلوگیری کنیم و عاقبت در نتیجه پیشرفت بولشویک ها از قفقاز و ایران مجبور بعقب نشینی شدیم .

پس از طی مسافت ۳۱۲ کیلومتر از خانقین وارد کرمانشاه شدم راه کوهستانی و نشیب و فراز زیاد دارد .

کرمانشاه

بنای کرمانشاه را بهرام چهارم پادشاه ساسانی نسبت میدهند این

شهر بواسطه فراوانی آب و اشجار زیاد خوش آب و هوا میباشد و دارای چهار خیابان وسیع است نهر سراب بوسیله چند رشته وارد شهر میگردد و بمصرف آب مشروب اهالی کرمانشاه میرسد خانه های يك یا دو اشکوبه و باغات اطراف شهر بر منظره کرمانشاه افزوده است ولی اکثر کوچه ها کثیف و آبادی آنجا نسبت به چند سال پیش تفاوتی نکرده است جمعیت کرمانشاه را در حدود ۹۶۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش از نژاد کله‌هر و سنجابی میباشد و در عین حال خوش اخلاق و مهمان نواز هستند و اوضاع این شهر از لحاظ بهداشت خوب نیست و اکثر مردمش بیکار و بسختی امر از معاش مینمایند. رودخانه های گاماساب و قره‌سو از نزدیک کرمانشاه میگذرد و بعضی مزارع اطراف آنجا را مشروب میسازد محصول اطراف کرمانشاه عبارت است از غله - حبوبات و صادرات این شهر گندم - حبوبات - روغن - تریاک - کتیرا و پشم است که مقدار زیادی برای بافتن قالی به اراک میبرند.

تجارت و داد و ستد آنجا اکثر در دست بازرگانان یهود بغدادیست و کالا و مال التجاره از راه بغداد وارد میگردد.

نفت شاه از ناحیه سومار در حوالی طبروق در چند کیلومتری قصر شیرین بوسیله لوله بمسافت ۲۶۰ کیلومتر بکرمانشاه کشیده شده و پالشگاه (تصفیه‌خانه) در کنار رودخانه قره‌سو در ۶ کیلومتری این شهر ساخته شده و پس از تصفیه نفت آن در داخل کشور بمصرف میرسد.

طاق بستان در ۷ کیلومتری کرمانشاه واقع شده که در عهد قدیم یکی از باغهای پادشاهان ساسانی بوده در دامنه کوهها نقوش زیادی بنظر میرسد از جمله نقش دو نفر است که روی بدن شخصی ایستاده و یکی از آنها

دسته گلی بدیگری میدهد و نیز نقش نفر دیگری است که عصائی در دست خود دارد و نقش خسرو پرویز است که در کشتی نشسته و در جای دیگر در شکارگاه مشغول صید میباشد و در محلی دیگر او بایکی از سرداران خود ایستاده و در جای دیگر با یکی از سران لشکر خود و ملکه اناهیده مشاهده میگرد و در نقش دیگر آن پادشاه سوار بر اسب و تیر و کمان و سپر در دست دارد ولی قسمتی از چهره او و یک سمت صورت اسب از بین رفته است.

خسرو پرویز در طاق بستان کاخ مجللی را بنا کرد بود که عربها آنرا بساط شهیز مینامیدند در این محل نیز نقش شاپور اول بنظر میرسد که روی بدن شخصی ایستاده و تصویر « والرین » امپراتور روم که تاج خود را بشاپور میدهد و یکمقر پشت سر « والرین » ایستاده است. یاقوت در معجم البدان مینویسد که خسرو پرویز تختگاهی که در کاخ طاق بستان ساخته بود صد ذرع طول و صد ذرع عرض داشته و در آنجا جلوس مینمود و نمایندگان پادشاهان را در آنجا بار میداده و در سال ۱۲۲۰ میلادی طاق بستان بدست لشکریان مغول خراب و ویران شد و شهر کرمانشاه بتاراج رفت ولی در دوره صفویه این شهر مجدداً آباد گردید و در آنجا در مقابل حمله ترکها استحکاماتی ساخته شد.

در جنگهای بین ایران و عثمانی کرمانشاه چند نوبت دست بدست گردید و در سال ۱۶۳۹ میلادی طبق پیمان ذهاب مجدداً بایران داده شد و در سال ۱۷۲۳ میلادی پس از ضعف صفویه و تسلط افغانها مجدداً قشون ترك بسرداری حسن پاشا والی بغداد کرمانشاه را تصرف نمودند و سردار نامبرده در نظر داشت که همدان را نیز اشغال نماید ولی عمر او وفا ننمود و بعد از زندی احمد پاشا در سال دیگر آنجا را متصرف شد - در سال ۱۷۲۷

میلادی افغان‌ها بکرمانشاه هجوم آوردند ولی نادر شاه آنها را منکسوب و مغلوب نمود و قهرمان ایران بایکصد هزار قشون بطرف بغداد پیشروی کرد ولی پس از مرگ او باز کرمانشاه در معرض هرج و مرج واقع شد.

در دوره فتحعلی شاه باز ترک‌ها این شهر را تهدید کردند او نیز فرزند خود محمدعلی میرزا را بآنجا روانه نمود و دستور داد در اطراف شهر برج و بارو و استحکاماتی ساختند و محافظت آن حدود را بعهدہ گرفت و ترک‌ها را عقب نشانید و در زمان ناصرالدین شاه کرمانشاه باز دچار هرج و مرج گردید و دیگر عمران و آبادی بخود ندید. در طاق بستان علاوه بر آثار باستانی یک بنای دو اشکوبه محمدعلی میرزا دولت شاهی ساخته و آبی از کوه جاری و از زیر این بنا میگذرد و در حوض میرزد نیز نقش او در آنجا ترسیم شده که روی صندلی نشسته و شخصی در عقب سر و دو نفر دیگر در جلو او ایستاده اند. میگویند بنای طاق بستان به امر شاپور سوم بوده است.

در جنگ بین الملل اول سپاهیان ترک کرمانشاه را اشغال کردند ولی فتح کوت العماره و بغداد بدست انگلیس‌ها ترک‌ها را مجبور بتخلیه آنجا نمود.

بقرازی که در محل شنیدم علت اینکه شهر کرمانشاه در عهد پهلوی نسبت بسایر شهرهای ایران از لحاظ آبادانی ترقی محسوسی ننموده است این بوده که رضاشاه میخواست تدریجاً قصبه شاه آباد غرب را که ملک شخصی وی بود مرکز آنولایت سازد بنا بر این هر گونه وسایل عمرانی و عمارات زیاده در آن نقطه کوچک بوجود میآورد اما در کرمانشاه غیر از عمارت مخصوص آرتش بنائی نساختند.

در کوه بیستون چند کیلومتری کرمانشاه نیز نقوش و تصاویر قدیم دیده شد از جمله نقش داریوش بزرگ است که پشت سر او دو نفر ایستاده

وزیر پای او شخصی بزمین افتاده و جلو آن پادشاه نه نفر اسیر گشته دست آنها از عقب بیکدیگر بسته شده ایستاده اند و در بالای سردار یوش نقش اهورا مزدا و تصاویر فرشته ها بنظر رسید و چند سطر بخط میخی در سنك نقر شده در آنجا داریوش نام خود و نیاکان خویش را نوشته گویا این نقوش در سال ششم پادشاهی او در این محل ترسیم شده است از دیدن این نقوش بیاد عظمت و اقتدار ایران باستان و مقایسه با اوضاع اسف آور کنونی افتاده افسرده شدم - بین راه دهستان های صحنه - کنگاور - نهانند و چند قراء دیگر واقع شده که همه سبز و خرم و با صفا بود در نزدیک صحنه دخمه بنظر رسید که در آنجا نقش فروهر در سنك کنده شده و لوحه بخط میخی بود که از آثار دولت ماد می باشد - راه شوسه که خط سیر ماست در جنك بین الملل اول ابتدا روس ها و بعد انگلیسی ها آنرا ساخته و تعمیر کرده اند و جاده صاف و همواری است در فصل زمستان بواسطه برف و کولاك صعب العبور و بعضی اوقات خطرناك است خاصه در گردنه اسدآباد ارتفاع کوه آب در حدود ۷۶۰۰ پاست و سخت ترین معبری است که بین کمره انشاه و همدان واقع شده در قصبه اسدآباد آب فراوان و درخت های زیاد وجود دارد محصول آنجا غله - حبوبات - تریاك و میوه است مردمش اکثر کشاورز اند.

اسدآباد مسقط الرأس مرحوم سید جمال الدین معروف است که یکی از شخصیت های برجسته و نابغه بزرگ بود.

تاریخ زندگانی این سید جلیل را مورخین خارجه خاصه پروفیسور «آرنست رنان» فرانسوی و پروفیسور «ادوارد برون» انگلیسی نوشته اند پدرش سید صفدر ابن سیدعلی بن میررضی الدین محمد الحسینی مشهور بشیخ الاسلام بود محل تولد او در اسدآباد همدان در کوی سیدان در سال

۱۲۴۵ هجری قمری بوده انتشار جریده عروۃ الوثقی که سید در پاریس منتشر نمود کلمه افغانی بر خود نهاد و نیز کتاب الافغان فی تاریخ افغانستان باعث شد که در اروپا و آسیا اورا افغانی نامیدند اگرچه در موقعی که امیر عنایت الله خان افغانی به اسد آباد رفته بود و راجع بایرانی یا افغانی بودن سید پرسیده و بدلیل و برهان و مدارك کتبی ثابت گردید که سید جمال الدین ایرانی بوده او مدت چند سال در نجف در حوضه مرحوم شیخ مرتضی مشغول علوم دینی بود و در سال ۱۲۷۰ قمری از عراق عرب به هندوستان رفت و با مرحوم سرسید احمد خان قاید بزرگ اسلامی هند و مؤسس کالج مدرسه العلوم علیگنده ملاقات و مباحثات نمود و از آنجا به حیدرآباد دکن مسافرت کرد سپس به حج بیت الله مشرف گردید و بعد بعراق عرب مراجعت نمود و پس از چندی بخراسان و بعد بافغانستان رفت و امیر دوست محمد خان مقدم او را گرامی داشت و از آنجا به هندوستان و سپس به مصر رفت و چند ماه در آنجا توقف نمود و در سال ۱۲۸۰ قمری باسلامبول مسافرت کرد و از طرف عالی پاشا صدر اعظم ترکیه و فواد پاشا مورد احترام واقع گردید در سال ۱۲۸۷ قمری مجدداً بمصر رفت و مدت ده سال در آنجا توقف نمود و در جامع الازهر مشغول تعلیم و تدریس فلسفه ابن سینا بود و انجمن حزب الوطنی تأسیس کرد و جریده ضیاء الخافقین را منتشر ساخت و اشخاصی مانند شیخ امام محمد عبده مفتی قاهره و محمد احمد متمهدی سودانی و اعرابی پاشا و سعد ذغالول پاشا و سایر رجال نامی مصری فریفته معلومات و نگارشات او شدند.

در سال ۱۲۹۹ قمری پیش از قشون کشی انگلیس ها بمصر حکومت هندوستان سید را بکلکته خواسته و در آنجا اورا تحت نظر قرار داد تا غایله مصر خاتمه یافت و در سال ۱۳۰۰ قمری بانگلستان مسافرت نمود و از آنجا

پاریس رفت در لندن « ویلفرد بلنت » سیاستمدار معروف انگلیسی او را بگرمی پذیرفت و در ایام قیام متممهدی سودانی در سودان که افکار انگلیس ها را بخود مشغول کرده بود رجال انگلیس مایل بودند که سید را واسطه صالح قرار دهند حتی « لرد کالدستون » نخست وزیر انگلیس باین امر راضی بود ولی وزیر خارجه انگلیس که از افکار سید نسبت به دولت خود باخبر بود مانع از این اقدام شد.

« ویلفرد بلنت » وزیر هندوستان در صدد بود که در میان مال اسلام اتحادی برقرار نماید که باز وزیر خارجه انگلیس مانع شد در سال ۱۳۰۲ قمری سید جمال الدین بارجال مشهور انگلیس راجع بمصر مذاکرات مهمی نمود و انگلیس ها قول داده بودند که قشون خود را از مصر فراخوانده و آنجا را تخلیه کنند و ضمناً بسید وعده کرده بودند که او را واسطه اتحادی بین ایران و افغانستان و ترکیه برای کاستن نفوذ روسیه در خاور میانه قرار دهند و نهیه مقدمات آنرا فراهم نمایند و چون از نفوذ سید در دربار ترکیه مطلع بودند بنا بود که او با « سردروموند » که بعد ها سفیر انگلیس در ایران شد برای انجام این مقصود بترکیه بروند ولی نماینده انگلیس به تنهایی باسلامبول رفت و سید از لندن پاریس آمد و روزنامه عروۃ الوثقی را منتشر نمود از انتشار این روزنامه در عالم اسلام هیچانی تولید کرد که باعث وحشت رجال انگلیسی گردید و ورود این روزنامه بمستعمرات و مستملکات خود ممنوع کردند و پس از انتشار ۱۸ شماره اسباب توقیف آنرا فراهم ساختند.

مباحثات سید جمال الدین در پاریس باپروفسور « ارنست رنن » راجع بتوافق آئین اسلام با تمدن جدید اروپا بیش از تصور بر شهرت او افزود در سال ۱۳۰۳ قمری سید بقصد اتحاد دول اسلام بعرستان و نجد

رفت و در نظر داشت که خلافت اسلامی را در یمن متمرکز نماید در این بین ناصرالدین شاه بوسیله مرحوم میرزا حسن خان صنیع الدوله سید را بایران دعوت نمود بنابراین از راه بندر بوشهر بتهران آمد و امین السلطان صدراعظم از طرف ناصرالدین شاه بسید خیر مقدم گفت و از جانب آن پادشاه يك قوطی انفيه دان العاس نشان و انگشتری با يك هزار تومان تقدیم سید نمود که مورد قبول او واقع نگردید ولی درباریان خود خواه ناصری ذهن شاه را در باره سید مشوب نمودند و پس از چندی اقامت با خاطری آزوده بامر آن پادشاه از تهران خارج و از راه روسیه بفرنگستان رفت و چند روز در پایتخت روسیه توقف و با رجال روسی ملاقات و مذاکرات نمود . در مسافرت اخیر ناصرالدین شاه بفرنگ در شهر وین پای تخت اطیش سید را ملاقات کرده و مجدداً او را بایران دعوت نمود و خواه نخواهی او را بآمدن ایران راضی کرد .

بنابر این در سال ۱۳۰۷ قمری بار دیگر بایران آمد در این مرتبه نیز مانند پیش مغرضین و بداندیشان دسیسه ها بکار برده تا اینکه سید مجبور میشود در زاویه حضرت عبدالعظیم در زمستان سخت تحصن اختیار نماید و بامر ناصرالدین شاه از ایران تبعیدش نمودند در این هنگام بجز معین - التجار کرمانی و میرزا رضا قاتل ناصرالدین شاه کسی دیگر نزد سید نبود پس از آنکه از ایران خارج شد بیصره رفت و شرح مؤثری از اهانت و مظالم درباریان ناصری بمرحوم حاج میرزا حسن شیرازی و سایر علمای بزرگ در عراق عرب نوشت و از بصره بلندن مسافرت نمود در آنجا روزنامه ضیاء الخافقین را منتشر ساخت که بعد انگلیس ها از انتشار آن ممانعت کردند در سال ۱۳۱۰ بار دوم بنا بدعوت دولت ترکیه باسلامبول رفت و از طرف سلطان عبدالحمید و درباریان او مورد احترام و اکرام واقع گردید

و از آنجا مراسلاتی بعلماء و پادشاهان اسلامی در اتحاد و اتفاق ملل اسلام نوشت ولی جسد و بعض حسن فهمی مفتی و شیخ الاسلام اسلامبول مانع اقدامات حسنه او گردید عاقبت سید جمال الدین در اثر صدمات روحی مریض شد و در یکی از بیمارستان های اسلامبول بستری شد و بدستور سری سلطان عبدالمجید در زیر عمل جراحی مسموم و شهید گردید و وفاتش در سال ۱۳۱۴ قمری و آرامگاه آن مرحوم در گورستان شیخلر مزارقی بود اکنون پس از پنجاه سال افغان ها اسکلت آن مرحوم را از اسلامبول با افغانستان انتقال دادند اینکه افغانها مدعی هستند که سید جمال الدین اصلاً افغانی بوده هیچ مدرک موثق در دست ندارند گویا اشتباه آنها ناشی از آن باشد که چون در افغانستان نزدیک جلال آباد قصبه ای بنام اسد آباد وجود دارد ممکن است تصور کرده باشند که مرحوم سید در اسد آباد افغانستان متولد شده باشد و یا شرحی که سید عیسی خان در سال ۱۲۹۴ قمری در اسلامبول تحت عنوان یک مجاهد بزرگ اسلام انتشار داده بود و سید جمال الدین را افغانی معرفی کرده و یا کتابی که پروفیسور آلمانی «گلانزبر» مورخ مشهور نوشته و سید را افغانی خوانده سبب اشتباه برادران افغانی ما شده باشد.

از پیروان سید یکی برهان الدین بلخی صاحب کتاب ینابیع الموده و میرزا رضای کرمانی و شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی و محسن خان خیرالملک و چند نفر دیگر بودند این سه نفر اخیراً محمود خان علاء الملک سفیر ایران در اسلامبول بوسیله مأمورین ترک گرفتار و تحت الحفظ آنها را بتبریز فرستادند و در آنجا بامر محمدعلی شاه مخلوع که در آن موقع ولیعهد و در آذربایجان اقامت داشت هر سه نفر را کشتند.

اکنون در اسدآباد دبستان دولتی موسوم بجمالیه بنام مرحوم سید جمال الدین تأسیس شده است مسافت بین اسدآباد و همدان در حدود ۴۹ کیلومتر و از کرمانشاه بهمدان ۱۸۷ کیلومتر است اطراف جاده که راه مسیر ماست همه سبز و خرم و منظره باصفائی دارد .

همدان

همدان در دامنه کوه الوند واقع شده شهر است خوش آب و هوا و حاصلخیز دارای باغها و آب فراوان و یکی از بهترین شهرهای ایران بشمار میرود دره مراد باک و عباس آباد از بهترین مناظر فرح انگیز همدان است مقبره امام زاده کوه که در وسط کوه الوند واقع شده محلی است بسیار با صفا و نظر انداز خوبی دارا میباشد جمعیت این شهر رادر حدود ۹۰،۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر زحمتکش و در امور مذهب ثابت قدم و در عین حال بسیار متعصب هستند زردو خورد اهالی همدان با فرقه شیخها در عهد مظفر الدین شاه در تاریخ این شهر مشهور است . همدان دارای چند دبستان و یک دبیرستان میباشد و مدرسه آلیانس و مدرسه و مریضخانه آمریکائی چند سال است که در این شهر تأسیس شده تجارت و بازرگانی آنجا در دست بازرگانان یهود بغدادی است محصول همدان غله - حبوبات - تریاک - کنیرا و انواع میوه فراوان است و عمده صادرات آنجا خشکبار - روغن - پشم - قالی و پوست دباغی شده و کنیرا و تریاک و ظروف سفالی لعابدار بسیار ممتاز است که در قصبه لالیجن میسازند که در ظرافت و خوبی کمتر از چینی فرنگ نیست - همدان همان شهر تاریخی و قدیم اکباتان است که مکرر مورد تهاجم مغول و اعراب و افغان واقع شده و زمانی پای تخت پادشاهان اشکانی و مادی بوده اکنون در برخی نقاط بیرون این شهر ظروف سفالی و سکه های قدیم یافت میشود یکی



مرحوم سيد جمال الدين اسد آبادي (افغانی)

از آثار باستانی همدان سنك شیر است که از دوره پارت ها باقیمانده که مجسمه شیر سنگی است که در قدیم در سردر قلعه اکباتان قرار داشته و قلعه دارای هفت حصار بزرگ و دیوارهای بلندی بوده که مشرف بر یکدیگر و هر حصاری رنگ خاصی داشته است و بانی آن قلعه را دیوکوس از پادشاهان مادی میدانند اکنون مجسمه شیر سنگی در بیرون این شهر خراب شده و اثر کمی از آن باقیمانده در سال ۹۳۱ میلادی مرداوینج نامی پاهای شیر سنگی را شکسته و خراب کرده است - از آثار قدیم دیگر در همدان دولوچه سنگی است که بخط میخی نوشته شده و موسوم بگنج نامه میباشد در این دو لوحه داریوش بزرگ شرح جنگ ها و فتوحات خود را نوشته است در دوره قزل ارسلان در همدان قلعه و نقاره خانه ساخته شده که تا چند سال پیش آثار دیوارهای آن باقی بوده و شیخ سعدی در دیوان خود میگوید :

قزل ارسلان قلعه سخت داشت - که گردن بر الوند بر میفراشت

میگویند که نقاره خانه قزل ارسلان در دوره آقاخداداد در سمت باغ خان در بیرون شهر واقع بوده و اکنون تپه بیش نیست - ساختمان کاخ قلعه اکباتان از تیر و چوب سرو و کاج و اطاق و ایوانهای آن از کاشی که روی آنها از ورقهای طلا و نقره کشیده شده بود که بعداً آنرا خراب کرده و طلا و نقره ها را بردند نیز معبد آناهیتا و روی ستونهای این معبد از ورقهای طلا و نقره بوده در حمله اسکندر ویران شد و طلا و نقره آنرا برد و بقیه آثار این معبد را پادشاهان سلوکی از بین بردند میگویند هاسیتون معشوق اسکندر در همدان فوت نمود و اسکندر از مرگ محبوب خود چنان متأثر شد که دستور داد پزشک معالج هاسیتون را بدار زدند و امر نمود که لشکریان یال و دم اسبهای خود را چیدند و ساز و نوا را در میان سپاهیان قدغن کرد .

امیر تیمور که همدان را تصرف کرد قتل و کشتار عجیبی نمود که در تاریخ بی مانند است و دیالمه همدان را مدتی پایتخت خود قرار دادند در قرن ۱۱ چند سال ترکان در آنجا خرابی کردند اما بامر شاه عباس کبیر این شهر مجدداً رو به عمران و آبادی گذارد و پس از استیلای محمود افغان در ایران باز ترکان از ضعف ایران استفاده نموده احمد پاشا والی بغداد همدان را تصرف کرد شش سال بعد نادر شاه ترکها را از ایران بیرون نمود . آرامگاه ابدی حکیم دانشمند شیخ ابوعلی سینا و مقبره بابا طاهر عریان که از عرفا و مرتاضین عهد خود بوده در این شهر واقع شده و نیز گنبد آل بویان در همدان از بناهای قدیم است که در نیمه دوم قرن چهارم هجری عهد آل بویه مسجد و مناری بود و بعداً در آنجا یکی از فرزندان حضرت سید سجاد در زیر زمین مدفون شده است محلی است تاریک و خالی از هوای آزاد و دیوار های شکسته در حقیقت جای وحشت ناکی است از آثار قدیم دیگر آرامگاه ابدی استر و مردخای که اکنون زیارتگاه یهودیان است استر ملکه یهودیه همسر خشایار شاه بوده و در تورات در حالات او مینویسد « اخشورش که از هند تا حبشه بر ۱۲۷ مملکت حکم رانی داشته و دارالسلطنه او در شهر شوشن بوده در سال سوم سلطنت خود ضیافتی بافتخار سرداران و امرای فارس و مصاد داد و این ضیافت مدت هفت روز دوام داشت و عموم سکنه پای تخت از این ضیافت برخوردار شدند در این هنگام ملکه دشنی نیز زنان بزرگان دربار و همسران سرداران را به مهمانی دعوت نمود و چون اخشورش سرگرم باده نوشی شد دستور داد که ملکه دشنی همسر خود را با تاج ملوکانه بحضور پادشاه بیاورند تا زیبایی و حسن جمال او را بمردم نشان دهد چون ملکه مایل نبود با آنصورت و کیفیت بوسیله خواجه سرایان بحضور پادشاه برود فرمان

اخشورش را اجابت نکرد و پادشاه از این نافرمانی ملکه درخشم و غضب
 شد و با مقربان و ندیمان خود در این موضوع مشورت نمود اطرافیان
 عرضه داشتند که چون عدم اطاعت ملکه دشمنی را زنهای بزرگسان فارس
 و ماد که در مهمانی حضور داشتند شنیده اند ممکن است بسرداران
 و والیان مملکت خبر دهند و این موضوع شایسته مقام پادشاه نباشد و بهتر است
 دیگر ملکه را بحضور خود بار ندهد اخشورش را این نظریه پسند
 آمد و دیگر با ملکه دشمنی مراوده نداشت و بحکام ولایات دستور داد که
 هر کجا دختران نیکو منظر و زیبایی را پیدا کنند بدار السلطنه شوش روانه
 نمایند که بجای ملکه دشمنی بعقد پادشاه درآید - در آن زمان مردی یهودی
 بنام مردخای دریای تخت اقامت داشته و از جمله اسیرانی بود که بخت النصر
 همراه « بلنیا » پادشاه یهودیان از بیت المقدس باسارت آورده بود مردخای
 دختر عموی خود استر را نزد خود نگاهداری میکرد و چون فرمان
 پادشاه در فرستادن دختران نیکو و زیبا صادر گردید دوشیزگان زیادی به
 دار السلطنه شوش آمدند و تحت سرپرستی خواجه سرایان از جمله
 هیجان و شمعسان نگاهداری شدند که یکی از آنها استر بود که بدستور مردخای
 یهودی بودن خود را پنهان نمود چون نوبت شرفیابی بهر دوشیزه میرسید
 با تشریفات خاصی او را بحضور اخشورش میآوردند و هر کدام از آنها که
 مورد پسند بود پادشاه با عصای مرصع خود بطرف آن دختر اشاره مینمود
 و آن دوشیزه را بنام میخواند تا آنکه نوبت باستر دختر اسبجائیل که
 عموی مردخای بود رسید و پادشاه از حسن جمال استر زیاده از حد خوشش آمد
 و تاج ملکه دشمنی را بر سر او گذارد و استر را بهمسری خود قبول کرد
 و مجلس جشن و سرور در شوش برپا نمود در روزهای جشن مردخای
 در بیرون کاخ شاهی ناظر این جشن و سرور بود در این بین دید که

دو نفر از ملازمان اخشورش خیال سوء قصدی نسبت به پادشاه دارند مردخای فوراً استررا از این قضیه خبر نمود و او از طرف مردخای جریان این امر را به پادشاه اطلاع داد و پس از بازجوئی صحت این سوء قصد را معلوم و اخشورش فرمان بکشتن آن دو نفر داد - در این موقع وزیر کشور شخصی موسوم به هانان بن همدانای آجاجی بود که پادشاه او را احترام مینمود و درباریان و خواجه سرایان نیز نسبت باو احترام میکردند ولی مردخای که بدربار آمدورفت داشت لازمه احترام نسبت بهانان بعمل نمی آورد و ضمناً یهودی بودن مردخای را بوی گفته بودند و او از این بی اعتنائی مردخای بسیار عصبانی بود و در پی فرصتی میگشت که انتقام از او کشد تا اینکه در سال دوازدهم پادشاهی اخشورش روزی بحضور پادشاه عرضه داشت که قومی در این مملکت هستند که آئین و مذهب آنها برخلاف دین پادشاه است هرگاه این قوم را بهمین رویه آزاد گذارند موجب فساد و هرج و مرج در کشور باشند و این امر بصلاح سلطنت و آرامش کشور نباشد و اگر پادشاه قبول نماید این قوم را بقتل رسانند و ضمناً تعهد نمود که ده هزار وزنه نقره برای اجرای اینکار بخزینه پادشاه بپردازد اخشورش جواب داد در نظر تو هرچه پسند آید عمل کن پس هانان حکم قتل یهودیان را صادر نمود و سپاهیان عده زیادی از یهودیان را کشته و اموال آنها را غارت کردند در این گیرودار مردخای از ترس جان خود پنهان شد استر ملکه یهودیه از این قضیه بسیار افسرده و غمگین بود و بحضور اخشورش آمد و خواهش نمود که پادشاه بدفتر یادداشت روزانه خود مراجعه نماید که آنجا نوشته شده که مردخای موضوع سوء قصد نسبت به جان پادشاه را اطلاع داده و او را از خطر حفظ نموده اخشورش پس از مطالعه دفتر یادداشت خود باستر گفت در این حسن خدمت مردخای را

بخشیدم و فرمان داد که او را بحضور آوردند و این موقع استر و مردخای از پادشاه استدعا نمودند که حیات و هستی یهودیان را ببخشد و از کشتن آنها صرف نظر کند و ضمناً عرضه داشتند این مصیبت و کشتار یهودیان بدست کسی انجام یافته که او دشمن مملکت پادشاه است و او هانان که نخست وزیر میباشد اخشورش برای خاطر ملکه استر فرمان داد که هانان و فرزندان را بدارزند و از آنوقت قتل یهودیان را منع نمود و مردخای را منصب وزارت داد. بعد از این واقعه بحکم مردخای یهودیان انتقام خود را گرفته و عده زیادی از مردم شوشن و سایر شهرها کشتند ولی اموال کسی را غارت نکردند از آن بعد همه ساله روز منع قتل یهود را جشن میگیرند و آنرا عید فورفوریم مینامند و استر و مردخای را از مقدسین میدانند و مقبره آنها زیارتگاه یهودیان است نویسنده خود بآرامگاه ابدی استر و مردخای در همدان رفته و از دحام یهودیان را دیده ام. پس از دوروز توقف از همدان بقروین رفتم و از دهستانهای رزن و مانیان که از بلوک در جزین است گذشته وارد قصبه آوج شدم و شنیدم که بیماری حصبه و آبله در آنجا پیدا شده و هیچگونه وسیله بهداشت و دارو وجود نداشت گردنه آوج در فصل زمستان بواسطه برف و کولاک یخبندان میشود و آمد و رفت مسدود میگردد - در ۲۴ کیلومتری آوج چند چشمه موسوم بآب گرم که آب گوگرد است وجود دارد که مبتلایان بامراض خاصه پادرد برای معالجه در آنجا استحمام میکنند و در سمت شرق چشمه های آب گرم رودخانه گلنچین جای واقع شده که زراعت بلوک خرقان را مشروب مینماید در کنار این رودخانه چشمه موسوم بآب سار وجود دارد و معروف است که آب این چشمه را برای دفع آفت محصول و کشتن ملخ میبرند سار پرند سیاه کوچکی است که آفت جان ملخ میباشد و در هر مزرعه که آب چشمه سار پاشیده شود پرند سار

بآن مزرعه هجوم آورده و ملخ‌ها را میکشند - پس از دیدن معدن آب گرم از آنجا حرکت کرده و از دهستانهای نهاوند و تاکستان گذشته وارد قزوین شدم مسافت بین همدان و قزوین در حدود ۲۴۳ کیلومتر است .

قزوین

این شهر کهن سال زمانی پای تخت سلاطین صفوی بوده دارای بازار بزرگ و چند خیابان وسیع با درختان تنومند است و با اینکه در چهار راه و مرکز ارتباط کشور واقع شده تا کنون ترقی محسوسی نکرده و بحال قدیم و کم آبی باقی مانده جمعیت قزوین را در حدود شصت هزار نفر میگویند محصول اطراف قزوین عبارت از گندم و جو و حبوبات و خشکبار است که مقدار زیادی صادر میکنند آب مشروب آن از قنواتی است که بعضی از آنها اکنون خراب شده چندی پیش در صدد ساختن سدی برای آب در خارج شهر بودند ولی بصورت عمل در نیامد قزوین در آغاز اسلام بسیار آباد و دارای مساجد و مدارس عالی بوده مسجد جامع این شهر در زمان هارون الرشید به نظارت زکریا قاضی این شهر بنا شده بعضی از مورخین نوشته اند که قسمتی از این مسجد که شامل گنبد و شبستان است از آثار دوره سلاجقه میباشد و ساختمان آن بوسیله خمارتاش بن عبدالله عمادی در سال ۵۰۹ هجری قمری پایان رسیده و دارای عالیتترین نمونه از مجموعه خطوط کوفی میباشد در اطراف شبستان کتیبه‌های زیادی بخط نسخ و کوفی است که در میان گل و بوته گچ بری شده - خمارتاش برای این مسجد موقوفاتی برقرار نموده - مسجد شاه در قزوین در سال ۱۲۲۲ هجری قمری در زمان فتحعلی شاه ساخته شده و دیگر از آثار قدیم این شهر مدرسه حیدریه است که یادگار دوره سلاجقه میباشد و در عهد فتحعلی شاه تعمیر و مرمت گردیده - آرامگاه شاهزاده حسین از بناهای قدیم این شهر است و محل اجتماع اهالی میباشد مقبره حمدالله مستوفی مورخ معروف

وصاحب کتاب تزهة القلوب که از مورخین و مشاهیر نامی ایران بوده در سمت شرقی قزوین واقع شده و نیز قلعه ویرانه‌ئی در نزدیک این شهر وجود دارد که در عهد خلفای عباسی بنا گردیده و در سمت جنوبی عمارت عالی قابو بنای مخروبه ایست بنام عمارت نادری که آثار آن تا کنون باقیمانده است. در سال ۱۰۰۶ هجری قمری به امر شاه عباس بزرگ پای تخت از قزوین به اصفهان انتقال یافت پیش از آن تاریخ شاه طهماسب اول شروع بساختنهای مجللی در قزوین نموده که یکی از آنها عمارت عالی قابو میباشد و بعد شاه عباس آنرا به اتمام رسانید - در سال ۱۵۹۸ میلادی « اتنونی شرلی » و برادرش « ربرت شرلی » که شهرت نظامی داشتند با عده ۲۶ نفری از انگلستان در قزوین بحضور شاه عباس بار یافتند شرلی مینویسد مقصود اساسی از مأموریت من این بود که پادشاه ایران را وادار نمایم که با دولت انگلیس بر علیه عثمانی تشریک مساعی کند و نیز باب تجارت بین ایران و انگلستان باز شود شرلی و برادرش برای آموختن فنون جنگ بقشون ایران کوشش زیاد نمودند و از طرف شاه عباس مأموریت یافت که بدربار سلاطین اروپا برود او با داشتن سفارش نامه و فرمان از راه مسکو عازم اروپا گردید و پس از مراجعت از پایتخت ممالک اروپا بمادرید آمد و بعد از چندی اقامت در آنجا فوت نمود و نتیجه از این مسافرت او بدست نیامد « ربرت شرلی » بعد از فوت برادرش از طرف شاه عباس بسمت فرماندهی قشون ارتقاء یافت و در جنگهایی که بین شاه عباس و سلطان عثمانی در گرفت و تا چند سال دوام داشت رشادت از خود بروز داد تا اینکه زخمی گردید و بعد شاه عباس او را بدربار پادشاهان اروپا فرستاد که روابط خود را با ممالک اروپا مستحکم کند و ضمناً آنها را از شکست قشون عثمانی مستحضر نماید. شاه عباس در نامه خود بنام سلاطین اروپا مینویسد « که میل واراده

ما اینست که مملکت ما از این بیعد بر روی کلیه ملل اروپا گشوده باشد و چون روابط ما با سلاطین و امرای عیسوی مذهب ثابت و مستحکم است بموجب این فرمان بکلیه تجار مسیحی اجازه میدهم که بدون هیچگونه بیم و تشویش وارد ایران شوند از طرف حکام و فرمانفرمایان لشکرو کشوری ما کمترین مزاحمتی برای بازرگانان خارجه فراهم نمیشود و هیچکس در هر مقام و رتبه نمیتواند بمال التجاره آنها دست درازی کند مگر آنکه قیمت عادلانه آنرا بپردازد علما و روحانیون ما حق ندارند در امور مذهبی آنها مداخله کنند و باعث زحمت آنها بشوند هرگاه یکی از اتباع خارجه در ایران فوت نماید اموال او بوارث حقیقی او داده خواهد شد مأمورین وصول مالیات و سرحداران مملکت ما اجازه ندارند از تجار مسیحی باج و خراج مطالبه نمایند و هر يك از بازرگانان اروپائی که قرضی بر عایای ما بدهند و ادعائی داشته باشند میتوانند بموجب این فرمان بحکام و قضات مملکت ما نظام کرده و تقاضای احقاق حق خود کنند و حکام ما حق ندارند در مقابل رسیدگی بتظام تجار خارجه حق الزحمه مطالبه نمایند زیرا اراده ما اینست که تجار مسیحی با کمال رفاه و آسایش در مملکت ما زندگی کنند هر چند قاعده و رسوم مملکتی ما اینست که کلیه فرامین و احکام در اول هر سال تجدید می شود ولی میل و اراده ما بر آن قرار گرفته که این فرمان تاابد چه در عهد خودمان و چه در زمان جانشینان ما بموقع اجرا گذارده شود و تغییری در آن داده نمیشود

« ربرت شرلی » پس از مسافرت در اروپا بمادرید رفت و میخواست بهر تدبیر شده تجارت ابریشم ایران را که صادرات مهم ایران بود از دست اسپانی ها خارج نماید ولی دربار مادرید روی خوشی بوی نشان نداد ضمناً پادشاه اسپانی نامه بنایب السلطنه هندوستان نوشت که شرلی و هیئت



انتونی شرلی انگلیسی

انگلیسی را که عازم ایران هستند بهروسیله که ممکن است دستگیر نماید «شرلی» از اسپانی بلندن آمد و نامه شاه عباس را «بچارلی» پادشاه انگلیس که در آن اظهار محبت و مودت شده بود و نیز تجار انگلیسی را دعوت بایران کرده بود تقدیم نمود نامبرده راجع بشعول و منابع ثروت در ایران چنان در دربار انگلستان مبالغه نمود که دولت انگلیس بطمع استفاده از ثروت ایران هیئتی باتفاق «سردورمون کاتون» بدربار ایران فرستاد و ربرت «شرلی» پس از اخذ رتبه شوالیه همراه این هیئت بایران مراجعت نمود و باکشتی «اکسیدشن» از دست مأمورین اسپانی با کمال مهارت نجات یافت و وارد بندر گوادر در کرانه بلوچستان گردید والی کلات از ورود عده انگلیسی مطلع میگردد سواران مسلح خود را مأمور گرفتاری یا کشتن آنها مینماید ولی «شرلی» بآنها میگوید که او سفیر فوق العاده شاه عباس است که از دربار سلاطین اروپا بایران باز میگردد.

بنابر این والی کلات جرئت گرفتاری و یا اذیت آنها را ننمود و «شرلی» باتفاق هیئت انگلیسی بقزوین وارد شدند - بعضی از مؤرخین مینویسند که بنای قزوین را شاپور اول نموده و این شهر چند مرتبه از طرف دیلمیان و مغول مورد حمله واقع شده و عده از مردم آنجا کشته و عمارات و ابنیه قزوین را خراب و ویران نمودند شاه طهماسب اول در سال ۹۴۴ قمری پای تخت خود را از تبریز بقزوین انتقال داد و تا زمان شاه عباس بزرگ مرکز سلطنت صفوی بوده سپس باصفهان انتقال یافت. از جانب ملکه «الیزابت» پادشاه انگلیس «جان گیسن» بدربار شاه طهماسب آمد و بعد از محاصره اصفهان و شکست شاه سلطان حسین افغانها بقزوین نیز حمله نمودند و خسارت زیادی بر این شهر وارد آوردند. ظهور حسین صباح در قصبه الموت در شمال شرقی قزوین و بنای فردوس برین خود

داستان جداگانه ای دارد.

پس از دو روز توقف از قزوین بتهران حرکت نمودم دهستانهای بین راه عبارت از شریف آباد - ینگه امام و هشت کرد و کرج است در قصبه کرج دانشگاه کشاورزی و کارخانه قندسازی تأسیس شده نیز ساختمان کارخانه ذوب آهن در آنجا بنا گردیده ولی ناتمام مانده مقداری از ماشین ها و لوازم فنی این کارخانه که بالغ بر چند ملیون ریال بود پیش از جنگ بین الملل دوم از آلمان خریداری شد و وارد کرج گردید همین که جنگ جهانیگیر شروع شد بعضی از بقایای ماشین و سایر اشیاء دیگر در بین راه از میان رفت و خسارت هنگفتی در این معامله بخزینة ایران وارد گردید. رودخانه کرج از این قصبه عبور میکند و بطرف شهریار و ورامین جریان دارد و زراعت اطراف را مشروب میسازد و نهری بتهران احداث شده مسافت بین قزوین و تهران ۱۴۷ کیلومتر است.

تهران

پس از ورود بتهران بزیارت حضرت عبدالعظیم مشرف شدم او فرزند زید بن حضرت امام حسن میباشد و نیز امام زاده حمزه فرزند امام موسی کاظم (ع) و امام زاده طاهر فرزند امام زین العابدین (ع) در این مکان مدفون هستند شرح حال و زندگانی حضرت عبدالعظیم در کتاب روح و ریحان بتفصیل نوشته شده و آرامگاه آن حضرت در کورستان قدیم شهر ری واقع شده است.

مقبره ناصرالدین شاه نیز در یکی از زاویه های حرم واقع و دارای بنایی عالی و تصویر او روی سنگ مرمر سفید بسیار ممتاز کنده شده و عکس قلمی او نیز در آنجا دیده شد بعضی از علمای بزرگ تهران از جمله مرحوم حاج ملاعلی کنی که از فقهای بزرگ اسلام بود و مرحوم حاج

ابوالحسن میرزا شیخ الرئیس خطیب و شاعر مشهور در این محل مدفونند
 از تهران تا قصبه حضرت عبدالعظیم در حدود ۸ کیلو متر است . هنگام
 اقامت در تهران برای تماشای مهمانخانه لقانطه رفتم که ساختمان آنرا
 نظام‌الملک نوری وزیر فرزند صدراعظم ناصرالدین شاه نموده دارای عمارت
 عالی و مجللی میباشد اطاق حوضخانه آن از سنگ مرمر ساخته شده
 در تالار فوقانی این بنا تصاویر و نقاشی تاریخی بنظر میرسد از جمله دربار اسلام
 ناصرالدین شاه است که بر تخت طاوس جلوس نموده و فرزندان او مظفرالدین
 شاه و مسعود میرزا ظل السلطان و سایر فرزندان در جلو و در عقب تخت
 ایستاده‌اند و نظام‌الملک بالباده ترمه و عصای مرصع و خواجه باشی حرم سرا
 در حضور شاه ایستاده‌اند و امرا و رجال آن عصر همه بالباده ترمه
 کشمیری و کلاه بلند و بعضی ها باشال و کلاه که معمول آن زمان بود در
 دوصف در پیشگاه ناصرالدین شاه دست‌بسته ایستاده‌اند و نیز تصویر وزیر
 خارجه با سفرای روسیه و عثمانی و فرانسه مشاهده میشود تخت طاوس را
 محمد شاه هندی با بعضی جواهرات نفیسه و گرانبها از جمله انفیسه دان
 زمردی و چند شمشیر مرصع و چندین فیمل و الماس‌های معروف بکوه نور
 و دریای نور بشهریار ایران نادر شاه در دهلی تقدیم نمود تخت طاوس
 مکتل بجواهرات قیمتی است و باین جهت آنرا تخت طاوس می‌گویند که
 دو شکل طاوس در طرفین تخت قرار دارد در تاریخ هند که بزبان اردو
 نوشته شده زمانی که نادر شاه دهلی را بتصرف در آورد و صلح نامه بین
 او و محمدشاه هندی نوشته گردید صورت جواهرات خزینه را از محمدشاه
 خواسته بود او نام الماس‌های کوه نور و دریای نور را در صورت جواهرات
 نوشته بود ولی بعد آنها را تسلیم پادشاه ایران نمود پس از کشته شدن نادر
 و دست برد جواهرات کوه نور بدست یکی از امرای پنجاب رسید و او آنرا

بملکه « ویکتوریا » جده پادشاه کنونی انگلیس تقدیم نمود اکنون در موزه لندن وجود دارد ولی دریای نور در خزینه ایران بود و فتحعلی شاه نام خود را در گوشه آن حک کرده اکنون این الماس گران بها و سایر جواهرات سلطنتی از جمله تاج جواهر نشان پهلوی با عصای مرصع و تاج کیانی که با مروید های غلطان ترصیع شده ورشته های مروارید قیمتی که از طرف مشایخ بحرین و والیان مسقط برای پادشاهان قاجاریه هدیه فرستاده اند و نیز انقیه دان زمردی و سایر اشیاء نفیسه دیگر در بانک ملی ایران بنام پشتوانه اسکناس نگاهداری میشود.

از اینیه عالی در تهران مسجد جامع و مسجد شاه است که در زمان فتحعلی شاه بنا شده و دیگر مسجد سپهسالار است که در سال ۱۲۹۸ هجری قمری ساخته و دارای حیاط وسیع و سه ایوان کاشی کاری و چهار منار میباشد.

اکنون این مسجد محل دانشکده معقول و منقول است و تصویر مرحوم سپهسالار در کلاس درس نصب شده و از بناهای دیگر او عمارت بهارستان است که مجلس شورای ملی است که بیادگار آن مرحوم باقیمانده است. عمارت مسعودیه که محل وزارت فرهنگ است از بناهای مسعود میرزا ظل السلطان است که رضاشاه پهلوی بمعارف ایران تقدیم کرده و در سردرب این ساختمان با کاشی کاری نوشته شده: « هدیه سردار سپه و رئیس کل قوای به معارف ایران »

این بنادارای چند عمارت و اطاق و تالار های زیاد است و از بناهای دیگر در تهران در قصر گلستان حرم سرای پادشاهان قاجاریه میباشد که تصویر فتحعلی شاه که بر تخت نشسته و فرزندان او و رجال در حضور او ایستاده اند و دیگر در ایوان عمارت تخت مرمر چند تصاویر

فتحعلی شاه و محمد ساه و ناصرالدین شاه مشاهده شد و تخت مرمر که پایه های آن بر دوش چهار مجسمه از سنگ مرمر قرار دارد در این ایوان گذارده شده و نیز ابنیه و عمارات دیگر از جمله قصر ایض و عمارت خورشید و قصر بریلیان و عمارت موزه که تخت طاوس در آنجاست و عمارت بادگیر که در زمان فتحعلی شاه ساخته شده و تالار بزرگ شاه نشین که دارای تابلوها و تصاویر بسیار ممتاز است و نیز حوض مرمر که بنام خلوت کریم خانی معروف است میگویند آقا محمدخان خواجه اسکلت مرحوم کریم خان زند را از شیراز بتهران آورده و در پای پله ایوان حوض مرمر دفن نموده بود و بعد ها بامر رضا شاه پهلوی بجای دیگر منتقل و دفن گردید. از ابنیه دیگر عهد قاجاریه شمس العماره و قصر بلور که سقف تالار و دیوارهای آن در زمان مظفرالدین شاه از سنگ های بلوری ساخته شده بود و بقصر بلور در شهر «وین» در اطریش شباهت داشته اکنون این عمارت خراب شده - در خارج تهران از عمارات قاجاریه قصر سلطنت آباد است که از بناهای بسیار عالی است دارای تالار بزرگ موسوم بحوضخانه با چند نقاشی و تصاویر از سلاطین خارجه و سفرای دول بیگانه و پادشاهان و رجال نامی ایران میباشد که از آثار هنر نمائی و شاهکار نقاش معروف مرحوم کمال الملک است و نیز بنای صاحب قرانیه که ناصرالدین شاه ساخته و تالار مزین و آینه کاری آن معروف بجهان نماست و قصر دارا آباد (اکنون موسوم بشاه آباد) که مظفرالدین شاه بنا کرده و قصر دوشان تپه در سابق وسط حیاط این قصر باغ وحش بوده و نیز کاخ فرح آباد که قسمتی از باغ آن میدان اسب کمرانی بوده و این قصور از آثار تاریخی بشمار میرود - اکنون در تهران عمارات و بناهای بزرگ از جمله ساختمانهای چند اشکوبه وزارت امور خارجه و عمارت باشگاه

افسران و بنای چند اشکوب وزارت دادگستری از سنك سیاه و سفید بنا گردیده و نیز ساختمان عالی و مجلل وزارت دارائی و قصور رضا شاه پهلوی خاصه عمارت مرمر از بناهای جدید تهران است مخصوصاً ساختمانهای وزارت جنگ و شهربانی که برابری با بناهای شهرهای بزرگ اروپا میکند و نیز چند خیابان بزرگ بروست پائتخت نسبت بزمان قاجاریه افزوده شده است.

دیرستان دارالفنون را که از آثار نیک میرزا تقی خان امیر کبیر است دیدن نمودم و بروان پاك آن مرحوم درود فرستادم جا دارد که وزارت فرهنگ مجسمه او را ساخته و برای یادگار از خدمات او در راه معارف ایران در حیاط دارالفنون نصب نماید یا آنکه یکی از خیابانهای تهران را بنام امیر کبیر نام گذاری کند - مورخین قتل امیر کبیر را هر يك طوری نوشته اند لسان الملك سپهر مؤلف ناسخ التواریخ در جلد ششم خود مینویسد که مرحوم امیر کبیر بمرض نفرس فوت نموده ولی اعتماد السلطنه و سایر مورخین قتل امیر کبیر را تصریح کرده اند و یکی از آنها مینویسد سبب قتل امیر کبیر اثر رنجش درباریان و متنفذین و دسیسه های میرزا آقاخان نوری که بعداً صدر اعظم شد و تحریک مهد علیا مادر ناصرالدین شاه بوده و نیز انتریک سفیر روسیه تزاری بود که فهمیده بود امیر کبیر زمینه را فراهم مینماید با حسن تدبیر و فکر ضائب خود شهرهای قفقاز و ترکستان را بایران برگرداند و مقدمات آنرا با خان خیوه و امیربخارا در نظر گرفته بود سفیر روس از مخالفت درباریان ناصرالدین شاه با مرحوم امیر کبیر در موقع مناسب استفاده نموده و محرمانه با میرزا آقاخان نوری صدر اعظم و مهد علیا بر علیه آن مرحوم اقداماتی کرد و همچو و انمود که امیر کبیر قصد ازین بردن ناصرالدین شاه را دارد و گفته بود که او بعضی از شب ها

باوی ملاقات و مذاکرات مجرمانه میکند و برای اثبات این قضیه شبی از امیر کبیر وقت ملاقات میخواهد و بمنزل او میرود درباریان قضیه را به ناصرالدین شاه خبر میدهند و شاه در محلی نزدیک خانه امیر کبیر مخفی شده و آمدن سفیر روس را شب هنگام در خانه امیر مشاهده میکند و سبب سوء ظن شاه میشود که منجر بتبعید و کشتن آن مرحوم در قصبه فین کاشان میگردد

«لرد گرزن» معروف در کتاب خود مینویسد «در میان رجال درستکار و وطن پرست ایران یکی میرزا تقی خان امیر کبیر و دیگری میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی را نام میبرم که هر دوی آنها مصدر صدارت عظمی بودند و جدیتی برای اصلاح قشون ایران داشتند اما امیر کبیر بطور آشکارا و میرزا حسین خان سپهسالار مجرمانه در نتیجه سوء سیاست ناصرالدین شاه کشته شدند و سفیر انگلیس رسماً بدربار شاه از این قضیه اعتراض نمود».

مرحوم حاج میرزا عبدالرحیم طالباف مشهور در کتاب سیاست طالبی خود مینویسد «اول وزیر دانا که در عهد قاجاریه بر سر کار آمد شخص مستعد و توانا امیر کبیر میرزا تقی خان بود که مدت چهار سال بصدارت عظمی و امارت کبری در زمان ناصرالدین شاه بود و او از قتل امیر کبیر نادم و پشیمان شد و همیشه نام آن مرحوم را با احترام یاد میکرد و نیکلای اول امپراطور روس از شنیدن خبر قتل امیر کبیر در شهر یالتا از شدت خوشحالی دست شمع زد اگر سپهر بی مهر در تاریخ خود همه کارهای او را بعنوان میرزا آقا خان نوری بسته و ساحت کفایت و درایت او را پاک شسته عرض خود را برده و زحمت مورخین را افزوده است وقتی میرسد که ابناء زمان و اخلاف در آینده مجسمه آن مرحوم را ساخته

و آثار پرافتخار او را تمجید کنند و روز قتل آن مرحوم را احترام گذارند و بروح آن مظلوم فاتحه خوانند.

بعد از امیر کبیر مرد تاریخی و رجل نامی در ایران ظهور نمود نه اینکه نسل امیر منقطع شده و مادر ایران از تولید امثال او عقیم مانده بلکه تراکم اظلال مانع طلوع اینگونه شמוש رجالیه بوده

نویسنده گوید خدمات امیر کبیر در زمان تصدی صدارت عظمی نسبت بمملکت زیاده بوده از جمله تنظیم و اصلاح بودجه ایران و تعادل کسری در آمد کشور و آوردن افسران اطریشی برای تعلیم فنون جنگ و نظم چاپار خانه ها و ترتیب وسائل پستی در تمام نقاط کشور و تشویق و ترغیب صنعت گران و ارباب فنون و رفع فتنه و اغتشاش در خراسان و فردستان نمایندگان ایران به ترکستان و ملاقات و مذاکرات با امیر بخارا و حل تصفیه امور مرزی بین ایران و دولت عثمانی که در سال ۱۲۶۳ قمری عهد نامه موسوم به قرارداد ارزنة الروم را بست و استرداد بندر خرمشهر (محمره) و خلع ید علی رضا پاشا والی بغداد از تصرفات در سرحدات ایران اینها همه از اقدامات نیک مرحوم امیر کبیر بوده که در تاریخ ایران ثبت جاوید است.

در تهران بملاقات « بولن » معاون فنی مسیو « پولند » آمریکائی متخصص راه آهن ایران رفتم و رونوشت گزارش خود را راجع به راه آهن از طریق بند بوشهر از راه فیروز آباد بشیراز ارائه دادم و « کارل » آمریکائی مهندس فنی راه آهن نیز حضور داشت و اظهار داشت که بسیاری از ایرانیان روشن فکر و خاصه بازرگانان بنادر جنوب تقاضا داشتند که راه آهن ایران از بندر بوشهر بداخله کشور احداث شود که باعث عمران و آبادی بندر بوشهر و نیز سایر شهر های مهم ایران گردد ولی خط آهن



مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر فرهانی

از بندر شاهپور که در نظر است فقط سه شهرهای اهواز - اراك و قم در مسیر راه واقع میگردد بعلاوه احداث بندری در خور موسی مستلزم هزینه هنگفتی است که میبایست اقدام نمود.

جاده بوشهر بشیر از راه فیروز آباد

بهترین بندر برای ایستگاه راه آهن بندر حلیمه است که در چند کیلومتری بوشهر واقع شده و خور حلیمه برای کشتی هائیکه آبخورشان هفت متر یا کمی بیشتر باشد مناسب است و برای کشتیها بندری خوب و پناه گاه مناسبی میباشد از بندر حلیمه تا قصبه چاه کوتاه ۳۰ کیلومتر و جاده صاف و هموار است از چاه کوتاه بقریه سمل ۹ کیلومتر و از آنجا تا تل توپخانه نیز ۱۲ کیلومتر و راه صاف و دشت هموار است در تل توپخانه چشمه آب موسوم به ننیزك وجود دارد و از تل توپخانه تا دشت کنار دروازه ۱۸ کیلومتر و جاده صاف و هموار است و از آنجا تا چات دربست و چاه گزی راه نشیب و فراز و دارای چندین تپه است از چاه گزی تا قریه کلمه ۱۲ کیلومتر و راه هموار است و از کلمه تا قریه خنین ۶ کیلومتر در این محل از گردنه و تنگ زیرو گذشته ببوشکان میرسد مسافت بین خنین و بوشکان در حدود ۱۸ کیلومتر است و از بوشکان تا قصبه خرمايك ۴۲ کیلومتر و جاده صاف و هموار است در این محل نیز چشمه آب گوارانی وجود دارد.

و از اینجا تا گردنه و تنگ پازن نیز جاده صاف است و از این تنگ تا بازنون و سیخی در حدود ۱۸ کیلومتر است و راه نشیب و فراز زیاد دارد در این محل نیز چشمه آبی وجود دارد و از سیخی تا قریه دهنو ۶ کیلومتر است و از آنجا تا فیروز آباد در حدود ۱۲ کیلومتر است بین قریه دهنو و فیروز آباد رودخانه موسوم به تنگ آب جریان دارد

و از فیروز آباد بشیراز جاده منقسم بدو راه میشود یکی بطرف
 قصبه گیلکی و جاده دیگر از طریق کوه پشمی که موسوم بدوراه است
 بمسافت ۶ کیلومتر به تنگ حلالو و بلوک خواجه میرسد مسافت بین
 کوه پشمی از طریق رودخانه تنگ آب تا تنگ حلالو در حدود ۱۲
 کیلومتر است (قریه زنجیرون تا گردنه پنبه و تنگ موک که جاده قدیم
 بوده بواسطه مسافت زیاد اکنون متروک شده) از تنگ حلالو تا قریه
 جاوکان ۱۲ کیلومتر و از اینجا تا گردنه کله در حدود ۱۲ کیلومتر است
 و از قریه کله تا پل کوار ۱۲ کیلومتر است در این محل رودخانه قره آقاج
 میگذرد و سدی بنام بند بهمن ساخته شده که مزارع اطراف را مشروب
 میسازد و از پل کوار تا شیراز جاده شوسه و اتومبیل رو میباشد مسافت
 بین پل کوار تا شیراز در حدود ۵۴ کیلومتر است دهستانهای بین راه
 عبارت از فتح آباد (قلعه فرنگی) بیدزرد - آب جوال - گیگ یا کرزین
 است (قراء نوروزان - دهک - علی آباد - جعفر آباد اکنون در مسیر
 جاده جدید واقع نیست).

محصول این دهستانها گندم - جو - برنج - ذرت - چغندر - پنبه
 و ترباک است که برخی از آب قنات یا از آب رودخانه قره آقاج مشروب
 میگردد. در قدیم شهر فیروز آباد موسوم بشهر گور بوده امیر عضد الدوله
 دیلمی این شهر را آباد نموده و فیروز آباد نام گذارد این شهر از بناهای
 اردشیر بابکان بوده و محل شکارگاه بهرام گور بود فیروز آباد در قدیم
 دارای چهار دروازه بوده و در میان شهر سکونی پهن و بلند وجود داشته
 و کاخی بر آن بنا شده بود. از آثار قدیم این شهر یکی قلعه دختران و دیگر
 نقش شیرین و نقش رستم است که در اینجا تصاویر اردشیر و هرمز با چند
 سوار در سنک نقر شده نیز آثار قدیم شهر گور و مناری در اینجا بنظر میرسد

و آتشکده در آنجا وجود دارد مسافت بین بوشهر بشیراز از راه فیروز آباد در حدود ۳۰۰ کیلو متر و کاروان مدت هشت روز این مسافت را طی میکنند اگر راه شوسه ساخته شود برای حمل و نقل کالا سهل الطریق است .

از فضلا و عرفای فیروز آباد یکی مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب مؤلف قاموس اللغة است .

حکمرانان فیروز آباد تا زمان فتحعلی شاه از سلسله لطفعلی خان فیروز آبادی بوده اند .

تل توپخانه در سالهای پیش نقش مهمی در جنگهای بین ایران و انگلیس بازی نمود و در مستحکمی در جنوب بود در سال ۱۲۵۴ قمری که محمد شاه قاجار هرات را محاصره نمود مردم هرات بدسیسه کامران میرزا و بدستور و تشویق " مکنیل " وزیر مختار انگلیس در ایران باسپاه ایران جنگ میکردند در این وقت بمحمد شاه خبر رسید که کشتیهای جنگی انگلیس وارد خلیج فارس شده و قشون در بوشهر پیاده گردند و از این عده قشون قسمتی در کنسولخانه توقف نمود مردم بوشهر بقیادت و سرپرستی مرحوم شیخ حسن آل عصفور که از مجتهدین بزرگ شهر بود و عده ای از چریک تنگستانی بریاست باقر خان تنگستانی کنسولخانه را محاصره و میخواستند که کنسول انگلیس را از شهر خارج کنند در این گیرودار چند نفر از طرفین کشته و زخمی شدند و نیز جزیره خارگ بتصرف انگلیسیها درآمد سردار انگلیسی در بوشهر اخطار نمود که هرگاه لشکریان ایران از تسخیر هرات منصرف نشوند دوستی چندین ساله بین ایران و انگلیس بخصومت تبدیل و همه کرانه های خلیج فارس بلکه ایالت فارس نیز تصرف خواهد شد - چون دولت ایران قشون منظمی

- ۴۳ -

در بوشهر و سایر بنادر خلیج فارس نداشت از محاصره و تصرف هرات صرف نظر نمود و شاه بهران مراجعت کرد بنابراین لشکریان انگلیس بندر بوشهر و جزایر خارگ و قشم را تخلیه نمودند در سال ۱۲۷۳ قمری مجدداً در زمان ناصرالدین شاه هرات بوسیله سلطان مراد میرزا حسام السلطنه محاصره شد انگلیسها باز کشتیهای جنگی بخلیج فارس روانه کردند چون خبر بکایتان «جنس» کنسول انگلیس در بوشهر رسید نامه بمیرزا حسینعلی خان دریابگی حکمران بوشهر نوشت که بامر دولت متبوعه خود از بوشهر میروید پس از چند روز کشتیهای جنگی در لنگرگاه وارد شدند و قشوف انگلیسی بسرداری ژنرال «اترام» عبارت از ۲۲۷۰ نفر سرباز و توپچی سفید پوست و ۳۴۰۰ نفر هندی و ۳۷۵۰ نفر چریک و مهندس با توپهای بزرگ و کوچک در بندر حلیله پیاده شدند - در این موقع سپاهیان ایران در بوشهر عبارت از سه دسته سرباز قراچه داغی و عده از فوج نهاوندی بسرداری سرهنگ مهدیخان حاضر بودند دریابگی حکمران بوشهر قضایا را فوراً بمؤیدالدوله والی فارس خبر داد مؤیدالدوله بدو درنگ محمد قلیخان ایلیخان و لطفعلی خان سرتیپ فوج قشقایی را بایک فوج سرباز و هزار سوار و چهار اراده توپ روانه نمود که از راه فیروز آباد وارد تل توپخانه شدند و از آنطرف والی فارس محمد علی خان نوری شجاع الملک را با فوج خاصه و فوج چهارم و صد سوار با چهار توپ و یک خمپاره انداز از راه کازرون روانه برازجان کرد ژنرال «اترام» نامه ای بدریابگی نوشت و ۲۴ ساعت مهلت داد که یا تسلیم شود و یا آماده جنگ باشد چون دریابگی که نه اجازه جنگ یا تسلیم داشت در کار خود حیران و سرگردان بود ولی مهدیخان سرهنگ را با عده نفرات ساخلوی بندر بوشهر بقلعه ریشهر در یکفر سنگی بوشهر روانه نمود در آن قلعه جز دیوار خراب

و خندقی خشك و خالی دیگر استحکاماتی وجود نداشت .

در این بین باقر خان تنگستانی با چهارصد نفر چریك بافرزند خود احمد خان تنگستانی بقلعه ریشهر وارد شدند و مهدی خان سرهنك محافظت قلعه را بباقر خان سپرده و خود بیرج خلعت پوشان نزدك بوشهر مراجعت نمود ژنرال « اترام » در سپیده دم با سپاهیان انگلیسی و هندی و سی عراده توپ بقلعه ریشهر حمله کرد باقر خان و احمد خان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی از قلع نفرات خود و زیادی دشمن نهراسیده دلیرانه مشغول جنگ شدند از صبح تا بعد از ظهر زدوخورد ادامه یافت و دشمن چنان نزدك شد که جنگ تن بتن شروع گردید و کار با شمشیر و خنجر و دست بگریبان رسید ۷۴۰ سرباز هندی و انگلیسی کشته شدند و تنگستانها چنان شجاعت و دلیری و پافشاری نشان دادند که ژنرال انگلیسی دستور داد کشتیهای جنگی شروع به بمباران قلعه نمودند که در نتیجه ۷۲ نفر از تنگستانیها و احمد خان کشته شدند هنگامیکه احمد خان بزمین افتاد تفنك خود را در دست داشت یکی از افسران انگلیسی بر بالین او رسید و فرمان داد که تفنك را تسلیم کند ولی احمد خان تا آخرین نفس حاضر بتسلیم سلاح خود نشد چون قلعه بتصرف انگلیسها آمد باقر خان بانفراات چریك قلعه را ترك کردند نامبرده با دوفرزند خود یکی احمد خان و دیگری حسن خان بابرادرزاده های خود احمد شاه خان و محمدعلیخان پیش از شروع جنگ بنا به پیشنهاد انگلیسها بادریاسالار انگلیسی ملاقات میکنند که وعده هائی بباقر خان باپرداخت چند هزار روپیه میدهند ولی او کشته شدن را بردلت مغلوبیت ترجیح میدهد در جنگ تن بتن حسن خان تنگستانی زخمی میگردد و بوسیله یکنفر ساربان او را از میدان جنگ بیرون میبرند و گلوله توپ بران احمد خان اصابت نمود که قادر بحرکت نشد

او در همان موقع در حال زخمی و بارفتن خون زیاد چهار نفر از افسران انگلیسی را با طایانچه میکشد - جنازه احمد خان از طرف سردار انگلیسی به تنگستانها تحویل میگردد و پس از چندی حسن خان نیز در اثر اصابت گلوله توپ در تنگستان فوت نمود - باقر خان تنگستانی در ۷۹ سالگی جهانرا بدرود نمود و جسد او به نجف برده شد و در ایوان موسوم به شهدای جنگ تنگستان دفن گردید .

در این بین ژنرال « اترام » دریابگی خبر داد که بیرق ایران را بزیر آورده و شهر را تسلیم کند او جواب داد که اجازه جنگ ندارد و مهلت دهد تا شجاع الملك وارد بوشهر شود ژنرال انگلیسی باین جواب اعتنائی ننموده با قشون خود بطرف بوشهر حرکت کرد و بیرج خلعت بوشان هجوم نمود در این حمله دو نفر توپچی ایرانی کشته شدند و بقیه سه عراده توپ را گذارده و برج را تخلیه کردند نیز محمد خان دشتی و محمد حسن خان براز جانی و محمد رضا بیات زیارتی تاب مقصومت در خود ندیده برج خلعت بوشانرا ترك نمودند .

در این هنگام دریابگی حکمران بوشهر با اضطراب و ترس بیرق ایران را بزیر آورد و تسلیم گردید و محمد خان دشتی از راه کرانه شیف به برازجان فرار کرد ولی محمد رضاییک به تنهایی چند نفر از سپاهیان انگلیس را کشته و بعد هدف ۳۵ گلوله دشمن شده و کشته گردید بعد از تسلیم دریابگی انگلیسها او را و مهدی خان سرهنک را با سارت به هندوستان روانه نمودند و پس از اشغال بوشهر قسمتی از لشکریان خود را از راه کرانه شیف بطرف برازجان فرستادند بین راه نزدیک قریه خوشاب و سپس در برازجان جنگی بین انگلیسها و لشکریان اعزامی بسرداری شجاع الملك در گرفت و از قشقایها بقیادت ابلخانی چند شیخون زده شد که قریب ۱۵۰۰ نفر

از قشون دشمن کشته شد و تلفات ایران در حدود ۶۰۰ نفر بود عاقبت جنگ دربر از جان متار که شد و آنقصه به تصرف انگلیسها در آمد سپس عده قشون خود را با چند کشتی بطرف خرمشهر (محمره) و اهواز روانه نمودند از طرف ناصر الدین شاه بشاهزاده احتشام الدوله والی خوزستان امر شد که با افراد کزاز و بیات - بهادران - فراهان و سیلاخوری دفاع کند و فوج قدیم از بروجرد و خرم آباد بسرداری امیرزاده والی خرم آباد و سرتیپ محمد مرادخان و آقا جان خان و سرتیپ محمد حسن خان و مهندس میرزا مهدی خان که بدون سوارات و مهمات کافی حتی فاقد بیل و کلنگ بودند وارد خرمشهر شده مشغول کنند خندق و سنگر شدند در این بین چند نفر از افسران فرانسوی پیش از حمله انگلیسها بر خرمشهر وارد این بندر شده و با اجازه احتشام الدوله سنگرهای لشکریان ایران را بازدید نمودند و عدم رضایت خود را از طرح سنگر بندی و دفاع حضوراً با احتشام الدوله اظهار و تذکر دادند و طرح سنگرهای مارپیچ در عمق زمین و نصب توپها را بیان نمودند چون بنظریات افسران فرانسوی از طرف احتشام الدوله و صاحب منصبان ایرانی توجیهی نشد آنها گزارشاتی بوزیر مختار دولت متبوعه در تهران فرستادند و از خرمشهر حرکت نمودند چند روز پس از رفتن آنها پنجاه و هشت کشتی بخاری و بادی باهشت هزار قشون هندی و انگلیسی مرکب از سوار و پیاده نظام با چندین توپ خمپاره انداز و صحرایی وارد شط العرب شده و در جزیره سلمان غضبان پیاده و بسنگر بندی مشغول شدند و کشتیهای جنگی انگلیس یکی بعد از دیگری شب هنگام وارد رودخانه کارون شده و سنگرهای لشکریان را که در کنار رودخانه ساخته شده بود بمباران نمودند بفاصله چند ساعت قشون ایران و افسران آنها ونواب والا احتشام الدوله بدون مدافعه و استقامت رو بفرار نهادند هنوز

تمام سپاهیان دشمن به کرانه پیاده نشده سران قشون ایران خود را باخته و با کمال هراس بطرف اهواز حرکت نمودند ولی یکی از افسران ایران نام آقا جان خان در اثر اصابت گلوله خمپاره کشته شد و جسد او را به اهواز انتقال دادند سربازان ایران گذشته از اینکه جنگی نکردند مهمات حتی بنه و آذوقه احتشام الدوله نواب «والا» را غارت و چپاول نمودند و از اهواز راه شوشتر را پیش گرفتند.

شاهزاده احتشام الدوله و امیرزاده با افواج خود با کمال ترس و وحشت وارد شوشتر شد و صورت هزینه حساب این لشکر کشی را با آب و تاب بتهران فرستاد و بهای سوارسات و جیره و علیق و مخارج عده معددی سوار بسه هزار نفر قلمداد نمود در صورتیکه یکدینار حقوق یا جیره بقشون اعزامی داده نشده بود از افسرانی که در این جنگ شجاعت و دلیری نشان دادند و در مقابل ۳۰۰ سوار و یک فوج پیاده نظام دشمن دفاع نمودند یکی میرزا رضا نایب توپچی و دیگر معصوم سلطان و زین العابدین خان شاهسون و شیخ جابر خان حکمران خرمشهر (محمره) بودند و بقیه سران لشکر ایران از سرتیپ و یاور گرفته تا احتشام الدوله و امیرزاده سنگرها را ترک نموده فرار کردند.

چون در این هنگام بلوا و شورش در هندوستان شروع شد و افکار رجال سیاسی انگلیس متوجه آن نهضت و شورش بود نمیخواستند جنگ ایران و انگلیس دامنه پیدا کند عاقبت عهدنامه صلح موسوم به پیمان پاریس در سال ۱۲۶۷ میلادی بین ایران و انگلیس بوسیله فرخ خان امین‌الملک کاشی (کاشانی) منعقد شد و رجال غافل دربار ناصری هر چه داشتند در طبق اخلاص نهاده تسلیم مامورین سیاسی و عاقل انگلیس نمودند و دولت ایران هرات را برای همیشه تخلیه کرد و در عوض انگلیسها

بوشهر - خرمشهر - اهواز و جزیره خارک را تخلیه نمودند.

بعد از چند روز اقامت از تهران از راه قشلاق بعزم مشهد حرکت کردم از تهران تا مشهد از دو راه آمد و رفت میشود یکی از طریق قشلاق و ایوانکی که جاده خراب و ناهموار است و دیگر از راه فیروزکوه است که از بین جبال شامخ البرز میگذرد از تهران به فیروزکوه در حدود ۱۴۱ کیلومتر و از آنجا بسمنان ۸۱ کیلومتر مسافت است غروب آفتاب بقبضه ایوانکی رسیدم و از آنجا گذشته و از گردنه و تنگه سر دره خوار که محلی است خطرناک عبور نموده دو ساعت از شب گذشته وارد قشلاق شدم قصبه ایوانکی و سر دره در تاریخ مشروطیت ایران شهری دارد زیرا در این محل سپاه محمدعلیشاه مخلوع که از عشایر ترکمن تشکیل شده بود بسرمداری ارشد الدوله که در صدد حمله به تهران برای بدست آوردن تاج و تخت آن پادشاه در مقابل مجاهدین دولت و نفرات بختیاری ها بسرمداری یفرم خان ارمنی و بعضی خوانین بختیاری شکست خورده و منهدم شدند ارشد الدوله از بندر گمش تپه بادو هزار نفر از افراد ترکمن به شروی بطرف شاهرود نمود و بدون رادع و مانع وارد دامغان گردید از طرف دولت وقت دستوری محرمانه بتلگرافچی آنجا داده شده بود که از حرکت ارشد الدوله به تهران اطلاع دهد در این موقع بهخشداد دامغان از ترس فرار نمود پس از ورود ارشد الدوله بدامغان امر نمود که تلگرافچی را حاضر نمایند و از او کسب اطلاع کرد و مبلغی باو عطا نمود بعد از سه روز اقامت در آنجا بسمنان رسید سپس باسرعت خود را به ایوانکی رسانید و در جنگ زخمی شد و در همان محل بامر یفرم خان تیرباران گردید و جسد او را باسرهائی چند از افراد ترکمن به تهران آوردند و محمدعلیشاه از بندر گمش تپه مجدداً بطرف روسیه فرار کرد.

قصبه قشلاق خوش آب و هوا و محلی باصفاست از تهران بقشلاق در حدود ۱۰۲ کیلومتر و از آنجا تا سرخه ۹۶ کیلومتر و تا سمنان ۲۴ کیلومتر مسافت است و جاده دست انداز زیاد و تعمیر لازم دارد.

سمنان

سمنان یکی از شهرهای قدیم است جمعیت آنجا در حدود سی هزار نفر میگویند محصول سمنان گندم - جو - حبوبات - پنبه و میوه است صادرات عمده این شهر خشکبار و پنبه میباشد اطراف سمنان باغ های زیاد است که از چند قنات، مشروب میگردد اخیراً کارخانه ریسمن بافی در آنجا تأسیس شده و مشغول نخ ریزی است مردم سمنان اکثر فقیر و مستمند و بعضی کشاورزند - این شهر دارای دو مسجد است که یکی امیر بختیار در بین سال های ۴۴۶-۴۱۷ هجری قمری پایان رسانیده و ایوان بزرگ این مسجد را شاهرخ در سال ۸۸۰ هجری ساخته و بقیه ساختمان آن قدیمتر است و بعضی قسمت آن در زمان فتحعلی شاه تعمیر شده و منار این مسجد مربوط بدور سلاجقه است و مسجد دیگر موسوم بمسجد سلطانی است که در سال ۱۲۴۲ هجری قمری در عهد فتحعلی شاه بناشده از آثار قدیم این شهر خانقاه شیخ علاء الدوله سمنانی در دوره مغول در صوفی آباد سد فرسنگی سمنان میباشد و این بنا را منسوب بجمال الدین عبدالوهاب وزیر البجایتو میدانند - معدن نفت خوریان در این ناحیه سالهاست مورد توجه خاص روسها میباشد و طبق قرار دادی که بین ایران و روسیه در پیش منعقد شده بوجه هر گاه تا پنج سال نفت خوریان استخراج نمایند قرارداد لغو شود در آن مدت از طرف روسها اقدام برای استخراج نفت بعمل نیامد و در سال ۱۲۹۹ خورشیدی که قرار داد بین ایران و دولت جماهیر شوروی بسته شد دولت شوروی از امتیاز سابق

خود در خصوص نفت نواحی شرقی و شمال شرق ایران صرف نظر نمود
در سال ۱۳۱۵ خورشیدی امتیاز نفت این ناحیه بشرکت دلاور آمریکائی
واگذار شد و مهندسين و نمايندگان آن شرکت بايران آمدند و طبق
پيمان ديگر مقرر گرديد که لوله نفت اين ناحیه را تا بندر چابهار امتداد
دهند و بالشگاه و تصفيه خانه را در آن بندر تأسيس کنند وای طولی نکشید
که شرکت نامبرده قرارداد نفت را لغو نمود و مبلغی طبق قرارداد بدولت
ایران پرداخت کرد. در سه سال پیش مجدداً نمایندگان کمپانی های رویال
دچ شل و استاندارد اویل و سینگلر با ایران آمدند و در نظر داشتند امتیاز
معدن شمال شرقی را بگیرند و کمپسیون مخصوصی با شرکت مستشاران
فنی آمریکائی طرح قرار داد را تنظیم نمود ولی چون بدولت مشورت
و اطلاع دولت شوروی بود ناگهان نماینده دولت نامبرده کمسیون «کافتارادزه»
معاون کمیساریای امور خارجه شوروی وارد تهران شد و پیشنهاد امتیاز
نفت شمال شرقی را بدولت ایران نمود که عملی نشد و عاقبت باعث مقدمات
نبرگی روابط دولت شوروی گردید.

مهندسين طبقات الارضی معتقدند که معادن نفت شمال ایران بالغ
بر پنجاه هزار بار بالاتر قرار گرفته نسبت بمعادن نفت جنوب است و رشته هائی
از چشمه های نفت شمال بطرف جنوب جاری میباشد.
پس از چند ساعت توقف عازم دامغان شدم از سمنان بدامغان در حدود
۱۱۶ کیلومتر مسافت است.

دامغان

این شهر نسبتاً کوچک و کم جمعیت است اکثر مردمش زحمت کش
و کشاورزند محصول آنجا گندم - جو - حبوبات - پنبه و خشکبار است که
مقدار زیادی پنبه و خشکبار بخارجه صادر میگردد از آثار قدیم و تاریخی

در حوالی دامغان محلی است موسوم بصد دروازه « هتکاتوبلیس » که میگویند پای تخت قدیم اشکانیان بوده و دیگر مقبره امام زاده جعفر کتیبه بنای این مقبره بامر شاهرخ در عهد تیموریه نوشته شده و نیز مسجد و منار چهل ستون است که تاریخ بنای آنرا بین قرن سوم هجری قمری میدانند ولی ساختمان منار آن در سده پنجم پایان رسیده و این منار بنام تاری خانه معروف بود و مسجدی داشته که اکنون ویران و مخروبه است و این مناره بنای بختیار بن محمد است که بنای مقبره پدرش پیر علمدار را نیز ساخته است و دیگر از بناهای باستانی در حوالی دامغان برج معصوم زاده در قصبه مهمان دوست است که در زمان سلاجقه بنا شده و تاریخ ساختمان آنرا در سال ۴۹۰ هجری قمری مینویسد و دیگر مناری میباشد که در سال ۵۰۰ هجری ساخته شده و مسجدی که بعد از این مناره بنا گردیده مقبره پیر علمدار طبق کتیبه آن در تاریخ ۴۱۷ هجری قمری پایان رسیده در نزدیک این مقبره مسجدی است که در زمان سلطان الجایتو خدا بنده بوده و نیز مقبره چهل دختران است که تاریخ بنای آن در سال ۴۴۶ هجری قمری است و دارای گنبد و مناری بوده که اکنون خراب و ویرانه شده - در محلی موسوم به بتودربار معدن سرب و در کوه زر معدن طلا و در طاق آستانه معدن ذغال سنگ وجود دارد آهنگران این شهر از ذغال سنگ آنجا برای رفع نیازمندی خود استفاده میکنند - بعد از ظهر بعزم شاهرود حرکت کردم مسافت بین دامغان و شاهرود در حدود ۷۴ کیلومتر است .

شاهرود

شاهرود از توابع بسطام است اکنون بواسطه راه شوسه و آمد و رفت و کلاً نسبتاً آباد شده شهر است کم سکنه و مردمش اکثر فقیر و برخی نیز کشاورزند از لحاظ بهداشت شاهرود بسیار عقب افتاده اکنون بیمارستانی

در این شهر احداث گردیده ولی ساختمان آن کامل نیست محصول اطراف این شهر عبارت از گندم - جو - حبوبات - تنباکو - میوه خشکبار و پنبه است که از آب قنات مشروب میگردد و عمده صادرات آنجا پنبه و خشکبار است در نزدیک شاهرود در محلی موسوم بفرومد مسجد خرابه وجود دارد که تاریخ بنای آن در سده هفتم قمری بوده.

در بین راه چند برج و بارو بنظر میرسد که اثری از مأمورین امنیه در آنجا وجود نداشت. در قصبه عباس آباد لحظه توقف کردم این قصبه را شاه عباس بزرگ بنا نموده و مردمش از نژاد گرجستانی هستند که شاه عباس آنها را بایران آورد در نزدیک عباس آباد کوهی است که اهالی از سنگ آن تسمیح و سورمه دان و سایر اشیاء دیگر میسازند و بمسافری میفروشند و مردمی بدجنس و بیرنگ باز هستند. از شاهرود بسبزوار در حدود ۲۶۶ کیلومتر است و این طولانی ترین راه بین تهران و مشهد است که بزحمت طی گردید چون میبایست مسافت زیادی باز حرکت کنیم شب در قصبه کهک توقف نمودم در این قصبه حشره معروف بغریب گز وجود داشته که پس از فرو بردن نیش خون را مسموم و بلافاصله تب عارض میشود ولی این حشره بخود اهالی آنجا صدمه نمیزند اکنون این جانور نسبت بسالهای پیش کمتر شده و مردم از صدمه آن حشره در امان هستند.

سبزوار

سبزوار جزء خراسان محسوب و نسبت بسایر شهرهای بین تهران و مشهد خوش آب و هوا تراست اطراف این شهر را باغات زیاد احاطه کرده و جمعیت آنجا در حدود ۲۲۰۰۰ نفر میگویند از لحاظ بهداشت و کسادی تجارت و ضعیف این شهر خوب نیست مردم این شهر همه

زحمتکش و کاسب پیشه و اکثر کشاورزند محصول آنجا غله - تنباکو - تریاک - میوه خشکبار و پنبه است این شهر دارای چند دستگاه پنبه پاک کنی میباشد و آب مشروب آنجا از قنات و عمده صادرات سبزوار پنبه و خشکبار است در سمت شمال این شهر مناری است که تاریخ بنای آنرا در سال ۶۰۰ قمری میگویند نیز ساختمان میل خسرو کرد است که طبق کتیبه در سال ۵۰۵ قمری بنا گردیده .

بین سبزوار و نیشابور در حدود ۱۱۹ کیلومتر مسافت است .

نیشابور

نیشابور یکی از شهرهای قدیم ایران است جمعیت این شهر رادر حدود ۳۲۰۰۰ نفر میگویند و دارای آب فراوان و باغات زیاد است محصول آنجا غله - حبوبات تریاک - تنباکو - میوه و پنبه است که از آب قنات چند مشروب میگرد و چند دستگاه پنبه پاک کنی و قالی بافی در این شهر وجود دارد - عمده صادرات این شهر پنبه و خشکبار و قالی است که بسیار مرغوب و خوش بافت است .

همه قسم امراض خاصه تب مالاریا در اینجا زیاد است وضعیت این شهر از لحاظ بهداشت و کمی دارو خوب نیست مخصوصاً بازار و کوچه های آنجا بسیار کثیف است - در نزدیک نیشابور قلعه ویرانه موسوم بسنگبست وجود دارد نیز آثار گنبد و مناری در آنجا دیده میشود که بنای آنرا در سال ۳۸۹ قمری بارسلان جاذب فرماندار طوس نسبت میدهند و کتیبه بخط کوفی در دیوار این گنبد دیده شد - از بناهای قدیم نیشابور مسجد جامع است ساختمان آنرا در سال ۸۹۹ قمری پهلوان علی بن بایزید نموده و مقبره او در این مسجد میباشد و آرامگاه امامزاده محروق در

در دوره شاه طهماسب صفوی بنا شده و تاریخ ساختمان در سال ۹۸۷ قمری بوده و دیگر مقبره عمر خیام شاعر مشهور ایران که در يك فرسنگی جنوب شرقی نیشاپور واقع شده نیز آرامگاه فریدالدین محمد عطار که از عرفای نامی بوده و بنای آنرا بمیر علی شیر نوائی نسبت میدهند - تپه الب ارسلان و تپه آهنگران و تپه شادیاخ که در يك کیلومتری این شهر واقع شده از بنا های دوره سلاجقه میباشد - احداث نیشاپور را از شاپور اول میدانند و سپس در زمان شاپور دوم تجدید بنا یافته بهمین مناسبت آتشکده موسوم ببرزین مهر در قلعه کوه بنالود در مشرق نیشاپور ساخته شده - این شهر چند مرتبه از طرف اعراب و مغولها و افغانها مورد حمله واقع گردید و خسارت و خرابی زیاد بر آن وارد آمده است - شهر قدیم نیشاپور یکفرسنگ در یکفرسنگ طول و عرض داشته .

یکی از مساجد نیشاپور از بناهای ابومسلم والی خراسان بوده سپس عمرو بن لیث صفاری آن را تعمیر نمود در سال ۴۵۷ قمری طغرل بیک سلاجوقی این شهر را تصرف کرد و تا چندی مقر حکمرانی جانشینان الب ارسلان بود .

نیشاپور در اثر حدوث چند مرتبه زلزله خراب و ویران شده و بعدها شهر کنونی در نزد يك خرابه های قدیم این شهر ساخته شد در حوالی شادیاخ در تپه سبز پوشان آثار قدیم و ظروف سفالی ظریف و نسکه های قرن پنجم هجری یافت شده - در شمال غربی نیشاپور معدن فیروزه موسوم ببار معدن وجود دارد و فیروزه های این معدن در دنیا مشهور است - در بین راه نیشاپور بمشهد بنای گنبد قدمگاه واقع که در سال ۱۰۹۱ قمری ساخته شده نیز مقبره خواجه ربیع که از بناهای شاه عباس بزرگ در

سال ۱۰۳۱ قمری با تمام رسیده و کتیبه کاشی در آنجا دیده شد که تاریخ ۱۰۲۶ قمری بر آن نوشته شده است.

مسافت بین نیشاپور بمشهد در حدود ۱۴۳ کیلومتر و جاده نسبتاً صاف و هموار است ولی تسطیح و مرمت لازم دارد و از تهران بمشهد ۹۴۰ کیلومتر مسافت دارد.

مشهد

شهر طوس در حمله مغول صدمه و خرابی بسیار دید سپس امیر تیمور باقیمانده مردم طوس را قتل عام نمود که در نتیجه این شهر بکلی ویران و از بین رفت و بقیه مردمی که از دست لشکریان امیر تیمور جان سلامت بدر برده بمشهد پناه آوردند بعد از امیر تیمور شاهرخ در صدد ترمیم خرابی های پدرش برآمد و فراریهای شهر طوس تکلیف نمود که بشهر خود بازگردند ولی مردم حاضر بیازگشت نشدند بنابراین شاهرخ حصار در اطراف مشهد کشید و تدریجاً جمعیت آنجا افزایش یافت پس از آنکه شهر طوس رو بخرابی گذاشت مشهد آباد شد و شاه طهماسب صفوی حصار بزرگتری بدور مشهد کشید که اکنون آثار آن در قسمتی از نقاط اطراف شهر وجود دارد.

مشهد دارای عمارات مجلل و چند خیابان وسیع از جمله خیابان علیا و سفلی که شاه عباس بزرگ آنها را احداث نموده - شهر مشهد از آب قنوات گل خطمی - دست جرد - تقی آباد - اندشت - رکن آباد - ساسیل - منبع - سناباد - عشرت آباد - سرده - مستشار و چند قنات دیگر مشروب میگردد و بعضی از قنوات قدیم اکنون خراب شده - مرحوم سلطان حسین میرزا نیرالدوله والی اسبق خراسان آب قنات مسجدرا بوسیله لوله

بمسجد گوهرشاد و آستان رضوی آورده است .

چشمه گلسب « چشمه گیلاس » که در بلوك درزآب در هفت فرسنگی غربی مشهد واقع شده و تاموقعی که شهر طوس آباد بود آب این چشمه بمصرف کشت و زراعت آن شهر میرسید بعداً امیر علی شیر نوائی در عهد سلطنت سلطان حسین تیموری نهر جدیدی احداث و آب را بمشهد آورد و شاه عباس آب چشمه گیلاس را از وسط خیابان علیا و صحن کهنه و خیابان سفلی بمشهد رسانید که قسمتی از این آب اکنون بمصرف زراعت میرسد مرحوم محمد ولی اسدی نایب التولیه در چند سال پیش نهری موسوم به گناباد در ده فرسنگی مشهد احداث کرد و بوسیله چهار رشته قنات آب بشهر رسانید و بعداً بر تعداد این قنات افزوده شد که قسمتی از این آب بمصرف کشت و زراعت میرسد و هزینه این قنات را از سرمایه آستان رضوی پرداخت گردیده است .

محصول خراسان عبارت از غله - حبوبات - پنبه - تنباکو - کتیرا - انگوزه - تریاک - میوه - خشکبار و هلو و سیب خراسان در ایران مشهور است - صادرات خراسان پوست - پشم - پنبه - تریاک - خشکبار و قالی است - محصول پشم خراسان در حدود پانزده هزار خروار و فراورد تریاک هزار خروار در سال تخمین میزنند که ۱۲ در صد دارای مرفین است . کارخانه های قالی بافی در مشهد زیاد است و مهمترین آنها دستگاه قالی بافی عموغلی است که از حیث بافت و مرغوبی معروف است قالی های خراسان از جنبه تجارتی در درجه سوم نسبت بقالی های ایران میباشد ولی از نظر خوبی و بافت در درجه دوم واقع شده .

از تأسیسات دیگر در مشهد کارخانه نخریسی و برق خسروی است که روشنی برق شهر را میدهد و نیز مقدار زیادی پنبه خراسان را

تبدیل بنخ و پارچه میکند عده کارگران این کارخانه را ۸۰۰ نفر میگویند. در ۶ کیلومتری مشهد کارخانه قند آبکوه واقع شده و مصرف هر روزه در حدود ۷۰۰ تن چغندر و محصول قند و شکر در سال ۱۳۲۴ خورشیدی این کارخانه ۵۰۰ خروار قند بوده - یکی از صنایع مهم مشهد تراش فیروزه است که معدن آن در اطراف نیشاپور و در بلوک بار معدن استخراج میگردد و پس از تراش به مصرف فروش میرسد.

جمعیت مشهد را در حدود ۱۸۰،۰۰۰ نفر میگویند اکثر مردم این شهر زحمت کش و پیشه ور هستند در بین آنها فقیر و مستند زیاد است. کوچه ها و حمام های این شهر که محل اجتماع صدها هزار زوار است کثیف و اوضاع بهداشت آنجا خوب نیست - در مشهد مریضخانه نجمیه و مریضخانه آمریکائی که از طرف مؤسسه خیریه آمریکائی تأسیس شده و بیمارستان شاه رضا که در سابق بدارالشفای آستانه معروف بوده میگویند زمانی که علی شاه برادرزاده نادر شاه در خراسان حکومت داشته املاکی برای دارالشفای وقف نمود و محل سابق آن در مقابل مسجد گوهر شاد بوده و ناصرالدین شاه دارالشفای جدیدی در خیابان علیا بنا کرد - مرحوم اسدی نیز در اراضی الوندشت بیمارستانی از بودجه موقوفات رضوی بنیاد نمود این بیمارستان دارای سیصد تخت خواب و هزینه سالیانه آن در حدود هفتصد هزار تومان میباشد بعلاوه در آنجا زایشگاهی بنانهاده و اکنون برای توسعه آن ساختمانی میکنند که گنجایش هشتاد تخت خواب برای زنان خواهد داشت - در اراضی الوندشت دارالعجزه (نوانخانه) آستان قدس رضوی واقع شده که در حدود ششصد نفر فقیر و بینوا در آنجا غذا و لباس میدهند و قرائی که توانائی کار دارند بکارهای بنائی و قالی و پلاس بافی وادار میکنند و دستمزد هر يك در حساب آنها نگهداری و در موقع خروج از نوانخانه

برای سرمایه باصحابان آنها میدهند - در خارج دروازه نوغان در مزرعه محراب خان اشخاص جذامی باهزینه آستان رضوی پرستاری می‌شوند نیز در پرورشگاه بیمارستان شاه رضا اطفال بی سرپرست و ولگرد را نگهداری مینمایند .

آستان رضوی دارای پنجره‌ارقطعه زمین مزوعی میباشد که در حدود دو میلیون تومان در سال درآمد نقدی و جنسی دارد که مبلغ هنگفتی بمصرف مؤسسات خیریه میرسد .

مهمانخانه رضوی برای شام و نهار خدام حرم تخصیص یافته و فقرا و مستمندان از خوان نعمت این مهمانخانه محرومند و گاهی بعضی زوارها بنام تبرک غذا میدهند - این مهمانخانه طبق وقفنامه مخصوص زوار بوده که اکنون متروک مانده و بآن عمل نمیکند و فعلاً ساختمان مجللی در کنار خیابان فلکه برای مهمانخانه رضوی در دست اقدام میباشد .

در مشهد چندین مدرسه قدیمی برای تعلیم علوم دینی و سکونت طلاب در عهد صفویه بنا شده از جمله مدرسه میرزا جعفر - مدرسه خیرات خان - مدرسه ابدال خان - مدرسه نواب و مدارس دیگر است - مدرسه بالاسر میرزا ابوالقاسم بابر تیموری و مدرسه پریزادشاهرخ تیموری و مدرسه دو در خواجه یوسف غیاث الدین که یکی از امرای شاهرخ بوده بنیاد کرده اند نیز چند مدرسه دیگر بوده که در موقع احداث خیابان شمالی و جنوبی خراب شده است علاوه بر دبستان های ملی و دولتی پنج دبستان جدیدالبنا از طرف آستان رضوی ساخته و باختیار اداره فرهنگ خراسان گذارده شده .

از مساجد مهم مشهد مسجد با عظمت گوهرشاد است که او همسر شاهرخ بن امیر تیمور بود این مسجد در سال ۸۲۱ هجری قمری بمعماری

زین الدین بن قوام الدین شیرازی ساخته شده که از چهار سمت دارای چهار ایوان و شبستان های زیاد است که با بهترین کاشی های عهد تیموری زینت یافته که مهمترین آنها ایوان مقصوره میباشد و دو مناره و گنبدی بزرگ دارد و کتیبه بخط ثلث بایسنقر خوشنویس باین عبارت نوشته « راجیاً الی الله بایسنقر بن شاهرخ بن تیمور گورگانی فی ۸۲۱ قمری » دارالحفاظ و دارالسیاده که بین مسجد گوهرشاد و حرم رضوی واقع شده نیز از بناهای گوهرشاد است - ساختمان مسجد گوهرشاد در مدت ۱۲ سال پایان رسیده و تولیت جداگانه دارد.

مسجد شاه که بانی آن ملک شاه یکی از امرای تیموری در سال ۸۵۵ قمری بوده و گنبد آن با کاشی هائی برنگ فیروزه بسیار ممتاز ساخته شده و دارای دو مناره است که اکنون بالای مناره ها خرابی پیدا کرده این مسجد در سال ۱۳۱۸ قمری مرمت شده - مسجد بالاسر که در دوره تیموریان ساخته شده در سال ۱۲۷۷ قمری تعمیر شده است.

از بنا های دیگر مشهد مقبره شیخ محمد معروف به پیر پالان دوز که یکی از فضایل عهد صفویه بوده این مقبره در زمان سلطان محمد صفوی پدر شاه عباس بزرگ ساخته شده - دیگر ساختمان مصلی است که در عهد شاه عباس بنا گردیده و اکنون مخروبه است - مقبره شیخ استرآبادی که از عرفای دوره صفوی بوده و گنبد آن معروف بگنبد سبز است و مقبره شیخ طبرسی صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان و شیخ حر عاملی مؤلف کتاب وسائل الشیعه و مرقد شیخ محمد بهاء الدین که در سردابه مخروبه ای در کنار صحن نو بوده و اداره آستانه ساختمان مجلل و آئینه کاری مفروش با سنگهای مرمر ممتاز در آن بنا نهاده است و خواجه زبیر بن خشم و میرزا ابوالقاسم بابر تیموری و سایر علمای اسلامی و نیز مقبره عباس میرزا

نایب السلطنه در مشهد واقع شده است .

آرامگاه نادرشاه در خیابان علیا بنائی است مجلل و ازسنگ های مرمر ساخته شده و معروف بباغ نادری است وبا گل کاری قشنگی تزئین یافته و محل تفرجگاه عموم میباشد.

دیوار حرم حضرت رضا (ع) ازچینه گلی (دای) بدستور شرف الدین ابوطاهر قمی ساخته شده و در داخل حرم کاشی هائی که شبیه بجینی است تزئین یافته و روی قبر آن حضرت دوضریح قرار دارد که ضریح زیر از نقره و در طرف پا دارای درب مرصعی است و ضریح روئی از بولاد است و معروف است که این ضریح بولادی روی قبر نادرشاه بوده چون مقبره نادر بامر آغا محمدخان خواجه خراب کردند این ضریح را از آنجا انتقال و روی قبر رضوی قرار دادند و سابقاً دارای يك ضریح مطلا بوده و بدستور رضاشاه آنرا برداشته و سنگ مرمر در روی مرقد مطهر قرار داده اند که چون چراغ برق در داخل آن روشن شود درخشندگی خاصی پیدا میکند در کتیبه زیر طاق گنبد روی زینه قرمز سورة جمعه بخط علیرضای عباسی خوشنویس تزئین و نوشته شده و آینه کاری دیوار حرم و رواق های اطراف آن در زمان ناصرالدین شاه ساخته اند - گنبد حضرت رضا (ع) را شاه طهماسب صفوی طلاکوب نموده و بعد شاه عباس کتیبه بدستخط علی رضای عباسی بر آن افزوده است و نیز بدستور شاه طهماسب مناره جنب گنبد ساخته و طلاکوبی شده (مقبره شاه طهماسب در پشت حرم در صفا شاه طهماسب واقع شده)

اللهوردیخان که والی فارس در عهد شاه عباس بود در نزدیک توحید خانه رواقی ساخته که مشهور بگنبد اللهوردیخان است و مقبره او در یکی

از اطاق های این رواق واقع شده - از توحید خانه راهی است که بایوان طلای صحن کهنه میرود و این ایوان را امیرعلی شیر نوائی ساخته و نادر آنرا طلاکوبی نموده است و دارالسعاده و گنبد حاتمخان از بنا های دوره صفوی میباشد. صحن کهنه از بناهای شاه عباس و دارای چهار ایوان و حجره های زیاد است و ایوان شمالی این صحن دارای کاشی های ممتاز و ظریف میباشد و معروف بایوان عباسی است. در ایوانهای دیگر سمت شرق و غرب صحن کهنه کتیبه هایی بخط علی رضای خوشنویس عباسی بنظر میرسد و مناره پشت ایوان عباسی بامر نادرشاه طلاکوب شده است.

صحن جدید رضوی در سمت مشرق دارالسعاده و حرم آن حضرت از بناهای فتحعلی شاه است - صحن جدید دارای چهار ایوان است و ایوان متصل بدارالسعاده طلاکوب میباشد و عمارت موزه و کتابخانه آستانه رضوی که مدت هشت سال ساختمان آن خاتمه یافته این بنا دارای سه اشکوب و نمای آن با سنگهای خالص که از نقوش و رنگهای متنوع و قشنگ زینت یافته و در حدود بیست میلیون ریال هزینه ساختمان آن بوده و از حیث ظرافت و عظمت بی نظیر است.

در کتابخانه رضوی در حدود شانزده هزار جلد کتب مختلفه و چند جلد قرآن مجید که بعضی از آنها بخط کوفی نوشته شده از جمله قرآنی است بدستخط حضرت علی (ع) که بر پوست رقم یافته و قرآن دیگر بخط بایسنقر و یکی دیگر بخط سلطان ابراهیم برادر بایسنقر و شاه عباس بزرگ آنها را هدیه و وقف نموده و قفنامه آنها را شیخ بهاءالدین نوشته است.

از کتب نفیسه این کتابخانه کتاب خواص الشجر و الحیوان است که

شاه عباس در سال ۱۰۱۷ قمری آنرا وقف آستانه نموده مؤلف این کتاب مهران بن منصور بن مهران بوده که در زمان سلطنت الب اینانج قتلغ بگ از زبان سیریانی عبری ترجمه شده و دارای ۲۸۴ صفحه و ۱۱۳۶ اشکال حیوانات و نباتات است - دیگر کتابی است که مؤلف آن جابر بن حیان که از شاگردان امام صادق (ع) بوده و راجع بعلم فیزیک و شیمی نوشته نیز کتاب شیخ بهاء الدین که در علم هندسته مرقوم داشته و خطوط معاریف و خطاطین و کتب خطی و مرقعات زیاد در این کتابخانه وجود دارد .

در موزه آستان رضوی اشیاء نفیسه و قیمتی از جمله قالی های عهد صفویه و پرده های زربفت و مروارید دوز و تاجهای مرصع و جواهرات گران بهاء و خنجر و شمشیرهای قدیم جواهر نشان و فیروزه های بزرگ قیمتی و منبت کاری های بی نظیر و اشیاء دیگر وجود دارد .

معروف است محل آرامگاه رضوی در قدیم باغی بوده که به محمد بن قحطبه تعلق داشته و مأمون عباسی در آنجا مدفون است - حرم آن حضرت از بهترین کاشی کاری سده دوره تاریخی است و بنای گفته ابن حوقل مورخ عرب اطراف حرم در نیمه قرن چهارم هجری یک قلعه و دیواری احاطه داشته سپس بامر سلطان سنجر سلجوقی تعمیر شده و در سال ۶۱۲ هجری قمری سلطان الجاتیو خدا بنده مجدداً آنرا مرمت نموده است و حرم کنونی رضوی نتیجه یک سلسله ساختمانها از چند قرن میباشد و کتیبه هایی بخط کوفی محمد بن طلحه در قرن هفتم قمری در آنجا نوشته است .

در سال ۶۴۰ قمری مغول ها مشهد را تصرف کردند و قسمتی از حرم رضوی را خراب نمودند - نیز عبدالمومن خان اوزبک هنگامیکه شاه عباس بزرگ مریض و در زاویه حضرت عبدالعظیم اردو زده و بستری بود شهر مشهد را پس از مدتی محاصره تسخیر و در صحن حرم رضوی مردم را قتل عام

نمود و کتابخانه آستانه را آتش زد اکنون قرآن های نیم سوخته بیادگار آن روز وجود دارد و خرابی اوزبکان لطمه سختی بر آبادی مشهد و بر آستانه رضوی وارد ساخت -

بالاترین صدمه و لطمه که بر مشهد و آستان قدس رضوی وارد آمد که در تاریخ معاصر ثبت خواهد ماند قضیه فجایع تأسف آور مسجد گوهرشاد در زمان رضاشاه پهلوی بود که علاوه بر هتک مقام آستان رضوی حدوث آن سانحه مخالف احساسات بشری نیز بوده که چند هزار زوار و سکنه این شهر در مسجد نامبرده پای منبر موعظه و خطابه جمع شده بودند که ناگهان اطراف آنها را محاصره و با شراره مسلسل آن بیچاره ها را بـخاک و خون افکندند - میگویند تا مدت سه روز اجساد کشته گانرا از مسجد گوهرشاد بخارج حمل میکردند و صحن مسجد با خون گالگون بیکناهان رنگین بود - رضاشاه در مقابل این فجایع و کلای مجلس را در کاخ مهرم مخاطب نمود « من عقیده مند بحضرت رضاهستم و بهمین مناسبت نام خود و اولاد خود را رضا نامیدم » درواقع مسجد گوهرشاد چند نفر نظامی که دستور مافوق خود را درشلیک بمردم اجرا ننموده بودند بدست افسران خود کشته شدند - واقعه جانشوز مسجد گوهرشاد کمتر از حادثه بمباران گنبد مطهر رضوی بدست نظامیان روس تزاری نبود باین فرق که آنها مسیحی تابع ارتودکس و اینها ایرانی و ظاهراً مسلمان بودند -

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند

یکباره بر جریده رحمت قلم زنند

ملك محمود سیستانی نیز مشهد را تصرف کرد ولی نادر شاه

او را شکست داده و بقتل رسانید .

پس از مرگ نادر شاهرخ نواده نابینای او مدت چندسال در مشهد حکمرانی داشته سپس تاهمتی این شهر مورد نزاع و کشمکش بین کریمخان زند و احمدشاه درانی امیر افغانستان بود .

مسجد و گنبدی در محلی موسوم بسنگان پائین واقع شده که تاریخ بنای آنرا در سال ۸۳۵ هجری قمری میگویند در ۲۲ کیلو متری مشهد بنای میل اخنجان که شاید مربوط بدوره سلجوقیان یا پیش از آن باشد و در چهار فرسنگی مشهد شهر قدیم طوس که اکنون مخروبه بیش نیست و در کنار رودخانه کشف رود واقع شده و آرامگاه ابدی فردوسی شاعر نامی ایران در آنجا میباشد اخیراً مجسمه او بهمت زرتشتیان ایرانی مقیم هندوستان تهیه و در میدان خیابان فردوسی تهران نصب شده است . در کلات نادر بنای عمارت خورشید که نادرشاه ساخته و در قسمت مرکزی آن برجی است که تاریخ بنیاد آنرا در سده هفتم نوشته اند - در طبس مدرسه و مناریست که در دوره سلاجقه ساخته شده و در اثر حدوث زلزله سال ۱۳۱۸ قمری آسیب زیادی دیده - در تربت حیدری مقبره قطب الدین حیدر واقع است که در زمان تیموریان بنا گردیده و شاه صفی مسجدی در آنجا بنا گذارده است .

تهران - مجلس شورای ملی

پس از مراجعت از مشهد به تهران آمدم در چند جلسه مجلس حضور یافتم اکنون عده نمایندگان ۱۲۰ نفر است ولی بموجب قانون انتخابات میبایست ۲۰۰ نفر باشند در طبقه فوقانی تالاره مذاکرات نمایندگان در طرف راست محلی بنام نوین مخصوص تماشاچیان محترم است در سمت چپ این طالار محلی دیگر برای مدیران جراید اختصاص دارد و در وسط

این محل جای جلوس شاه است که در دو طرف آن سفرا و نمایندگان خارجه قرار میگیرند و در يك قسمت پامین تالار جای تماشاچیان میباشد. رسمیت مجلس با زدن زنگ شروع شد و بمذاکرات نمایندگان و رطب ویابس آنها گوش میدادم و اکثر مذاکرات آنها قبل اذ دستور روی مسائل فرعی بود و به اصل درد این ملت بیچاره و اوضاع کشور ستم دیده توجهی نبود و اختلاف نظر و دوئیت و غرض رانی کاملاً بین نمایندگان حکمفرما بود نزدیک دو ساعت در این کعبه آمال ملت مذاکرات بطول انجامید خسته شدم و بحال ملت و مملکت افسوس خوردم پس از ختم جلسه با برخی از نمایندگان که افتخار شناسائی آنها را داشتم صحبت می کردم که نمایندگان مجلس شورای ملی مسئول مقدرات ملت هستند و مذاکراتی که در مجلس میکنند در داخله و خارجه انعکاس میبخشد و کلاً که بنام ملت در مجلس هستند وزیرانی بمیل خود انتخاب میکنند و چون دولت که برگزیده این مجلس است از طرف نمایندگان حقیقی ملت انتخاب نشده نمیتوانند مصالح و منافع کشور را حفظ و حراست کنند و تجربیات تلخ در این چند دوره مجلس شورای ملی هویدا و آشکار است تازمانی که در قانون انتخابات تجدید نظر نشود هیچ امید اصلاح در اوضاع مملکت نمیرود و هر نماینده خیر اندیشی که پیشنهاد تجدید قانون انتخابات را در مجلس بدهد و عملی شود خدمت بزرگی به اصلاح مملکت نموده است اگر برای تقدم اصول پارلمانی در جهان فضلی قائل بشویم این فضیلت از ملت انگلیس خواهد بود و این ملت حق دارد که سبقت در مشروطیت و دموکراسی را افتخار خود بداند ملت انگلیس در راه چنین منظور عالی شایستگی و لیاقت نشان داده و بادرک معنی آزادی و پرورش صحیح آن موانع و دشواریهای سخت را به نیروی کاردانی و اتحاد کامل از پیش پای خود

برداشت مقارن سال ۱۶۸۸ میلادی بود که پارلمان انگلیس پس از
 چند سال جنگ و کشمکش داخلی قدرت دائمی حاصل نمود و چنان
 برپایه استواری قرار گرفت که حوادث زمانه و مخالفت های روزگار
 نتوانست این بنای آزادی و قدرت پارلمانی را متزلزل سازد افتخار اصول
 پارلمانی بافضیلت قانون اساسی بریتانیا تنها در سبقت و تقدم آن نیست
 بلکه در روح و معنویت آن میباشد که از مجموع عادات قدیمه و احترامات
 آنملت نسبت بحقوق تولید شده و در مواقع سخت و ضروری متفقاً جان
 و مال خود را برای تأمین سعادت ملت و مملکت نثار نموده و این فضیلت
 اختصاص بملت انگلیس دارد که در سایر ملل کمتر دیده شده قوانین
 اساسی بریتانیا مادر قوانین اساسی کشورهای دیگر شناخته شده نمایندگان
 پارلمان انگلیس از هر صد هزار نفر افراد ملت انگلیس یک نفر انتخاب
 میگردد که مستخین اقلاً چند ماه در حوزه انتخابیه خود اقامت داشته و از
 اوضاع آن محل کاملاً مسبوق و مطلع میباشند ملت انگلیس اکنون
 بسه حزب و فرقه منقسم شده و هر يك برای خود عقاید و نظریاتی دارند
 و رئیس برای خود انتخاب میکنند و تابع رأی و اقدامات او هستند
 حزب کونسرواتور و حزب لیبرال و حزب کارگر از احزاب مهم انگلستان
 هستند در پیش حزب کونسرواتور دوک و حزب لیبرال را توره مینامیدند
 کونسرواتور بیشتر مرام آنها جنگ و غلبه و اقتدار و توسعه مستعمرات است
 و برعکس لیبرال که مرام آنها صلح جوئی و مساوات و حافظ حقوق خود
 و سایر ملل میباشد و حزب کارگر طرفدار فقرا و کارگران و مرام آنها
 اصلاح و تسهیل امور زندگانی کارگر ورنجبران است عقاید و آراء احزاب
 نامبرده از نمره علم و تجربه آنها پیدا شده از هر حزب که بیشتر نماینده
 انتخاب شد همیشه در پارلمان اکثریت دارند و نخست وزیر ازین همان

فرقه اکثریت انتخاب می‌گردد و نخست وزیر میبایست دارای تحصیلات عالی باشد از برکت نظم و صحت کار و تقسیم منظم آراء میباید که ملت انگلیس نمایندگان پارلمان را انتخاب میکند و پس از اتمام انتخابات اسامی منتخبین هر حزب معلوم میگردد و انتخابات کمتر از یک هفته انجام مییابد و منتخبین مبلغی برسم و دیعه بخزینه دولت میپردازند حزب اقلیت در پارلمان دسته مخالف دولت را تشکیل میدهد ولی در مواقع سخت و بحرانی که اهمیت و عظمت میهن خود را در خطر میبینند با احزاب دیگر اتفاق نموده مانند نفس واحد در رفع خطر میکوشند در پارلمان انگلیس همیشه اکثریت با حزب محافظه کار « کونسرواتور » بوده و کمتر سایر احزاب دولت را تشکیل میدهند در انتخابات ۱۹۴۵ میلادی که دولت کارگر روی کار آمد قریب ۸۵ نفر زن برای نمایندگی معرفی شدند و رأی دهندگان آنها در حدود ۲۴ میلیون نفر زن بوده و در انتخابات سالهای پیش ۶۶ نفر زن نامزد نمایندگی بود ولی نه نفر از آنها بنمایندگی برقرار شدند در پارلمان انگلیس در حدود ۶۵۰ صندلی برای نمایندگان وجود دارد در سال ۱۹۴۵ قریب ۲۲ میلیون از رأی دهندگان مرد بوده در انگلستان مردم عقیده دارند که احترام و ادب نسبت به جنس لطیف هنوز بدان پایه نرسیده که کرسیهای پارلمان را اشغال کنند.

پارلمان فرانسه در سال ۱۸۷۵ میلادی بعد از جنگ آلمان و فرانسه و اسارت ناپلئون سوم در قلعه سدان تشکیل شد و مرکب از مجلس سنا و مجلس شورای ملی میباید و نمایندگان مجلس سنا پس از ۹ سال یک مرتبه انتخاب میشوند و سن آنها از چهل سال کمتر نباید باشد و نمایندگان مجلس عوام پس از چهار سال یکمرتبه انتخاب میگردند و سن آنها کمتر از ۲۵ سال نیست و مردم از سن ۲۱ سالگی حق انتخاب نماینده دارند

و ۵۸۶ کرسی در مجلس برای نمایندگان وجود دارد احزاب فرانسه عبارت از رادیکال و سوسیالیست و جمهوری خواهان و حزب کمونیست که اکنون ۱۵۶ کرسی در مجلس ملی فرانسه بدست آورده اند و در حقیقت اکثریت با آنهاست در میان نمایندگان کنونی فرانسه ۳۱ نفر زن عضویت پارلمان قبول شده و این نخستین بار است که در تاریخ انتخابات فرانسه زنان نمایندگی انتخاب شده اند در این موقع حزب رادیکال که همیشه اکثریت داشتند شکست خورده و در اقلیت واقع شده اند اکنون که این سطور را مینویسم مجلس مؤسسان فرانسه مشغول تجدید نظر در قانون انتخابات میباشد نویسنده حیرانم که روزگار چگونه ملتی را چنین موفق و مسعود و دیگری را چنان منکوب و مطرود یکی را بتمدن و تعالی و دیگری را در چاله وحشت و بیچارگی سرنگون میکند چرا روزگار ملتی را میتوانزد و دیگری را مبتذل میسازد.

در کتابخانه مجلس چند هزار کتب مختلف بفارسی و زبان های بیگانه موجود است از جمله ۱۷۵ جلد کتاب قانون بزبان فرانسه است ساختمان های جلسه و عمارات رئیس مجلس و معاونین او که بنام اداره تقنینیه معروف است و نیز بنای پست و تلگراف و چند ساختمان دیگر در مجلس از بناهای عالی است در حیاط مجلس مجسمه فرشته آزادی برزیبائی و منظره این بنا یا کعبه آمال ملی افزوده است.

چون شنیده بودم مجسمه فلزی ناصرالدین شاه که بر اسب سوار است در باغشاه نصب شده باکسب اجازه برای تماشای آن رفتم ولی اثری از آن مجسمه نیافتم معلوم شد که بامر رضاشاه پهلوی آنرا ازین برده اند اکنون که این سطور را مینویسم چند مجسمه پهلوی را ساخته و در چند خیابان تهران و در میدان ایستگاه راه آهن تهران نصب شده اگر چه این

رسم و تقلید از اروپا بایران آمده ولی در اروپا هر زمان مرد بزرگ یا پیشوائی خدمات بزرگی بملت و مملکت خود کرده باشد پس از مرگ بمنظور قدردانی مجسمه او را ساخته و در میدانهای عمومی برای یادگار نصب مینمایند همانطور که مجسمه ناپلئون اول پادشاه دانا و توانای فرانسه را بعد از مرگش ساخته اند میگویند در زمان حیات او مجسمه او در پاریس ساخته و نصب گردید او از دیدن مجسمه خود در خشم و غضب شد و گفت در وقتی که ما نتوانیم يك قایق ماهیگیری را بساحل انگلستان بفرستیم چگونه شما عقاب فرانسه را جلوه گر میسازید آنچه را ساخته اید بشکنید و مانند آن دیگر بمن نشان ندهید.

یا مجسمه مردی مانند ژنرال «موند» فاتح بین النهرین در جنگ بین الملل اول که اکنون در کنار رود خانه دجله مجسمه او نصب شده برای معرفی این ژنرال نامی مینویسیم که هنگامی که ژنرال «تونشن» سردار انگلیسی با ۱۲ هزار نفر سپاهیان خود پس از چند روز محاصره در کوت العماره نزدیک بغداد اسیر سردار ترك گردید و باسلامبول برده شد ژنرال «موند» با جنگهای سخت و پیشرفت سریع خود کوت العماره و بغداد را تصرف نمود و قشون ترك را شکست سخت داد بواسطه گرمی هوا و زحمات طاقت فرسا مریض شد و در بغداد فوت نمود بواسطه این فتح نمایان اکنون در بغداد آرامگاه و مجسمه او نزدیک پل موند که بنام او معروفست بنا گردیده و اینکه سرداری مانند ژنرال «رابرت» فاتح برمه و افغانستان که مجسمه او را در هندوستان ساخته و یادگار او باقیمانده است در سال ۱۸۷۹ میلادی ژنرال نامبرده با سپاهیانش بر افغانستان حمله کرد و قشون امیر شیرعلیخان افغانی را در معبر خیبر و کتل پیوار شکست داد شیرعلی خان پادشاه افغانستان عهد نامه سری با دولت روسیه تزاری منعقد نمود

و وعده کرده بود که مقدمه الجیش قشون روس در فتح هندوستان باشد و روسها متعهد شده بودند که مرز افغانستان را تا پيشاور امتداد دهند ولی با فرار او بطرف بلخ همه نقشه های خیالی او از بین رفت و امید او مبدل به یأس گردید شیرعلی خان پیش از مقابله با قشون انگلیسی بسرش یعقوب خان را بجای خود در کابل گذارد انگلیسها بعد از فرار او با یعقوب خان مکاتبه و مراوده نمودند و نماینده انگلیس موسوم «لوی کوانیاک» را در کابل بپذیرفت ولی ملت افغانستان از یعقوب خان راضی نبودند و چون سفیر انگلیس خود را مالک الرقاب افغانستان میدانست و در امور داخلی مداخله میکرد افغانها عصبانی بودند عاقبت بتحریر دودخان سردار سفیر انگلیس را در کابل کشتند و در اثر این پیش آمد انگلیسها یعقوب خان را گرفته بهندوستان فرستادند و تا زمان حیاتش در شهر لاهور تحت نظر بود.

شیرعلی خان از بلخ نامه بژنرال «قاسومان» سردار روس نوشت و از او خواش کمک و مساعدت نمود و در نظر داشت بروسیه برود ولی روسها عذر آوردند و بالاخره با حال یأس و تأثر در بلخ قوت نمود و امیر عبدالرحمن خان بجای او بیادشاهی افغانستان منصوب شد.

هنگامی که رضاشاه پهلوی زمام امور را بدست گرفت و مردم ایران نسبت باو ایمان و عقیده داشتند او هم کارهای نیک و مفیدی برای مملکت انجام داد بنای کارخانه های قند سازی و پارچه بافی و نظام وظیفه و تأسیس بانک ملی و دانشگاه و تشکیل نیروی دریائی در خلیج فارس و لغو کاپیتولاسیون و سایر اصلاحات دیگر از کارهای او است و اما بعدها اطرافیانش پرده سیاهی بین او و ملت کشیدند و او مجذوب و مغرور مال و جلال املاک و قصور عالی گردید و از عموم مردم نفرت داشت

و در مهم امور مملکت بدون مشورت و زرای مسئول حتی امور سیاست خارجی را خود بشخصه انجام میداد و عاقبت در بازی شطرنج سیاست بین المللی در مقابل مهره حریف شاه مات شده تاج و تخت خود را باخت و انگلیسها او را از ایران بجزیره موریس و از آنجا بشهر جهانسبورگ در جنوب افریقا بردند و در آنجا فوت نمود بعدها تاریخ اعمال او را قضاوت خواهد کرد و او را چنانکه بوده معرفی خواهد نمود.

چون نام کاپیتولاسیون در بین آمد لازمست بطور مختصر تاریخ جگونگی آنرا برای اطلاع خوانندگان محترم بنویسم.

کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولها، قرار دادیست که بین دول غربی با شرقی برای حفظ منافع حقوقی اتباع اروپائی بسته میشد در سال ۱۵۳۵ میلادی در زمان سلطان سلیمان اول پادشاه عثمانی که عین اقتدار عثمانی و ضعف اروپائیان بود دولت عثمانی فریب سخنان حق بجانب فرنگیان را خورده بافرانسوای اول امپراطور فرانسه عهدنامه منعقد گردید که اتباع فرانسه در خاک عثمانی وارد شده و مشغول تجارت شوند و تابع احکام کنسول دولت متبوعه خود باشند و بدین طریق برای سایر ممالک شرق که تدریجاً روبه ضعف میرفتند اولین سنگ بنیاد را کج نهاد و نیز در سال ۱۷۴۰ میلادی قرارداد دیگری بین سلطان محمد اول و اوئی پانزدهم بسته شد که رعایای فرانسه حق اقامت در خاک عثمانی و آزادی مذهب داشته بعلاوه دارای حق برقراری سفیر و کنسولهای فرانسه در قلمرو خاک عثمانی باشد در سال ۱۸۲۰ میلادی هم دولت اطریش و روس حق قضاوت کنسولها در خاک عثمانی برای اتباع خود دارا شدند و از این رو در سال ۱۸۴۶ میلادی محکمه هائی در اسلامبول و سایر شهرستانهای ترکیه مرکب از دونفر

قاضی دائمی و چهار قاضی علی البدل که دو نفر از آنها تبعه عثمانی و دو نفر دیگر از اتباع دول خارجه بودند باحضور نماینده سفارت ویا کنسولگری آندولت برای این منظور تشکیل گردید .

دولت عثمانی و سایر دول دیگر راضی نشدند محاکم کنسولگری ایران چنین حقی را دارا باشند و اعتراض داشتند که در ایران اصول محاکمات صحیح نیست لذا در زمان مرحوم محسن خان مشیرالدوله دولت ایران قبول نمود که اصول محاکمات عثمانی را در محاکم کنسولی ایران اجرا نماید تا اگر تبعه ایران مدعی علیه باشد محاکم کنسولی ایران بتوانند رسیدگی نماید . در عهد نامه ترکمن چای در سال ۱۲۴۳ هجری قمری که بامضای عباس میرزا نایب السلطنه و ژنرال « پاسکویچ » رسیده بود دولت روسیه تزاری حق قضاوت کنسولها را برای اتباع خود در ایران قائل شد و طبق ماده هشتم قرارداد دولت روسیه حق آنرا داشت که هر گاه اتباع روسیه مجرم بقتل باشند مقصر را باید بروسیه اعزام و در آنجا موافق مقررات محاکم روسیه تعقیب گردد . در عهدنامه پاریس بعد از جنگ بین ایران و انگلیس در سال ۱۲۷۳ هجری قمری بین دو دولت نامبرده منعقد گردید دولت انگلیس نیز حق قضاوت کنسولها را برای اتباع خود دارا شد بدین معنی که در ماده نهم تصریح شد که رفتار طرفین نسبت بنمایندگان و اتباع کمتر از رفتاری نباشد که با دول کامله الوداد معمول میدارند . بنابراین ماده هر حقی را که روسیه در ایران از لحاظ قضاوت کنسولها داشتند انگلیس ها هم حاصل کردند و بنام عهدنامه کامله الوداد معروف بود در ماده نهم این عهدنامه چنین قید شده بود که طرفین تعهد میکنند که در نصب و استقرار کنسولها در خاک یکدیگر و وضع دول کامله الوداد داشته نسبت باتباع و تجارت دول کامله الوداد

منظور و رفتار نمایند در سال ۱۸۹۲ میلادی دولت ترکیه هنگام تجدید عهدنامه تجاری با آلمان لغو حق قضاوت کنسولها را خواستگار شد و نیز در سال ۱۹۱۲ میلادی که قرارداد لوزان بین ترکیه و ایتالیا منعقد گردید پیشنهاد لغو این قرار داد را با ایتالیا کرده بود و در سال ۱۹۱۴ میلادی دولت ترکیه کلیه امتیازاتی را که اتباع خارجه در ترکیه دارا بودند لغو نمود.

در مصر نیز سه محکمه ابتدائی در قاهره و اسکندریه و منصوبه برای حق قضاوت کنسولها وجود داشت و هر یک از محاکم مرکب از هفت نفر قاضی بود که چهار نفر از طرف دول اروپائی و سه نفر از قضات مصری بودند در سال های پیش دولت انگلیس دو نفر انگلیسی را بعنوان قضات مصری وارد این محاکم نمود و محکمه استیناف در اسکندریه با حضور هشت نفر قضات دول اروپائی و چهار نفر مصری تشکیل و رئیس این محکمه برای اکثریت از قضات خارجی منصوب میگردد این محکمه صلاحیت هر گونه رسیدگی در مسائل حقوقی و جزائی بین اتباع خارجه و مصری ها دارا بود و مسائل جزائی را آنچه راجع بتقصیرات غیر مهم بود یکی از قضات اروپائی حکم میکرد ولی برای امور جنحه و جنایت اتباع خارجه مطیع محاکم کنسولهای خود بودند.

ممالکی که قانون کاپیتولاسیون در آنجا اجرا میگردد تا مدتی ژاپون و مصر و چین و ایران بودند که عاقبت در نتیجه تحولات بعد از جنگ بین الملل اول ممالك نامبرده از زیر بار گران این قانون نجات یافتند.

دانشگاه تهران و کارخانه ها

چند سال است این دانشگاه تأسیس شده و اکنون با دانشگاههای معروف از جمله دانشگاه کالیفرنیا و شیکاگو و ایندیانا و کلمبیا و هادور

و جرج واشینگتن در آمریکا و همچنین با دانشگاههای اکسفورد و کمبریج و دانشگاه لندن و ادنبورگ و برمنگهام در انگلستان ارتباط برقرار نمود و شورای دانشگاه تصویب کرده بعد از هر ساله بچند تن استاد دانشگاه اجازه بدهند برای مدت یکسال تحت شرایط معینی بخارجه بروند و از نتیجه مطالعات و تکمیل معلومات خود بعد از مراجعت اطلاع بدهند این دانشگاه شاملش دانشکده ودو بنگاه آموزشی ضمیمه میباشد که دانشکده ادبیات - دانشکده پزشکی باشعب آن - دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی - دانشکده علوم - دانشکده فنی - و دانشکده معقول و منقول که آن نیز دو رشته میباشد - دانشکده پزشکی مشتمل بر مدرسه عالی دندانسازی و مدرسه عالی دارو سازی و آموزشگاه پرستاری و مامائی نیز می باشد و همچنین بیمارستان های تهران ضمیمه آنست .

دانشکده فنی دارای چهار شعبه برق و مکانیک - راه و ساختمان معدن شناسی - شیمی و دانشکده علوم نیز دارای سه شعبه ریاضیات طبیعیات - فیزیک و شیمی و ضمناً دانشسرا و هنر کده عبارت از معماری و هنرهای زیبا که ضمیمه دانشگاه است - و نیز اخیراً دانشکده دامپزشکی یعنی بيطاری ضمیمه آن شده است .

دانشکده ادبیات دارای پنج رشته است و دانشکده حقوق نیز سه رشته دارد عده دانش جویان ۴۰۴۲ نفر که از جمله ۱۰۲۳ نفر در دانشکده پزشکی و ۱۶۴۲ نفر در دانشکده حقوق و بقیه در سایر قسمت ها مشغول تحصیل هستند .

سایر مدارس عالی در تهران یکی دانشکده کشاورزی در کرج است و آن نیز دارای چند شعبه میباشد آبیاری و سد سازی جنگلها - دفع آفات نباتی

ماشینهای کاشاورزی و شیار - بنگاه سرم سازی - اصلاح نباتات -
مطالعات دامپزشکی میباشند هنر سرای عالی تهران نیز دارای دو رشته
است نجاری و درودگری - مکانیکی و آهنگری است .

کارخانه هایی که اخیراً در کشور تأسیس شده یکی کارخانه سیمان
و کارخانه گلیسیرین و صابون و کارخانه گوگرد و جوهر نمک
کارخانه کنسرو در شاهی که در جنک بین الملل دوم این کارخانه روزانه
دو حدود ده هزار قوطی از انواع کنسرو اعم از گوشت و میوه برای مصرف
قشون روس بشوروی ارسال میداشت و این کارخانه دارای استعداد محصول
روزانه چهار یا پنج تن کنسرو میباشد که میتواند کمک بتهیه مواد غذایی
مورد احتیاج کشور باشد - دیگر کارخانه کنسرو ماهی در بندر عباس
و کارخانه روغن کشی در ورامین که روزانه قریب ۱۲ تن مواد نباتی روغن
کشی میکند و کارخانه حریر بافی در چالوس - و کارخانه چیت سازی در
بشهر و کارخانه نساجی و گونی بافی در شاهی و کارخانه قندسازی در کرج
و کارخانه قند در کهر بزرگ - کارخانه قند در مرودشت فارس کارخانه قند
آبکوه در مشهد - و کارخانه قند شاه آباد غرب کارخانه قند میان دو آب
در آذربایجان و کارخانه سازند در اراک - بهره برداری قند و شکر
این کارخانه ها بواسطه کمی محصول چغندر در سال فقط سه ماه است
محصول کارخانه های قند در سال ۱۳۲۳ خورشیدی ۲۴۰۰۰ تن بود
و فرآورده های کارخانه چیت سازی بشهر در حدود ۳۶۰۰۰ متر پارچه
در روز و کارخانه نساجی در شاهی ۶۰۰۰ متر در روز و کارخانه گونی بافی
۵۵۰۰ متر گونی در روز و محصول روزانه حریر بافی در چالوس ۲۰۰۰
متر پارچه ابریشمی بوده - هزینه و مصارف این کارخانه ها و ادارات مربوطه
در سال ۱۳۲۳ خورشیدی که از خزانه دولت پرداخته شده بدون آنکه

از کارخانه ها منافعی نشان داده باشند بالغ بر صدونه ملیون بوده است.
در تهران کارخانه اسلحه و مسلسل سازی چند سال است تأسیس شده
و در جنك بين الملل دوم مشغول کار بوده و تفنگ و مسلسل ساخته و بشوروی
فرستاده میشد و روس ها مدتی در کار آن مداخله میکردند.

موزه ایران باستان

در سالهای پیش موزه ایران در یکی از تالار های وزارت فرهنگ
بود و در آنجا چند پرده نقاشی و تصاویر قلمی و دو مجسمه نیم تنه ناصر-
الدین شاه از گچ ریخته شده بود نیز سایر اشیاء عتیقه و ظروف سفالی
و فلزی قدیم وجود داشت اکنون ساختمان مجللی برای کتابخانه ملی
و موزه باستانی در تهران بنا شده در این کتابخانه چند هزار جلد کتاب
بزبان های مختلف در دسترس عموم گذارده شده و در موزه باستانی اشیاء
عتیقه و نفیسه از جمله ظروف سفالی و فلزی ادوار قدیم نیز ظروف نقره
کوب قرن هفتم قمری و زراوند طلا و نقره کوب دوره ساسانیان و ظروف
لعابدار چینی قرن هشتم در زمان تیموریان و ظروف چینی نفیسی که از
چین برای شاه عباس بزرگ هدیه آورده اند و نیز سکه های طلا و نقره
دوره ایلخانیان بعد از مغول و سکه های عهد تیموریان و آل مظفر و آل
بویه و غزنویان و سلجوقیان و سکه های دوره خلفای اسلام و صورت
فرمان ارغون خان در عهد مغول بخط ایغوری خطاب بفرماندهان
و سرداران سپاه که در سال ۶۹۰ قمری نوشته شده نیز فرمان و حکم
ابوسعید بهادر خان بخط ایغوری مربوط باملاک و اموال مسلمانان که در
سال ۷۲۰ قمری نوشته شده و نیز مجراهای گچ بری امامزاده کرار واقع
در قریه بوزون نزدیک اصفهان و در بهشت کاشی کاری طلامی امام زاده
علی بن جعفر بسال ۷۳۴ قمری از قم آورده اند و مجراب گچ بری امامزاده

ربیعۀ از اشترخان اصفهان بسال ۷۰۸ قمری و نیز محراب های کاشی کاری قرن ۱۱ قمری از مشهد و سنگ طلا کوبی قرن ۱۱ قمری از کرمان و پایه مفرغی بشکل سه مجسمه شیر بسال ۵۱۷ پیش از میلاد از تخت جمشید و مجسمه یکی از بزرگان پارت های اشکانی بسال ۲۵۰ قبل از میلاد که از ایزه مال میر از حفريات شوش آورده اند و گلیم های زربفت عهد سامانیان و قالی های ابریشمی زربافت قرن دهم قمری.

و نیز يك جلد قرآن مجید طلا کوب بخط نسخ که شمس الدین عبدالله بسال ۹۸۹ قمری نوشته است و صفحه های برنجی اصطراب متعلق بشاه سلطان حسین صفوی و پرده نقاشی جنگ میدان ترکمن چای بین روس و ایران در دوره فتحعلی شاه و درب های خاتم کاری و مینا کاری زمان کریمخان زند و لوح های طلا و نقره که در جعبه های سنگی گذارده شده و نیز لوح های طلا کوب خزینه حضرت رضا از مشهد در این موزه وجود دارد که تماشائیت است - لوح های طلا و نقره یا سکه ها بوسیله پروفیسور «هرتسفلد» رئیس مؤسسه باستان شناسی امریکائی در تخت جمشید کشف نمود روی سکه های طلا که شیر و سر گاوی دیده میشود و روی سکه های نقره صورت حیوان بالدار است و در لوح های طلا و نقره بخط میخی نوشته شده « داریوش شاه بزرگ شاه شاهان فرزند گشتاسب هخامنشی داریوش میگوید این پادشاهی که دارا هستم از سکائیا آنطرف سفد تا گوش از هند تا اسپارد آنچه هست اهورامزدا که بزرگترین خدایان است بمن داده اهورا مزدا مرا و خانواده مرا حفظ نماید »

در مغرب زمین رسم است که در ساختمان بناهای عالی و بزرگ شرحی نوشته در شیشه نهاده زیر اولین سنگ بن عمارت دفن میکنند و بقرار معلوم این رسم در ایران قدیم بوده و لوحه های طلای تخت جمشید برای

همین مقصود دفن شده بوده - بقرار تحقیقی که مورخ شهر آقای رحیم زاده صفوی هنگام کشف آن لوحه ها در جریده ستاره جهان سال ۱۳۱۲ نموده بودند لفظ (بنیاد) که از دو کلمه (بن) و (یاد) ترکیب شده اسمی است که در قدیم بر امثال آن لوحه ها که زیر پایه های عمارت های بزرگ مینهادند اطلاق میشده یعنی (یادگار بن سازی عمارت) و بعدها لفظ بنیاد بر هر گونه بن گذاری و بنای هر چیزی استعمال گردیده است.

ق-م

پس از چند روز توقف در تهران که از اوضاع این پایتخت مملکت چند هزار ساله و عدم توجه زمامداران افسرده بودم عازم قم شدم مسافت بین تهران و قم ۱۴۷ کیلومتر است در قصبه کهریزك ۲۰ کیلومتری تهران کارخانه قند دایر شده و اولین بانی این کارخانه مرحوم علی خان امین الدوله طاب ثراه بود که تا چندی مشغول قند سازی شد ولی دولت روسیه تزاری بوسیله متنفذین و مفسدین تهران مانع اقدام نیک او شدند و عاقبت بدست دسیسه کاران دیک بزرگ و سایر لوازم اساسی این کارخانه عمداً خراب و ماشین های آنرا از بین بردند اکنون چند سال است اینکارخانه مجدداً مشغول کار شده.

دهستان های عمده بین راه قم عبارت از حسن آباد - علی آباد - عسکر آباد - محصول آنجا گندم و جو میباشد و بقیه زمین های بین راه همه بدون کشت و اکثر شوره زار است کویر و دریاچه سلطانی که آب آن بسیار شور است بین راه واقع گردیده.

شب هنگام وارد قم شدم و بامداد بزیارت حضرت معصومه خواهر حضرت رضا (ع) مشرف و سپس برای دیدن قبور بعضی از سلاطین صفوی از جمله شاه عباس دوم - شاه سلیمان - شاه سلطان حسین و شاه صفی و نیز

مقبره فتحعلی شاه آرامگاه محمد شاه قاجار رفتم در مقبره فتحعلی شاه يك لوح سنگی بنظر رسید که شرح زندگانی و کارهای آن پادشاه بر آن نوشته و نقش او بر سنگ مرمر کننده شده برخی از شاهزادگان از جمله کامران میرزا نایب السلطنه در آنجا مدفونند و در مقبره محمد شاه چند پرده نقاشی ممتاز و يك صندلی منبت کاری دیده شده و تصویر او روی سنگ مرمر سفید نقش شده در آنجا بعضی از شاهزادگان از جمله مهدعلیا مادر ناصر الدین شاه مدفون است - آرامگاه میرزا علی اصغر خان امین السلطان در یکی از اطاقها در حیاط بزرگ حرم واقع شده و چون امین السلطان بامر ناصر الدین شاه مأموریت تعمیر و مرمت حرم حضرت معصومه را داشته دستخط فرمان شاه در این خصوص اکنون در مقبره امین السلطان نصب گردیده و نقش او نیز بر سنگ مرمر سفید کنده شده است - امین السلطان در زمان ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه چند مرتبه بصدارت عظمی منصوب شد و در مسافرت های اروپا همراه و از ملتزمین ركب آنها بوده در اواخر دوره مظفری از صدارت عزل گردید و بخارجه رفت در عهد زمامداری کوتاه محمد شاه مخلوع مجدداً او بایران احضار شد ورود برشت مشروطه خواهان او را توقیف و مانع حرکت او بتهران شدند ولی به امر و اجازه نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی از توقیف خارج و بتهران آمد و برئیس الوزرائی منصوب شد چون در آن زمان اختلافات سخت و پرهیجان بین محمد علی شاه و مجلس در کار بود و همه نسبت بشاه و امین السلطان در شك و تردید بودند روزی هنگام خروج از مجلس بدست عباس آقا نام صراف تبریزی کشته شد و سپس عباس آقا خود را نیز با طیانچه مقتول نمود مردم او را مجاهد بزرگ ملی خواندند و با احترام او را دفن نمودند روز چهارم او ازدحام زیادی بر سر

قبر او شد و خطابه ها و نطق های مهیج خواندند و گلهای نثار قبرش نمودند ولی پس از بمباران و تخریب مجلس بامر محمدعلی شاه جسد او را از قبر بیرون آورده و سوزانیدند و مزار او را با خاک یکسان نمودند.

تاریخ بنای حرم حضرت معصومه در عهد صفویه بوده و مسجد جامع قم در دوره سلاجقه ساخته شده و تاریخ بنای آنرا در سال ۵۲۵ هجری قمری میگویند و مجدداً در سال ۱۲۴۶ قمری تعمیر شده است.

آرامگاه ابدی امام زاده علی بن جعفر که از کاشی کاری خوب و زیبا ساخته شده و تاریخ بنای آن در سال ۷۴۰ قمری بوده دیگر دو مقبره است یکی متعلق بشاهزاده ابراهیم که تاریخ بنای آن در سال ۷۲۰ قمری و دیگر در سال ۷۶۱ قمری میباشد. هوای شهر قم در تابستان گرم و چون این شهر در زمین شورزار واقع شده آب مشروب آنجا کم و شور است. در قرن دوم ابو مسلم بظرفداری خلفای عباسی قیام نمود و شهر قم را تصرف کرد بعدها در عهد عباسیه بواسطه عدم تمکین مردم و ندادن مالیات هارون الرشید قشونی بآنجا فرستاد و پس از قتل و کشتار زیاد مبلغ هنگفتی بعنوان غرامت گرفت سپس نصر بن احمد سامانی به امر مقتدر عباسی این شهر را متصرف شد و در فتنه چنگیز مغولها بر قم استیلا یافتند و عده زیادی را کشته انبیه و خانه های این شهر را خراب کردند. امیر تیمور لنگ نیز قم را محاصره و تصرف نمود و مردمش را بقتل رسانید. شاه اسمعیل صفوی در اوایل سلطنت خود بم آمد و مورد استقبال شایانی از طرف مردم واقع گردید و شاه عباس بزرگ گنبد و بارگاه حضرت معصومه را تعمیر و ترمیم نمود و شمشیر مرصع خود را تقدیم آستانه کرد در حمله افغانها که در تعاقب طهماسب میرزای صفوی بودند بم قم نیز آمده و اموال مردم آنجا را غارت نمودند هنگامی که از طرف امپراطور روس «ارتمانیسکی»

عازم اصفهان بوده بقم نیز آمده شرحی در خصوص ابنیه و مساجد و اوضاع این شهر نوشته دوره فتحعلی شاه گنبد حضرت معصومه باورق های طلا تزئین یافت و بدستور مادرش ضریح را نیز نقره کوبی کردند - احمد رازی در کتاب خود مینویسد در قم و اطراف آن قریب چهار صد امامزاده مدفونند .

جمعیت این شهر را در حدود ۴۵۰۰۰ نفر میگویند و مردمش اکثر فقیر و در عین حال بسیار طماع هستند ظروف سفالی و شیشه‌ای و کاشی در این شهر ساخته میشود محصول قم عبارت از غله - حبوبات - و پنبه است که از آب رودخانه مشروب میگردد و آب این رودخانه در تابستان بسیار کم است که سبب کشمکش کشاورزان می شود و در بعضی مواقع در زمستان سیلابی میگردد که باعث خرابی خانه های اطراف میشود - شهر قم هنوز بطرز قدیم باقی مانده ولی اخیراً دویاسه خیابان در آنجا احداث شده و تاکنون این شهر ترقی محسوسی نکرده است .

از قم بعزم اصفهان حرکت کردم پس از طی ۹۰ کیلومتر بقصبه دلیجان رسیدم جاده خراب و نشیب و فراز زیاد دارد این قصبه از توابع قم است وعده سکنه آنجا را در حدود ۵۰۰۰ نفر میگویند و محصول آنجا گندم - جو - پنبه است که از آب سه رشته قنات مشروب میگردد دلیجان نسبت بدِهستانهای بین راه بزرگ و پر جمعیت تر میباشد و دارای چند مزرعه است بین دلیجان و قریه میمه ۷۸ کیلومتر است و جمعیت آنجا ۱۸۰۰ نفر است محصول این قریه فقط گندم و جو است که از آب قنات مشروب میگردد که هر قنات سه سنک آب دارد میمه از توابع کاشانست مردمش اکثر فقیر و مستمندند از آنجا حرکت کرده پس از طی ۴۷ کیلومتر بقصبه مورچه خورت رسیدم جمعیت این قریه را ۱۵۶۰ نفر میگویند

و بواسطه بیمکاری و بیچارگی باطراف رفته اند محصول آنجا پنبه - گندم و جو است که از آب دو رشته قنات مشروب میگردد زمین این قریه بواسطه مواد آهکی قابل کشت و زرع نیست حتی درخت و اشجار ندارد مردمش همه کشاورزند از مورچه خورت تا قریه گرگاب که خربوزه مشهور دارد در حدود ۲۴ کیلو متر است در نزدیکی مورچه خورت زدوخوردی بین سپاهیان نادرشاه و اشرف افغانی واقع شده بود که بشکست افغانها خاتمه یافت

مسافت بین قم و اصفهان ۲۶۸ کیلو متر است و راه نسبتاً صاف و هموار میباشد .

کاشان

مورخین راجع بمؤسس شهر کاشان اختلاف نظر دارند بعضی کیکاوس و برخی فریدون و حمدالله مستوفی و احمد رازی مؤلف هفت اقلیم بنای این شهر را بزبیده زوجه هارون الرشید خلیفه عباسی نسبت میدهند در هر صورت کاشان یکی از شهر های قدیم ایران است در زمان استیلای مغول خرابی و خسارت زیادی باین شهر وارد شده - ظروف کاشی و شال و مخمل و پارچه ابریشمی و زری کاشان در ایران معروف بوده و مردمش نسبت بهنر و صنایع ظریفه علاقه مخصوصی داشتند - در قمرن دهم هجری در تهیه ابریشم پیشرفت شایانی نمودند و در عهد صفویه صنایع کاشان خاصه صنعت قالی بافی بدرجه اعلی ترقی کرد و اکثر پادشاهان صفوی از جمله شاه اسمعیل و شاه عباس بزرگ و شاه صفی و شاه عباس دوم مکرر برای دیدن صنایع و ظروف نفیسه بکاشان آمده اند قالی های کاشان از حیث خوبی و مرغوبی در درجه دوم فرش های ایران بشمار می رود گلاب و عطر گل که در قریه قمصر میسازند بسیار خوب و در کشور

ایران مشهور است .

کاشان تا زمان نادر شاه در حال ترقی و تکامل بوده ولی پس از مرگ آن پادشاه هجوم افغانها و زلزله هائی که در عهد کریم خان زند در آن شهر رخ داده رو با انحطاط و تزلزل گذارده اگر چه بامر کریم خان زند مجدداً خرابیهای وارده تعمیر و ترمیم گردید ولی آبادی اولیه خود را بدست نیاورد . از آثار تاریخی این شهر مسجد جامع و مسجد میدان که از بناهای سلجوقیان است و در دوره تیموریان تعمیر شده محراب سنگی که منقوش بگل و بوته متعلق بیکى از شبستانهای مسجد میدان بوده و تاریخ آن در سال ۶۲۳ هجری قمری است بموزه استاتلیخ برلن برده شده سایر آثار قدیم دیگر در کاشان زیاد میباشد .

هوای کاشان خشك و در تابستان بسیار گرم است و آب مشروب آنجا بوسیله قناتها از چشمه های كوه قهرود آورده شده در دوره شاه عباس دوم برای تأمین آب دستور داده بود كه در رودخانه قهرود سدی ساخته شود كه زراعت آنجا را مشروب نماید محصول كاشان غله . حبوبات - تریاك - پنبه و میوه است .

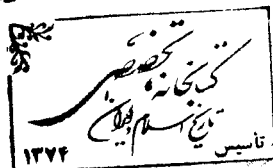
در كاشان اکنون عمارات زیبا و خیابان های وسیع و فلكه ساخته شده و نیز يك كارخانه نخ ریسى در آنجا تأسیس گردیده جمعیت كاشان در حدود ۵۰۰۰۰ نفر میگویند و دارای يك بیمارستان است كه نه دوا و نه وسایل كافی برای بیماران دارد اكثر سكنه آنجا بنساجى و قالى بافی مشغول و بعضى كشاورزند كوجهای این شهر بسیار كثیف و بهداشت آنجا خوب نیست در این چند سال اخیر در نتیجه جنگ جهان سوز فروش قالى كاشان كم و از رونق آن كاسته شده اکنون بسیاری از مردم این شهر بیکار و در كار خود حیرانند . بین قم و كاشان ۱۰۱ كيلومتر مسافت است .

کارخانه ریسمانریسی در روز در حدود ۶۰۰ بقیچه نخ که هر بقیچه چهار یا پنج کیلو وزن دارد تهیه مینماید و مقداری از این بقیچه ها بخارج حمل میگردد این کارخانه در ۱۳۱۲ خورشیدی در کاشان تأسیس شده است . نیز چند دستگاه دست بافی در آنجا وجود دارد و مقدار زیادی ابریشم رشت برای بافتن قالی و قالیچه وارد این شهر میشود . از ساختمان های جدید در این شهر یکی عمارت فرمانداری و دیگری شهربانی است .

دهستان های بین راه عبارت از خرم دشت - خجن - ونظرن است این قصبه دارای هفت قریه و محلی است خوش آب و هوا و آب و میوه فراوان دارد ظروف سفالی لعابدار که در نظرن ساخته میشود در همه جا مشهور است .

اصفهان

اصفهان زمانی پایتخت ملکشاه سلجوقی بوده و پس از حمله مغول و امیر تیمور از آبادی و اهمیت افتاد و در سال ۱۰۰۶ هجری قمری شاه عباس بزرگ این شهر را دار السلطنه خود قرار داد از حیث خوبی آب و هوا و آثار تاریخی از معروف ترین و بهترین شهرهای ایران است پس از ورود باصفهان برای تماشای میدان شاه یا نقش جهان رفتیم طول این میدان در حدود ۵۱۲ متر است مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله که از بناهای شاه عباس است در این میدان واقع شده مسجد شاه در سال ۱۰۲۸ هجری قمری معماری محمد رضا بن حسین هشت سال بعد از فوت شاه عباس با تمام رسیده و دارای منبری چهارده پله از سنگ مرمر سفید میباشد که از معدن اردستان آورده شده و در بزرگ این مسجد تفره کوب است و در دالان مسجد سنگی چون خمره برای آب میباشد که بخط نسخ بر آن نقش شده



در سال ۱۲۰۹ هجری قمری محمد شاه قاجار مسجد شاه را تعمیر نموده و ساختمانی برای طلاب علوم دینی در آنجا بنا کرده است کاشی کاری های این مسجد خاصه در سردرب بزرگ جلب نظر میکند و از زمره آثار تاریخی مهم ایران است ساختمان مسجد شاه ۲۶ سال بطول انجامیده است.

مسجد شیخ لطف الله نیز در دوره شاه عباس بنای آن آغاز شده و کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته در ایران نظیر ندارد کتیبه هائی بخط و نقاشی علی رضا عباسی خوشنویس معروف در آن دیده میشود مسجد شیخ لطف الله در سال ۱۰۲۲ هجری قمری بمعماری محمد رضا بن حسین بنا گردیده و در سال ۱۰۳۸ قمری خاتمه یافته - مسجد جامع بامر ملک شاه سلجوقی و نظارت خواجه نظام الملک بنا شده و در دوره صفویه تعمیر و مرمت گردیده و از ساختمان های قدیم اصفهان است و در قسمت شمالی این مسجد صفا ایست مشهور بصفه صاحب که آنرا بصاحب این عباد نسبت میدهند و میگویند که او در این صفا تدریس میکرد - بعضی از مورخین مینویسند که مسجد جامع در سال ۱۹۳ هجری قمری در زمان منصور عباسی ساخته شده و کاشی کاری محراب آن در دوره پادشاهی العجایینو خدا بنده در سال ۷۱۰ قمری بوده و نقش و شکل دوطاوس کاشی کاری در ایوان سردرب داخلی این مسجد وجود دارد که از شاهکارهای صنایع ایران است مسجد جامع در زمان سیدالدین ساوجی در عهد سلطان محمد خدا بنده تعمیر شده و طبق کتیبه ای که بخط کوفی در یکی از دهلیز های این مسجد دیده میشود در سال ۵۴۰ قمری قسمتی از ساختمان این مسجد آتش گرفته بود که بعدها شاه اسمعیل صفوی آنرا تعمیر و مرمت نمود از بناهای قدیم دیگر مسجدی است در طرف غربی مسجد جامع که میگویند در زمان عمر بن عبدالعزیز ساخته شده اکنون آثار این مسجد باقی مانده

و از قدیم ترین مساجد ایران است و نیز مسجد علی است که در دوره شاه اسمعیل صفوی بنا گردیده دیگر مسجد و مدرسه چهارباغ که در زمان شاه سلطان حسین صفوی بنا شده که محل مدرسه را از باغ هشت بهشت مجزا ساخته و بازارچه و کاروانسرای جنب این مدرسه برای موقوفات مدرسه معین گردیده بنا و صحن مسجد چهارباغ در حدود ۸۵۰۰ متر مربع و دارای چهل و چهار حجره و اطاق برای طلاب علوم دینی میباشد از جمله حجره ای بنام اطاق شاه سلطان حسین است - در سال ۱۱۱۹ هجری قمری این مسجد تمام شده و دارای موقوفات زیادی میباشد - کاشی کاریهای این مسجد که خود از شاهکارهای صنعت ایران است هنگامیکه در پرتو زربین آفتاب قرار میگردد درخشندگی و زیبایی نوینی میابد که بر جمال و قشنگی آنها میافزاید در حقیقت اصفهان هنوز هم از مراکز صنایع ظرفه ایران بشمار میرود .

عمارت عالی قابو در میدان شاه نیز یکی از آثار باستانی ایران و دارای هفت اشکوب میباشد در طبقه چهارم در این ساختمان حوضی از سنگ مرمر بنظر رسید که روی آن از مس ساخته شده و در دوره صفوی آب از چشمه جوی سیاه از قصبه فرح آباد که محل ییلاق سلاطین صفویه بوده جریان داشته و از هزار جریب عبور میگرفته بوسیله لوله وارد حوض میشده طبقه هفتم این عمارت مخصوص ضیافت و مهمانی های رسمی پادشاهان صفوی بوده و بسیار بلند و مرتفع است بطوریکه شهر اصفهان و باغهای اطراف از آنجا مشاهده میشود - میگویند درب بزرگ عالی قابو را شاه عباس بزرگ از نجف آورده - در این عمارت تصاویر و نقاشیهای قدیم و ممتاز دیده شد که اکنون بعضی از آنها از بین رفته در هنگام حمله محمود افغان بر اصفهان خرابی زیاد بر این ساختمان وارد شده بود

که بعد تعمیر گردید - عمارت چهل ستون نیز از آثار تاریخی است که حرم سرای پادشاهان صفوی بوده و يك قسمت از این بنا در زمان شاه سلطان حسین آتش گرفته و خراب شده بود که بامر او مجدداً تعمیر گردید این ساختمان دارای حوض بزرگی است که چهار مجسمه شیر در چهار گوشه حوض قرار دارد و آب از دهان شیرها خارج و در حوض می‌ریزد چهل ستون دارای حیاط وسیع و اشجار کهن سال است دو مجسمه نیم تنه که از گچ ریخته شده بود بنظر رسید که یکی مجسمه شاه اسمعیل و در زیر آب تاریخ ۹۳۰ هجری قمری و دیگر مجسمه شاه عباس و تاریخ ۱۰۲۸ هجری قمری نوشته شده بود - عمارت چهل ستون دارای ۲۰ ستون میباشد چون این بنا در جلو حوض بزرگی قرار دارد و عکس این بیست ستون در آن حوض منعکس میگردد بنابراین آنرا چهل ستون مینامند بنای این عمارت در سال ۱۰۴۹ قمری پایان رسیده و دارای ایوان و تالارهای بزرگ و تصاویر و نقاشی بسیار عالی و تاریخی میباشد. روز ۱۳ صفر بر حسب وقتی که تعیین شده بود برای دیدن آثار باستانی بچهل ستون رفتیم اشباه عتیقه در آنجا که بنظر رسید سه جلد قرآن مجید بود بخط حضرت امام حسن (ع) و دیگری بخط حضرت سید سجاد (ع) و دیگر بخط شمس الدین بن محمد سعید جیلانی بود که در سال ۱۱۱۹ قمری نوشته شده و نیز نسخه طوماری بخط کوفی بود که در سال ۴۰ هجری قمری بدستخط هشام بن عطیه بن ابی وقاص نوشته شده و این طومار صورت قرار دادیست که در دیر حزقیل ذی الکفل بین حضرت علی (ع) با چهل نفر از دعاب و کشیش های مسیحی رومیه بسته و تنظیم شده که مسیحیان هر ساله نفری سی سه درهم و ۱۸ نخود جزیه بدهند و در پناه حفاظت و امان هادیان اسلام باشند میگویند شاه عباس بزرگ این طومار را از خزینه حضرت امیر (ع)

از نجف باصفهان آورده بود دیدن این طومار که دال بر عظمت دین اسلام در صدر اسلام بود نویسنده را بیاد دلت و بیچارگی مسلمانان کنونی و عقب افتادگی امروز آنها انداخت. از آثار قدیم دیگر یکی لباده و خرقة شیخ صفی الدین اردبیلی بود بنای آرامگاه او در اردبیل است که در زمان شاه عباس و بعد شاه طهماسب آنرا ساخته نیز مقبره شاه اسمعیل در آنجا واقع شده و يك بنای قدیم و تاریخی است این ساختمان دارای يك اطاق گنبد ماندی است که در دیوارهای اطراف آن گنجه‌هایی برای نگهداری اشیاء عتیقه و ظروف چینی و بلور نفیس و گرانها وجود دارد آرامگاه شیخ صفی الدین گذشته از اینکه یکی از شاهکارهای معماریست در عین حال مرکز مجموعه از بهترین آثار باستانی ایران است.

تصاویر و نقاشیهائی که در کاخ چهل ستون بنظر رسید یکی تابلو نقاشی شاه عباس کبیر است که بر تخت نشسته با حضور سران و افسران سپاه او و ضیافتی با فتح‌آباد المیمن امیر بخارا داده شده است دیگر تصویر شاه سلیمان صفوی که مجلس عیش و طرب برای شاهزاده اکبر هندی برپا نموده و مطربان و نوازندگانرا نشان میدهد که مشغول رقص میباشند گویند چون شاهزاده اکبر از پدر خود اورنگ زیب پادشاه مغول رنجیده بود با چند نفر از خاصان خود از راه دریا میخواستند از مسقط گذشته وارد مرز ایران گردند والی مسقط آنها را توقیف نمود و باورنگ زیب پادشاه هند نوشت هر گاه پنج لك روپیه نقد بدهد و فرمانت معافیت عوارض گمرک در بنادر هند از کشتیهایی مسقطی صادر کند در مقابل شاهزاده را تسلیم نماید. پادشاه هندوستان تقاضای والی مسقط را پذیرفت چون این خبر بشاه سلیمان رسید فوراً بوالی مسقط نوشت هر گاه شاهزاده را که قصد ملاقات ما داشته بایران نفرستی منتظر سخت و تنبیه ما باش

مقارن این مر اسله که شاه سلیمان بوالی مسقط نوشته بود نمایندہ اورنك زيب با پنج لك روپيه بمسقط رسيد ولي حكرمان مسقط از پادشاه ايران ترسيده شاهزاده اكبر را آزاد و او را به بندر عباس روانه نمود كه از راه شيراز باصفهان رفت - در كاخ چهل ستون تصوير ميدان جنگ چالدران است كه شاه اسماعيل صفوي با سلطان سليم پادشاه عثمانی مشغول زدو خورد ميباشد - تابلو ديگر تصوير شاه طهماسب اول را نشان ميدهد كه بافتخار همايون شاه هندی ضيافتي داده و اين مهماني در هنگامي است كه همايون شاه براي جلب كمك و مساعدت بشاه طهماسب پناه آورده بود - ديگر تصوير شاه عباس است كه با عبدالعزيز خان پادشاه ازبك در هرات مشغول جنگ ميباشد - نيز در ايوان كاخ چهل ستون تصوير ناصرالدين بنظر رسيد كه ديدني بود.

ديگر تصوير ميدان جنگ نادرشاه با محمد شاه هندی است اين نبرد در محلي موسوم بكرنال دريكي از نقاط هندوستان واقع شده و محمدشاه بر فيل سوار است و نادرشاه سوار بر اسب و مشغول زدو خورد هستند اين تصوير بعد از دوره صفوي در عمارت چهل ستون ترسيم شده در تاريخ هند و جنگهاي نادري ديده نميشود كه محمدشاه هندی شخصاً بميدان جنگ حاضر شده باشد چون سپاهيان هندی در دشت كرنال مهيای جنگ باقشون نادرشاه شدند خندقهاي زياد حفر کرده و توپهاي بزرگ خود را در آن سنگرها نصب نمودند و فيل هاي جنگي را براي مرعوب ساختن سپاهيان نادر و تخریب مواضع و تضعيف روحيه لشكريان ايران بكار بردند شبي كه بنا بود فرداي آنروز قشون نادري بر سپاهيان هندی حمله نمايند موضوع فيل هاي جنگي بوسيله پليس هاي مخفي بعرض نادرشاه رسيد و چون ممكن بود اسب هاي سواره نظام ايران از ديدن فيل هاي قوي رم و فرار كنند و اغتشاش

وبی‌نظمی در ارتش نادر تولید نماید لذا نادرشاه دستور داد که سواره نظام در سه ستون قرار گرفته و پشت سر آنها جمازه سوار و پیاده نظام صف آرائی کنند - سواران قزلباش و ابدالی منتظر فرمان حمله بودند از آنطرف سپاهیان هندی آرایش جنگی بخود گرفته فیل‌های خود را در جلو صفوف مقدم قرار دادند. منظره هولناک این حیوان عظیم‌الجثه ترس و رعب غریبی در دل سلحشوران ایرانی افکند و اسب‌های آنها شروع بسرکشی نمودند در این هنگام نادرشاه در قلب لشکر خود بر اسب ترکمنی سوار بود و دستور میداد در سپیده دم یکمرتبه فیل‌های جنگی چون کوه بحرکت آمده و بسمت قشون ایران روانه شدند در این بین توپها بغرش در آمد و زنبورک‌ها و پیاده نظام شروع بتیراندازی کردند اسب‌های سوار نظام از دیدن فیل‌ها رم کرده وبی‌نظمی در لشکریان ایران بظهور رسید ولی دفعتاً از يك گوشه میدان شترهای بدون جمازه که آتش از پشت آنها شعله‌ور بود بانعره‌ها و صدای مخوف بطرف فیل‌ها رونمودند در حالیکه شعله آتش و دود غلیظی از پشت آنها بر میخواست و فیل‌های جنگی که چنین منظره را ندیده بودند بوحشت افتاده و روبفرار نهادند و هزاران نفر از سپاهیان محمد شاه هندی را پایمال کردند و نیز فیل‌بانان و تفنگچیان را از پشت خود بر زمین افکندند و شیرازه اردوی هندی از هم پاشید در این هنگام سپاهیان نادری بردشمن تاختند و آنها را شکست سخت دادند.

در اینموقع سعادت علی خان فرمانده سپاهیان هندی چوب وضعیت را بدین منوال دید هر اسان شده بحضور محمدشاه گورگانی رسید و درخواست صلح و متارکه جنگ نمود و محمدشاه را همراه خود بدرگاه نادری آورد و محمد شاه شمشیر خود را تسلیم نادرشاه نمود ولی نادر از گرفتن شمشیر امتناع کرد و باتفاق او بقلمه دهلی آمد و بحضور امراء و سرداران هندی

پیمان مودت و دوستی بین آنها بسته شد و اوامر و دستور لازم در اطاعت از محمدپشاه بتمام سران و بزرگان هند صادر نمود و به ایران مراجعت کرد از غنائم دهلی تخت طاوس و جواهرات نفیسه و چند اسب فیل بازنحیر طلا بایران آورد - نویسنده شهر دهلی را دیده و مسجد مروارید را که از سنگ های مرمر سفید ساخته شده تماشا نمودم در هنگام قتل عام در دهلی نادر شاه در این مسجد حضور داشته و فرمان کشتار مردم این شهر را صادر نمود .

از بناهای قدیم اصفهان پل ۳۳ چشمه است که الله وردی خان سردار نامی شاه عباس ساخته و نیز پل ۲۸ چشمه خواجو میباشد که در دوره شاه عباس دوم بنا گردیده در زمان قدیم دیوار مستحکمی بفاصله سه فرسنگ و نیم در اطراف شهر اصفهان کشیده و دارای دروازه های زیادی بوده - اصفهان هم مانند سایر شهرهای ایران مورد حمله مغول و تیمورلنگ واقع شده ولی خسارت زیادی بر آن وارد نیامده بود - پادشاهان صفوی بیشتر ذوق و سلیقه در صنایع داشته و معماری عالی در دوره آنها کمتر در تاریخ ایران سابقه دارد نیز تزیینات و صنعت کاشی کاری و مینا کاری و انواع پارچه های زری و ابریشمی در زمان آنها به کمال رسید در بین آنها شاه عباس بزرگ بیش از همه مشوق هنر و مروج صنعت و حرفه بوده و از بناهای این پادشاه احداث خیابان چهارباغ و میدان نقش جهان و مسجد شاه و مسجد شیخ لطف الله و کاخ های عالی قابو و چهل ستون و پل ۳۳ چشمه و بنای عمارت عالی قابو در قزوین و ساختمان گنبد و تعمیر بارگام حضرت رضا و احداث دو خیابان شرقی و غربی در مشهد و چند جاده و کاروانسراهایی در برخی نقاط کشور میباشد و از کارهای نیک شاه اسمعیل صفوی تعمیر مسجد جامع در شهر ساوه که تاریخ بنای آنرا در سال ۴۰۵ قمری است



عمارت چهل ستون اصفهان

اگر چه قسمتی از بنای این مسجد اکنون از بین رفته ولی گنبد زیبای آن و کاشیهای ممتاز و محراب گچ بری آنجا هنوز باقی مانده است. و دیگر تعمیر و مرمت مسجد میدان ساوه که تاریخ ساختمان آن در سال ۴۵۳ قمری بوده و نیز تعمیر کاشی کاری مساجد جامع و علی در اصفهان میباشد. اگر چه شاه طهماسب بکتاب و صنعت قالیبافی بیشتر از معماری اهمیت میداد ولی در دوره پادشاهی خود بعضی ساختمانهای نموده از جمله قسمتی از عمارت عالی قابو و مسجد قزوین و بنای آرامگاه ابدی شیخ صفی الدین در اردبیل است پیش از آنکه شاه عباس آنرا تکمیل نماید.

از آثار قدیم و عجیب در اصفهان منار جنبان در قریه کلادان شش کیلومتری این شهر است این بنا دواویان و دو منار دارد گویا در سیمصد سال پیش این دو منار بایوانها افزوده شده و مقبره عمو عبدالله بن محمود صقلابی که مسلک و مرام تصوف داشته در این محل واقع شده و تاریخ وفات او در سال ۷۱۶ قمری بوده ساختمان منار جنبان از گچ و آجر بنا شده در موقع جنباندن این دو منار گوهی زلزله حادث شده تکان میخورد سید جمال متولی این مقبره حرکت منار جنبان را از کرامات عمو عبدالله صقلابی میداند.

جمعیت اصفهان را در حدود ۲۵۰،۰۰۰ نفر میگویند و مدرسه مرسلین و مریضخانه آب در سال ۱۲۹۴ خورشیدی از وجوه خیریه انگلستان در اصفهان تأسیس شده و شعب این مؤسسه نیز در شیراز و یزد و کرمان دایر گردیده این شهر از حیث ابنیه و خیابان و عمارات عالی نسبت به چند سال پیش ترقی نموده مردمش اکثر زحمت کش و صرفه جو هستند و برعکس سایر شهرهای ایران مردم بیکاره کمتر در اصفهان دیده میشود. از فقها و عرفای مقیم اصفهان یکی مرحوم مجلسی شیخ محمد بهاء

و میر داماد و میرفندرسکی و صاحب بن عباد و خواجه نظام‌الملک بودند تاریخ وفات ابوالقاسم میرفندرسکی در سال ۱۰۵۰ قمری است و مقبره آن مرحوم در آرامگاه ابدی خوانین بختیاری در تخت فولاد واقع شده. روز دیگر برای تماشای کارخانه پارچه بافی وطن که به همت مرحوم حاج محمد حسین کازرونی در سال ۱۳۰۲ خورشیدی در این شهر احداث شده در سالهای پیش این کارخانه دارای چهار مهندس اروپائی و سیصد کارگر بوده و روزانه در حدود یک خروار پشم برای بافتن پارچه بمصرف میرسیده و سوخت این کارخانه از روغن منداب که از خشخاش و گیاه موسوم به کیکیچ بدست می‌آمد و دارای حرارت قوی بوده است اکنون کارخانه وطن در تمام شئون اداری و فنی ترقی کرده بطوریکه نسبت بمشاهدات چند سال پیش قابل مقایسه نیست و تعداد کنونی کارگران فنی و غیر فنی در حدود ۱۲۰۰ نفر است و تمام قسمت های این کارخانه بدست کارگران فنی ایرانی اداره میشود محصول کارخانه وطن در ۲۴ ساعت ۳۰۰۰ متر پارچه پشمی ونخی میباشد و بافندگی این کارخانه ۱۲۰ دستگاه دارد و قوای محرك آن بقوه دو هزار اسب که در همه وقت نصف آنها مشغول کار است و سوخت کارخانه بانفت سیاه و روغن گزالین تامین میگردد و مقدار مصرف پشم روزانه در حدود ده خروار و مقدار نخ پنبه در روز یک هزار کیلوگرام و مصرف سوخت روزانه این کارخانه در حدود یک هزار لیتر میباشد و رنگهای مصرفی پارچه کارخانه از سویس وارد میشود و محصول این کارخانه بسیار مرغوب و در تمام کشور مورد پسند و شعب آن در اکثر شهرهای ایران تأسیس شده -

در اصفهان کارخانه های بافندگی دیگر از جمله کارخانه ریسباف کارخانه پشمباف - کارخانه صنایع پشم - کارخانه زاینده رود - کارخانه

نخ تاب - کارخانه نخ باف شهرضا و کارخانه ریسندگی برق که هم نخریسی و هم پارچه بافیسست وجود دارد اعتصاب پیاپی کارگران کارخانه‌ها لطمه بزرگی به اقتصاد این شهر وارد آورده صنایع دیگر از جمله نقره سازی و قلمزنی و میناکاری و قالی بافی در اصفهان مشهور است محصول آنجا غله - حبوبات - برنج - پنبه - تریاک - تنباکو - پوسته و بادام و میوه خشکبار که از آب رودخانه زاینده رود که از چشمه کوه گوهرنک سرچشمه میگردد مشروب میشود و زراعت آنجا هم دیمی و هم آبی میباشد -

از اصفهان بعزم شیراز حرکت کردم مسافت بین اصفهان و شاه رضا در حدود ۸۱ کیلومتر است شهر شاه رضا همان قمشه است اکنون آباد شده دارای خیابان وسیع و میدان فلکه میباشد اخیراً در آنجا کارخانه نخ بافی تأسیس شده محصول شاه رضا عبارت از گندم - جو - پنبه و کمی تریاک است که از بیست رشته قنات مشروب میگردد و عمده صادرات این شهر کشمش است که در داخله کشور مصرف میگردد جمعیت آنجا را در حدود ۲۵۰۰۰ نفر میگویند دارای چند قریه و دهستان است که بواسطه فراوانی آب کشت و زراعت زیاد دارند جاده بین شاه رضا و ایزد خواست صاف و هموار است .

پس از لحظه توقف از آنجا گذشته وارد ایزدخواست شدم که روی صخره بزرگی بطول نیم کیلومتر قرار دارد و بوسیله پلی و دروازه‌ای بداخل قریه راه داشته و مردمش از هجوم دزدان و راهزنان ایمن و مصون بودند و موقعیت شگفت آوری داشته که نظیر این قریه کمتر در ایران دیده شده اکنون خانه‌های ایزد خواست در جلگه و دشت مسطحی ساخته شده میگویند در پیش عده زیادی اطفال از آن صخره بدره افتاده و تلف میشدند در حقیقت محل مخوف و خطرناکی بوده - از شاه رضا به ایزدخواست

در حدود ۶۰ کیلومتر و از آنجا بشهر آباد ۶۳ کیلومتر مسافت است دهستانهای بین راه عبارت از جعفر آباد - مقصود بك - و امین آباد و چند قریه دیگر میباشد بواسطه آب فراوان محصول آنجا بسیار خوب است .

آباده

آباده اول قلمرو فارس از طرف شمال است این شهر از حیث خوبی آب و هوا قابل تمجید است بواسطه فراوانی آب زراعت آنجا خوب است محصول آنجا غله - حبوبات - تریاك - پنبه و ارزن و انگور است که از آب قنات مشروب میگردد صنعت مینا کاری و گیوه دوزی در آباده مشهور است - صادرات عمده آباده عبارت است از کتیرا - تریاك و قالی - روغن و کشمش است و مقدار زمین زیر کشت آنجا در حدود دوهزار هکتار میباشد و از کلیه قنوات این شهر بعلت خشك سالی و کم آبی استفاده نمیشود فقط اکنون چند رشته قنات نسبتاً دارای آب کافی است که هر رشته در حدود سه سنك آب دارا میباشد در حدود پنجاه رشته قنات خراب شده و بواسطه عدم استطاعت صاحبان املاك قابل استفاده نیست - سکنه آباده را در حدود ۸۰۰۰ نفر میگویند ولی تاشعاع شش کیلومتری آنجا در حدود ۱۲۰۰۰ نفر میباشد اوضاع اجتماعی مردم این شهر بواسطه نفاق و دودستگی باعث تأسف است پس از چند ساعت توقف در آباده بطرف قریه سورمق حرکت نمودم مسافت بین آباده تا قریه سورمق ۲۲ کیلومتر است و از سورمق تا قریه خان خره در حدود ۳۶ کیلومتر است در این قریه چشمه ساری وجود دارد که آب گوارائی را دارا میباشد از خان خره و تنگ کولی کش گذشته و ۲۸ کیلومتر راه نشیب و فراز را طی نموده وارد ده بید شدم تنگ کولی کش در زمستان بواسطه برف و كولاك خطرناك است - قصبه ده بید در ارتفاع هشت هزار پا قرار دارد

و سرما و یخ بندان ده بید در فارس مشهور است محصول آنجا گندم - جو - و حبوبات که از آب رود خانه و چند قنات مشروب میگردد و دارای چشمه سارهای زیاد است عده سکنه آنجا را در حدود ۸۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش کشاورزند و زراعت ده بید اربابی است و خورده مالک ندارد در آنجا تل خاکی وجود دارد که میگویند از بقایای یکی از شکارگاههای بهرام گور بوده - از ده بید حرکت کرده از تنک قادر آباد که محلی است مخوف و خطرناک گذشته وارد قصبه قادر آباد شدم تنک قادر آباد و گردنه سعادت آباد و دزدگاه های موسوم به واجگاه و چشمه ابوالمهدی و آب باریک اکثر دزدی و راه زنی بین اصفهان و شیراز در این نقاط واقع میگردد و بین پاسگاه مأمورین امنیه در این راه فاصله زیاد است و عده نفرات امنیه بسیار کم و اوضاع زندگانی آنها خوب نیست و چندان اهتمامی در حفظ و امنیت راه بعمل نمی آورند - محصول قادر آباد گندم - جو - تریاک - حبوبات است که از آب رودخانه تنک حنا و چمن بنان مشروب میگردد - از ده بید تا قادر آباد در حدود ۱۶ کیلومتر و از آنجا بقصبه سعادت آباد ۲۹ کیلومتر مسافت است و قسمتی از جاده کوهستانی و دارای تپه های زیاد است - قصبه سعادت آباد بواسطه فراوانی آب و اشجار زیاد محلی است خوش آب و هوا و محصول آنجا عبارت از گندم - جو - چغندر و تریاک و نیز دارای میوه و بادام و گردو است که از آب قنات های چشمه سر پیرونت مشروب میگردد - پس از لحظه توقف بعزم سیوند حرکت کردم در ۵ کیلومتری سیوند دزدگاه گودنرم که محلی خطرناک واقع شده است در قریه سیوند بواسطه باتلاق زیاد مرض مالاریا و سایر امراض دیگر از جمله حصه در آنجا شیوع دارد و مرگ و میر در این قریه زیاد است عده سکنه آنجا بسیار کم و مردمش

همه رنجور و ضعیف البنیه و فاقد بهداشت و دوا و دکنتر هستند - محصول آنجا غله - برنج - چغندر و ترباک و میوه است که از آب رودخانه که از ده بید جاری است مشروب میگردد و مردم آنجا کشاورز و خورده مالک اند .

از آنجا حرکت کرده وارد زرقان شدم این قریه در دامنه کوه واقع شده و در تابستان هوایش گرم است محصول آنجا عبارت از گندم - جو - چغندر و ترباک است که از چند رشته قنات مشروب میگردد عده سکنه آنجا را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش ~~کشاورز~~ و بعضی پیله ورنند مسافت بین زرقان و شیراز در حدود ۳۰ کیلومتر و جاده اکثر کوهستانی و دارای تپه های زیاد است .

تخت جمشید

از پله های بنای پر عظمت پرس پلیس بالا رفته و وارد محوطه تخت جمشید شدم آثار دیواری که در اطراف عمارات پرس پلیس کشیده شده در حدود يك کیلو متر و نیم طول و ۱۳ متر ارتفاع داشته در سردر سنگی بزرگ مجسمه چهار حیوان که سر آنها مانند سر انسان است و پاها مانند حیوان و دارای بال هستند و لوحه بخط میخی در اینجا بنظر رسید که روی آن نوشته شده " خشایار بزرگ شاه شاهان کشور های ملل مختلف و شاه این سرزمین پهناور بیاری اهورا مزدا من که نماینده تمام کشور های او هستم ساخته و چیز های دیگر نیز من و پدرم بنا کردیم و هر ساختمانی که دارای منظره زیباست آنرا بیاری اهورا مزدا ساخته ایم " - در جنوب شرقی سردر تالار بزرگی که گویا محل بار عام بوده بنام آبادانا موسوم است و این تالار چهار گوشه بود که هر ضلع آن بشصت متر و سقف آن بر پایهای ۳۶ ستون که هر يك ۱۸ متر ارتفاع داشته و اطراف تالار اطاقهای کوچکی وجود داشته که طبق کتیبه های موجوده خشایار شاه و اردشیر سوم آنها را

تعمیر کرده و بر وسعت آن افزوده است - در آنجا نقش داریوش بزرگ
 بنظر میرسد که روی تخت نشسته و غلامان پایهای تخت را نگاه داشته‌اند
 در جای دیگر آن پادشاه روی صندلی نشسته و پاسبانی چتر بر سرش نگاه داشته
 و نقش دیگر داریوش بر اسب سوار است و ملتزمین رکاب در جلو و عقب او
 در حرکت می‌باشند و خواجه سرایان کاسه هائی در دست دارند - دیگر
 نقش حیوانی است عجیب الخلقه که سری مانند شیر و دم و پائی چون
 جنگال عقاب دارد و انسانی خنجرى بشکم این حیوان فرو کرده است
 مرحوم فرصت الدوله مؤلف کتاب آثار عجم مینویسد چنین حیوانی در جهان
 وجود نداشته و این حیوان را تشبیه به نفس اماره و سرکش انسان نموده
 و انسانی که خنجر بشکم این حیوان فرو برده تشبیه بعقل سلیم انسان
 کرده از آثار دیگر برس پلیس یکی سر درب بزرگ خشایار شاه و تالار
 صدستون و کاخ داریوش و بعضی بناهای دیگر که بعد از آن پادشاه ساخته
 شده است - در محوطه تخت جمشید ۱۵ ستون بنظر رسید که هریک
 از نه پارچه سنگ است که بر روی هر ستونی کله گاوی از سنگ نصب بوده
 ولی اکنون خراب و از بین رفته است .

در دامنه کوه در محوطه استخر دودخمه دیده شد که دردخمه اولی
 دو تابوت از سنگ بدون در و دردخمه دوم شش تابوت بدون در که همگی
 خالی از اجساد بودند و در بالای سر این دخمه‌ها نقش داریوش بنظر رسید
 که بر تخت نشسته و تیر و کمان در دست دارد آتش مقدس در جلو او
 در اشتعال است نیز نقش ملک فروهر بالای سرش و در پائین تخت تصاویر
 و نقوش غلامان و ملازمان است که پایهای تخت را بر دوش گرفته‌اند
 و زیر این تصاویر نقوش شیر هائی وجود دارد و چند لوحه سنگی بخط میخی
 در آنجا بنظر رسید - بنای استخر را داریوش و پسرش خشایار شاه نموده

وبعدھا پادشاھان ساسانی آنها تعمیر کرده اند - عمارت تالار بزرگ و کاخ صد ستون را اسکندر رومی آتش زده و ویران نمود که اکنون آثار آنها باقی مانده است .

در سال ۱۲۵۴ خورشیدی مرحوم فرهاد میرزا مقتصد الدوله که والی فارس بود بتخت جمشید آمده و بدستور او قسمتی از آثار قدیم را از زیر خاک بیرون آوردند و شرح حفاری را روی سنگ کنده و بیاد کار خود گذارده است و در چند سال پیش هیئت انجمن باستان شناسی امریکائی در پرس پلیس مشغول کشف و حفاری در آنجا بودند و اشیاء فلزی و سفالی و چند مجسمه کوچک سنگی و کوزه های بزرگ محتوی اسلکت اجساد و چند لوحه نقره و طلا که بخط میخی داریوش نام خود و پدرش را در آنها نوشته بود پیدا نموده اکنون در موزه ایران باستان در تهران موجود است نیز چندین دیوار و پله ها که منقوش با تصاویر و اشکال مختلفه از جمله کالسکه که اسب بار بسته شده و نقش شتر و شیر و اقسام آلات و اسلحه ها روی سنگ کنده شده در آنجا وجود دارد .

از سیاحان اروپائی که باستخر آمده و نام خود را در آنجا نوشته اند یکی پروفیسور « مکسی مولن » آلمانی است پروفیسور نامبرده به جزیره خارک در خلیج فارس نیز رفته بود و دخمه هائی در کوه آنجا دیده است نویسنده او را در بندر گناوه ملاقات نمودم او معتقد بود که در هفتصد سال پیش عیسویانی در جزیره خارک اقامت داشتند و آثاری از جمله چند صلیب در آنجا بدست آورد و از نقوش در آن دخمه ها عکس برداری کرده بود نویسنده گمان دارد عیسوی ها همان پرتغالی ها و هلندی ها باشند که در چند قرن پیش برای تجارت بخلیج فارس آمده و چندی در جزیره خارک سکونت داشته اند .



سرجان ملکم نماینده انگلیس

از سیاحان دیگر «هرمن ناردن» امریکائی مؤلف کتاب زیر آسمان ایران و «سرجان ملکم» معروف بوده که انگلیس ها برای تحکیم موقعیت سیاسی و تجاری خود برای بار دوم او را بدربار فتحعلی شاه در سال ۱۲۲۶ هجری قمری فرستادند و قراردادیکه «هارد فوردریدیچ» وزیرمختار دولت انگلیس منعقد نموده بود او بامضای فتحعلی شاه رسانید و درخصوص مأموریت خود بایران مینویسد:

«مدت ده سال از تاریخ اولین مسافرت من بایران میگذرد در این مدت در حوادث ایران تغییرات زیادی پیدا شده روسها از شمال قفقاز بکرانه رودارس پیش آمدند - ناپلئون نقشه کشیده بود که خرس روسیه و شیرایران را زنجیر کرده آنها رابه رابه جنگی خود بسته و درجلگه های حاصلخیز هندوستان بترکتازی مشغول شود»

سرجان ملکم قرار داد زیررا از طرف دولت انگلیس بایران منعقد ساخت و بعداً «سرویلیام کوراوولی» آنرا تکمیل نمود.

۱- هرگاه افغانها قصد حمله به هندوستان نمایند پادشاه ایران قشونی را روانه افغانستان کند هزینه این لشکر کشی از طرف دولت انگلیس پرداخت خواهد شد.

۲- هرگاه افغانستان بایکی از دولتهای ایران وانگلستان صلح کند دولت دیگری در این صلح شریک خواهد بود.

۳- هرگاه دولت افغانستان یا فرانسه بایران وارد جنگ شود دولت انگلیس در این مورد بایران کمکهای لازمه خواهد داد.

۴- دولت ایران متعهد میشود مانع توقف مأمورین فرانسه و اقامت آنها در مرزهای ایران چه از دریا و چه در خشکی نخواهد شد و اجازه نخواهد داد که در خاک ایران آزادانه رفت و آمد نمایند.

پس از امضاء این قرارداد سرجان ملکم با دریافت نشان و شمشیر و خنجر مرصع از طرف فتحعلی شاه باتفاق میرزا خلیل خان قزوینی که مأمور سفارت ایران به هندوستان بود با تحف و هدایا بسمت هندوستان حرکت نمودند فرمانفرمای هند او را خیرمقدم گفت و عمارتی عالی با اختیار او گذارد و دویست نفر نظامی هندی و چهار افسر انگلیسی درب خانه او برای احترام برگماشت روزی ملازمان سفیر چند تیر بطرف مرغابی ها که در حوض عمارت شنا میکردند انداختند و چون سربازان هندو پیرو دین برهمنی بودند از کشتن جاندار احتراز داشتند از این عمل گماشتگان سفیر برآشفتنند و کار بزدو خورد رسید میرزا خلیل خان برای خوابانیدن فتنه بین سربازان و گماشتگان خود آمد ناگهان تیری باو اصابت نمود و فوری درگذشت فرمانفرمای هندوستان دویست سربازان هندی و افسران آنها را حبس نمود و عریضه تأسف از این قضیه و معذرت بفتحعلی شاه نوشت و کنسول انگلیس مقیم بصره و چند نفر از افسران ارشد با لباس سوگواری بتهران آمدند و پادشاه ایران پوزش آنها را پذیرفت و محمد نبی خان را مأمور سفارت هندوستان نمود و همراه هیئت نمایندگان انگلیس از ایران حرکت نمود روز ورود او به بمبئی فرمانفرمای هند با دویست هزار نفر از اهالی باستقبال محمد نبی خان آمده بودند و حکومت هندوستان ۵۰ هزار تومان خونیهای میرزا خلیل خان را پسرش محمد اسمعیل خان پرداخت و نیز حقون سالیانه برای او برقرار نمود محمدنبی خان پس از چند سال از هندوستان با ایران مراجعت کرد.

سرجان ملکم پس از انجام مأموریت دوم خود در ایران از شغل سیاسی استعفا نمود و بجای او « سرویلیام کوراوولی » بسمت نمایندگی سیاسی انگلیس در ایران منصوب گردید او طرح قرار داد صلح بین ایران

و روسیه در سال ۱۲۲۸ هجری قمری معروف به عهدنامه گلستان ریخت که بنفع روسها خاتمه یافت و در قصبه گلستان از توابع قرا باغ با حضور او این معاهده که مشتمل بر يك مقدمه و یازده ماده بود بامضای میرزا ابوالحسن خان شیرازی نماینده ایران و «نیکولاویچ» سردار روسی رسانید.

بعداً عهد نامه ترکمن چای در سال ۱۲۴۳ قمری بوسیله «سر جان ماکدونلد» وزیر مختار انگلیس با حضور او بسته و امضاء شد که در نتیجه تمام بلاد قفقاز و ولایات قرا باغ و گنجه و خانات و ایروان و نخجوان و شگی و شیروان و قبه و دربند و باکو و سایر شهر های دیگر تا ابد بتصرف روسیه درآمد.

در شمال غربی تخت جمشید نقش رستم واقع شده و در قسمت زیر بشکل مربع مستطیل عاری از نقش و نگار است ولی در قسمت میانه نقوش و تصاویر زیادی بنظر میرسد از جمله نقش داریوش که بر تخت نشسته و دست راست خود را بطرف آتشکده مقدس دراز نموده و تصویر ملك فروهر بالای سرش قرار دارد در کنار این نقش خورشیدی نمایانست و تخت داریوش را ۲۸ نفر بردوش گرفته اند و کتیبه بخط میخی در آنجا دیده شد که داریوش شرح زندگانی و فتوحات خود را نوشته است و نیز نقش شاپور اول بنظر میرسد که «والرین» امپراطور روم را اسیر نموده و او زانوی خود را بزمین زده و نقش اردشیر و اهورامزدا که هر يك براسب سوار و روبروی یکدیگر ایستاده اند و اهورا مزدا عصائی در دست دارد و تاج پادشاهی را باردشیر میدهد و زیر پای اسب او نقش اردوان پنجم اشکانی و تصویر دو نفر دیگر دیده میشود که مشغول زدو خورد هستند و نیز در این محل دخمه ها و قبور پادشاهان هخامنشی و حجاریهای ساسانیان است که به هفت قسمت میباشد و در جلو دخمه ها بنای چهار

ضلعی کوچکی دیده شد که در سمت غربی آن دو آتشکده مقدس وجود دارد. نقش رستم درشش کیلومتری تخت جمشید واقع شده است. در دشت مرغاب آثار شهر قدیم بازارگاد پای تخت هخامنشی نیز دیده شد در آنجا آرامگاه ابدی کورش بوده که عبارت از دخمه با سنگهای تراش و نقش کورش روی آن نقر شده و دیوارها و سقف آن سنگ های بزرگی را تشکیل داده و بالای آن يك اطاق سنگی سرپوشیده تاریکی قرار دارد و روی لوحه سنگی بخط میخی نوشته شده « من کورش فرزند کامبیز مؤسس شاهنشاهی ایران و پادشاه آسیا هستم و بر قبر من حسد مبر » اکنون قسمتی از این نقوش از بین رفته است از دیدن این آثار باستانی و عظمت و اقتدار پادشاهان هخامنشی با مقایسه اوضاع کنونی افسرده شده و از آنجا حرکت نمودم.

بندامیر از بناهای تاریخی امیر عضدالدوله دیلمی است و در ۱۲ کیلومتری قصبه زرقان واقع شده و در آن محل سدی روی رودخانه کرساخته که دارای چند چشمه است و چهار چشمه آن بادرهای آهنی محکمی بسته شده که اکنون زیر آب رفته و پنهان است این سد جریان آب رودخانه را از مجرای خود منحرف و برای زراعت به کار می رفته. هرگاه وزارت کشاورزی و آبیاری توجهی بسد بندامیر نماید و آنرا تعمیر و مرمت کند چندین فرسنگ از اراضی مرودشت قابل هر قسم زراعت خاصه چغندر کاری خواهد بود و مردم فارس از بلای قحطی و مجاعه و بدبختی نجات خواهند یافت. کارخانه قند و شکر مرودشت در نزدیک رودخانه کر واقع شده است و سه ماه در سال که مشغول کار است مقدار ۷۰۰ تن چغندر مصرف میکند.

از پل سنگی رودخانه کر گذشته بعد از طی چند کیلو متر از جاده

کوهستانی و نشیب و فراز تپه ها وارد دره الله اکبر شدم و لحظه نزدیک محلی موسوم بزیر قرآن توقف نمودم در اینجا در سال های پیش طاقی بود که روی آن اطاق کوچکی بنا شده بود و در آنجا دو جلد قرآن مجید بزرگ وجود داشته و مسافری و اهالی شیراز از زیر قرآن عبور می کردند اکنون این طاق را خراب کرده و دو جلد قرآن مزبور در موزه ملی شیراز میباشد در نزدیک طاق قرآن محلی است موسوم بمشرقین که در آنجا نقش رستم است که باتیر شیری را کشته نیز نقش فتحعلی شاه که روی سنگی در دامن کوه نقر شده و یکی از شاهزادگان در عقب و خواجه سرانی در جلو او ایستاده است .

شیراز

شهر کنونی شیراز بوسیله محمد ابن حکم که از جانب حجاج بن یوسف ثقفی حکومت آنجا را داشته تجدید بنا یافته و بنای قدیم شیراز از زمان هخامنشی و ساسانیان بوده و این شهر زمانی مرکز حکمرانی آل بویه و آل مظفر و اتابکان بود و قبل از آنها در دوره صفاریان بعد از غلبه اعراب خاصه در دوره عمرو بن لیث صفاری بوسعیت و عظمت شیراز افزوده شد و تا دوره صفوی موقعیت خود را نگاه داشت هنگام تسلط افغانها و در دوره نادری خرابی فراوان بشیراز رسید و مجدداً در عهد کریم خان زند آباد گردید در زمان آن پادشاه رودخانه خشک از میان شهر میگذشته و او مسیر آنرا تغییر داده و سدی از قسمت باغات کفشگر احداث و مجرای آب رودخانه را از طرف شمال شهر بدریاچه نمک اتصال داد . در شیراز بر اثر زلزله شدیدی که در حدود یکصد سال پیش حادث شده بود بعضی از محلات و کویها ویران گردید که بعد تجدید بنا یافت . جمعیت شیراز را در حدود ۱۳۰۱۰۰۰ نفر میگویند و مردمش اکثر زود

- ۱۰۱ -

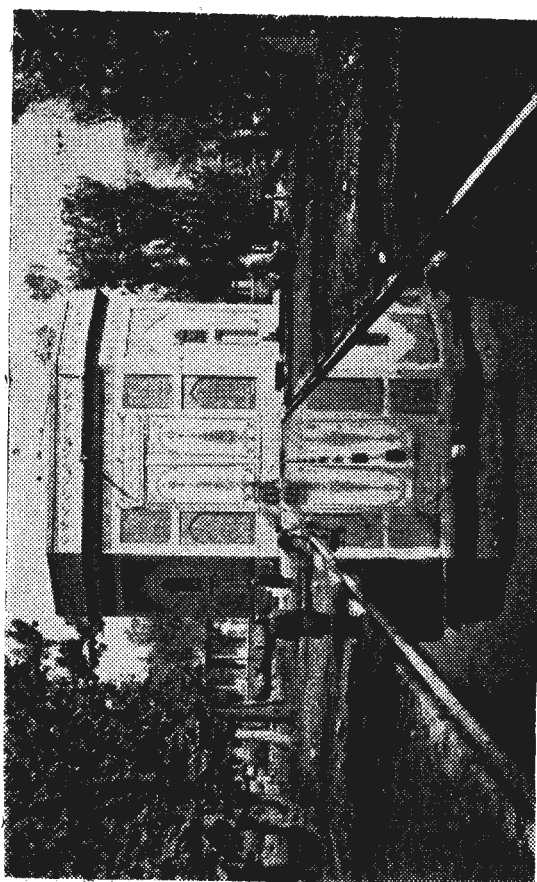
آشنا و باذوق و تن پرور و راحت طلب هستند - هوای شیراز معتدل و بواسطه مناظر طبیعی و با صفا در ایران بی مانند است - صنعت میناکاری و خاتم کاری شیراز در جهان معروف است نویسنده در شهر آگره پای تخت قدیم پادشاهان مغول در هندوستان صنعت حجاری و خاتم کاری آرامگاه اکبر شاه مغول را از شاهکارهای عبدالحق شیرازی دیده است - ولی صنعت نقره کوبی در شیراز بهمان حال پیش مانده و ترقی محسوسی نکرده است آب مشروب شیراز از چاه یا قنات بیرون می آید و بسیار کثیف و سوء هاضمه تولید میکند این شهر نسبت به چند سال پیش آباد شده و ابنیه و عمارات و خیابان های وسیع بر صفا و طراوت شهر افزوده ولی در وسط شهر کوچه های کثیف و خانه ها بطور قدیم باقیمانده است - از آثار قدیم شیراز یکی قصر ابوالنصر است که قبل از مغول ساخته شده و دارای چند ستون و چهار طاق است و تصاویر و نقوش زیادی در آنجا بنظر میرسد - در چند کیلومتری شیراز نقش بهرام گور واقع شده که براسب سوار و حلقه در دست گرفته که آنرا بسوار دیگر میدهد - بنای قدیم تخت ضرابی از ساختمان های قدیم این شهر است اکنون خراب و ویران شده - باغ تخت از بنای آبش خاتون است که چندی محل حکومت او در آنجا بوده و این بنا در دامنه کوه در سمت شمال شیراز واقع شده و دارای هفت اشکوب و نهری از آب چشمه میر در میان این هفت اشکوب میگذاشته و بوسیله فواره ها در حوض بزرگی وارد میشده و باغات و درخت های زیادی اطراف باغ تخت احاطه داشته که اکنون اثری از آنها نیست - آثار قلعه بندر در نزدیک آرامگاه سعدی که دارای دو چاه عمیق است و قلعه مزبور پیش از ظهور اسلام ساخته شده - ساختمان هفت تن که مقبره هفت نفر از مریدان و پیروان پیرویس که مردی صوفی مسلک و مرتاض بوده و کریمخان زند

بنای آنرا گذارده و سنگهای مرمر سفید ممتاز در آن بکار رفته و چند تصویر و نقاشی در ایوان این بنا ترسیم شده از جمله تصویر منسوب به خواجه حافظ و دیگر تصویر شیخ سعدی و تصویر حضرت ابراهیم خلیل و فرزندش اسمعیل و تصویر موسی کلیم با چند گوسفند نیز تصویر شیخ صنعان بامریدان خود و دختر مسیحی معشوقه او در آنجا بنظر میرسد - در بنای چهل تن نیز که مدفن چهل نفر از درویش و مرتاضین است و در نزدیک آن محلی است موسوم به چهل مقام که میگویند جای صومعه چهل تن بوده و تصاویر و نقاشی آن اکنون از بین رفته است - قلعه ارک که دارای تالاریست که کاشی کاری ممتازی در آن بکار رفته .

از ابنیه قدیم شیراز بازار و حمام و کیل که از بناهای عالی و تاریخی عهد کریم خان زند میباشد نیز گهواره دیو (گهواره دید) که بر قلعه کوه ساخته شده و محلی برای دیدبانی بوده در زمان عضدالدوله دیلمی بنا گردیده و در پیش بنام گنبد عضد معروف بوده و چاه مرتاض علی نیز از آثار قدیم شیراز بشمار میرود - مسجد جامع اکنون از همت مردمان خیر تعمیر و مرمت شده و ایوان معروف بطاق مروارید و سایر قسمت های آن تعمیرش خاتمه یافته و منبر چوبی که دارای ۱۳ پله است در شبستان این مسجد قرار دارد و صحیفه هائی بخط کوفی بدستخط برخی ائمه و نیز بخط عثمان در آنجا بوده که اکنون از بین رفته است و بنائی در وسط مسجد جامع موسوم بخدای خانه (دارالقراء) که با سنگهای بخط کوفی در آن نهان نوشته شده و در زمان عمرو لیث صفاری ساخته شده و تعمیر آن بامر شاه ابواسحق اینجو صورت گرفته و در عهد صفویه نیز مرمت گردیده - مسجد و کیل که دارای ۴۸ ستون که هر يك از دو پارچه سنك است و کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته از شاهکارهای صنایع ایران است و منبری که دارای ۱۳ پله از -۱۰۳-

سنگهای مرمر است در آنجا قرار دارد. نیز مسجد نو که در عهد ابوبکر سعد زنگی معاصر شیخ سعدی ساخته شده از آثار قدیم شیراز است اکنون قسمتی از ایوانهای این مسجد شکاف برداشته و رو بخرابی است مسجد نو ۳۰۰ سال بعد از احداث مسجد جامع ساخته شده - بارگاه سید میراحمد بن موسی الکاظم و میرمحمد و آرامگاه محمد بن علی سید علاء الدین و دورنمای گنبد های آنها بر شکوه شیراز افزوده است - مقبره شاه چراغ سید میراحمد در زمان شاه اسمعیل صفوی تجدید بنایافته است - مقبره شیخ علی باباکوهی عارف و مرتاض در وسط کوه در سمت شمال شهر واقع شده و در لوحه ئی بخط کوفی وفاتش در سال ۴۴۲ قمری نوشته شده چشمه آب گوارائی در آنجا نیز وجود دارد و محل باصفائیست - مقبره شاه داعی الله که از مشاهیر و معاصر خواجه حافظ بوده و مقبره آتش خاتون واقع در دروازه قصابخانه (اودختر اتابك سعد زنگی بوده و چندی در شیراز حکومت داشته) و مقبره شیخ روزبهان در محل بالا کدفاتش در سال ۶۶۳ قمری است و مقبره قطب الدین محمد فالی ملقب باستادالبشر که در سال ۶۰۰ قمری فوت کرده و شیخ قطب الدین ایجی در محل مصلی وفاتش در سال ۶۵۰ قمری است و مقبره خواجه کرمانی و شیخ عبدالله حنفی الدین و مجد الدین بن ابراهیم ملاصدرا و شیخ ابوزرعه و شیخ اطعمه که از علما و حکما و مشاهیر فارس بودند نیز آرامگاه شاه شجاع و شاه منظر آل مظفر و شاه منصور در شیراز است آرامگاه خواجه حافظ شمس الدین محمد معاصر آل مظفر و امیر تیمور گورگانی بوده در زمان کریم خان زند تجدید بنا یافته در محل مصلی واقع شده تاریخ وفاتش؛

چو در خاک مصلی یافت منزل بجو تاریخش از خاک مصلی
بحساب حروف ابجد سال ۷۹۱ هجری قمری است - آرامگاه ابدی شیخ



بنای موزه شیراز

مصلح الدین سعدی در ۶ کیلومتری شیراز واقع است و بنای قدیم آن تا کنون بصورت اولیه باقی مانده و اداره فرهنگ فارس توجه در تجدید بنای آن ننموده است طبق کتیبه‌ای که بخط کوفی و نیمی از این کتیبه از بین رفته تاریخ وفاتش در شب جمعه سال ۶۹۱ هجری قمری بوده پروفیسور « ادوارد برون » مستشرق مشهور انگلیسی تصویر شیخ سعدی را که کلاه تاتاری بر سر دارد و اصل نسخه آن تصویر در موزه کتابخانه لندن است تقدیم بارگاه سعدی نموده است - از آثار قدیم شیراز چاه قلعه بندر در وسط کوه نزدیک سعدی واقع شده و چاهیست عمیق و شگفت آور. موزه ملی در باغ کریمخان حاوی ظروف فلزی و سفالی عهد قدیم دوره ساسانیان است و چند تصویر و نقاشی از جمله تصویر کریمخان زند که قلیان میکشد و چهارتن از نزدیکان و اقوام او از جمله لطفعلی خان زند نزدیک او نشسته اند و چند جلد قرآن مجید که یکی در زمان ملک قاسم پرنک والی فارس در عهد صفویه و جلد دیگر بدستخط حضرت رضا و دو جلد قرآن بزرگ که در دوره سلطان ابراهیم شاه رخ نوشته شده و جلد دیگر طلاکوب که در زمان شاه ابو اسحق بخط جمال یحیی صوفی رقم یافته و نیز تابالوهای نقاشی لطفعلی خان صورت گر مشهور در قرن ۱۳ قمری و کتب قدیم و مرقعات و قلمدانهای طلاکوب و سکه های عهد ساسانیان و اشکانیان و شمشیرهای نفیس یکی متعلق بشیخ صفی الدین و دیگری متعلق بکریمخان زند که روی قبضه آن این دوبیت نوشته شده :

این تیغ که شیر فلکش نخجیر است

شمشیر و کیل آن شه کشور گیر است

پیوسته کلید فتح دارد در دست

آن دست که بر قبضه این شمشیر است

در شیراز دو مریضخانه عمومی که دارای چند تختخواب است وجود دارد ولی دوا و پرستار کافی ندارند - کارخانه ریسندگی که در ماه مقدار ۳۰ تن نخ نمره ۱۰ و ۲۰ تهیه میکند و در حدود ۷۰۰ نفر کارگر در آنجا مشغول کارند و کارخانه ریسندگی برق نیز در ماه ۲۰ تن نخ نمره ۴۰ میرسد و نخ این دو کارخانه را بیزد میبرند - بعلاوه در شیراز ۶۵۰ دستگاه دست بافی وجود دارد که کمک بزرگی باوضاع اقتصادی آنجا شده - محصول اطراف شیراز در قسمت مشرق در محل موسوم بشیب بازار غله و برنج است و در قسمت های دیگر اطراف این شهر گندم - جو - حبوبات ذرت - پنبه - تنباکو - چغندر - تریاک بعمل میآید و محصول برنج نیز در نواحی کوربار - رام جز - کامفیروز - ابرج و کفترک بدست میآید که از آب رودخانه مشروب میگردد و نیز مرکبات دهستانهای خفر و سیمکان خاصه لیمو و پرتقال در فارس مشهور است عمده صادرات فارس عبارت از برنج، حبوبات، پنبه، تریاک، کتیرا، صمغ عربی، زرد، پشم، پوست، قالی و خشکبار است.

آب مشروب شیراز کم است و برای کشت و زراعت کافی نیست هرگاه قنوات قدیم اصلاح و تنقیه شود و آب نهر اعظم در جوشك که اکنون چند قنات آن خشك و بدون استفاده مانده لای روبی شود برای آبیاری و کشاورزی مورد استفاده خواهد بود - نهر اعظم در جوشك در محلی موسوم بقصر قمشه در ۱۸ کیلومتری شیراز واقع شده که آب از چند چشمه جاری شده و در ۱۸ جدول تقسیم میگردد و مقسم آن در مسجد بردی است قصر دشت که بصورت چند قنات در اطراف شیراز جریان دارد از جمله قنات محمد زایر خان است که در حدود ۱۵ سنك آب دارد و قنوات خویره - آب حاج شمس - آب سیدی - آب مقرب - آب سالاری و قنات

نصرت و چند قنات دیگر است که مزارع مسجدبردی را مشروب میسازند نیز آب شش پیر « شش بُر » که از کوه شش پیر سرچشمه میگیرد در ۷۰ کیلومتری شیراز واقع است ابتدا آب چشمه شش پیر وارد جلگه شش پیر میگردد و بعد برودخانه اردکان وارد میشود سپس برودخانه دشمن زیاری متصل شده و برودخانه فعلیان میریزد آب شش پیر به چهار رشته تقسیم شده بنام جدول خانی بطرف قریه دالین (ده علی) و دشت خلار که از آنجا بوسیله قنات به دشت گیویم و در اطراف شیراز جریان دارد و مزارع را مشروب مینماید - جدول قلعه سرتلی که دشت همایجان و جدول خلیلی و جدول حاجی آباد مزارع اطراف را مشروب میسازد جدول حاجی آباد در سالهای پیش دارای ده قنات بوده و اکنون از آنها استفاده نمیشود و آب آن بهدر میرود اکنون قسمتی از آب جدول خانی مزارع شیراز را مشروب میکند.

آب پیر بناب در ۱۸ کیلومتری شیراز در سمت جنوب واقع شده و از چشمه سارهای بناب جاری میگردد و دارای آب فراوان است بوسیله چهار رشته قنات مزارع فیض آباد و معز آباد و سایر مزارع دیگر را مشروب میسازد محل سرچشمه پیر بناب بسیار با صفا و همه قسم گلهای خاصه گل بنفشه در آنجا بوجود میآید و یکی از مناظر فرح انگیز شیراز است. اکنون در شیراز شرکت آبیاری فارس تأسیس شده هرگاه مالکین و متنفذین فارس موافقت و مساعدت کنند استان مهم فارس که احتیاج مبرمی بآب دارد و آب برای کشت و زراعت تهیه شود افراد بیکار را بزراعت مشغول و نه تنها اوضاع اقتصادی و فلاحتی بهبودی خواهد یافت بلکه جنبش بزرگی در بهداشت و زندگی اجتماعی مردم فارس بوجود خواهد آمد و تنقیه قنات قدیم و احداث قنات جدید و بستن سدها و بندها و کشیدن

جداول و انهار و ساختن تالاب ها و مخازن برای نگاهداری آب از اهم فرائض اصلاح طلبان این استان است که مردم از بلای بیکاری و فقر و مجاعه نجات خواهند یافت .

پس از چند روز توقف در شیراز بعزم کازرون حرکت نمودم از چنار راهدار گذشته بعد از طی ۴۸ کیلومتر وارد خانه زنیان شدم عده سکنه این قصبه را در حدود ۴۰۰ خانوار میگویند مردمش اکثر کشاورز و عده زیادی مبتلا بمالاریا هستند اکنون مرض حصه در آنجا شیوع یافته و بواسطه نبودن دوا و فقدان طبیب مرگ و میر بین اهالی زیاد است. محصول آنجا عبارت از گندم و جو و ذرت است که از آب رودخانه قره آقاج و خطیری مشروب میگردد - پس از لحظه از خانه زنیان و پل سنگی قره آقاج گذشته و ۲۴ کیلو متر طی نموده وارد دشت ارزن شدم قریه دشت ارزن در جلگه واقع شده و اطراف آنرا کوههای مرتفع احاطه کرده است در فصل زمستان در اینجا بسیار سرد و پر از برف است - در دامنه کوه آب فراوان که از چشمه های زیادی جاری میگردد وارد جلگه شده بدون استفاده بهدر میرود و تولید باتلاقها میکند هرگاه کشت برنج در این دشت هموار بنمایند محصول برنج زیادی بدست خواهد آمد اکنون محصول دشت ارزن کمی گندم و جو است -

کتل پیر زن که مسیر راه ما است ۴۷۰۰ پا ارتفاع دارد و جنگل و درخت های انبوه بلوط اطراف را احاطه نموده منظره طبیعی دشت ارزن و طراوت هوایش انبساطی پیدا میکند در وسط کتل پیرزن مصادف با کاروان احشام ایل درشولی شده که از گرمسیر بطرف قشلان در حرکت بودند منظره کاروان ایلات چادر نشین خالی از تماشا نیست آثار فقر و بیچارگی و لباس مندرس و پاره آنها باعث ملال و اندوه نویسنده شد -

از کتل پیرزن و کتل دختر که پر پیچ و خم و مواضع خطرناکی دارد گذشته
وارد دشت پل آبگینه شده دریاچه پریشان در این دشت واقع شده و محل
شکار خوک است پس از طی چند کیلومتر وارد کازرون شدم مسافت بین دشت
ارزن و کازرون در حدود ۴۸ کیلومتر است .

کازرون

کازرون یکی از شهرهای قدیم ایران است و در پیش بسیار آباد
بوده باغات و نارنجستانهای آنجا از جمله باغ نظر و باغ حاج سیدابوطالب
و باغات دیگر که دارای نارنج - لیموترش - پرتقال و سایر مرکبات که
در فارس مشهور است . اکنون این شهر ویران و مخروبه و شهری است
کشیف و خانههای خراب و مردمش گرچه دارای هوش و ذکاوت
و کارآمد هستند و باینکه در تنقیه قنات مهارت زیادی دارند با این وصف
آب مشروب این شهر بسیار کم است و مصرف آنها از آب چاه میباشد در
سالهای پیش دارای قنات زیادی بوده اکنون چند قنات از جمله خیرات ،
قرچه - گنج آب - رضی آباد - قنات وادی که در سالهای کم باران اکثر خشک
و یاکم آب است هرگاه نهری از آب نودان بکازرون بیاورند یاسدی
در آن رودخانه بسازند باعث آبادی و افزایش کشت و زراعت آنجا میگردد -
محصول کازرون عبارت از گندم - جو - حبوبات - پنبه - ترباک و خرما
است که از قنات مبارك آباد - رستم آباد - هرشد آباد - خلیل آباد
و کازرگاه «کروک» مشروب میگردد و محصول کوهستانی کازرون زردو - بادام
کوهی - جفت - پسته کوهی (بنه) میباشد - يك دستگاه پنبه پاك كنى
و چند کارخانه آرد و برنج پاك كنى در این شهر دایر گردیده و روشنی برق
این شهر از قوه کارخانه گندم پاك كنى استفاده میگردد .

صادرات کازرون پنبه - پشم - زردو - بادام کوهی و ترباک است

که در داخله کشور بفروش میرود - جمعیت این شهر در حدود ۱۸،۰۰۰ نفر میگویند و عده دانش آموز آنجا از ۵۰۰ نفر زیادتر نیست که نسبت بتعداد سکنه این شهر بسیار کم است - مردمش اکثر کشاورز یا پیله ورنند. اوضاع این شهر از لحاظ بهداشت خوب نیست. مرحوم ناصر دیوان پیشواور رئیس انتظامات کازرون مردی میهن پرست و شجاع بود در جنگ هائی که نموده بود رشادت و دلیری ها از خود بیادگار گذارد و همواره فاتح بود. در چند کیلومتر تری کازرون محلی است موسوم بنقش تیمور در آنجا تصویر تیمور در سنک نقر شده که بر اسب سوار و شیرینی جلو اسب او خوابیده و ملازمان اطراف او در حال حرکت هستند گویا تیمور فرزند حسینعلی میرزا والی فارس باشد که چندی در کازرون حکومت داشته - مقبره شیخ امین الدین در محله بالا و مقبره شیخ ابواسحق در کوی گنج آباد موسوم بفخاران که از جمله فضلا و عرفا بودند. مقبره امام زاده محمد بین التلین نیز در کازرون واقع شده. خواجه مطهر الدین عبدالله کازرونی وزیر امیر عضدالدوله دیلمی و نیز بهاری کازرونی موسوم به نوروز شاه که زمانی حکمران جزیره هرمز و بندر چرون بود که در شجاعت و دلیری معروف عصر خود بوده در کازرون بدنیا آمده است.

از کازرون پس از طی ۲۴ کیلومتر بتنگ شاپور که موسوم به تنک چوگان است رفته آثار قدیم و تاریخی بین دو کوه وجود دارد و قلعه ویرانه در دشت تنک چوگان بنظر رسید و رودخانه شاپور از این دشت میگذرد و کشت و زراعت آنجا را مشروب میسازد در تنک شاپور حجاریهای دوره ساسانیان از جمله تصویر سوار و پیاده نظام و نقش مردمی را نشان میدهد که هدایا و تحف نزد شاهپور میآورند دیگر نقش شاهپور است که ملازمان و پاسبانان در پیش او ایستاده در جای دیگر تصویر آن

پادشاه بنظر میرسد که بر اسب سوار است و (والرین) امپراطور روم زیر پای اسب او قرار دارد و یکی از سرداران رومی در جلو اسب پادشاه زانو بزمین زده دیگر مجسمه شاپور بارتفاع ۶ ذرع قامت و دایره سینه او نیم ذرع اکنون پاهای این مجسمه شکسته و نیمی از چهره او خراب و از بین رفته است. نیز دو لوحه سنگی بخط پهلوی در آنجا دیده شد که در لوحه اولی شاپور پیروزی و فتوحات خود و مغلوبیت (والرین) را نوشته و در لوحه دوم نقش آن پادشاه است که ملازمان و نظامیان در جلو او ایستاده و «سیر یادیس» که مورد مراحم شاپور بوده در آنجا دیده میشود در وسط کوه دخمه وجود دارد که رسیدن بآن بسیار مشکل و خالی از صعوبت نیست و بوسیله طناب یا نردبان باید بالا رفت این دخمه بسیار طولانی و تاریک و دارای چند دهلیز است و چشمه آب در میان این دخمه جریان دارد که در حوضی میریزد و محلی شگفت آور است سیاحان خارجی نتوانستند دریابند که انتهای این دخمه در کجاست و میبایست باشمع یا چراغ در این دخمه داخل شد در چند سال پیش چند نفر از زردشتیان هندوستان با افزار و لوازم کار برای تحقیقات بتنگ چوگان آمده بودند ولی ناامنی و عدم انتظام در این ناحیه مانع کار آنها گردید و بدون نتیجه از آنجا به هندوستان بازگشتند.

از تنگ چوگان حرکت نموده پس از طی چند کیلومتر بتنگ ترکان رسیدیم این تنگ در میان دو کوه واقع شده و محلی است مخوف و خطرناک در سال های پیش در این تنگ زدو خوردی بین ایلات ایران و سواران هندی دست داد.

بسال ۱۲۸۸ خورشیدی در نتیجه جنگهای محلی که بین عشایر قشقایی و عرب های بهارلو (ابواب جمعی قوام الملک شیرازی) روی داد ناامنی

در فارس پدیدار گردید دولت انگلیس برای حفظ و حراست کنسولخانه خود در شیراز ۱۵۰۰ نفر سوار نظام هندی با بنه و ساز و برگ از راه بوشهر روانه شیراز نمود از انتشار خبر اعزام این عده قشون بیگانه هیجان شدیدی بین خوانین محلی پیدا شد از جمله خورشید خان کمارجی و محمد علی خان کشکولی و ناصر دیوان کازرونی تصمیم جلوگیری از پیشروی سواران هندی گرفتند و در تنک ترکان زد و خوردی بین طرفین در گرفت که در نتیجه مازور « استاك » کنسول انگلیس که همراه قشون هندی بود زخمی گردید و سواران هندی عقب نشینی نمودند و اسلحه و مهمات زیادی بدست خوانین محلی افتاد محمد علی کشکولی کنسول نامبرده را چند روز نزد خود پرستاری نمود تا آنکه بهبودی یافت و ببوشهر مراجعت کرد. از تنک ترکان بسلامت گذشته وارد قصبه کمارج شدم که در دشت همواری قرار گرفته و عده کمی سکنه دارد محصول آنجا گندم و جو و قدری تریاک است و زراعتش دیمی است در سه کیلومتری کمارج نزدیک قریه بناف معدن نفت و گوگرد و نمک وجود دارد و مردم آنجا از قیر و نمک آن استفاده میکنند - بعد از کشته شدن نادر شاه اسد خان نام افغانی بکمارج آمده و در آنجا مشغول راه زنی و شرارت بود به امر کریم خان زند رستم خان ضابط بلوک خشت اسد خان را دستگیر و او را بشیراز فرستاد که بعد مورد عفو آن پادشاه واقع گردید - پس از لحظه توقف از کمارج حرکت کرده از کوه مخوف و دره رودك گذشته وارد کنار تخته شدم مسافت بین کمارج و کنار تخته در حدود ۲۰ کیلومتر است قریه چرون و رودك و جعفرجن در مسیر راه ما واقع شده بود - قصبه کنار تخته جای بد آب و هوایی است محصول آنجا گندم و جو و خرماست آب مشروب این قصبه از چاه است در سالهای پیش بوسیله چند قنات که از رودخانه چرون

جریان داشته محصول کنار تخته را مشروب میکرده اکنون این قنات خراب شده هرگاه این قنات از نو تعمیر شود بر محصول کنار تخته خواهد افزود.

از کنار تخته حرکت کرده و از کتل پر پیچ و خم ملو (ملعون) و کوه های بون کردی و ملافلقلی و پل سنگی که دارای شش چشمه است و از بنا های خیر مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک شیرازیست گذشته وارد قریه دالکی شدم. پست نمازگاه که محل دزدان است و اکثر در اینجا راه زنی و اموال مردم را بسرقت میبرند در يك سمت جاده واقع شده در بین راه خاصه در این محل اثری از مامورین امنیه بنظر نمی رسید رودخانه جمیله و فاریاب که در ۳۰ کیلومتری مشرق دالکی بهم پیوسته و در قریه درودگاه با رود خانه شاپور متصل شده ناحیه دالکی و بلوک شبانکاره و انگالی را مشروب ساخته در بندر رودخانه بدریا میریزد تا چند کیلومتر در مسیر راه شوسه جریان دارد - هوای دالکی بسیار گرم و بوی عفن چشمه های نفت و گوگرد مزید ناراحتی مسافرین میشود - در سال ۱۸۸۴ میلادی در دوره ناصرالدین شاه شرکت «هون تنز» آلمانی امتیاز استخراج نفت ناحیه دالکی را بدست آورد و تا چندی مشغول حفر چاه نفت بود ولی نتیجه نرسید و امتیاز آن لغو گردید - دالکی جزء ناحیه دشتستان است طول آن از قریه بیوار تا قلعه بنه لعلی در حدود ۱۸ کیلومتر و عرض آن در حدود ۲ کیلومتر است و دارای هفت دهستان است. عده سکنه دالکی را در حدود ۳۰ خانوار میگویند. مردمش اکثر کشاورز و فقیر و پریشان حالند محصول آنجا خرما و گندم و جو دیمی است و قسمتی از کشت آبی از آب رودخانه مشروب میگردد و آب مشروب اهالی از چاه است - مسافت بین کنار تخته تا برازجان ۵۰ کیلومتر است - جاده نشیب و فراز زیاد دارد و گاهی راهزنی بین دالکی و برازجان رو میدهد.

برازجان

برازجان مرکز بخشداری دشتستان و تابع فرمانداری بندر بوشهر است. طول این ناحیه از رودخانه فاریاب تا قصبه زیارت در حدود ۷۲ کیلومتر و عرض آن ۳۷ کیلومتر است و دارای ۲۰ قریه میباشد و عده سکنه آنجا را در حدود ۱۲۰۰۰ میگویند و اکثر مردمش کشاورز و در عمران و آبادی این ناحیه توجهی ندارند. محصول برازجان گندم و جو دیمی است و تنباکو و سبزی و تره بار آنجا از آب چاه مشروب میگردد و نیز نخلستان فراوان دارد. در قدیم دارای چند قنات بوده که اکنون خراب و از بین رفته، فقط از یک قنات موسوم بقنات سالم خانی استفاده میشود. تراخم و سایر امراض در این ناحیه زیاد است و اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت و فرهنگ خوب نیست. در سه کیلومتری برازجان آثار قدیم و در کوه گیسو کان در چند کیلومتری آنجا معدن زغال سنگ وجود دارد. در این قصبه کارخانه چراغ برق تأسیس شده و مرحوم میرزا ابوالحسن خان مشیر الملک شیرازی کاروانسرای بنای نهاده که اکنون محل پادگان افراد امنیه میباشد. برازجان مرکز عبور حمل و نقل کالای قاچاق است که از قصبه چاه تل وارد کرده و بکازرون و شیراز میبرند. مأمورین امنیه و افسران آنها شریک اعمال قاچاقچیان بوده و از آنها اخاذی مینمایند.

مسافت بین برازجان و بوشهر در حدود ۶۰ کیلومتر و جاده دارای نشیب و فراز زیاد است خاصه راه باتلاقی مشیله که تعمیر و مرمت لازم دارد. پس از چند ساعت توقف در برازجان بعزم بوشهر حرکت کرده و از قصبه احمدی گذشته وارد قریه چغادک شدم. قصبه احمدی محل سکونت مرحوم شیخ حسین خان چاه کوتاهی بود که بسالار اسلام لقب یافت او در جنگ

پلیس جنوب که از طرف انگلیسیها تشکیل گردید بود کشته شده و خودبادو از فرزنداناش قربانی راه میهن شدند .

واسموس آلمانی

در چغادك خانه کوچکی بنظر رسید که متعلق به « واسموس » بود که چندی در بوشهر سمت کنسول دولت آلمان را داشت و نیز مدتی از طرف وزارت خارجه آلمان نماینده آن دولت در جزیره ماداگاسکار بود . او دارای قدی بلند و موهای سفید و چشمانی جذاب و بانفوذ بود و زبان فارسی را بخوبی صحبت میکرد اکثر اوقات در نواحی بوشهر خاصه در بلوك مسافرت مینمود و چون معلوماتی در علم طب داشت مردم دهستانها او را احترام میکردند . در جنگ بین الملل اول آلمانها در صدد بودند هر گاه بتوانند از سلطان عثمانی که سمت خلیفه مسلمین داشت برضد انگلیسیها اعلان جهاد صادر نمایند و مسلمانان دنیا را برخلاف انگلیسیها تحریک کنند و بنام دفاع و حمایت اسلام با انگلیسیها جنگ نمایند بنا بر این اداره جاسوسی آلمان در سال ۱۹۱۴ میلادی يك هیئت تبلیغاتی مرکب از ۳۲ نفر از بهترین مأمورین خود را از اسلامبول بشام و یمن و مصر و ایران و افغانستان برای این منظور روانه نمود که از جمله « ینی یدرمایر » و « شونمن » و « بورن سدروف » و دکتر « لندرس » و « واسموس » بودند که از راه بغداد و پشت کوه وارد ایران شدند . از آنطرف سرویس جاسوسی انگلیس « انتلجین سرویس » در لندن حرکت این هیئت اعزامی آلمانرا بتمام مأمورین سیاسی خود در خاور میانه خبر داد . هیئت اعزامی آلمان تصمیم گرفت که « ینی یدرمایر » را به افغانستان و « شونمن » را بطرف غرب ایران و کرمانشاه و « بورن سدروف » و دکتر « لندرس » و « واسموس » را به جنوب ایران اعزام دارد که بعملیات ضد انگلیسی

اقدام نمایند. « واسموس » از پشت کوه وارد نواحی دزفول گردید و بعضی از خوانین بختیاری و سایر قبایل را با خود همراه نمود و بامهارت و زیردستی توانست آنها را وادار نماید که لوله های نفتی را که از مسجد سلیمان از راه درخزینه به آبادان کشیده شده بود سوراخ کنند و در مدت ۲۴ ساعت لوله نفت خراب و مقدار زیادی نفت خام در دشت خوزستان بهدر رفت و این نخستین پیروزی « واسموس » در ایران بود. در حوالی شوشتر نزدیک بود که دستگیر شود ولی بخت و اقبال او مساعدت کرد و از دامی که انگلیسیها برای او گسترده بودند بدررفت. برای بدست آوردن و اطلاع یافتن از « واسموس » دستگاه جاسوسی انگلیس در ایران کوشش ها نمود و سروان جوان انگلیسی « نویل » باعده ای در تعقیب و گرفتاری او بودند و نتوانستند او را پیدا کنند.

« واسموس » وارد ناحیه خیرآباد و بهبهان شد یکی از بازرگانان و سادات بهبهان که سمت نمایندگی افتخاری انگلیس را در بهبهان داشت و رود این کاروان را در نزدیک بهبهان بنجرال کنسولگری انگلیس در بوشهر گزارش داد. مستر « چک » نایب کنسول انگلیس با کشتی جنگی از بوشهر به بندر ریگ آمد و با حیدرخان حیات داودی بخشدار بندر ریگ ملاقات نمود و با مشورت و صلاح دید او عده ای چریک مأمور گرفتاری کاروان « واسموس » شدند. تفنگچیان وارد بلوک لیراوی و ناحیه شول گردیده و سر کرده آنها تقاضای ملاقات رئیس کاروان را که تا آن موقع از نام و نشان او اطلاع نداشت مینماید پس از لحظه مردی بلندقد باموهای سفید و چشمانی جذاب از چادر خود بیرون آمده و از سر کرده تفنگچیان می پرسد کدام خان شما را باین محل فرستاده - سر کرده تفنگچیان در جواب میگویند حیدرخان مارا مأمور نموده که در خدمت شما تابندریک باشیم

« واسموس » چون از روابط دوستانه بین حیدر خان و انگلیسیها خبر داشت مطلب را دریافته میگوید من از حیدر خان که ما را دعوت به بندر ریگ نموده بسیار متشکرم و چون امروز همه خسته و مالهایی ما و امانده است نمیتوانیم بمسافرت خود ادامه دهیم امشب شما مهمان ما باشید فردا صبح باتفاق شما به بندر ریگ حرکت خواهیم نمود در همان شب واسموس با هم قطاران آلمانی خود مشورت نموده و مصمم بفرار میگردند و این بار چهارم است که موفق بفرار میشوند. « واسموس » لباس و کلاه ایرانی پوشیده در نیمه شب با حال دراز کش از چادر بیرون آمد و در آن تاریکی شب فرار میکند و در سپیده دم بقریه گومارون رسیده و روانه بلوک شبانکاره میشود. چون روی تخت خوابش پارچه سفیدی کشیده بود مانند این که کسی روی تخت خواب در خواب است تفنگچیان را اغفال نمود - پس از فرار « واسموس » مأمورین اعزامی سایر آلمانی ها را و مترجم ایرانی را با کاروان و صندوقهای لیره و اوراق تبلیغاتی را که بزبانهای فارسی و عربی و هندی نوشته شده بود به بندر ریگ آوردند و حیدر خان آنها را در مقابل رسید تحویل کشتی جنگی انگلیس میدهد - چون حیدر خان از فرار « واسموس » اطلاع یافت بیدرنک عده چریک بسر کردگی برادر خود محمد خان چاروسائی « واسموس » را تعقیب میکنند و در بلوک شبانکاره با و میرسند ولی مرحوم اسمعیل خان شبانکاره از تسلیم واسموس امتناع میکند و او را با چهار نفر تفنگچی در شب روانه برازجان مینماید و او بزانداری پناه میرد و چون اداره ژاندارمری در زیر نظر و سرپرستی افسران سوئدی بود و آنها بیشتر متمایل به آلمانها بودند بهمین سبب استقبال شایانی از « واسموس » نمودند. در ملاقات محرمانه با مرحوم محمد خان غضنفر السلطنه بخشدار برازجان و سایر خوانین جنوب اوشهرت داد که انگلیسیها میخواهند ایران را اشغال کنند

و بدین وسیله شهادت و حس مالیت مردمان جنوب را برضد انگلیسیها برانگیخت و با کمک مالی ضابط برازجان بطرف تنگستان رفت و در جنوب آتش انقلاب را برافروخت.

چون «واسموس» خبر یافت که کشتی جنگی انگلیس موسوم به «جنو» بندر دلواری را بمباران نموده و زدو خوردی بین انگلیسیها و رئیس علی دلواری واقع شده و سبب جنگ این بود که انگلیسیها مراسله بخط رئیس علی بدست آورده بودند که او با بازرگانان آلمانی مقیم بوشهر مرادده و مکاتبه داشته و باعث سوء ظن آنها شده بود بنابراین «واسموس» موقع را غنیمت شمرده در تنگستان باخوانین از جمله زابر خضر خان و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و رئیس علی خان دلواری ملاقات و مذاکرات نموده و آنها را برضد انگلیسیها تحریک کرد و منظور او سرگرم نمودن قسمتی از قشون انگلیسی در پشت جبهه جنگ در بین النهرین بود و در نتیجه در حدود ۲۰ هزار نفر سپاهیان هندی و انگلیسی با مهمات و ساز و برگ کافی وارد بوشهر گردید و تا مدت دو سال جنگ های دفاعی در تنگستان و فارس ادامه داشت و نهضت فارس در کازرون و شیراز نیز برپا گردید و خون جوانان تنگستانی ریخته شد و کنسول انگلیس مقیم شیراز «اگونور» و رئیس و معاون بانک شاهنشاهی و چند تن از اتباع انگلیسی را از شیراز باسارت به تنگستان آوردند. جنگهای تنگستان اکثر غیر منظم و بطور شایخون بود و سخت ترین جنگهای آنها در نقاط کوه گزی و دره تنگک و کره انگوری و برج مقام بود در این نقاط در حدود یک هزار نفر از نظامیان انگلیسی و هندی کشته و زخمی شدند و از تنگستانیها چند نفر از جمله فرزند شیخ حسین خان کشته شدند و سی نفر زخمی و هفده نفر اسیر و بیست نفر از شدت گرما و تشنگی تلف گردیدند - اسرای انگلیسی مدت

هشت ماه در اهرم و سپس در خورموج مجبوس بودند .
مرکز جنك تنگستانیها در قریه گورك و آل چنگی و چغادك بود
و كسب دستور از آنجا میكردند .

« اگونور » كنسول انگلیس در مدت اقامت و اسارت خود در اهرم
نقشه مصالحه و متاركة جنك باتنگستانیها ریخت و دوحریف اروپائی
(اگونور و واسموس) در اهرم مشغول بازی شطرنج سیاسی شدند
بالاخره « اگونور » با داشتن مهره شاه مات بر حریف زبردست خود
« واسموس » فایق آمد و از طرف انگلیسیها ترك مخاصمت شد و صلح نامه
ذیل تنظیم و بامضاء طرفین رسید :

۱- استرداد اسرای تنگستانی و دشتی که در جنك گرفتار و دستگیر
شده که از جمله آنها خالو حسین دشتی و حاج علی تنگستانی میباشد .
۲- آزادی اتباع آلمانی که در بنادر خلیج فارس بدست انگلیسیها
گرفتار شده اند .

۳- تحویل و تسلیم صندوق های چاهی متعلق به اهالی تنگستان
که در بحرین ضبط شده است .

۴- پرداخت ده هزار تومان متعلق بشیخ حسین خان چاه کوتاهی
که در بانك شاهنشاهی ودیعه میباشد .

۵- آزادی عمل برای رفت و آمد عموم مردم خاصه اهالی تنگستان
ببوشهر و عدم تعرض نسبت بعابرین در راه شاهی که راه احمدی باشد
و تغییری در آن راه داده نشود و هرگاه در ناحیه احمدی یا تنگستان سرقتی
واقع شود مأمورین انگلیس حق مداخله نداشته باشند و در دستگیری
سارقین کالا میبایست خوانین محلی اقدام کنند .

تعهدنامه که خوانین دشتی و تنگستان نوشته و امضاء نمودند :

(۱) استرداد اسرای انگلیسی که هشت نفر بوده و در اهرم بدست تنگستانیها گرفتار میباشند (دو نفر از آنها بسبب ناخوشی بعلاوه خانهای انگلیسی که همراه اسیران بودند نظر بمقتضیات عالم انسانیت در پیمش آزاد و مستخلص شده بودند که مقامات نظامی انگلیسها در نامه بنام خوانین دشتی و تنگستان اظهار تشکر از این اقدام کرده بودند)

(۲) مسئولیت راه شاهی را خوانین تنگستان و دشتی در خاک خود بعهدہ میگیرند و هرگاه مال التجاره بسرقت برود غرامت بدهند.

(۳) حفظ و نگاهداری خط سیم تلگراف در حدود خاک خود پس از تعمیر قبول مینمایند.

این شرایط را مرحوم زایر خضر خان امیر اسلام و شیخ حسین خان سالار اسلام امضاء نموده برای انگلیسها فرستادند ولی از طرف انگلیسها عملی نگردید شب تابستان تاریکی بود که صندوقهای چاهی و کیسههای پول متعلق بخوانین در سر بست چند کیلومتری بوشهر با اسیران تنگستانی تحویل گردید و در عوض اسرای انگلیسی مستخلص و ببوشهر روانه شدند طولی نکشید که انگلیسها شروع بکشیدن خط راه آهن نظامی به برازجان کردند از طرف خوانین از احداث راه آهن و از مستخلص نشدن اتباع آلمانی طبق قرارداد صلح بمقامات نظامی انگلیسها اعتراض شد علاوه بر اینکه ترتیب اثر از طرف انگلیسها داده نشد به بهانه اینکه میبایست خوانین محلی به برج مقام آمده وبا اولیای نظامی انگلیس راجع باوضاع مشورت نمایند اعلان جنگ به آنها دادند.

چون مجاهدین تنگستان و دشتی بعد از متار که جنگ باو طان خود رفته بودند خوانین تنگستان مراسلاتی بدشتی و برازجان نوشته و قضا یا را به آنها اطلاع دادند و محمد خان غضنفر السلطنه ضابط برازجان با عده



واسموس آلمانی

سیصد نفری خود را بقریه چغادک رسانید در این بین قشون انگلیسی نیز
بطرف چغادک پیشروی نمود و بسنگر های تنگستانیها هجوم آوردند
زیرا خضر خان با عده خود از سنگرها بیرون آمده و از عقب بقشون انگلیسی
حمله نمودند و سپاهیان انگلیسی همینکه سنگرها را از وجود مجاهدین
خالی دیدند حرکت دورانی نموده سنگرها را تصرف کردند در این بین
دسته دیگر از لشکریان انگلیسی عرصه را بر سنگریکه شیخ حسین خان
چاه کوتاهی در آن قرار گرفته بود تنگ نموده سپس بطرف قریه قاید
و خائیز پیشروی کردند که منجر بشکست تنگستانیها گردید.

بعد از شکست تنگستانیها و فرار محمد خان غضنفر السلطنه بر ازجان
نیز بتصرف انگلیسها درآمد و حکومت نظامی تحت نظر کلنل «گریکسن»
در آنجا برقرار گردید و سپس پیشروی انگلیسها بطرف کازرون و شیراز
شروع شد.

«واسموس» پس از مصالحه و متار که جنگ که برخلاف مرام و نقشه
او بود دیگر صلاح درماندن تنگستان ندانسته از راه غیر معمولی بکازرون
رفت در بین راه با چند نفر دهقان که او را نمیشناختند زد و خوردی نمود
و زخمی برانش وارد آمد از کازرون بشیراز و از آنجا بطرف اصفهان رفت
و بخوانین بختیاری پناه آورد در اصفهان انگلیسها در صدد گرفتاری او
برآمدند ولی خانم مریم موسوم به بی بی سردار مادر مصطفی قلیخان
رئیس ایل چهارلنگ بختیاری که خانم محترمه بود او را محرمانه روانه
تهران نمود «واسموس» در قم از طرف مأمورین ایران دستگیر شد و او را
تحت الحفظ بقزوین بردند در آنجا خود را مریض وانمود کرد و شب
هنگام بتهران فرار کرد مجدداً در قریه کن در چند کیلومتری تهران دستگیر شد
بعد از شناسائی خود دو نفر مأمورین ژاندارمری او را بتهران آوردند

و بسفارتخانه اسپانیا بردند نویسنده او را در ۱۳۰۸ خورشیدی در تهران ملاقات کردم که پس از چند سال هنوز پای او در اثر زخم لنک بود. بعداً دولت آلمان سه نشان افتخار یکی بنام محمد خان غضنفر السلطنه ضابط برارajan و دیگر برای ابراهیم خان ضرغام السلطنه فاتح اصفهان در اول نهضت مشروطیت و نشان دیگر بنام بی بی مریم سردار خانم بختیاری در عوض پذیرائی که نسبت به « واسموس » کرده بودند بایران فرستاد که بالاخره بدست ناهبردگان نرسید .

« واسموس » بار دیگر از آلمان بایران آمد و پنج هزار لیره که از وزارت امور خارجه آلمان گرفته بود بطلب کاران خود داد و با چند کامیون و تراکتور در قریه چغادک بکشاورزی مشغول شد و مدت هفت سال در هوای گرم و سوزان این قریه توقف نمود و در سال ۱۳۰۹ خورشیدی بآلمان مراجعت نمود و در آنجا فوت کرد .

« کرسٹوفر سایکس » در کتاب خود مینویسد « در انگلستان « واسموس » را « لورنس » آلمانی مینامیدند هرگاه در کارهای این مرد دلیر و شجاع دقت شود در کوشش و زبردستی از « لورنس » جاسوس مشهور انگلیسی دست کمی نداشت منتهی پیروزی انگلیس ها در جنگ بین الملل اول « لورنس » را نیز پیروز و معروف نمود در صورتیکه شکست آلمان برنام « واسموس » و کارهای بزرگ و خطرناک او پرده فراموشی کشید « مستر کلک » نایب کنسول انگلیس در بوشهر که بعداً نماینده سیاسی در شرکت نفت انگلیس و ایران در مسجد سلیمان بود نیز از سیاست و زبردستی و دلیری « واسموس » تمجید و توصیف میکرد .

در جنگ بین الملل دوم نیز چند نفر از مأمورین زبردست آلمان از جمله « فرانس مایر » و « رومن کاموتا » نمایندگان کارخانه مرسدس

و نیز « شولمان » نماینده کارخانه یونکرس در ایران و « برتولد شولتس » عضو کنسولگری آلمان در تبریز که او پیش از تهاجم آلمانها بر خاک شوروی چند وقتی بققاز و نواحی باکو رفته بود و چند نفر دیگر که بعداً در خاک قشقائی آمدند و گفته شد دارای مسلسل نیز بودند و میخواستند بر ضد متفقین دست بخراب کاری بزنند قبل از شروع بعملیات خود دستگیر شدند و نتوانستند مانند جنگ بین الملل اول کار مهمی انجام بدهند و سازمان جاسوسی آلمانها در ایران از بین رفت و پیروزی نصیب متفقین گردید.

بوشهر

ریشهر از شهرهای قدیم ایران است و در آثار شوش نیز نامی از آن برده شده و میگویند از بناهای لهراسب بوده و در دوره اردشیر بابکان تجدید بنا یافته در زمان حمله اسکندر رومی که در یاسالار « نیارکوس » بر ریشهر آمده آنرا موزامبری نامید و در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی مرکز تجارت خلیج فارس بوده « دوباروس » سیاح مینویسد در قرن ۱۶ میلادی خانه های ریشهر بدو هزار میرسید و مردمش دریانورد بودند و شاپور اول آنرا تعمیر نمود و در سال ۱۸ هجری قمری عثمان بن ابی العاص این شهر را متصرف شده - پروفیسور « اندریاس » آلمانی در سال ۱۸۷۲ میلادی و « پیزارد » عتیقه شناس فرانسوی در سال ۱۹۱۴ میلادی در خرابه های ریشهر اکتشافات مهمی نمودند که از جمله چند مجسمه فلزی و سکه های قدیم و چند لوحه سنگی بخط میخی و چند خمره استخوان مردگان که تاریخ فوت بعضی از آنها در حدود سه هزار سال پیش بوده و نامشان نیز روی خمره ها نوشته شده بود و بعضی از آثار قدیم ریشهر اکنون در موزه لور فرانسه موجود است در سال ۹۴۷ قمری حسن سلطان ریشهری حکمران دشتی و دشتستان در دوره شاه طهماسب صفوی از فرمان آیدادشاه

سربچی و طغیان نمود و قلعه ریشهر را مستحکم کرده و بالشکریان
 شاه طهماسب مشغول جنگ شد چون محاصره قلعه ریشهر بطول انجامید
 عاقبت بنصایح سادات و بزرگان حسن سلطان تسلیم گردید و او را
 از راه شیراز به تبریز بردند و در آنجا بامر شاه طهماسب کشته شد -
 نادر شاه که در صدد تأسیس نیروی دریائی افتاد فرمان داد که الوار
 و تخته زیادی از مازندران برای ساختن کشتی ببوشهر آوردند و بر اهنمائی
 یکنفر فلاندی چند کشتی ساخته شد . و از هلندیهای ساکن بندر عباس
 تقاضای دو کشتی نمود که مورد قبول واقع نشد ولی شرکت هند شرقی
 يك کشتی موسوم به «بتینا» به نادرشاه فروخت «نیبور» سیاح در سال ۱۷۶۱
 میلادی که ببوشهر آمده مینویسد چند کشتی که آب خور آنها هریک
 ۱۲ پا بود در بوشهر دیده است و نادرشاه مرکز نیروی دریائی خود را
 در بوشهر تمرکز داده بود - در سال ۱۱۵۰ قمری آبادی ریشهر ببوشهر
 انتقال یافت و همینکه شهر بوشهر احداث شد ریشهر رو بانهطاط گذارد
 اکنون قلعه ویرانه موسوم بقلعه سلخ و خندق آب که جز خاک ریزی
 بیش نیست در آنجا باقیمانده است . در زمان حکمرانی شیخ ناصر خان آل مذکور
 ناخدا باشی کشتیهای نادر شاه فرزند شیخ مذکور که از قبیله ابو مهیو
 از اعراب نجد بود بوشهر رو بعمران و آبادی نهاد و بجای حصار قدیم
 دیواری با چند برج و بارو اطراف شهر کشیده و بعد از فوت او فرزندش
 شیخ نصر خان در سال ۱۱۸۲ قمری حکمران بوشهر گردید و انگلیسها
 قراردادی با او بستند که تجارت خانه در بوشهر تأسیس نمایند و با موافقت
 کریم خان زند عمارت و باغ و زمینی جهت گورستان به انگلیسها واگذار
 گردید شیخ نصر خان جزیره بحرین را نیز ضمیمه حکومت خود نمود
 ولی بعداً اعراب عتوب آن جزیره را تصرف کردند و شیخ نصر در سال ۱۲۱۵ قمری

فوت کرد و پسرش شیخ عبدالرسول خان جانشین پدر گردید و ناحیه دشتی و دشتستان را ضمیمه بوشهر نمود در سال ۱۲۲۰ قمری فرمانفرما والی فارس او را بشیراز احضار و چندی او را توقیف نمود سپس شیخ نامبرده را مرخص و بحکومت بوشهر منصوب نمود و چون او قبلاً محمد باقر خان و سالم خان را که باعث غارت و بردن مال مردم بوشهر شده بودند بقتل رسانیده بود بهمین جهت بمجرد ورود او بقریه دالکی از طرف خوانین دشتستان محاصره و پس از زدو خورد بین آنها و کشته شدن چند نفر نزدیک بود که اسیر شود با آخرین گلوله که داشت خود را هلاک کرد . میگویند یکی از کشتیهای متعلق بشیخ عبدالرسول حکمران بوشهر وارد بندر بمبئی گردید و برای احترام يك تیر توپ بسلام مبادرت نمود حکومت بمبئی باین عمل ناخدای کشتی اعتراض کرده و یک هزار روپیه بعنوان جریمه از ناخدا دریافت نمود ولی ناخدا در مقابل پرداخت این مبالغ رسید گرفت در هنگام مراجعت ببوشهر قضیه را بشیخ عبدالرسول گزارش میدهد و شیخ نامبرده بدون اینکه از کنسول انگلیس توضیح بخواهد در صدد معاوضه بالمثل برمیآید پس از چندی کشتی انگلیسی وارد بوشهر میگردد و ناخدای کشتی سه تیر توپ برای سلام مبادرت میکند شیخ عبدالرسول افسر کشتی را گرفتار و مطالبه سه هزار روپیه جریمه مینماید هر چند کنسول انگلیس اعتراض میکند جواب میدهد که طبق معمول حکومت بمبئی عمل شده و بعد از اخذ سه هزار روپیه ناخدای کشتی را رها میکند .

چون والی فارس از خوانین دشتستان از این قضیه بازخواستی ننمود پسرش شیخ نصر خان دوم برای انتقام خون پدر با چند هزار نفر از اعراب جواسم غفلتاً ببوشهر حمله کرد و نزدیک بود که ارگ را تصرف کند در آن هنگام پادگان نظامی در بوشهر در حدود ۶۵۰ نفر باعهده چريك

دشتستانی بود که دلیرانه مقاومت کردند و در زدو خوردیکه بین آنها در گرفت شیخ نصر خان شکست خورده بکشتی انگلیسی پناه برد و رضاقلی میرزا نایب‌الایاله ببوشهر آمده و در کشتی شیخ را ملاقات و تأمین داد در سال ۱۲۶۵ قمری بهرام میرزا معزالدوله والی فارس حکومت بوشهر و مضافات را باو واگذار نمود و در سال بعد که فیروز میرزا نصرالدوله بزرگ والی فارس گردید شیخ نصر خان را بشیراز خواسته و روانه تهران نمود و حکومت بوشهر و توابع آنرا بمیرزا حسینعلیخان نصیرالملک واگذار کرد شیخ نصر خان در تهران با کمال عسرت و تنگدستی بسربرد مجدداً بحکومت بوشهر منصوب شد و در سال ۱۲۷۰ قمری فوت نمود و پس از او حکمرانی بوشهر از دست این خانواده منتزع گردید و حکام و فرمانداران از طرف والیان فارس ببوشهر اعزام میگردید.

بوشهر تا پیش از تاسیس راه آهن واحداث بندرشاهپور از مهمترین بنادر ایران از حیث صادرات و واردات بوده و بازرگانان داخله از اصفهان و یزد و شیراز و سایر شهرهای دیگر در این شهر مشغول کسب و کار بودند و در آن زمان جمعیت بوشهر تا شعاع ۶ کیلومتر در حدود ۵۰۰۰۰ نفر بود نیز چند بنگاه و تجارتخانه بیگانه از جمله بنگاه دکن و شرکاء - گری مگنزی - ذگلر و شرکاء - روبرت و نکپوس و سایر نمایندگی انگلیسی و روسی و آلمانی و بازرگانان هندی و عرب در بوشهر مشغول داد و ستد بودند. نیز نمایندگان کشتی رانی انگلوالجریا - بوکنل - وست هارلیپول و آندویر کمپانی و همبرگ آمریکن لین و هنسالین و نمایندگان کشتی رانی روسی و ژاپونی و سایر ملل در این بندر اقامت داشتند و امور بازرگانی و معاملات فوق العاده رو بترقی و تکامل گذارد و عایدات گمرک طبق آمار گمرکی چند برابر سایر بنادر جنوب بود اکنون سکنه بوشهر به هفت هزار نفر

تقلیل یافته و اکثر مردمش در نتیجه بیکاری باطراف مهاجرت کرده اند و بنگاهها و تجارتخانه ها همه بسته شده و کسب و کار از این بندر مهم رخت بر بسته خانه ها اکثر خراب و ویرانه شده سکنه کنونی همه مهاجور و پریشان و با فقر و امراض و بیچارگی دست بگریبانند - سرعت سقوط و انحطاط بوشهر بیش از پانزده سال طول نکشید امید می رود از رسیدن آب مشروب از عالی چنگی در صورت توجه و مراقبت و نیز با لغو و از بین بردن انحصارهای بیموده که جز بضرر دولت و ملت نتیجه بدست نیامده این شهر مجدداً رو به عمران و آبادی رود و سهولتی در امور بازرگانی فراهم شود.

شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی اعتمادیه که در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در بوشهر تأسیس شده و قوای محرك این کارخانه بقوه ۷۰۰ اسب و در ۲۴ ساعت با ۱۲۰۰ نفر کارگر مشغول نخ ریزی و پارچه بافی است و در ماه ۵۰ تن پنبه مصرف میکند و محصول آن در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در حدود چهار ملیون متر پارچه بوده که در داخله کشور به مصرف رسیده و سرمایه شرکت نامبرده ۱۵ ملیون ریال بوده که اکنون نفع سرشاری بسپاهمداران آن رسیده است. در بوشهر شرکتی به نام شرکت سهامی برق و یخ با سرمایه دو ملیون و نیم ریال در شرف تأسیس میباشد و این کارخانه برق برای آبادی و عمران شهر مفید است در چند سال پیش کارخانه برق و کارخانه یخ سازی در بوشهر دایر شده ولی اکنون فرسوده و چندان قابل استفاده نیست. نیز در این شهر بیمارستان و بهداشتی وجود دارد ولی در بخش های بوشهر نه پزشک و نه دوا دارند و مرک و میر میان مردمش زیاد است. و این بیمارستان دارای ۴۰ تخت خواب و از وجوه خیریه این شهر تأسیس شده.

تلگراف بی سیم و نورافکن دریائی برای راهنمایی کشتی ها چند

سال است در بوشهر بنا گردیده و نیز دوفانوس دریائی درلنگرگاه داخلی و خارجی بوشهر از طرف انگلیس ها دایر و برقرار گردیده است .
بوشهر بعد از انحصار تجارت و ایجاد کمیسیون ارز و احداث خط آهن و صدور کالا از راه بندر شاهپور رو بزوال و انحطاط نهاد برای تجدید رونق اقتصادی این بندر و اعاده لا اقل عده از جمعیت آن که از بی کاری این شهر را ترك نموده اند و با جلب جمعیت و بازرگانان دیگر بسمت بوشهر اقدامات زیر مفید بنظر میرسد .

اول - سهمیه وارداتی کل کشور از هر قسم کالا (کانتینر) بین استانها و شهرستانهای درجه اول تقسیم شود که هر شهرستانی بتواند بدون مراجعه به تهران از لحاظ کمیسیون ارزیابان تجارت یا وزارت بازرگانی تشریفات لازم را بوسیله ادارات محلی انجام و اقدام به ورود اجناس تجارتي نماید زیرا مراجعه بمقامات مربوطه در تهران برای عموم بازرگانان میسر نیست یا آنکه عاملین مؤثری در مرکز مملکت ندارند بهمین لحاظ هزارها تاجار و بازرگانان درجه اول شهرهای خود را ترك کرده و به تهران رفته اند .
دوم - راه فعلی بین بوشهر و شیراز بسیار صعب العبور و خطرناک و طبق تشخیص مهندسين و متخصصین این راه شوسه تعمیرات اساسی لازم دارد که کالا نسبتاً بدون خطر بشیر از برسد .

سیم - ساختمان پرت و اسکله در بوشهر از اقدامات ضروری و مهم است زیرا اگشتی های بازرگانی نمیتوانند نزدیک تر از شش کیلومتر در بوشهر لنگر اندازند و این موضوع از لحاظ بارگیری و بار اندازی موجب اتلاف وقت و احیاناً از بین رفتن مال التجاره می گردد چنانکه تاکنون بسیاری از کالاهای مردم خسارت دیده یا از بین رفته است .

بندر لنگه

بندر لنگه تا سال ۱۲۶۸ خورشیدی شهری آباد و دارای دو هزار خانه و سکنه آنجا در حدود ۲۰۰۰۰ نفر از نژاد اعراب جواسم بوده و رئیس آنها شیخ صالح در دوره کریم خان زند از بندر رأس الخیمه به لنگه آمده و از حکمران جهانگیره ضابطی بندر لنگه را تقاضا کرد و آن بندر را تصاحب نمود پس از فوت او دامادش شیخ قاضی و بعد محمد بن قاضی سپس برادر او سعید بن قاضی و بعد خلیفه بن سعید و بعد از او شیخ علی حکومت بندر لنگه را داشتند پس از چندی شیخ علی در دهستان مهرگان بدست شیخ یوسف کشته شد و خود بر لنگه دست یافت در سال ۱۳۰۲ قمری شیخ نامبرده نیز بامر شیخ قاضی بن راشد بقتل رسید و خود حکمران بندر لنگه گردید. مرحوم محمد مهدی ملک التجار بوشهری از طرف دولت مأموریت یافت و شیخ قاضی بن راشد را گرفتار و به تهران روانه نمود و او در تهران فوت کرد.

در سال ۱۳۱۶ قمری شیخ محمد بن خلیفه به لنگه هجوم نمود و آنجا را تصرف کرد و ایرانیان را از ورود به بندر لنگه ممنوع نمود از طرف دولت مرحوم احمد خان دریابگی با کشتی پرسپلیس مأمور سرکوبی او گردید و با ۸۰۰ نفر سرباز و چریک تنگستانی پس از دو روز زد و خورد و محاصره قلعه آنجا را تصرف و شیخ محمد و شیخ یوسف شکست خوردند و در نیمه شب فرار نموده و بطرف بنادر عمان مهاجرت کردند چون زاید بن خلیفه شیخ المشایخ حکمران بندر بوظی پس از فتح بندر لنگه نسبت بایرانیان مقیم بوظی اظهار ملاطفت و مساعدت مینمود و نیز تلگراف و مراسلاتی در تبریک فتح بندر لنگه بدریابگی نوشته بود و ضمناً خود را هواخواه ایران میدانست دریابگی مراتب وفاداری او را بتهران اطلاع داد

و از طرف مظفرالدین شاه لقب شیخ المشایخی با یکقبضه شمشیر مرصع بشیخ
نامبرده عطا گردید (بندر بوظبی یکی از بنادر عمان و حکمران آنجا
مستقل میباشد) .

پس از فرار شیخ محمد از لنکه حکومت آنجا بحاج علیرضا خان
گراشی حکمران لارستان تفویض شد و پس از فوت او بعد احکام بندر لنکه
از طرف فرماندار یوشهر اعزام میگردد .

در سالهای پیش داد و ستد مروارید در لنکه رونق و رواجی زیاد
داشته یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد که در سال ۱۸۱۱ میلادی چند
کشتی انگلیسی ببندر لنکه آمده و معادل ۴۱۰۰۰۰ لیره طلا مروارید
خریداری نمودند - در زمان پرتقالیها در قریه کنگ در چند کیلومتری لنکه
آنها ساختمانی برای سکونت خود بنا کرده و در آنجا مشغول امور بازرگانی
بودند و تجار درجه اول در این بندر بمعاملات مروارید اشتغال داشتند
این بندر دارای ۱۵۰ کشتی بزرگ برای حمل و نقل مال التجاره بوده و در
حدود ۶۰ کشتی برای صید مروارید داشتند که اکنون اثری از آنها باقی
نمانده است - جمعیت کنونی لنکه را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند و اکثر
مردمش از شدت فقر و بیکاری ببندر عمان مهاجرت کردند و اکنون جزئی
معاملات مرزی در آنجا صورت میگیرد و عمده واردات این بندر از بندر
عمان است - اوضاع لنکه از لحاظ بهداشت و فرهنگ خوب نیست اکنون
در آنجا یکنفر پزشک و مقداری دوا در دسترس او گذارده شده که کافی
بنظر نمیرسد در اطراف لنکه معادن مس و آهن و در کوه های بستانه در
۱۸ کیلومتری این بندر معدن بنتالذهب و در نزدیک دهستان گزیر معدن
گوگرد و در نقطه دیگر معدن سنک بلوری یافت میشود .

آب مشروب لنکه از برکه و چاه است و کشت و زراعت در آنجا

نمیشود و مواد غذایی این بندر را از خارج وارد میکنند و واردات لنگه از بندر دویی و سایر بنادر عمان است و صادرات آنجا قالی و گل سرخ است که از لارمیا وارد و بخارجه حمل میکنند که چندان دارای اهمیت بازرگانی نیست - بندر لنگه بداخله کشور از راه لارستان ارتباط دارد و راه ساحلی که چند سال پیش بین بوشهر و لنگه ساخته شد و مبالغ هنگفتی صرف هزینه آن گردید و برای جلوگیری از کالای قاچاق بود اکنون بکلی خراب و مورد استفاده نیست - لنگه بوسیله تلگراف بی سیم با خارجه و داخله ارتباط دارد و بنادر تابع لنگه عبارتند از بندر دوان - کنگ - بندر معلم کافر خون - مهتابی - بستانه و ارتباط این بنادر با کرانه های عمان است .

ناحیه دشتستان

ناحیه دشتستان به پنج بخش تقسیم شده شبانکاره - انگالی - حیات داود - لیرای - سعدآباد - ورودحله و هر قسمت بخشداری (ضابط) جداگانه دارد که زیر نظر فرماندار بندر بوشهر اداره میشود - ناحیه دشتستان از حیث کشاورزی بواسطه فلات و خوبی زمین و رودخانه ها بهترین ناحیه در جنوب ایران بشمار میرود و دارای قراء و دهستانهای زیاد است - سد شبانکاره در سالهای اخیر ساخته شده هرگاه استفاده کامل از آن بعمل آید بر محصول آن نواحی خواهد افزود اکنون قسمتی از نهرهای این سد خراب ولای رویی نشده بنادر دشتستان عبارت از بندر دیلم - گناوه - بندر ریگ و ورودحله است و این بنادر در سمت شمال خلیج فارس واقع شده و ارتباط آنها با بصره و بندر کویت و جزیره بحرین است .

در نزدیکی بندر دیلم در قدیم بندری بنام سینیز وجود داشته که آباد و معمور بوده و تجارت و دادوستد آنجا در خلیج فارس معروفیت داشته و در زمان قرمطیان خراب و اموال مردمش را غارت نمودند اکنون آثار

ویرانه این بندر در يك كيلومتری بندر دیلم باقیمانده است. استخری مینویسد بندر سینیز در قرن دهم میلادی بزرگتر از بندر مهرویان بوده و مسجد و بازاری بزرگ داشته و دارای کاخ حکومتی مجللی بوده - حمدالله مستوفی نیز مینویسد در قرن هشت هجری بندر سینیز شهر بزرگی بوده در آنجا انواع پارچه های کتان بافته میشده و در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی آب بندر جانابا واقع بوده و خرابیهای این بندر اکنون در مغرب گناوه باقیست و بندر جانابا از مهرویان بزرگتر بوده و ابوطاهر مؤسس فرقه قرمطیان در آنجا بدنیا آمده است و بندر مهرویان در نزدیکی رودخانه هندیجان واقع بوده و مردمش اکثر دریا نورد بودند اکنون این بندر ناپدید و ممکن است زیر بستر رودخانه هندیجان فرو رفته باشد .

شهر مهرویان (ماهرویان) که از بلاد قدیمه و در ۶ کیلومتری شمال بندر دیلم واقع شده - حکیم ناصر خسرو در سال ۴۴۳ قمری از بصره به مهرویان آمده مینویسد مهرویان شهر بزرگی است دارای بازار و مسجدی عالی و چند کاروانسرا که هر يك دیواری دور آن کشیده شده و در محراب این مسجد نام یعقوب لیث صفاری نوشته شده است .

گناوه همان شهر قدیم جانابا بوده که طایفه قرامطه در آنجا سکونت داشتند . در سال ۱۸ هجری قمری عثمان بن ابی العاص آنرا تصرف کرد و مقدار زیادی زر و سیم از اهالی گناوه گرفت و بطرف ریشهر حرکت نمود . اکنون آثار مخروبه شهر جانابا در سه کیلومتری بندر گناوه باقیمانده .

بندر شیبکوه

طول ناحیه شیبکوه از بندر مغو تا بندر مقام در حدود ۱۵۰ کیلومتر و عرض آن از ابوالعسکر تا بندر چپرو ۴۲ کیلومتر است و ضابط آنجا

از خانواده حمادی و عیبدلی میباشد و کرانه آن ناحیه تانزدیک بندرلنگه امتداد دارد - بنادر شیبکوه عبارت از بندر مغو - حصینه - چارک - طاحونه - کلات عیبد - جیزم - حاله - مقام - و بستانو است - مردم آنجا اکثر دریانورد یا ماهیگیر هستند و همه فقیر و مستمند و از لحاظ بهداشت وضعیت این بنادر خراب است. هرگاه پزشکهای سیارگاهی باین بنادر روانه شوند سبب ادامه حیات و امیدواری آنها نسبت بدولت متبوعه خود خواهد بود.

ناحیه تنگستان

مرکز ضابط نشین تنگستان قصبه اهرم است که ۴۸ کیلومتر تا بوشهر مسافت دارد عده سکنه این قصبه را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند و جمعیت کنونی تنگستان ۲۸۰۰۰ نفر و دارای سی و یک دهستان است محصول این ناحیه گندم و جو، کمی خرما و تنباکواست و مرکبات مانند لیمو و نارنگی در قریه خائیز از آب چند چشمه مشروب میگردد. مردم تنگستان اکثر کشاورز و سلاحشورند و داستان جنگهای تنگستانیها در تاریخ ایران مشهور است - مرحوم زایر خضرخان که در زد و خورد بین تنگستانیها و انگلیسیها پیشوا بود شهامت و شجاعت بزرگی از خود بیادگار گذارد و او را امیر اسلام لقب دادند در سال ۱۳۴۰ قمری بدست پسر زایر حسن شمشخاری کشته شد. بنادر تنگستان عبارت از دلوار - باشی - رستمی - بوالخیر - عامری - بونجی و کری است ارتباط این بنادر با بندر کویت و بحرین است. معدن گوگرد در شمال قصبه اهرم وجود دارد که برای امراض جلدی بسیار نافع است.

ناحیه دشتی

وسعت خاک دشتی بواسطه فلات و دشت هموار قابل مقایسه

با تنگستان نیست مرکز ضابط نشین این ناحیه در قصبه خورموج است ناحیه دشتی به نه بلوك تقسیم شده و جمعیت آنجا را در حدود ۸۰۶۰۰۰ نفر میگویند اکثر مردمش کشاورز و برخی دریا نوردند وضعیت عمومی آنها از لحاظ بهداشت خوب نیست و بواسطه امراض گوناگون مرگ و میر میان آنها زیاد است اعزام پزشك سیار و دوا در دشتی و نیز احداث راه شوسه کمال ضرورت را دارد .

محصول آنجا گندم - جو - ذرت - کمی کنجد - تنباکو - خرماست این ناحیه دارای چند رشته قنات است و رودخانه موند از خاك دشتی عبور نموده و بدریا میریزد هر گاه سدی در این رودخانه ساخته شود سبب عمران و آبادی این ناحیه خواهد بود و مردمش از بالای قحطی و مجاعه در سالهای خشکسالی نجات خواهند یافت .

وسعت خاك دشتی در طول ۳۶ فرسنگ و عرض آن ۱۸ فرسنگ و مسافت بین خورموج و بوشهر در حدود ۷۲ کیلومتر است - در کوه موند معدن نفت وجود دارد و در چند سال پیش مهندسین معدن شناس شرکت نفت انگلیس و ایران در آنجا مشغول اکتشاف نفت بودند. نیز در کوه بیع العرم معدن گوگرد و در کوه بیرمی در شمال قصبه خورموج معدن مومیائی وجود دارد در این ناحیه چشمه سارهای زیاد است و در اطراف خورموج چند رشته قنات های مخروبه بنظر میرسد هر گاه آنها را تعمیر کنند باعث فزونی محصول آنجا خواهد بود - بنادر دشتی عبارت از بندر کلات - مره - هدکوه - لاور - کبگان - بتونه - و دیراست در کرانه دشتی در شمال کوه میردیوان (کوه نمك) کوهی است از شن و ريك که زیر آب دریا قرار دارد و ۹ کیلومتر از کرانه دشتی فاصله داشته و تابندر برده خون ۱۲ کیلومتر است و موسوم به رأس مطاف میباشد و در انتهای رأس مطاف

عمق آب دریا به ۶ متر میرسد و این کوه از بندر تهمادو بطرف دریا کشیده شده طول راس مطاف ۳۴ کیلومتر و عرض آن از ۳ تا ۸ کیلو متر است و تا بندر بوشهر ۱۶۴ کیلومتر در تحت مجرای شمال غربی واقع شده و قسمت سفلی راس مطاف بیشتر در آب فرو رفتگی دارد و در وسط این نقطه جزیره شیخ کرامه که بدون سکنه است قرار گرفته در این محل عمق دریا کم است و برای عبور کشتی ها در هنگام شب خاصه در مواقع طوفان و انقلاب دریا بسیار خطرناک است که اکثر کشتی ها شکسته و کالا و مردمش از بین میرود. کوه رأس مطاف همچون زمین باتلاقی کشتی را بخود فرو میبرد. نصب فانوس دریائی در این محل برای حفظ جان و مال دریانوردان نهایت ضرورت دارد.

رأس مطاف ۲۸ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۱ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است.

بنادر ثلاث

بنادر ثلاث عبارت از بندرکنگان و طاهری و عسلو و بعضی قراء دیگر است و بندرکنگان مرکز بخشدار این ناحیه میباشد که در حدود ۲۱۶ کیلومتری جنوب بوشهر واقع شده و بندرکنگان در سمت شمال این ناحیه قرار گرفته و بین کلیه بنادر جزء آبادتر بشمار میرود.

بخش کنگان طبق تقسیمات کشوری شامل نه دهستان ثلاث-مالکی تمیمی - آل حرم - جم - گله دار - راوی - تراکمه - و علامردشت میباشد که مرکز آنها بندرکنگان است و در آخرین نقطه شمال این بخش قریه بنگ است که در يك فرسنگی شمال کنگان واقع شده و جزء ناحیه دشتی است - عمران و آبادی بندرکنگان از سال ۴۰۲ قمری شروع شده و از ابنیه و آثار قدیم معلوم میشود که در سیصدسال پیش این بندر معمور بوده

و در سال ۱۲۵۹ قمری در اثر بروز طاعون عده زیادی از سکنه آنجا تلف شده و از آن زمان دیگر بندر کنگان رو بعمران اولی خود نرفت و اکثر مردمش از اعراب مهاجر بوده که در پشت کوه و بلوک زیر دارای املاک و علاقه بودند.

بندر طاهری همان شهر سیراف قدیم است که در ۳۶ کیلومتری جنوب کنگان واقع شده میگویند شخصی بنام طاهر عرب در این بندر سکونت داشته و امروزه این بندر بنام او مشهور شده - مردم آنجا در سال های پیش بامور غواصی و صید مروارید اشتغال داشتند اکنون بواسطه کسادى بازار تجارت مروارید از غواصى دست کشیده بامر کشت و زراعت مشغولند و نیز عده ماهی گیر و اکثر مردم بنادر ثلاث دریا نور دند و بهندوستان و بصره مسافرت مینمایند از سه سال پیش که عده زیادی از اهالی این ناحیه به سواحل عمان مهاجرت کرده بودند اکنون در اثر تشویق مشایخ آل منصور و مساعدتی که نسبت بآنها شده مجدداً با وطن خود باز گشته اند - در ناحیه بنادر ثلاث زمین برای کشت و زراعت بحد کافی نیست و مردم گندم و سایر مواد غذائی از گله دار و زیر و سایر نقاط دیگر تهیه میکنند - در حدود چهارصد سال پیش تاکنون مشایخ آل منصور از قبیله مناصیر که از اعراب نجد هستند در این ناحیه حکومت دارند وجد اعلاى آنها شیخ محمد آل منصور بوده او با عده از بستگان و قبیله خود از نجد بشبه جزیره ناو بند که در ۷۸ کیلومتری جنوب غربی بندر کنگان است آمده و چون دارای مواشى و اغنام زیاد بودند املاکی را در ناو بند و نواحی آن از قبیله بنی مالک و نیز املاکی از نخل تقی تا بندر کنگان و بنگ از اهالی اسیر و املاک زیر را از مردم آن حدود خریداری نمودند (بنی مالک طایفه از اعراب در دهستان مالکی سکونت دارند) نواده شیخ محمد آل منصور شیخ

جباره آل نصور است که مرکز حکومت آن بندرکنگان بود و املاک زیر متعلق بشیخ خاتم فرزند شیخ جباره حکمران بحرین بوده است و نیز در آن موقع دولت ایران حکومت بلوک جم را به شیخ جباره تفویض نمود اکنون قلعه شیخ جباره معروف به قلعه کهنه و محل سکونت اقوام مشایخ آل نصور میباشد.

آل نصور در قدیم دارای کشتی های بزرگ برای جلوگیری از دزدان دریائی که معروف با عراب جواسم در خلیج فارس بوده و نیز پناهگاهی در خور گرم در کرانه دشتی و در بندرکنگان و سایر نقاط ساحلی ساخته و با جدیت و کوشش خستگی ناپذیری از دزدان دریائی ممانعت میکردند اکنون آثار بعضی از این پناهگاهها باقیمانده است.

در جزیره شیخ شعیب که در چند کیلومتری سمت غرب بندر مقام واقع شده و از متصرفات شیخ جباره بوده پناهگاه دریائی برای این منظور وجود داشته - املاک مشایخ نامبرده از قریه بنگ تاحدود هشتاد و پنج کیلومتر جنوب گاو بندی توسعه داشته و در آن زمان مشایخ ناحیه شیبکوه که اکنون از جنوب گاو بندی تا نزدیک بندر لنگه سکونت دارند در آن نواحی نبودند. شیخ مذکور فرزند شیخ جباره در زمان فرهاد میرزا معتمد الدوله که والی فارس بود مورد غضب واقع گردید و پس از مدت شش ماه زد و خورد و محاصره قلعه کلات سرخ بالاخره از طرف سرکرده قشون تأمین یافت و تسلیم گردید سپس او را روانه شیراز نموده و در آنجا اعدام کردند. از آن زمان املاک مشایخ نصور از تصرف آنها خارج گردید و شیخ حسن فرزند شیخ مذکور با خانواده خود به بحرین و مسقط مهاجرت نموده و پس از چند سال بمیهن خود باز گشتند و تاکنون که باز مانند گاو مشایخ آل نصور در گاو بندی و تا نزدیک بندرکنگان سکونت دارند املاک

- ۱۳۷ -

خود را در پشت کوه و سایر نقاط دیگر بازنیافتند.

در زمان حکمرانی شیخ مذکور چون برادرش شیخ حسن در بندر عسلویه بدست مشایخ آل حرم گشته شده بود شیخ مذکور بر بندر نامبرده هجوم آورد و جنگی شدید بین طرفین در گرفت که در نتیجه چند نفر از مشایخ آل حرم کشته شدند و بندر عسلویه نیز خراب گردید و تنها کسیکه از اولاد مشایخ آل حرم نجات یافت شیخ احمد حرمی بود که از آنجا فرار کرد و بدون اولاد فوت نمود.

اکنون مشایخ آل تصور از بندر کنگان تا گاو بندی که در حدود ۱۳۲ کیلومتر است نفوذ و تسلط دارند و برخلاف اجداد خود به شهرت خوب و حسن خدمت خاصه در توسعه فرهنگ آن حدود معروفند و شیخ سلیمان نصوری فرزند شیخ خاتم که سمت ریاست آن خانواده را دارد از طرف دولت بخشدار بنادر ثلاث است و باعث آبادی و عمران آنجا و رفاهیت مردم آن ناحیه گردیده که موجب تحسین است.

سیراف

خرابی و سقوط سیراف از زمان عضدالدوله دیلمی بوده چون حکمران سیراف عدم اطاعت خود را نسبت بعضدالدوله نشان داد او این بندر مهم را مدت دو سال بمحاصره در آورد در این مدت مردم سیراف بتدریج شهر را تخلیه و پراکنده شدند پس از سقوط آن شهر سکنه در آنجا وجود نداشت و از آنوقت سیراف موقعیت خود را ازدست داد. اولین اروپائی که راجع بسیراف نوشته مستر «کمپتون» عضو دریائی انگلیس است که خود آن شهر را دیده است و در کتاب خود می نویسد «بندر سیراف بمسافت کمی از بندر طاهری در کرانه دریا واقع شده در آنجا ابنیه و عمارات مخروبه و آب انبار ها بحال ویرانه باقیمانده و ظروف سفالی و قطعات

چینی شکسته بنظر میرسد و از کلیه ابنیه مسجد خرابه‌ای که از سنک
 های تراش ساخته شده و در نزدیک آن قناتی خشک و چند لوحه سنک
 قبور که بخط کوفی در آنجا وجود دارد و یکی از این لوحه ها که
 تاریخ قرن دهم میلادی را داشته اکنون در موزه بریتانیا در لندن میباشد
 در سیراف دخمه های زیاد که قبور زردشتیان بوده وجود دارد میگویند شهر
 سیراف را کیکاوس بنا کرده و از آثار خرابه ها میتوان حدس زد که از سال های
 متمادی پیش از احداث شهر اسلامی سیراف درازمنه قدیم معمور و مسکون
 و در مدت چهار قرن آباد و بندر مهم فارس بوده و تا شیراز ده منزل راه
 مسافت داشته و کالا و مسافرین از این دهستانها گذشته بشیراز میرفتند.
 ابوزید سیرافی که در قرن نهم میلادی می زیسته شرحی راجع باین
 شهر نوشته است - استخری در قرن دهم میلادی می نویسد « بعد از شیراز
 سیراف مهمترین شهرهای فارس است و از حیث وسعت تقریباً به اندازه
 شیراز بوده و خانه های آنجا از سنک و چوب های ضخیم ساخته شده
 و دارای چند طبقه بوده و جمعیت آنجا زیاد و آب مشروب گوارا و میوه آنجا را
 از کوه جام میآورند - واردات سیراف عبارت از عود و عنبر - کافور - خیزران -
 عاج - تخته آبنوس - کاغذ - صندل - ادویه - عطریات هندی و انواع
 پارچه های ابریشمی و منسوجات کتانی و نیز مروارید در این بندر داد
 و ستد میشده ».

مقدسی مورخ معروف عرب می نویسد « بندر سیراف از حیث اهلیت
 تجارت بابصره رقابت میکند و خانه ها و عمارات عالی چند اشکوبه دارد
 و در سال ۳۴۷ هجری زلزله شدیدی که مدت هفت شبانه روز ادامه داشته
 در آنجا حادث شده و خرابی زیاد باین شهر وارد نمود ».

سیراف در حدود سال ۴۲۵ هجری پس از انقراض حکمرانی

آل بویه روبانحطاط و خرابی گذارد و ویرانی این بندر بعد از آن به حد کمال رسید سپس جزیره گیش رو بعمران و آبادی نهاد.

در سال ۳۷۲ قمری صمصام الدوله دیلمی که در قلعه پهن زندانی بود از محبس فرار کرده و ببندر سیراف آمد و چندی در آنجا توقف نمود که بعد بر فارس استیلا یافت. زمانیکه ملوک بنی قیس حکومت سیراف را داشتند خمارتکین در دو نوبت بر سیراف حمله نمود ولی پیشرفتی نکرده بشیراز برگشت.

درباره استعداد اهالی سیراف مورخین اسلام مطالب مهمی نوشته اند از آن جمله مقدسی میگوید دریا نوردان سیراف بر تمام دریا های عالم آشنائی دارند و کشتی رانی میکنند و مسعودی اشاره بشرکت های کشتی رانی می نماید که مسافر و کالا بینادر چین حمل میکردند منجمله شرکت محمد زند و برادرانش رانام میرد - دریانوردان سیرافی در عمل کشتی رانی اختراعاتی هم کرده بودند از آن جمله چرخ و ریسمانی اختراع کرده بودند که دراننای حرکت کشتی باز میشد و بدانوسیله مسافتی را که کشتی طی میکرد معلوم مینمودند.

بندر عباس

بندر عباس همان بندر کامبرون است که از نقاط تابعه چرون بوده این بندر را امام قلیخان پسر اللهوردی خان والی فارس در سال ۱۰۳۲ قمری احداث نمود اکنون به پنج ناحیه تقسیم شده در زمان پرتقالیها برای دفع حمله دزدان دریائی در آنجا استحکاماتی بنا کرده و کامبرون (کامبارو) نامیدند و این قریه مسکن ماهیگیران بود پس از آنکه جزیره هرمز بتصرف شاه عباس درآمد و بندر عباس احداث گردید به امر آن پادشاه عده از مردم هرمز به بندر عباس انتقال یافتند و تجارت آنجا رونق گرفت و نیز بهلندیها

و انگلیسیها اجازه داده شد که تجارتخانه های خود را در آن بندر تأسیس کنند و هلندیها نیز قلعه برای حفاظت و دفاع از حملات مهاجمین ساختند - اولین نماینده انگلیس که به ایران آمد و بدربار شاه عباس به اصفهان رفت « سرداد مرکاتن » بود که در بندر عباس پیاده گردید - این بندر در چند موقع مورد حمله بلوچها واقع شده ولی موفق نشدند اموال هلندیها را غارت نمایند و خسارت و خرابی زیادی بشهر وارد نمودند در سال ۱۷۵۹ میلادی فرانسویها به تجارتخانه انگلیسیها حمله کرده و کارخانه و مخازن کالای آنها را آتش زدند در نتیجه بازرگانان انگلیسی مرکز تجارتخانه خود را بیوشهر انتقال دادند .

لطیف خان از طرف نادرشاه مأمور گردید به بندرعباس آمده و با نمایندگان شرکت انگلیس راجع بفروش چند کشتی مذاکره نماید ابتدا جواب مساعدی باو داده نشد ولی در اثر قدرت روزافزون نادر مجبور شدند دو کشتی و چند قایق در اختیار لطیف خان بگذارند و سپاهیان نادری توانستند بر محمد خان بلوچ غلبه و او را دستگیر کنند . در دوره فتحعلی شاه و هم در زمان ناصرالدین شاه چندبار بندرعباس در اجاره سید سعید والی مسقط بود و از طرف او شیخ سیف حکمران آن بندر بوده چون مال الاجاره بندرعباس بتأخیر افتاد به امر ناصرالدین شاه طهماسب میرزا مؤیدالدوله والی فارس مأمور تصرف آنجا گردید با عده قشون و چهار عراده توپ عازم بندرعباس شد و پس از چند روز زدو خورد شیخ سیف تاب مقاومت در خود ندید و با شیخ عبدالرحمن قشمی از آنجا فرار کردند بعد از هزیمت اعراب مؤیدالدوله عباس خان را با ۱۲۰۰ نفر و دو توپ برای حفاظت بندر عباس برگماشت و خود بشیراز مراجعت کرد و چون هوای آنجا رو بگرمی رفت و افراد پادگان مریض و فرسوده شدند

سیدسعید موقع را مناسب دیده مجدداً فرزند خود سید ثوینی را با سه هزار نفر روانه بندر عباس نمود و آنجا را تصرف کرد چون این خبر بمؤیدالدوله رسید بار دیگر فرزند خود عبدالباقی میرزا را مأمور تصرف آن بندر نمود او بادوفوج پیاده نظام و چهار توپ از راه فسا و داراب روانه بندر عباس گردید از آنطرف محمد حسن خان سردار ایروانی والی کرمان بامر دولت پسر خود عبدالحسین خان را با عده قشون و چریک و سه هزار خروار غله از کرمان حرکت داده در ایسین و تازیان بعدالباقی میرزا پیوسته بانفاق وارد بندر عباس شدند مجدداً جنگی شدید با سید ثوینی در خارج شهر در گرفت اعراب برج و بارو را ترك نموده بقلعه پناه بردند و سید ثوینی باخواص خود فرار کردند سپاهیان ایران قلعه را محاصره و سیدنفر از اعراب را که در آنجا محصور بودند بقتل رسانیدند و کلیه مقتولین اعراب در این جنگ از سه هزار نفر بیشتر بود - چون سیدسعید والی مسقط دید که نمیتواند بوسیله زور بندر عباس را تصرف کند از در مسالمت درآمد و بوسیله حاج عبدالمحمد ملك التجار بوشهری عریضه ای بتوسط چند نفر از بستگان خود بهمراهی احمد شاه کلانتر میناب بادوازده هزار تومان و چند رشته مروارید و چند رأس اسب عربی بدربار ناصرالدین شاه روانه تهران نمود مجدداً بندر عباس باپرداخت شانزده هزار تومان در سال باجاره والی مسقط داده شد - که ناحیه شمیل و بندر میناب جزء اجاره او بود پس از فوت سیدسعید امامت مسقط بسید سالم بن سید ثوینی رسید بواسطه ظلم و آزار مردم مسقط از او ناراضی بودند بعلاوه در بندر عباس و توابع مالیات چند برابر مال الاجاره از مردم وصول مینمود از طرف ناصرالدین شاه حسام السلطنه که والی فارس بود مأموریت یافت که بندر عباس را تصرف نماید او از شیراز حرکت کرده و بداراب آمد و مهدیقلی میرزا سهام الملك

والی لارستان را مأمور تخلیه بندر عباس نمود. سهام‌الملک کدخدایان و خوانین لار و سبعه را مجرمانه به بندر عباس روانه کرد سپس خود با عده‌ای به بندر عباس رفت و مقدمات ورود والی فارس را مهیا ساخت حسام‌السلطنه از فرک و طارم و سبعه گذشته وارد بندر عباس شد چون سید سالم مستظهر بحمايت انگلیسیها بود بکنسول انگلیس نامه نوشت و طالب مساعدت نمود ولی از طرف سرکنسول انگلیس جواب بطول انجمید و حسام‌السلطنه بندر عباس و شمیل و میناب را ضمیمه لارستان کرده و بسهام‌الملک تفویض نمود و بشیراز حرکت کرد. بعد از چندی حکمرانی بندر عباس به اسدالله میرزا نایب‌الایاله که فرماندار بوشهر نیز بود واگذار شد سپس حاج احمدخان بحکومت این شهر برقرار گردید. در دوره فرهاد میرزا معتمدالدوله حکومت لارستان و سبعه و بندر عباس بمیرزا حسینعلیخان نصیرالملک تفویض شد اکنون فرمانداران بندر عباس از تهران اعزام میگردند.

جمعیت کنونی بندر عباس را در حدود ۱۷۶۰۰۰ نفر میگویند اکثر بازرگانان این بندر از لنگه و سایر شهرهای دیگر در آنجا مشغول کسب و تجارت هستند و عمده واردات بندر عباس بوسیله قاچاق از بندر دویی و سایر بنادر عمان وارد میگردد هوای این بندر در تابستان بسیار گرم و غیر قابل تحمل میباشد آب مشروب اهالی در سالهای پیش از چاه یابر که بود ولی بعداً آب مشروب از نای بند بوسیله قنات بشهر وارد میشود که اکنون خراب و مورد استفاده نیست وضعیت این بندر از لحاظ فرهنگ و بهداشت خوب نیست در آنجا يك بیمارستان بیست تختخوابی و يك پزشك وجود دارد ولی وسائل و دواى كافى در دسترس ندارد و حوزه فرهنگی میناب چابهار - قشم و هرمز تابع بندر عباس میباشد و هزینه فرهنگی تکافوی امور معارفی آنجا را نمیدهد.

اخیراً در بندر عباس کارخانه ریسندگی تاسیس شده و درنای بند نیز کارخانه کنسرو ماهی ساخته شده که محصول آنها در داخله کشور و خارج بمصرف میرسد - در قلعه هلندی ها ساختمانی برای اداره گمرک بنا گردیده و در جلوی آن سدی بطول ۲۵۰ متر در دریا کشیده شده که کالا و مال التجاره بوسیله قایق در آنجا پیاده و در انبارهای گمرک نگاهداری می گردد.

صادرات بندر عباس عبارت از قالی - کتیرا - پشم - پوست - حنا - انقوزه - رو نیاس - گل سرخ - خشکبار است . بلوک رودان و احمدی در سمت شمال بندر عباس واقع شده و محصول آنجا غله - خرما - کمی برنج میباشد که قسمتی از آب رودخانه مشروب میگردد اکثر مردم این نواحی شریر و راه زنند و مسافرت در آن حدود خالی از خطر نیست بنادر بستانو خمین - خانه سرخ - گچین - سرورون تابع بندر عباس است و مردمش بیشتر ماهیگیر یا دریانورد هستند .

پس از چند روز اقامت در بندر عباس بعزم کرمان حرکت کردم کوه گنو در ۲۷ کیلومتری این بندر واقع شده برای ییلاق و فرار از گرمای سوزان بندر عباس محل خوبی است ارتفاع کوه گنو ۷۰۰۰ پا است و در دامنه این کوه چشمه گوگرد وجود دارد که نهری بعرض ۳۰ ذرع تشکیل میدهد و حرارت آب این چشمه به ۱۱۳ درجه میرسد و برای امراض جلدی استحمام در آن مفید است پس از طی چند کیلومتر در محلی که جاده بچهار راه منقسم میشود رسیدم که يك راه بین تنك زندان و دیگر از راه تنك نودان و جاده دیگر از تنك رودان بکرمان میرود که در ازمنه قدیم از طرق مهمه بوده و اکنون کمتر در این جاده آمدورفت میشود و راه غربی که از سیرجان میگذرد در آنجا بدو جاده منشعب میگردد یکی بطرف یزد و راه دیگر کرمان و یزد را در سمت غرب رفسنجان از هم جدا میکند

که یکی بکرمان امتداد دارد و راه دیگر از طریق منوجات بنرماشیر و بافت و بردسیر بکرمان میرسد این جاده بی آب و علف و پرخطر میباشد.

راه شوسه که اکنون مورد استفاده است از تنک زاغ میگذرد که بسیار خراب و پستی و بلندی زیاد دارد گویا بعد از احداث تعمیر نشده در انتهای تنک زاغ دره عمیق و مخوفی وجود دارد در آنجا پاسگاه مأمورین امنیه واقع شده در خارج آن محل بواسطه درخت و اشجار و آب جاری منظره بسیار با صفتی دارد - دهستان بین راه عبارت از سعادت آباد - حاجی آباد - علی آباد - سعیدآباد و چند قریه دیگر است چون راه طولانی و خسته کننده بود چند ساعت در قصبه حاجی آباد توقف نمودم - عده سکنه این قصبه کمتر از یک هزار نفر است دارای نخلستان فراوان و محصول آنجا غله - حبوبات - میوه و خشکبار است که از آب قنات مشروب میگردد پس از طی ۳۰ کیلو متر از قصبه علی آباد گذشته وارد سیرجان شدم مسافت بین بندر عباس و سیرجان در حدود ۳۶۹ کیلو متر است راه شوسه که مسیر مال است بسیار خراب و اکثر ناامن و خطر جانی و مالی در بر دارد.

سیرجان

مرکز سیرجان قصبه سعید آباد است که گویا میرزا سعید نامی آنرا بنیاد نموده محلی است حاصلخیز و دارای چند دهستان آباد از جمله قصبه زیدآباد میباشد ناحیه سیرجان و بردسیر قابل هر نوع کشت و زراعت است ولی کمی آب مانع فزونی زراعت آنجا گردیده محصول اطراف سیرجان عبارت از غله - پنبه - تریاک - پسته - خشکبار است که از آب چند رشته قنات مشروب میگردد و محصول پشم آنجا زیاد و قالی های خوب و مرغوب

در آن ناحیه میبایند و عمده صادرات سیرجان قالی و خشکبار است .
 جمعیت سیرجان را در حدود ۱۰۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردم آنجا
 کشاورزند . در ۸ کیلومتری سعیدآباد که معروف بسیرجان کهنه است قلعه
 سنک یا بیضا اکنون خرابه بیش نیست وجود دارد این قلعه در قرن هفتم
 هجری قمری معمور بوده و امیر تیمور آنرا فتح نمود . مرکز ناحیه
 بردسیر قصبه مشیز است در یک کیلومتری این قصبه آثار خرابه بنظر میرسد
 و مقبره پیر جاسوس در آنجا واقع شده در قسمت داخلی این مقبره کتیبه
 بخط کوفی دیده شد که بعضی کلمات آن از بین رفته است - قصبه مشیز زمانی
 در تصرف آقاخان محلاتی معروف بوده و بعد بهیم رفت و پس از مغلوبیت
 بطرف هندوستان فرار نمود و وارد ناحیه سند گردید چون در آن موقع انگلیسها
 با امرا و بزرگان سند در مشاجره و نزاع بودند بوسیله آقاخان کار
 بمصالحه انجام یافت و آقاخان از سند بیمی رفت و مریدانی بنام خوجه
 آقاخانی بدور او جمع شدند اکنون عده زیادی از پیروان آقاخان در
 هندوستان و افریقا و در قصبه سده واقع بین بیرجند و قفق نیز در سیرجان
 طایفه عطاء اللهی وجود دارند و هر ساله ندوراتی برای آقاخان میفرستند
 و آرامگاه ابدی او در بمبئی است که زیارتگاه خوجه ها میباشد .

آنون نواده او سلطان محمد شاه سمت ریاست فرقه خوجه را
 دارد و طبق معمول هر ساله روز تولد او جشن ها برپا میشود و ندوراتی
 تقدیم او میکنند . در سالهای پیش مقداری طلا بوزن او از طرف خوجه ها
 داده میشد که بالغ بر بیست هزار لیره بود که برای مصارف خیریه اختصاص
 داشته ولی در سال گذشته که جشن شصتمین سال او از طرف پیروانش برپا شد
 مقدار شش هزار قیراط الماس (۱۲۰ کیلوگرام) بهای چهار صد هزار
 لیره برای این منظور تقدیم او گردید که بمصرف امور خیریه برسد .

و هزارها نفر از اغنیاء و متمولین پیروان آقاخان از اطراف و اکناف برای حضور در این جشن بشهر بمبئی آمده بودند.

اینکه بعضی عقیده دارند که پیروان آقاخان از فرقه اسمعیلیه هستند صحیح نیست زیرا فرقه اسمعیلیه شش امامی و تابع احکام اسلامند و زیارت قبور شش امام میروند ولی پیروان آقاخان همان فرقه خوجه میباشند که بدستور آقاخان عمل می نمایند.

پس از چند ساعت توقف از این شهر عازم کرمان شدم مسافت بین سیرجان و کرمان در حدود ۱۸۵ کیلومتر است و جاده خراب و نشیب و فراز زیاد دارد

کرمان

کرمان یکی از شهرهای قدیم ایران است که دارای آب و هوائی معتدل و مخصوصاً منظره آسمان این شهر در شب ها بسیار صاف و شفاف است در قسمت جنوب غربی آنجا تپه هائی از ریگ و شن متحرک تشکیل شده که در هنگام وزیدن باد تولید گرد و غبار می نماید - کرمان در بدو ظهور اسلام در تصرف اعراب درآمد و در سال ۱۰۴۲ میلادی ملک قادور نامی حکومت مستقلی در آنجا تأسیس نمود و جانشینانش تا مدت يك قرن و نیم در کرمان حکمرانی میکردند - در زمان حمله چنگیز براق حاجب نامی در آنجا حکومت داشته و پس از حمله مغول حکومت موروثی در کرمان از بین رفت در آن موقع کرانه عمان و ساحل خلیج فارس نیز جزء قلمرو کرمان بود.

« مار کوپولو » کشیش و سیاح معروف که در اواخر قرن ۱۳ میلادی بکرمان آمده می نویسد « بعد از حمله مغول تاتارها هر کس را که میل داشتند بحکومت کرمان روانه میکردند » در کرمان آثار قدیمی زیاد وجود دارد

- ۱۴۷ -

و برخی از آن آثار بواسطه وقوع زلزله از بین رفته است - قلعه اردشیر در مشرق کرمان و قلعه دختر از آثار تاریخی است نیز بنای آتشکده و نقاره خانه که اکنون باقیمانده و گنبد سبز (کبر) که تاریخ بنای آن معلوم نیست در چند سال پیش بواسطه زلزله خرابی زیادی باین گنبد وارد شده در این محل پادشاه خاتون دختر ترکان خاتون دفن گردیده میگویند پادشاه خاتون زوجه کیخاتون بود و او برادر خود موسوم بسیمورغیتمش را خفه نمود در نتیجه این عمل شوهر و خواهرش بر علیه او قیام کرده و او را کشتند - مدرسه گنجعلیخان اکنون معروف بکاروانسرای گنجعلیخان است در سال ۱۰۰۷ قمری در دوره صفوی ساخته شده (گنجعلیخان از طرف شاه عباس والی کرمان بوده و بعد مأمور قندهار شد و در آنجا فوت نمود) مسجد خواجه خضر و مسجد پامنار طبق کتیبه در سال ۷۹۳ قمری بنا شده اکنون قسمتی از قاعده منار آن باقیمانده میگویند این مسجد و منار در زمان عادل شاه بنیاد شده - مسجد جامع کرمان طبق کتیبه تساریخ بنای آن در سال ۷۵۰ قمری بوده و امیر مبارزالدین محمد مظفر آنرا ساخته و در سال ۱۱۷۶ قمری تعمیر گردیده کاشی کاری که در این مسجد بکار رفته از شاهکارهای صنایع ایران است اکنون قسمتی از بنای این مسجد خراب شده - مقبره خواجه اتابک که از بناهای دوره سلجوقیان بوده نمونه کاملی از تزئینات گچ بری در قرن پنجم هجری قمری میباشد در قسمت داخلی آن بنای مربعی است که طول هر یک از اضلاع آن چهار متر و نیم و شکل خارجی این بنا هشت ضلعی بوده اکنون قسمت شمالی آن خراب شده فقط دیوارهای شرقی و غربی آن باقیمانده است .

آرامگاه شاه نعمه الله ولی که مردی روحانی و صوفی مسلک بوده و زیاده از یکصد سال در جهان زیسته و پیشگوئیهای او که بحقیقت میرسیده

در ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی کرمان در قصبه ماهان واقع شده طبق کتیبه بنای آنرا احمد شاه دکنی از خاندان بهمنی که از جمله مریدان او بود نموده است.

بنیاد این ساختمان در سال ۸۴۰ قمری بوده سپس شاه عباس بزرگ و بعد محمد شاه قاجار ملحقیات آنرا ساختند - در چند کیلومتر اطراف این بنارا باغات و مزارع احاطه کرده و در قسمت غربی آن صحن وسیعی که دیوارهایش از کاشی ممتاز بکار رفته و دو منار این ساختمان را محمد اسماعیل و کیل الملک بنیاد نموده است - در چند سال پیش قسمتی از این بنا در اثر سیل خراب شد که بعد تعمیر گردید - دو دبستان پسران و یک دبستان دختران از عایدات موقوفات شاه نعمه الله ولی در قصبه ماهان تأسیس شده است -

برخی از مورخین بنیاد شهر کرمان را از اردشیر مینویسند و زمانی ابوعلی بن الیاس از طرف سامانیان در کرمان حکومت داشته بعد مرکز حکمرانی خود را بسیرجان سپس به بردسیر انتقال داد که حاضر بدفع و جلوگیری از تهاجم آل بویه باشد چون ابوعلی با پسرش بزدو خورد مشغول شد امیر عضدالدوله دیلمی از موقع استفاده کرده و به کرمان حمله نمود و آنجا را تصرف کرد - در قرن ششم هجری قمری طغرل بیک سلجوقی برادرزاده خود ملک قادور را بکرمان روانه نمود و آن شهر را بتصرف درآورد و اعقاب او تا مدت یکصد و سی و هشت سال در آنجا حکومت داشتند در هنگام تسلط غزها حکمرانی آن سلسله منقرض و ازین رفت و چندی در استان کرمان ناامنی و هرج و مرج برقرار بود تا اینکه براق حاجب کرمان را تسخیر نمود و خود را قتلغ بیک نامید و خاندان او تا چند سال در کرمان حکومت میکردند سپس مبارزالدین حکمران کرمان شد

- ۱۴۹ -

و برادرش عمادالدین بنیاد مسجد پامناز نمود و بعد کرمان بتصرف تیموریان درآمد و شاهرخ فرزند امیر تیمور حکمران آنجا گردید و پس از انقراض تیموریان تا چندی استان کرمان در تصرف ترکمن ها بود و شاه اسمعیل صفوی آنجا را از دست آنها منتزع و تا اواخر صفویه آن استان در امن و آرامش بود - در سال ۱۱۳۱ قمری محمود افغان بر کرمان تسلط یافت ولی سپاه نادر افغانه را از آنجا بیرون نمود پس از مرگ نادر شاه احمد شاه درانی بکرمان حمله نمود و خسارت زیاد بر این شهر وارد آورد و در هجوم آغا محمد خان خواجه تلفات و صدمات زیاد بر مردم این شهر افزوده گردید که دیگر کرمان روی آسایش و آبادی بخود ندید و دچار ویرانی شد. مدارس قدیمه از جمله مدرسه معصومیه - محمودیه - و ابراهیمیه و قیصریه و حمام و آب انبار از بناها و آثار نیک مرحوم ابراهیم خان ظهیرالدوله و محمد اسماعیل خان و کیل الملک و بعضی ابنیه دیگر آنجا را گنجعلیخان ساخته است.

جمعیت شهر کرمان را در حدود ۶۰،۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر مهمان نواز و دارای هوش و ذکاوت خاصی میباشد و افیون و تریاک در آنجا رواج زیاد دارد و چون عده زیادی مشغول قالی بافی هستند بواسطه عدم بهداشت و حفظ الصحه اکثر ضعیف البنیه و ناتوان و قادر بکار دیگر از جمله کشاورزی نیستند بنابراین بیشتر آنها فقیر و امور زندگانی خود را بزحمت و مشقت میگذرانند.

قالی و شالهای بافت کرمان بهترین متاع ایران است که در درجه اول واقع شده - کارخانه قالی بافی و تصفیه پشم ارجمند و کارخانه قالی بافی آمریکائی و کارخانه ریسندگی شرکت خورشید و چند دستگاه قالی بافی دیگر در کرمان وجود دارد که در خارجه و داخل کشور قالیهایی آنها معروف است.

آب مشروب کرمان کم است و چند رشته قنات از دامنه کوه های ماهان و جوبار احداث شده و آب وارد شهر میگردد - محصول استان کرمان عبارت از غله - حبوبات - تریاک - کتیرا - انگوزه - خرما - حنا - رو نیاس و در بخش های گرمسیر همه نوع میوه و مرکبات بعمل می آید و محصول پشم و پنبه آنجا در درجه اول قرار دارد که بمصرف کارخانه های قالی بافی میرسد کرمان دارای چند مریضخانه است از جمله مریضخانه مرسلین و دیگر مریضخانه نوریه که از آثار خیر مرحوم نورالله ابراهیمی میباشد و اداره بهداری دولتی وجود دارد ولی از لحاظ بهداشت اوضاع این شهر خوب نیست .

در استان کرمان خاصه در بخش آور و کوه بنان معادن مس فراوان که معروف ببحر آسمان است و آهن و منگنز و مسرب و نقره و پنبه کوهی وجود دارد که تاکنون استفاده از این معادن نشده است - این شهر دارای چندین عمارت و ساختمانها و چهار خیابان وسیع میباشد ولی اکثر کوچه ها تنگ و کثیف است - راه شوسه عبارت از جاده کرمان بیندر عباس که خراب و نشیب و فراز زیاد دارد دیگر راه کرمان بزاهدان است هرگاه این جاده ها تعمیر و مرمت شود هزاران افراد بیکار این استان مشغول کار و کمک در امور معیشت و رفع بیچارگی مردم آنجا خواهد شد .

در انتهای استان کرمان در سمت صحرای لوط قصبه کسوه بنان واقع شده معروفست هنگامی که سپاهیان آلپ ارسلان از این بیابان بی آب و علف عازم خراسان بودند از شدت تشنگی و طول مسافت نزدیک بهلاکت رسیدند و نیز زمانی ملک دینار از این صحرای خطرناک گذشته و کرمان را تسخیر نمود - از قصبه کوه بنان تا طبس در حدود ۲۰۰ کیلومتر هیچ آبادی و آب در بین راه یافت نمیشود - در قصبه جوبار که اراضی ریگستانی اطراف آنرا احاطه کرده باغات زیاد وجود داود که بوسیله چند رشته قنات

مشروب میگردد و میوه های آنجا را بکرمان میآورند و دهستانهای اسمعیل آباد و کریم آباد نیز دارای چند رشته قنات میباشد .

پس از چند روز اقامت در کرمان بعزم رفسنجان حرکت کردم و بعد از طی ۶۰ کیلومتر مسافت وارد قصبه کبوتر خان شدم این قصبه حاصلخیز و دارای آب فراوان است . مسافت بین کرمان و رفسنجان در حدود ۱۰۸ کیلومتر است .

رفسنجان

مرکز رفسنجان قصبه بهرام آباد است محلی است آباد و حاصلخیز و جمعیت آنجا را در حدود ۹۰۰۰ نفر میگویند مردمش اکثر کشاورز و فلاح میباشند و اوضاع آنها از لحاظ بهداشت خوب نیست - محصول رفسنجان عبارت از غله - حبوبات - تریاک - کتیرا - انقوزه - روئیس و بادام و پسته فراوان است که از آب چند رشته قنات مشروب میگردد - رفسنجان در مسیر سیل واقع شده بطوریکه هرگاه سیلی از کوه جاری شود اطراف آنرا فرا گرفته و خسارت و تلفاتی وارد میسازد در دهستانهای اطراف رفسنجان چندین دستگاه دستی کرباس و جوال بافی وجود دارد که تا اندازه رفع نیازمندی مردم رامیدهد .

مسافت بین رفسنجان بقصبه انار در حدود ۱۰۳ کیلومتر و از آنجا بیزد ۲۱۰ کیلومتر است .

یزد

شهر یزد از يك سمت بریگستان لم یزرع و از سه سمت دیگر کوهها آنرا احاطه کرده در تابستان هوایش خشك و گرم و در زمستان سرد و زنده و باد های موسمی شن و خاك متحرك را از نقطه بنقطه دیگر انتقال میدهد و اکثر زمین های آنجایی آب و علف است آب مشروب

کم و بوسیله چند رشته قنات بشهر وارد میگردد و معروف ترین قنات یزد قنات سید رکن الدین است که از موقوفات یزد بشمار میرود و نیز آب انبارهای بزرگ در این شهر ساخته شده که در سال کفایت آب مشروب مردم را میدهد.

بیشتر دهستانهای یزد در دامنه کوه واقع شده که بواسطه فراوانی آب همیشه سبز و خرم و دارای منظره فرح انگیزی است جمعیت یزد را در حدود ۷۰۰۰۰ نفر میگویند و زیاده از ۱۵۰۰۰ نفر آنها زردشتی است که بعضی در شهر و برخی در قصبات سکونت دارند.

مردم یزد در تنقیه قنات نهایت ماهر و بیمانند هستند و اکثر زحمت کش و متواضع و در عین حال قانع و صرفه جو و با اصول مذهب و دیانت پابند میباشند بدین مناسبت شهر یزد را دارالعباد مینامند میگویند سلطان علاء الدوله گرشاسب از ملکشاه تقاضا نمود که شهر یزد را باو واگذار کند تا در آنجا مشغول عبادت باشد و از آن زمان یزد موسوم بدارالعباد گردید یزدیها به نساجی و دست بافی علاقه زیاد دارند و در حدود هشتصد دستگاه پارچه بافی دستی و چند کارخانه نساجی از جمله کارخانه بافندگی و ریسندگی پشم درخشان و کارخانه بافندگی ارمغان و کارخانه ریسندگی نخ هراتی و کارخانه ریسندگی اقبال در این شهر تأسیس شده که همه نوع پارچه های پشمی و نخی میبافند و صنعت فلز کاری و کارد و چاقو سازی در قصبه مهریز مشهور است -

یزد در دوره ساسانیان معمور و آباد بوده و میگویند یزد گرد سوم آخرین پادشاه ساسانی پس از فرار از دست اعراب باین شهر آمد و نیز اسکندر رومی در یزد زندان خانه ساخت و محبوسین را در آنجا سکونت داد بعد از تسخیر یزد بدست مسلمین اکثر مردمش دین اسلام را قبول نمودند.

بنا بگفته استخری شهر یزد در قدیم موسوم به کیسه بوده ارگ و دیوار قدیم این شهر در زمان پیش بسیار مستحکم و دارای دودروازه آهنی بود اکنون حصار اطراف یزد خراب و جزء خیابان شده و عمارات و ساختمانهایی در محل ارگ بنا گردیده است - چون محمود افغان پس از تصرف کرمان برای تسخیر یزد آمد بواسطه استحکام ارگ و حصار نتوانست آنجا را متصرف شود و بطرف اصفهان حرکت نمود ولی اشرف افغان پسرم محمود بعدها یزد را تسخیر و مردمش را بدم تیغ گذارد - ارگ و دیوار اطراف یزد را ابو جعفر سلطان علاءالدین در سال ۵۳۲ قمری بنا نمود در نزدیکی آنجا گنبدی ویرانه است که دارای کتیبه‌هایی بخط کوفی برنگ آبی وزمین سفید که اکنون کاشی کاری دیوارها از بین رفته و تنها اثری که از آن باقی مانده بنایی است که در پیش محل مدرسه و کتابخانه وزیج برای فهمیدن اوضاع نجومی و اوقات ۲۴ ساعت شبانه روز بوده بنای گنبد وزیج را سید رکن الدین در سال ۷۲۶ قمری ساخته دیگر از ابنیه قدیم در یزد یکی مسجد و منار میرچخماق است که از سران لشکر امیر تیمور بوده (میگویند میرچخماق از نژاد عرب و اصلاً از مردم شام بود و در دوره شاهرخ حکمران یزد بوده) در بالای سردرب این مسجد تاریخ ۸۴۱ قمری نوشته شده است.

دیگر مسجد جامع که بنای آنرا در زمان اتابک علاءالدوله گرشاسب در سال ۵۱۳ قمری میگویند و در سال ۷۷۷ قمری سید رکن الدین آنرا تعمیر کرده و طبق کتیبه کاشی کاری این مسجد به امر میرچخماق انجام یافته و کاشی‌ها و درب‌های خانم‌کاری مسجد نمونه از ظرافت و صنایع بدیع ایران بشمار میرود اکنون بعضی از کاشیهای خارجی گنبد مسجد ریخته شده ولی کاشیهای داخلی آن سالم مانده - مسجد جامع یکبار

پیش از حمله امیر تیمور تعمیر شده بود و در زمان میر چخماق مجدداً مرمت گردید. مسجد دیگر در یزد بنیاد آنرا در سال ۷۶۶ قمری بخواجه شمس الدین محمد نسبت میدهند - یکی دیگر از آثار قدیمه محلی موسوم بمصلی است که میر محمد قاضی در سال ۷۲۵ ساخته و در سال ۸۶۰ قمری در اثر سیل صحن آن خراب شد و طبق کتیبه در سال ۹۵۸ قمری تعمیر شده سپس در سال ۱۰۳۵ اسحق بیگ آنرا مرمت نموده - دیگر از ابنیه قدیمه در یزد مقبره سید رکن الدین و قبور شمس الدین و شیخ تقی الدین معروف بشیخداد که از فقهای بزرگ اسلامی بود و نیز میدان موسوم بمیر چخماق است در وسط این میدان ستونی بارتفاع نه پا ساخته شده است.

انابکان تا دیر زمانی در یزد حکومت داشتند سپس مبارز الدین سردودمان آل مظفر آنجا را متصرف شد و کرمان و فارس را ضمیمه حکومت خود نمود شاه شجاع فرزند امیر مبارز الدین معاصر خواجه حافظ بوده و او در اشعار خود شاه شجاع را ستوده است - بعد از انقراض تیموریان مراد بیگ بایندری حکمران یزد شد که در زمان شاه اسمعیل صفوی براو غلبه یافت و از یزد خارج گردید - در ابرقو مسجدی است که تاریخ بنای آن در سال ۷۳۰ قمری در دوره مغول بوده و مسجد جامع در شهر نائین که در قرن چهارم هجری قمری بنا شده همچنین گنبد و بارگاه شیخ جنید توران است که در سال ۵۴۳ قمری ساخته شده - از مؤسسات خیریه در یزد یکی پرورشگاه مارکار است که از همت انجمن زردشتیان هندوستان تأسیس شده که عده از پسران و دختران فقیر و مستمند در آنجا تعلیم و تربیت میشوند دیگر مریضخانه «رتین تاتا» که بانی آن یکی از زردشتیان ثروتمند هندوستان است و دیگر مریضخانه مرسلین که از طرف انجمن خیریه انگلستان بود و اکنون دیگر مریض نمیپذیرد و نیز مریضخانه دولتی است

که در یکی از مدارس قدیمه تأسیس شده ولی دواپرستار کافی ندارد -
شهر یزد دارای چند خیابان و خانه های يك اشکوبه گنبد مانند و کوچه های
کثیف میباشد و از لحاظ بهداشت اوضاع آنجا خوب نیست - محصول یزد عبارت
از پنجه - تنباکو - تریاک و کمی غله میباشد و برای نیازمندی مردم گندم
و حبوبات از اصفهان و سایر نقاط دیگر به این شهر می آورند .

مسافت بین یزد و اصفهان در حدود ۳۳۷ کیلومتر است جاده نشیب
و فراز زیاد دارد و مسافرت در این راه طولانی و خسته کننده خالی از
خطر نیست آب مشروب در این راه کمیاب و در بعضی نقاط بواسطه
شوری قابل آشامیدن نیست حشرات موذی مانند مار ورتیل در بین راه
زیاد است .

بندر میناب

از دریا کانی باریک و پر پیچ و خم که عمق آن در نقطه ای کم و در
جائی دیگر زیاد است تا حدود چهار کیلومتر ببندر تیاب میرسد و از بندر
تیاب تا میناب ۲۰ کیلومتر است در اطراف میناب باغات مرکبات و
نخلستان ها زیاد احاطه کرده و بعبور رودخانه از نزدیک شهر منظره خاصی
دارد شهر میناب در بعضی مواقع که آب رودخانه طغیان میکند در معرض
سیل واقع میگردد و خسارت زیادی ببغات و خانه ها وارد میآورد تا کنون
اقدام اساسی برای جلوگیری از سیل بعمل نیامده و سدی در آنجا ساخته
نشده است در میناب بواسطه استعداد زمین همه قسم مرکبات از جمله
لیمو - نارنج - پرتقال - موز - انبه بدست میآید - محصول آنجا غله -
خرما - حنا - حبوبات که از آب رودخانه مشروب میگردد و کشت و زراعت
آنجا فاریاب (آبی) است -

عده سکنه میناب را در حدود ۶۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش

بحصیربافی و یا کرباس و بادبان سازی و کشاورزی مشغولند و عمده صادرات این بندر پوست - روغن - حبوبات - خرما - حنا - لیموی خشک و انبه میباشد هوای آنجا در تابستان گرم و بواسطه باتلاقها پشه و حشرات زیاد دارد. اوضاع عمومی آنجا از لحاظ بهداشت و فرهنگ خوب نیست شهری است کثیف و مردمش اکثر نحیف و رنجور و بواسطه فقدان دوا و طبیب انواع امراض در آنجا شیوع دارد. این بندر محل ورود کالای قاچاق است که از بندر دویی و سایر بنادر عمان وارد میکنند و معاملات داد و ستد در میناب رضایت بخش است. پست بوسیله پیک و چاپار بیندر عباس رفت و آمد دارد. مسافت بین میناب و بندر عباس در حدود ۷۸ کیلومتر است و جاده نسبتاً صاف و هموار است.

راه خشکی بداخله یکی از سمت بلوک بشاگرد و از گردنه مخوف پیچل گذشته بقصه جاغین میرسد در نزدیک جاغین قلعه منوجات که اکنون مخروبه بیش نیست واقع شده و در سالهای پیش از قلاع مستحکم بوده و در اواخر قرن شش هجری ملک دینار آن قلعه را تصرف نمود سپس افغانها آنرا تسخیر کردند این قلعه شاهد واقعات زیادی بوده و بین بلوک رودان و بشاگرد واقع شده است. مردم بلوک بشاگرد اکثر شریر و راه زن و مسافرت در آن ناحیه خالی از خطر نیست.

از میناب راه ساحلی از طریق بندر کوهستک بجاسک و چاه بهار میرود و همان راه است که معبر دریاسالار اسکندر رومی «نیار کوس» بوده که از ناحیه سند بخلیج فارس آمد. امن ترین و سالم ترین راه از میناب ببندر جاسک و چاه بهار همان راه دریائی است که خالی از خطر راه - زنان میباشد.

مسافت بین میناب و بندر جاسک در حدود ۲۸۵ کیلومتر است.

بندر جاسك

بندر جاسك از بنادر عمده بلوچستان و هوای آنجا در تابستان گرم و غیر قابل تحمل است - بندر جاسك عبارت از دو ناحیه قدیم و جدید است که ۱۵ کیلومتر بایکدیگر فاصله دارند در جاسك جدید ساختمانهای جدید از جمله بنای تلگرافخانه - اداره گمرک - عمارت کشتی رانی و سایر ادارات دیگر واقع شده - جاسك قدیم روی تپه قرار دارد و دارای چند چاه آب گوارا است جمعیت جاسك قدیم را در حدود ۱۵۰۰ نفر میگویند که همه بلوچی و بین آنها مردمی معمر و سالخورده یافت میشود اکنون در این بندر يك نفر پزشك و پزشكیاری وجود دارد ولی دواي كافی در دست ندارند و اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت خوب نیست و اكثر مردم بواسطه قحطی و پریشانی به بنادر عمان مهاجرت کردند در جاسك قدیم قلعه مخروبه بنظر رسید که گویا در زمان نادر شاه ساخته شده که او تصمیم بفتح مسقط و بنادر عمان داشت.

محصول اطراف بندر جاسك عبارت از گندم - جو - مرکبات و کمی خرماسه و عمده صادرات آنجا حصیر - موی بز - روغن - پوست و ماهی خشك و پرسك ماهی میباشد که در سالهای پیش آنرا بچین و ژاپون حمل مینمودند و نیز در این بندر صید ماهی زیاد میکنند که پس از خشك کردن آنرا ببنادر عمان میبرند.

در کرانه های مکران (از جاسك تا بندر گواتر) بواسطه نبودن وسائل و کمی نفوس از حیث کشت و زراعت عقب مانده و نامساعدی طبیعت نیز مانع آبادی و عمران این ناحیه گردیده است - جاسك دو بندرگاه خوب و مناسب دارد که کشتی ها در هر موقع میتوانند در آنجا لنگر اندازند نیز فرودگاه برای هوا پیمایی که از اروپا به هندوستان رفت و آمد دارند در

آنجا ساخته شده - بندر جاسک از حیث موقعیت نظامی اهمیت زیاد دارد و حمل و نقل کالا بداخله کشور بوسیله کاروان شتر انجام میگردد و ارتباط تلفون بین جاسک و چاه بهار برقرار ولی منظم نیست و مخابرات تلگرافی از راه خشکی با هندوستان و سایر ممالک دیگر موجود است - سیم تلگراف تحت البحری که در چند سال پیش بین بوشهر و جزایر بنگام و قشم بجاسک و کراچی اتصال داشته اکنون برچیده شده است و در چند سال پیش « گریوز » انگلیسی رئیس سیم کشی تلگراف در نزدیک رودخانه رایبیج در چند کیلومتری جاسک بدست بلوچها کشته گردید از طرف دولت ایران مرحوم احمد خان دریابگی فرماندار بوشهر با کشتی پرس پلیس بجاسک آمد و پس از چند روز زد و خورد با بلوچها اقامت قاتل رئیس سیم کشی را گرفتار و اعدام نمود - چندی بعد عده ای از قشون هندی که برای تعقیب اسلحه باطراف جاسک رفته بودند از طرف بلوچها دستگیر و کشته شدند . در سال ۱۶۱۵ میلادی « ریچارد استیل » انگلیسی به نمایندگی شرکت هند شرقی ببندر جاسک آمده و آنجا را برای مرکز تجارتخانه انتخاب نمود و در سال ۱۶۱۹ میلادی انگلیس هاباب تجارت را در بندر جاسک و خلیج فارس مفتوح نمودند .

بعد « الکساندر چایلد » انگلیسی بجاسک آمده و شرحی راجع بموقعیت بندر جاسک نوشته است - در سال ۱۶۲۰ میلادی جنگ دریائی بین کشتیهای انگلیسی و پرتغالی در لنگرگاه جاسک واقع شد که بشکست پرتغالیها پایان یافت ولی « ولز شیلی » دریادار انگلیسی در این نبرد دریائی کشته گردید . بندر جاسک از راه خشکی ارتباط با بلوک بشاگرد دارد و مسافت بین جاسک و بندر چاه بهار در حدود ۳۰۰ کیلومتر است . زمانیکه مرحوم میرزا انصاری خان کازرونی حکمران بندر جاسک بود

میر عبدالنبی بلوچ سر بهصیان زد و اطراف آن ناحیه را تهدید مینمود
او بدستور مرحوم محمد مهدی ملک التجار بوشهری که فرماندار بوشهر
و بنادر جنوب بود میر عبدالنبی بلوچ را از طریق مسالمت و حسن تدبیر
گرفتار و ببوشهر روانه نمود و از آنجا اورا بتهران فرستادند.

بواسطه این حسن خدمت در سال ۱۳۰۵ هجری قمری طبق فرمان
ناصرالدین شاه و امضاء میرزا علی اصغر خان امین السلطان او بلقب سرهنگی
و بیک قبضه شمشیر و حمایل مفتخر گردید.

بندر چابهار

چابهار دارای بندرگاه خوب و مناسبی میباشد و موقعیت نظامی
و اقتصادی این بندر شهرت بسزائی دارد چند سال پیش شرکت «دلاور»
آمریکائی که امتیاز نفت ناحیه شمال شرقی بدست آورده بود در نظر داشت
که لوله های نفت را تا چابهار امتداد دهد و تصفیه خانه نفت را در این
بندر احداث کند نویسنده عقیده دارد همین نظریه را نیز دولت شوروی
تعقیب خواهد نمود و پالشگاه نفت سمنان و ناحیه شمال شرقی را که اکنون
شرکت نفت ایران و شوروی در شرف تأسیس است در بندر چابهار بنیاد
خواهد نمود. رجال انگلیس از سال های متمادی اهمیت بندر چابهار را از
نظر دور نداشته و معتقدند که چابهار کلید دروازه غربی هندوستان بشمار
می رود «لرد گرزن» در کتاب خود مینویسد «موقعیت بنادر چابهار
و گواتر از این جهت اهمیت دارد که روزی ایستگاه راه آهن سیستان
و بلوچستان در این بنادر احداث خواهد گردید و مرکز کشتی رانی دریای
هند و فلات خاور میانه خواهد شد».

در حیرتم چگونه رجال ایران موقعیت و اهمیت این بندر را در

نظر ندارند.

جمعیت چابهار را در حدود ۴۵۰۰ نفر میگویند که همه بلوچی و به ماهیگیری و گله‌داری مشغولند. چابهار تابع استان کرمان و در ۱۹۸ کیلومتری سمت شرق چابهار مرز ایران و بلوچستان انگلیس واقع شده است. مخابرات تلگرافی از راه خشکی بتمام نقاط ارتباط دارد. راه شوسه. بواسطه بارندگی زیاد و جریان سیل غیر قابل استفاده مانده و حمل و نقل کالا و پست بوسیله کاروان شتر انجام میگیرد و ساختمان های تلگرافخانه. گمرک. اداره کشتی رانی و سایر ادارات دولتی در طرف جنوب این بندر قرار دارد. محصول چابهار خرما و کمی غله و آب مشروب آنجا از چاه است صادرات این بندر پوست. موی بز. روغن. ماهی خشک و پر سگ ماهی است که به خارج حمل میکنند.

اکثر مردم چابهار بواسطه قحطی و مجاعه بطرف بنادر عمان مهاجرت کرده اند اوضاع آنجا از لحاظ بهداشت خوب نیست. در سال ۱۱۷۱ خورشیدی عبدالعزیز برادر سید سلطان بنادر گواتر و چا بهار که در اجاره حکمران مسقط بود متصرف شد سید سلطان قشونی بآنجا روانه نمود و عبدالعزیز را شکست داده و دولت ایران از زرد خورد دو برادر از موقع استفاده نمود و بنادر چابهار و گواتر را تصرف کرد.

اکثر زمین های کرانه بلوچستان خشک و لم یزرع ولی در طول ساحل چند دهستان آباد وجود دارد و رودخانه های چکین. کابریک. دشتیاری و سیدیچ پس از عبور از باتلاق ها وارد دریای عمان میشود مسافت از چابهار بدشتیاری و از آنجا تا بندر گواتر در حدود ۱۴۴ کیلومتر است. عده سکنه بندر گواتر در حدود ۵۰۰ نفر میگویند و ارتباط آن بندر بداخله کشور با ایران شهر (بمپور) و از راه دریا با بنادر عمان و مسقط میباشد. بنادر بلوچستان عبارت از کوهستک. کالک. پوندرام. بندر سربک - ۱۶۱ -

بیریز - توجك - سروگان - گيرو - یونجی و نارکی میباشد و مردمش همه فقیر و مستمند و ماهیگیرند .

بحرین

مجمع الجزایر بحرین عبارت از چند جزیره بزرگ و کوچک که در کرانه جنوب باختری خلیج فارس واقع شده جزیره منامه - جزیره محرق - جزیره عراد - جزیره ام الشجر - جزیره حاله ام البیض - جزیره ام النعسان جزیره بنی صالح - جزیره جدو و جزیره ام الصبیان است - جزیره منامه که مرکز حکومت بحرین و نماینده سیاسی انگلیس و سایر ادارات میباشد طول آن در حدود ۴۷ کیلومتر و عرض آن ۱۲ کیلومتر و در سالهای پیش دارای ۳۶۰ دهستان بوده اکنون زیاده از ۱۱۷ قریه در این جزیره نیست و عده سکنه آنجا در حدود ۶۰۰۰۰ نفر است و دارای چشمه های زیاد و چند چاه ارتیزین و نخلستان فراوان است و مرکز عمده معاملات مروارید در خلیج فارس بشمار میرود .

جزیره محرق بوسیله کانال باریکی از جزیره منامه جدا شده اکنون پلی متحرک در این کانال ساخته شده که بین منامه و محرق رفت و آمد میشود طول جزیره محرق ۷ کیلومتر و عرض آن ۶ کیلومتر و جمعیت آن را ۲۰۰۰۰ نفر میگویند و محل فرودگاه و خط سیر هواپیمای انگلیسها که از اروپا به هندوستان رفت و آمد دارند واقع شده .

در سال ۱۹۲۹ میلادی شرکت های نفت « تکزاس » و « استاندارد اویل کمپانی کالیفرنیا » امتیاز نفت را در جبل الدخان در بحرین بدست آورد بعداً با سرمایه این دو شرکت شرکتی بنام « بحرین پترولیم کمپانی » تشکیل دادند اکنون در آنجا مشغول استخراج و حمل نفت خام هستند و بهره برداری از سال ۱۹۳۳ میلادی شروع گردید و محصول سالیانه نفت

بحرین بالغ بر سه میلیون تن میگردد و هر ساله بر مقدار نفت آنجا افزوده میشود بعلاوه شرکت نامبرده در ناحیه لحسا نیز چاههای نفت حفر نموده و هنوز اقدام در استخراج و بهره برداری نکرده است. معدن نفت جبل الدخان در کرانه شمالی جزیره منامه واقع شده است.

بهترین مروارید در خلیج فارس دریای بحرین یافت میشود و در سالهای پیش ۲۵۰۰ کشتی برای صید مروارید از بنادر خلیج فارس به بحرین وارد میشده و صادرات مروارید آنجا در حدود ۲ میلیون لیره بوده اکنون تعداد کشتیها برای صید مروارید بسیار کم و از عایدات این گوهر گرانها کاسته شده است. جزیره منامه از حیث تجارت و اشیه ترقی زیاد نموده دارای چند خیابان وسیع و سه مریمخانه عمومی و چند آموزشگاه میباشد و عمده واردات آنجا گندم - برنج - روغن و سایر مواد غذایی که از بنادر ایران بطور قاچاق وارد بحرین میگردد و در عوض پارچه - قند - شکر و چاهی قاچاقچیان خریداری کرده بدون پرداخت عوارض گمرک وارد بنادر ایران میکنند. بحرین در ازمنه قدیم بنام هاجر معروف بوده و در زمان اشکانیان طایفه معدبن عدنان به بحرین آمدند و در دوره اردشیر بابکان «ساتیرون» نامی حکمران بحرین بود چون اردشیر نواحی خلیج فارس را بتصرف خود درآورد سپاهی به بحرین روانه و آنجا را نیز تسخیر نمود و پسرش شاپور اول را به حکمرانی آن جزیره برقرار کرد و پس از فوت او اعراب مهاجر بر بحرین و منامه هجوم آورده آنجا را تصرف کردند ولی شاپور دوم آنها را شکست داد و تاقطیف و لحسا آنها را عقب نشاند.

در دوره خسرو پرویز منذر نامی که رئیس قبیله عبدالقیس بود در بحرین حکومت داشت از طرف هادیان اسلام علی بن خضرامی به بحرین آمد و منذر را بکیش اسلام دعوت نمود و او دین اسلام را پذیرفت و تا زمان

خلفای عباسی جزیره بحرین در تصرف خلفای اسلام بود سپس قرامطه آنجا را تصرف کرده و شهر هاجر را ابوطاهر الجعفی رئیس قرامطیان بنانهاد و آنرا بنام المؤمنه موسوم نمود و بعد از آن ابوسعید نامی که او نیز از قبیله قرامطه بود بحرین را میدان تاخت و تاز خود قرارداد و چندی حکمران بحرین بود در دوره ساجوقیان ابوبهلول بر قرامطه شوریده و خود حکمران بحرین و لحسا گردید ولی در ظاهر تابع پادشاه ایران بود تا اینکه لشکریان هلاکو خان بر بحرین و نواحی خلیج فارس دست یافتند سپس سپاهیان امیر تیمور بحرین را تصرف کردند و تا اواخر دولت مغول این جزیره تابع والیان فارس بود و بعد از آن حکمران جزیره هرمز آنجا را تسخیر نمود - در زمان اتابک ابو بکر بن سعد زنگی حکومت بحرین را به عصفور بن راشد بن عمرو واگذار کرد و او مالیات بحرین را بفارس میفرستاد .

پس از آنکه پرتقالیها وارد خلیج فارس شده و جزیره هرمز را تصرف نمودند « البو کرک » سردار پرتقالی بحرین و قطیف را نیز تصرف کرد و در آنجا قلعه‌ئی بنا نمود که اکنون آثار آن باقیمانده ولی پس از چندی اعراب بحرین بر پرتقالیها شوریده عمال آنها را کشتند و چیزی طول نکشید که مجدداً پرتقالیها بر بحرین استیلا یافتند .

در سال ۱۷۱۸ میلادی سلطان بن سیف والی مسقط به بحرین حمله نمود و آنجا را تصرف کرد در قرن ۱۸ میلادی اعراب حوله این جزیره را تسخیر کردند و چون بین خود آنها جنگ وجدال در گرفت لشکریان ایران آنها را مغلوب نموده مجدداً بر بحرین تسلط یافتند .

در دوره شاه عباس بزرگ خواجه معین الدین فالی بحرین را برای الله وردی خان که والی فارس بود فتح نمود شاه عباس در نامه خود

بشیخ عیید خان آل مذکور مینویسد « آنچه راجع بغلبه پرتقالیها نوشته بودید مستحضر شدم دانسته باشید سپاه کاملی که مجهز باتوپهای بزرگ است به آن ناحیه روانه نمودم هرگاه توپها هدف خود را کوه قرار دهند کوه را ازجا برمیکند باتوجه ودقت زیاد مشغول اقدام باشید» شیخ نامبرده بامر شاه عباس بیوشهر آمد وبا ده هزار نفر از چریك دشتی و تنگستانی وسایر طوایف دیگر بسررداری امام قلیخان بطرف جزیره خارک حرکت کرد و آنجا را از پرتقالیها مسترد نمود سپس بندر قطیف و جزیره بحرین را تسخیر کرد - بعد ازچندی « سوندك سلطان » حکمران بحرین بدربار شاه صفی آمد و شمشیر امیر تیمور را كه بدست آورده بود تقدیم آن پادشاه نمود .

در اواخر دوره صفوی در نتیجه ضعف ، اقتدار و نفوذ خود را در بحرین و سایر نقاط خلیج فارس از دست دادند و شیخ جباره خود را حکومت بالاستقلال بحرین دانسته و در آنجا حکمرانی میکرد در سال ۱۱۴۸ قمری محمد تقی خان بیگنربگی فارس از طرف نادرشاه مأمور تسخیر بحرین گردید چون شیخ جباره زیارت مکه رفته بود لشکریان ایران وارد بحرین شده و بآسانی آنجا را تصرف نمودند و قلعه بحرین بدست آنها درآمد و محمد تقی خان کلید درب قلعه را برای نادر فرستاد و برای این حسن خدمت بدریافت خلعت سرفراز گردید - در آن موقع نادرشاه دارای سه کشتی بود لذا نامه بنظام حیدر آباد دکن نوشته دستور داد که بیست کشتی بزرگ ساخته برای استقرار نظم و امنیت خلیج فارس روانه کند هنگامی که نادر شاه بطرف داغستان در حرکت بود کشتیها از بندر صورت حرکت کرده وبخلیج فارس وارد شدند ولی یکی از آنها بواسطه طوفان در راه غرق گردید .

نادر شاه بشیخ غیث خان و شیخ ناصر خان ناخدا باشی می نویسد
 « از خبر فتح بحرین و پیشرفت شما مطلع شدم آنچه در این سال بر شما
 گذشته بی خبر نیستم و انتقامی از اعراب و جماعت اباضیه خواهم کشید
 همچو انتقامی که شاپور ذوالا کتاف کشید. لشکریان ما بسیراف وارد شده در
 آنجا نزدیک شما توقف دارند از رفتن بدان صوب تأمل کنید تا دستور
 بشما برسد ».

تا زمان نادر شاه بحرین در تصرف ایرانیان بود و تا دوره کریمخان
 زند ادامه داشت و پس از فوت کریمخان قبیله آل خلیفه از اعراب عتوبی
 بریاست شیخ احمد از قطر بحرین حمله نمود و شیخ نصر بوشهری که
 از طرف کریمخان حکمران بحرین بود تاب مقاومت در خود ندیده بوشهر
 فرار کرد شیخ احمد بحرین را متصرف شد و پس از چندی فوت نمود
 و پسرش شیخ سلمان جانشین پدر گردید در این هنگام والی مسقط مجدداً
 بحرین حمله کرد و شیخ سلمان بطرف قطر فرار کرد در سال ۱۸۱۰
 میلادی شیخ خلیفه فرزند شیخ سلمان که مردی شجاع و دلیر بود غفلة
 بقتشون والی مسقط حمله نمود ولی پیشرفتی نکرد بعد از فوت او برادرش
 شیخ عبدالله حکمران بحرین شد و احسا و قطیف را نیز بتصرف خود در آورد
 ولی وهابیها او را از آن نواحی خارج کردند - شیخ عبدالله که تا چند سال
 حکومت بحرین را داشت همیشه مشغول زد و خورد محلی بود در سال ۱۸۳۰
 میلادی که لشکریان مصر تحت قیادت ابراهیم پاشا فرزند محمد علی پاشا
 که با وهابیان در جنگ بودند بر نواحی احسا و قطیف که هم مرز بحرین
 بود تسلط یافت بنابراین شیخ عبدالله خود را در تحت حمایت مصریها قرار
 داد بعد از فوت او شیخ محمد بحکومت بحرین برقرار گردید .

او مردی شجاع و با تدبیر و در مدت شش سال حکومت او

در بحرین نظم و آرامش برقرار بود ولی مخالفین او خاصه پسران شیخ عبدالله که داعیه حکومت بحرین را داشتند با شیخ نامبرده ضدیت و مخالفت مینمودند، ضمناً قبیله آل علی را با خود همراه نموده و با مساعدت امیر نجد با شیخ محمد جنک کردند ولی او با کمک ایرانیان پسرعموهای خود را شکست داده و آنها را تا حدود الدمام در کرانه لبحسا دنبال نمود در این قضايا و جنگهای محلی بین مشایخ بحرین انگلیسیها از موقع استفاده کرده و قراردادی با مشایخ ساحلی عمان در جلوگیری از دزدان دریائی منعقد ساختند ولی شیخ محمد که خود را تابع ایران میدانست در این قرارداد شرکت نمود که بالاخره پس از چند سال حکمرانی از بحرین تبعید گردید.

مأمورین سیاسی انگلیس در خلیج فارس بدولت متبوعه خود پیشنهاد نمودند که جزایر بحرین تحت نظر دولت بریتانیا قرار گیرد چون دولت ایران دعاوی سیاسی نسبت ببحرین داشت انگلیسیها از یکطرف به ایران اطمینان دادند که هرگاه دولت ایران دارای پنج کشتی جنگی باشد که بتواند جلوگیری از دزدان دریائی در خلیج فارس کند آنها از مداخله در امور خلیج فارس خاصه در بحرین خودداری نمایند از طرف دیگر چنین صلاح دانستند که استقرار و ارتباط پابرجائی با شیخ بحرین پیدا کنند بنا براین با شیخ علی برادر شیخ محمد که بعد از برادرش به حکومت بحرین برقرار شده بود و باو وعده کرده بودند که در امور خارجی از او تقویت و حمایت کنند و ضمناً شیخ علی متعهد شده بود که در موارد شکایت و اعتراض دولت ایران به حکمیت و قضاوت نماینده سیاسی انگلیس محول نماید - پس از فوت شیخ علی فرزندش شیخ عیسی حکمران بحرین گردید و او نیز متعهد شده بود که با هیچ دولتی مراوده و ارتباط سیاسی نداشته باشد و قرار دادی بین او و نماینده انگلیس در خلیج فارس بسته شد که

شیخ نامبرده اراضی و متصرفات خود را بغیر از دولت انگلیس بدول دیگر اجاره یا واگذار نکند .

در سال ۱۸۹۵ میلادی قبیله آل علی از نواحی زبارة و قطر به تحریک ترکها بحرین حمله نمودند و انگلیس ها در این جنگ محلی بشیخ عیسی بوسیله کشتی های جنگی خود کمک و همراهی کردند و اعراب مهاجمین قطری را شکست دادند این وقایع و چند مداخله دیگر سبب گردید که انگلیسیها نظارت کلی در اوضاع عمومی و اجتماعی و تسلط سیاسی در بحرین برقرار نمایند - در سال ۱۹۰۰ میلادی ساختمان کنسول خانه در بحرین بنا گردید و نماینده انگلیس در امور داخلی و خارجی آنجا مداخله نمود (تا پیش از ۱۹۰۰ میلادی نمایندگان سیاسی انگلیس در بحرین از اتباع ایران بودند از جمله حاجی احمد آل صفر بوشهری و محمد امین لنگه‌ئی و حاج محمد رحیم آل صفر بوشهری .)

در سال ۱۲۲۸ قمری شیخ علی نامی از جانب حکومت بحرین با چند رشته مروارید بدربار فتحعلی شاه آمد و عرضه داشت که بعد از فوت نادر شاه اعراب عتوب بر بحرین استیلا یافته اند و بر مردم ظلم و جور روا میدارند و استدعای مساعدت از آن پادشاه نمود - در سال ۱۲۷۷ قمری در زمان ناصرالدین شاه میرزا سلیمان خان رکن‌الملک شیرازی که مأمور وصول مالیات در بحرین بود باین جزیره آمد و چندی در آنجا توقف نمود . در زردوخوردی که در چند سال پیش بین اعراب و ایرانیان ساکن بحرین که بتحریک علی بن احمد واقع گردید و منجر بزخمی شدن چند نفر شد بازرگانان ایرانی راجع باین قضیه بتهران شکایت نمودند و مرحوم میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه حفاظت مال و جان اتباع ایران ساکن بحرین را از انگلیس ها خواست و آنها این درخواست را

مدرک قرار داده کشتی جنگی وارد بحرین نمودند و بشیخ عیسی اطلاع دادند که علی بن احمد را که مسبب این واقعه بوده بآنها تسلیم نمایند ابتدا شیخ نامبرده از تسلیم او استنکاف نمود و چون انگلیسها در صدد بمباران بحرین برآمدند شیخ عیسی مجبور بتسلیم او گردید که بهندوستان تبعیدش نمودند و اثاثیه واسبهای او را تصرف کرده و فروختند .

پس از این واقعه شیخ محمد یکی از فرزندان شیخ عیسی بدربار مظفرالدین شاه آمد و از مداخله انگلیس ها در بحرین شکایت نمود که بالاخره نتیجه نبخشید .

شیخ عیسی پس از چند سال از حکومت بحرین برکنار شد و پسرش شیخ احمد جانشین پدر گردید بعد از فوت او شیخ سلمان حکمران بحرین شد اکنون کلیه امور داخلی و خارجی آنجا با نظارت مستشار عالی انگلیس انجام میگردد و باتباع ایران ساکن بحرین که عده آنها نصف جمعیت آنجا را تشکیل میدهد اخطار گردید که هرگاه دارای علاقه و املاکی باشند میبایست تبعیت حکومت بحرین را قبول کنند در غیر این صورت املاک خود را فروخته از آنجا خارج شوند و نیز مسافری ایرانی بدون داشتن جواز و اجازه رسمی از طرف مقامات انگلیسی حق ورود به بحرین ندارند و شیخ سلمان در امور داخلی آنجا بدون اجازه نماینده سیاسی انگلیس حق مداخله ندارد - در سال ۱۹۳۵ میلادی پاسگاه نیروی دریایی انگلیس از جزایر قشم و هنگام به بحرین انتقال یافت و در آنجا ساختمانها و انبارها برای مهمات و سوخت کشتی های جنگی بنیاد نمودند . مسافت بین بحرین و بوشهر در حدود ۱۶۰ میل دریایی است . (یک میل دریایی مطابق دو کیلومتر است)

جزیره قشم

قشم بزرگترین جزایر خلیج فارس بشمار میرود و مشهور بجزیره طویل است در کتاب نهجه‌الاهر نام این جزیره را بنی کافان نوشته طول این جزیره ۱۰۸ کیلومتر و عرض آن در حدود ۱۸ کیلومتر و مسافت بین این جزیره و بندر عباس ۱۸ کیلومتر است.

قشم در سال‌های پیش دارای ۳۶۰ دهستان بوده در نتیجه حادثه زلزله‌های شدید بعضی از آنها خراب و ویران شده اکنون دارای ۸۰ قریه بیش نیست هوای این جزیره در تابستان بسیار گرم است و اکثر مردم آنجا در تابستان بنادر میناب میروند و در مواقع دیگر در معادن خاک سرخ (گلک) و نمک مشغولند - جمعیت قشم را اکنون در حدود ۸۰۰۰ نفر میگویند و دارای چند دستگاه بافندگی دستی و نیز بادبان برای کشتیها میسازند - محصول قشم کمی گندم - جو - خرماسه و آب مشروب آنجا از چاه و برکه میباشد - عده سکنه آنجا در پیش ۳۵۰۰ نفر بوده است در این جزیره سه قلعه مخروبه بنظر رسید که میگویند در زمان شاه عباس و یا نادر شاه ساخته شده و جز دیوار و بروج ویرانه و چند لوله توپ که برخی از آنها زیر زمین فرو رفته چیزی باقی نمانده است - در قشم معادن نمک وجود دارد و مقدار زیادی بخارج حمل میگردد - در چند سال پیش شرکت نفت ایران و انگلیس در آنجا بحفر چاه نفت مشغول شد ولی ب نتیجه نرسید.

انگلیس‌ها بعد از سرکوبی دزدان دریائی در خلیج فارس ایستگاه دریائی از فتحعلی شاه درخواست نمودند. در سال ۱۲۱۷ قمری آن پادشاه نامه بوالی مسقط که در آن زمان جزیره قشم و بندر عباس در اجاره او بود نوشت که قطعه زمینی برای این منظور بانگلیس‌ها در باسیعدو واگذار نماید

که در آنجا مخازن برای سوخت کشتی های خود بسازند انگلیسها علاوه از انبارها چند ساختمان دیگر در آنجا بنیاد نمودند و در باسعیدو کلنی کوچکی را تشکیل دادند و عده سرباز در آنجا برگماشتند اکنون مرکز نیروی دریائی آنها باسعیدو را تخلیه و بجزیره بحرین انتقال یافته فقط چند مستحفظ ساختمانهای آنها را در آنجا نگاهداری میکنند. در دوره ناصر الدین شاه « کلارک » مأمور سیم کشی بقشم آمد و در قصبه شناس محلی را برای ساختمان تلگراف خانه انتخاب نمود و سیم تلگراف تحت البحری از بوشهر بجزیره هنگام و از آنجا بقشم و بندر جاسک و تاکراچی اتصال داشت که اکنون برجیده شده -

در قشم ظروف سفالی و اشیاء عتیقه یافت میگردد نیز صدف وزنی در نزدیک این جزیره بدست میآید ولی مروارید در جوف آنها نیست و ارتباط قشم بابندر عباس و بنادر عمان و سایر بنادر ایران است .

جزیره هنگام

طول جزیره هنگام ۹ کیلومتر و عرض آن در حدود ۶ کیلومتر است اطراف این جزیره قطعات بزرگ از سنک چخماق که هر يك چند تن وزن دارد و بواسطه فشار تحت الارضی صخره های بزرگ پیدا کرده قرار گرفته در چند سال پیش ایستگاه سیم تلگراف تحت البحری در آنجا برقرار بود که بمسافت ۱۳۶ میل دریائی ببندر جاسک اتصال داشت که اکنون برجیده شده و انگلیس ها دستگاه تلگراف بی سیم را از این جزیره ببحرین انتقال داده اند - جمعیت هنگام در سالهای پیش در حدود چهارصد خانوار بوده اکنون سکنه آنجا بیش از ۵۰ نفر نیست و اکثر بواسطه فقر و فلاکت ببندر عمان مهاجرت کرده اند و مردم کنونی آنجا چشم براه کشتی ها برای قوت لایموت میباشند ضابط این جزیره شیخ احمد از قبیله بنی یاس

که در چند سال پیش از عمان بهنگام آمده و او مردی بود بدجنس و ظالم و ایرانیان را بهنگام راه نمیداد و با قاچاقچیان همدست بود و بتحریرک او مدیر گمرک آنجا بطرز فجیعی کشتند و کسی بازخواست خون آن بیچاره را ننمود همینکه نیروی دریائی انگلیس مرکز و ایستگاه خود را از آنجا ببحرین انتقال داد و نیروی دریائی ایران در هنگام مستقر گردید شیخ احمد از ترس آن جنایت، خود و بستگانش بطرف بنادر عمان فرار نمودند.

مردم این جزیره اکثر فقیر و مستمند و برخی بصید ماهی مشغولند جزیره هنگام بدو منطقه تقسیم شده هنگام جدید و هنگام قدیم که اکنون خالی از سکنه میباشد در اطراف هنگام ماهی های بزرگ و فراوان صید میکنند و غذای عمده مردم ماهی و خرماست. نیز کالای قاچاق از بنادر عمان وارد میکنند. اوضاع مردم این جزیره از لحاظ بهداشت و تهیه غذا خوب نیست و ارتباط با بنادر عمان دارند. نویسنده در گردش و سیاحت خود ملاحظاتی بینواتر و بیچاره تر از مردم جزیره هنگام ندیدم. این جزیره در ۲ کیلومتری جنوب جزیره قشم واقع شده و تابع بندر عباس است.

جزیره کیش

طول این جزیره ۱۵ کیلومتر و عرض آن در حدود ۷ کیلومتر است از حیث خوبی آب و هوا بهترین جزیره در خلیج فارس بشمار میرود هرگاه دو متر زمین را حفر کنند آب گوارا بدست میآید در سالهای پیش جمعیت آنجا در حدود ۱۲۰۰۰ نفر و دارای شصت کشتی بزرگ و ۱۵۰ کشتی کوچک بوده و بصید مروارید و حمل کالا اشتغال داشتند اکنون عده سکنه این جزیره بیش از ۴۰۰ نفر نیست. ضابط این جزیره شیخ محمد از قبیله آل علی است و در قصبه ماشی سکونت دارد محصول این جزیره خرما و کمی گندم و جو و ذرت میباشد. مروارید که در اطراف

کیش بدست میآید بهترین مروارید است و نظر بخوبی بندرگاه و آب مشروب فراوان اکثر تجار مروارید در این جزیره رفت و آمد داشتند اکنون بازار دادوستد مروارید در کیش را کد مانده - جزیره کیش در پیش ابواب جمعی و از املاک علی محمد خان قوام الملك شیرازی بود و او بعداً آنجا را بمحمد رضا سطوت الممالک بستکی فروخت - پس از آنکه جزیره دلمه اهمیت و موقعیت خود را از دست داد کیش از حیث دادوستد مروارید مقام خاصی را دارا گردید در سال ۶۲۶ قمری اتابک ابوبکر بن سعد زنگی جزیره کیش را تسخیر نمود و ملک سلطان حکمران آنجا را کشته و خزانه خود را از فارس باین جزیره انتقال داد و کیش را دولت خانه نامید و چند سال در تصرف شیخ ابراهیم طلیعی بوده جمال الدین ابوالفتح بن مجاور در تاریخ منتصری مینویسد « کیش شهرست بزرگ و حصاری دور آن کشیده شده و بازرگانان انواع پارچه های ابریشمی و کتان و غله و حبوبات وارد میکنند و در عوض مروارید خریداری مینمایند و در آنجا نخلستان زیاد وجود دارد و خانه ها عموماً دارای چند طبقه و مردم کیش از منسوجات بافت مراکش لباس میپوشند و گوشه دستار خود را آویزان مینمایند » - ابن بلخی مینویسد « جزیره کیش از ازمه قدیم معمور بوده و شهر کیش در شمال جزیره واقع شده و تپه های زیادی از آثار خانه ها و ستون های سنگی اکنون باقیمانده است و حکمران جزیره بر سواحل و کرانه های عمان و خلیج فارس فرمانروایی داشته و کشتیهای بازرگانی که بین هندوستان و خلیج فارس آمدورفت داشتند در جزیره کیش توقف میکردند و تا اواخر قرن ۸ هجری این جزیره شهری زیاده دارا بوده سپس رو بویرانی گذارد و جزیره هرمز آباد گردید .

یاقوت مینویسد « در قرن ۷ هجری جزیره کیش آباد بوده و دارای

خانه ها و عمارات بزرگ که در اطراف آن باغها احاطه داشته و چند آب انبار بزرگ برای ذخیره آب و پنج بازار معمور دارا بوده و عده سکنه آنجا زیاد میباشد «

بنیامین از اهالی تولا مینویسد « بازار معاملات در کیش بسیار مهم است و تجار هندی - یمنی - ایرانی انواع بارچه های ابریشمی و ریشمائی و پنبه و حبوبات و ادویه هندی در این جزیره وارد میکنند و حکمران کیش بواسطه برتری نیروی دریائی خود مورد احترام امرای هندوستان میباشد و کلیه جزایر نزدیک کیش در تحت حکومت او قرار دارد در این جزیره چند نفر را ملاقات کردم که در ادبیات و حکمت یس طولانی داشتند. « ذکر بای قزوینی مینویسد « جزیره کیش در قرن ۷ هجری شهری مهم و دارای ابنیه و دروازه های بزرگ و در زمان ما هیچ جائی بصفاء و قشنگی کیش نیست و کشتی های عرب و ایرانی بقصد معامله و تجارت به این جزیره می آیند «

آثار ویرانه شهر حریرا که در زمان خلفای اسلام بنا شده هنوز باقیمانده است و از مشاهده ستونها و عمارات مخروبه آنجا معلوم میشود در اثر زلزله شدید از بین رفته است و قلعه ای نزدیک کرانه وجود دارد که بوسیله دهلیز های زیرزمینی بدریاه داشته و دیوارهای آن از سنگ و سیمان ساخته شده است - در خرابه های کیش اشیاء عتیقه از جمله ظروف سفالی و چینی و سکه های قدیم یافت میشود نیز آب انبارهای بزرگ و چند رشته قنات دارا بوده اکنون هفت قنات آن وجود دارد در جزیره کیش چند مسجد بنا شده در یکی از این مساجد لوحه سنگی دیده شد که سوره تنزیل در آن نقر شده در سال های پیش عواید و مالیات این جزیره

- ۱۷۴ -

بخلیفه عباسی داده میشد و مأموری از طرف خلیفه همه وقت در کیش توقف داشته - اکنون شیخ صالح از جانب برادر خود شیخ محمد ضابط این جزیره مییابد .

مردم کیش اکثر فقیر و بیچاره و از لحاظ بهداشت و امراض گوناگون اوضاع آنها خوب نیست و بواسطه فقدان پزشك مرك و میر بین اهالی زیاد است - مسافت بین جزیره کیش تا بندر گرزه که از توابع بنادر شییکوه است در حدود ۱۷ کیلو متر و تا بندر لنگه ۳۶ میل دریائی است و ارتباط آن با بنادر ایران و عمان است . شمس الدین محمد بن احمد کیشی از افاضل علما و عرفای عصر خود بوده و در شیراز فوت نموده این جزیره را بمناسبت قیص فرزند قیصر سیرافی اعراب قیص نام نهادند .

جزیره هرمز

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ۸ کیلومتر و مسافت بین هرمز و بندر عباس در حدود ۱۸ کیلومتر است عده سکنه این جزیره را ۱۶۰۰ نفر میگویند و دارای ۱۵ کشتی برای حمل کالا و صید ماهی میباشند . اکثر مردمش در معدن خاك سرخ مشغولند همه آنها فقیر و نحیف بدبختانه برخی معتاد بافیون و تریاك هستند نیز کودکان آنها غالباً بتراحم مبتلا میباشند و از لحاظ بهداشت اوضاع آنها رقت آورست در تابستان هواش بشدت گرم و غیر قابل تحمل میباشد اکثر مردم این جزیره در تابستان ببندر میناب میروند این جزیره دارای معادن نمك - گوگرد - خاك سرخ (كلك) آهن - ذاج میباشد اکنون چند سال است در يك قسمت معدن خاك سرخ مشغول استخراج هستند و از سایر معادن دیگر استفاده نشده است از بندر گاه تا معدن خاك سرخ در حدود ۲۱ کیلومتر مسافت است و در سال مقدار زیادی از خاك سرخ بخارج حمل میگردد که از صادرات عمده خلیج فارس بشمار

میرود در سالهای پیش امتیاز استخراج خاک سرخ بمرحوم معین التجار بوشهری
واگذار شده بود و بعداً در اختیار گمرک بندر عباس درآمد - بلندترین
کوههای هرمز ۲۳۰۰ پا ارتفاع دارد و معروف است درازمنه قدیم آتش
فشان بوده .

آثار قلعه پرتقالی ها موسوم بقلعه «مورنا» اکنون باقیمانده این قلعه
دارای دو حیات بزرگ و چند آب انبار که از ده ستون پنج متری از سنگ کوه
ساخته شده نیز چند زیرزمین و مخازن مخروبه در این قلعه وجود دارد .
شهر قدیم و حکومت نشین این جزیره چرون بوده و هرمز قدیم
نام قریه ای بود که در کرانه خلیج فارس واقع و فاصله زیادی با جزیره هرمز نداشت -
در قرن ۸ هجری این جزیره مرکز تجارت خاور و باختر بود و بنیاد شهر چرون را
باردشیر بابکان نسبت میدهند و در ازمنه قدیم بندر تجارتی استان کرمان
بوده و در حدود سیصد کشتی برای امور بازرگانی همه وقت در لنگرگاه
بندر چرون حاضر برای حمل و نقل بود .

در این جزیره غله - برنج - نیل بعمل میآمده و صادرات آنچامروارید
و ابریشم و کالاهای دیگر بود مورخین موقعیت و اهمیت هرمز را بعد از
ظهور اسلام مینویسند و توران شاه معروف بدرهم کوب در جزیره هرمز
حکومت داشته - در چند سال پیش در کرانه های بندر عباس سکه های طلا
پیدا شده که در یکطرف آن نام عادل شاه و در سمت دیگر اسم چرون نوشته
شده بود و رکن الدین محمد دوازدهمین امیر از سلسله توران شاه در
هرمز حکومت داشته و امرای هرمز تابع اتابکان فارس یا والیان
استان کرمان بودند .

در اوایل سلطنت سلجوقیان قادور برادر الب ارسلان که فرمانفرمای
کرمان بود جزیره هرمز را تصرف کرد - در زمان اتابک ابوبکر بن سعد

زندگی حکمران این جزیره شاه محمود مالیات را بوالی کرمان می پرداخت چون از دنیا رفت شاه نصرت فرزند او بحکومت هرمز برقرار شد. سپس بدست برادر خود رکن الدین مسعود کشته گردید و بهاء الدین ایاز که از غلامان نصرت بود بخوانخواهی آقای خود قیام کرده وقشون رکن الدین مسعود را شکست داد و هرمز را متصرف و مسعود بکرمان فرار کرده با کمک فرمان فرمای کرمان مجدداً بهرمز برگشت و بهاء الدین ایاز از شیخ الاسلام ابراهیم طیبی والی جزیره کیش طلب مساعدت نمود نامبرده رکن الدین مسعود را از هرمز خارج کرد و تا سال ۷۱۵ قمری ایاز حکمران آنجا بود و اولاد او تا سال ۹۱۳ قمری حکومت این جزیره بودند.

در زمان امیر بهاء الدین پانزدهمین حکمران این جزیره لشکریان مغول بهرمز حمله نمودند و دست بغارت و چپاول زدند امیر نامبرده و مردم هرمز از ترس شهر را ترك نموده و بجزیره کیش فرار کردند پس از چندی بجزیره هرمز برگشتند. در دوره امیر قطب الدین جزایر کیش و بحرین را نیز ضمیمه حکومت خود نمود «دورات باربوسا» سیاح پرتغالی که در سال ۱۵۱۸ میلادی بجزیره هرمز آمده مینویسد «هرمز شهر است قشنگ دارای خانه های بزرگ که از سنگ و سیمان ساخته شده و تجارت آنجا اکثر ایرانی و عرب هستند و با سرمایه کافی بداد و ستد مشغولند و کشتیهای زیادی باین جزیره آمد و رفت دارند و کالا از ممالك خارجه وارد میکنند و با پارچه های ابریشمی و قالی و مروارید و اسب های خوب معاوضه مینمایند» «الفونسو البوکرک» سردار پرتغالی پس از تصرف مسقط و سواحل عمان با کشتیهای حامل نفرات جنگی خود بجزیره هرمز حمله نمود و سیف الدین حکمران آنجا قوامی مرکب از سی هزار نفر بسرکردگی خواجه عطا که مردی دلیر و کار دیده بود برای دفاع جزیره مہیای جنگ

— ۱۷۷ —

گردید «البوكر» پيشنهاد تسليم جزيره هرمز و قبول تابعيت پادشاه پرتقال بحکمران هرمز نمود چون مذاکرات به نتيجه نرسيد جنگي شديد بين طرفين در گرفت که منجر بغلبه سردار پرتقالی گردید و سيفالدين پنجهزار زرافين بعنوان غرامت جنگ پرداخت و متعهد گردید که هر ساله پانزده هزار زرافين بعنوان ماليات بپردازد نیز مال التجاره پرتقالیها از پرداخت عوارض معاف باشد ضمناً سيفالدين متعهد شد که کشتیهای بازرگانی داخله و خارجه بدون اجازه سردار پرتقالی در خليج فارس حق معاملات و دادوستد نداشته باشند.

«البوكر» قلعه محكمی در محلی موسوم «بمورنا» در هرمز بنياد نمود و مقداری کالا وارد اين جزيره كرد پس از چندی شاه اسماعيل صفوی مطالبه ماليات از حکمران هرمز نمود امير سيفالدين مراتب را بسردار پرتقالی گزارش داد و كسب تكليف كرد «البوكر» جواب داد که هرمز را جنگ و غلبه تصرف کرده و متعلق بپادشاه پرتقال است و متذکر شد از شاه اسماعيل ترس و بیم نداشته باشید ضمناً مقداری گلوله توپ و باروت و چند قبضه تفنگ تحویل مأمور شاه اسماعيل نمود و گفت که اين اشیاء را در عوض ماليات بپادشاه ايران تقديم دارد و اضافه كرد همینکه قلعه هرمز باتمام رسيد بساير نقاط خليج فارس رفته و آنجا را بنام پادشاه پرتقال تصرف خواهم نمود - چون شاه اسماعيل سرگرم جنگ با عثمانیها در هرمز ايران بود در آن موقع نمیخواست با پرتقالیها در خليج فارس بز دو خورد مبادرت کند و کار بمسالمت و سازش با پرتقالیها انجام یافت.

بعد از «البوكر» يکنفر پرتقالی موسوم به «لوپوسوازر» در هرمز حکمرانی میکرد در سال ۱۰۴۰ قمری شاه عباس بزرگ پس از معاهده صلح با تركها بقصد تصرف هرمز با «جيمس» پادشاه انگليس قراردادی

منعقد نمود که متفقاً پرتقالیها را از جزیره هرمز خارج کنند بنابراین
ابتدا شاه عباس بندر عباس را تصرف کرد و آن بندر را برای دفاع از هرمز
مستحکم نمود.

لشکریان ایران بکمک اعراب ابتدا پرتقالیها را در رأس الخیمه و بعد
جزیره قشم سپس در هرمز بسر داری امام قلی خان بامساعدت کشتیهای
انگلیسیها محاصره کردند و پس از جنگهای سخت و خونین پرتقالیها را
شکست داده و آنجا را متصرف شدند و پرچم ایران بعد از چند سال بجای
پرچم پرتقالی بر فراز قلعه هرمز در اهتزاز درآمد و بموجب شرایط صلح
که بوسیله انگلیسیها برقرار شد اسرای پرتقالیها را بمسقط روانه نمودند
و دست مأمورین پرتقالی از جزیره هرمز و بنادر خلیج فارس کوتاه گردید.
بعد از تصرف هرمز شاه عباس بفکر تسخیر مسقط افتاد که دست پرتقالیها را
از این بندر نیز کوتاه کند ولی انگلیسیها باین امر موافقت نکردند همین
قضیه سبب اختلاف بین امام قلیخان و انگلیسیها گردید ولی سپاهیان ایران
سحار و خورفکن را در ساحل عمان تصرف کردند در آن هنگام سرکرده
پرتقالی موسوم به « روفریر » که از جمله اسیران و در حبس بود از زندان
فرار کرد و مجدداً بعضی از بنادر بین جاسک و بندر عباس را با عده از پرتقالیها
خراب و ویران نمود چون قوای آنها کافی نبود کاری از پیش نبردند.
شاه عباس میل نداشت که هرمز دوباره آباد شود و امر نمود که خانههای
آنجا را خراب کردند و سکنه هرمز متدرجاً به بندر عباس انتقال یافت
و در عوض بندر کامبرون را معمور و آباد ساخت.

جزیره هرمز بواسطه موقعیت نظامی و سوق الجیشی تالی بغاز دارانبل
است و همیشه مورد توجه بیگانگان بوده در سال ۱۳۰۶ قمری در دوره
ناصرالدین شاه مهندسین نظامی روسی بهرمز آمدند و تشنگی هرمز را
- ۱۲۹ -

بازدید نموده و پس از بازگشت خود بدولت متبوعه خود پیشنهاد کردند که چند انبار برای سوخت کشتیهای خود که درخلیج فارس رفت و آمد داشتند ساخته شودولی بصورت عمل درنیامد.

«لرد گرزن» در کتاب خود مینویسد «جزیره هرمز جز اینکه درمدخلخلیج فارس واقع شده و دوبردر مناسب از نقطه نظرسوقالجیشی دارد موقعیت تجارتی ندارد»

شهر قدیم هرمز در کرانه واقع بوده و بمغواستات مشهور بود وجزیره هرمز بمسافت ۱۸ کیلومتر روبروی آن بندر قرار داشته است.

جزیره خارک

طول این جزیره ۸ کیلومتر و عرض آن ۴ کیلومتر است مسافت بین خارک و بندربوشهر در حدود ۳۰ میل دریائی است. هوای اینجزیره معتدل و آب مشروب فراوان دارد و در قدیم دارای هفت رشته قنات بوده هرگاه این قنوات تنقیه شود بر محصول آنجا افزون میگردد. عده سکنه آنجا را در حدود ۲۵۰ نفر میگویند و مردمش اکثر دریا نورد یا بصید مروارید مشغولند. مروارید خارک آن قدر زیاد نیست که دارای اهمیت باشد. زراعت آنجا کمی گندم و جو و ذرت میباشد و مردم مواد غذایی خود را ازخارج تهیه میکنند. اطراف جزیره خارک را کوه احاطه نموده در آنجا دخمه‌هایی وجود دارد که در بعضی بخت میخی نوشته شده است در چند سال پیش پروفیسور «مکسی مولن» مشتشرق آلمانی این دخمه‌ها را بازدید نموده و خطوط میخی را با کاغذ مخصوص عکس برداری نموده او معتقد بود که در هفتصد سال قبل عیسویانی در خارک اقامت داشتند و چند صلیب در آنجا یافته بود این دخمه ها قبور زردشتیان بوده که در خارک سکنی داشتند. آثار قلعه هاندیا که در خارک ساخته اند هنوز باقیمانده ولی سنگ‌های

آنرا شرکت نفت انگلیس و ایران برای عمارات و ساختمانهای خود به آبادان برده است - در سال ۱۷۵۳ میلادی «بارن نیفوزن» مدیر تجارتخانه هلندی باین جزیره آمد و قلعه‌ئی برای سکونت خود بنا کرد و چندی در آنجا مشغول امور بازرگانی بود پس از استقرار هلندی‌ها در خارك مناقشه و کشمکش بین آنها و میرمهنای پیدا شد او مدعی بود که هلندیها میبایست مبلغی بابت عوارض کالا و حق سکونت خود در خارگ بپردازند و این مناقشه تا مدتی ادامه داشت .

جد اعلائی میر مهنای در سال ۱۰۵۰ هجری قمری باقیبیله خود به امر و اجازه شاه صفی بفلاحیه آمده و چندی حکمران آن ناحیه بود .
 پیش از آنکه کریم خان زند بعراق عرب حرکت کند میرمهنایا گرفتار وزندانی نمود ولی بشفاعت میرزا محمد بیك خرموجی دشتستانی که در جنگهای ناحیه خشت خدماتی کرده بود مستخلص شد و مجدداً ضابط بندر ریگ گردید در غیبت کریم خان زند باز بنای تاخت و تاز و آزار مردم را گذارد صادق خان بیکاریگی فارس امیر گونه خان افشار را به تنبیه او مأمور نمود میرمهنای با کسان خود از بندر ریگ به جزیره خارگو فرار کرد و خیال تصرف جزیره خارک را داشت هلندیها از شیخ سعدان بوشهری استمداد خواستند و او با تفنگچیانی چریك بخارك آمدند و در جزیره خارگو جنگی شدید بین طرفین در گرفت و شیخ سعدان و هلندیها شکست خوردند میرمهنای بیدرنك بخارك حمله نمود و قلعه هلندیها را تصرف کرد و رئیس آنها را اسیر و مهمات و کالای هلندیها را بغارت برد - کریم خان زند زکیخان را مأمور تدمیر و سرکوبی میرمهنای نمود و او ابتدا به بندر ریگ آمد سپس با کشتی و توپهای بزرگ بخارك هجوم آورد .

میرمهنای مردی بود شجاع و در عین حال سفاک و شریر و مدتی راه

بین بوشهر و شیراز دستخوش غارت و چپاول او واقع شده بود و نیز از دزدان دریایی مشهور در خلیج فارس بشمار میرفت در میان رؤسای کرانه جنوب ایران فقط میرمهنایاغی و سرکش بود و چند موقع بکشتیهای انگلیسی حمله نمود و غنائم زیادی بدست آورد و قلعه هلندیها را در خارك باجنگ و غلبه تصرف کرده اموال آنها قبضه و خود هلندیها را از خارك روانه بتاویا نمود و از اذیت و آزار نسبت بمردم کرانه خلیج فارس خودداری نداشت پس از اخراج هلندیها لشکریان کریم خان زند بخارك حمله نمودند میرمهنایا مقابله سخت نمود و چون برج و باروهای قلعه را با توپهاییکه از هلندیها گرفته مجهز نموده بود سپاه کریم خان نتوانستند پیشرفتی کنند بنابراین امیرگونه خان افشار مأمور سرکوبی میرمهنایا گردید باكم شيخ سعدان بوشهری و زکی خان زند باتوپخانه و مهمات کافی مجدداً بخارگ حمله کردند و پس از چندروز محاصره بعضی از همراهان میرمهنایا نیز براو شوریدند. چون او اوضاع را سخت دید هنگام شب اشیاء قیمتی خود را همراه برداشته بکویت و از آنجا به بصره فرار کرد حکمران بصره او را دستگیر و بقتل رسانید.

چون حسن سلطان پسر عموی میرمهنایا در شکست و فرار میرمهنایا حسن خدمت انجام داده بود زکیخان سرکرده سپاه خدمات او را بعرض کریم خان زند رسانید و فرمان ضابطی بندرریک و جزیره خارگ برای حسن سلطان صادر شد و آنچه اموال میرمهنایا و هلندیها در خارگ باقیمانده بود به نامبرده داده شد.

در سال ۱۸۴۲ میلادی خارگ بتصرف انگلیسیها درآمد و این قضیه در موقعی اتفاق که محمدشاه قاجار در هرات مشغول جنگ بود و پس از هتار که جنگ انگلیسیها خارگ را تخلیه کردند در سال ۱۸۵۷ میلادی

که ناصرالدین شاه هرات را محاصره نمود بار دیگر انگلیسیها خارگ را تصرف نمودند در این بار افسران نظامی انگلیس بلندن پیشنهاد کردند که جزیره خارگ را مرکز سیاسی و نظامی انگلیس در خلیج فارس قرار دهند ولی اولیاء دولت انگلیس این پیشنهاد را قبول ننمودند «سرجمیس اوترام» انگلیسی سرکرده قشون مینویسند :

«جزیره خارگ برای اقامت نماینده سیاسی انگلیس مقیم خلیج فارس محل خوب و مناسبی است هرگاه نماینده ما در خارگ باشد دیگر مجبور نخواهد بود اوقات خود را صرف مداخله در امور اتباع ایران بنماید (مقصود سرکنسول دولت انگلیس در بندر بوشهر است) برای این امر لازم نیست خارگ را از حاکمیت ایران منتزع ساخته و جزء متصرفات انگلیس قرار دهیم».

در خارگ مقبره از سنك تراش بنا گردیده و مشهور است كه محمد حنفیه فرزند حضرت علی (ع) در آنجا مدفون است و لوحه کاشی بنظر رسید كه بر آن نوشته شده هذالمشهد امیر المؤمنین محمد ابن امیر المؤمنین علی کتیبه حسین النجاری فی سنه اربعین و سبع مائه. جزیره خارگ تابع بخشدار بندر ریگ است و سکنه آنجا مالیات حاصله از صید مروارید بضابط بندر ریگ میدهند و کمی مروارید كه بدست می آید به بندر کویت برده بمصرف فروش میرسد در چند سال پیش دولت ایران در صدد برآمد كه بازجویی در عمل صید مروارید در جزیره خارگ نماید ولی نتیجه بدست نیامد. مسافت بین خارك تا دهانه شط العرب ۱۱۰ میل دریائی است و در آنجا فانوسهای دریائی برای راهنمایی کشتیها نصب شده كه شبها از فاصله زیادی نمایان است.

جزیره خارگو در ۲ کیلومتری خارگ واقع شده و غیر مسکون است در آنجا لاک پشته‌های بزرگ دریائی وجود دارد و سیاحت خارجیه و برخی اهالی کرانه خلیج فارس برای صید و شکار این حیوان بخارگو میروند طول این جزیره ۴ کیلومتر و عرض آن کمتر از یک کیلومتر است دارای چند چاه آب مشروب گوارا و چند درخت کهن سال است و هوای آنجا بسیار لطیف و منظره باصفائی دارد.

جزیره شیخ شعیب

طول این جزیره ۱۲ کیلومتر و عرض آن ۵ کیلومتر است و ۸۰۰ نفر دریائی تا بندر لنگه مسافت دارد عده سکنه این جزیره را در حدود ۸۰۰ نفر میگویند و مردمش اکثر ماهی گیر هستند. در سالهای پیش دارای چند کشتی برای صید مروارید بودند این جزیره نزدیک بندر مقام از توابع بنادر شیپکوه است و ضابط آنجا از مشایخ آل حماد میباشد - در پیش یکی از مراکز معاملات مروارید بوده و اکنون مردم آنجا فقیر و مستمند و بعضی از شدت پریشانی به بنادر عمان مهاجرت کرده اند - در این جزیره کمی نخاستان وجود دارد و آب مشروب اهالی از چاه است - این جزیره دارای سه دهستان میباشد و مواد غذائی آنها از خارج تهیه میگردد.

جزیره فرور

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن در حدود ۵ کیلومتر و نزدیک بندر مغو واقع شده و تا بندر لنگه ۲۵ میل دریائی مسافت دارد. عده سکنه این جزیره را در حدود ۶۰ نفر میگویند و چند کشتی برای صید مروارید داشته و در مجلی موسوم به نجوا صید مروارید میکردند ضابط آنجا از قبیله آل مرزوق است و ارتباط مردمش بالنکه و بنادر عمان است آذوقه و خواربار آنها از خارج تهیه میگردد. آب مشروب آنجا از چاه است.

جزیره سری

طول این جزیره ۷ کیلومتر و عرض آن $\frac{1}{4}$ کیلومتر است و تا بندر لنکه ۷۰ کیلومتر مسافت دارد. جمعیت آنجا را در حدود ۳۰۰ نفر میگویند و دارای بیست کشتی برای ماهیگیری و صید مروارید میباشد اکثر مردمش از شدت فقر بطرف بنادر عمان مهاجرت کرده اند - آب مشروب آنجا از چاه میباشد در این جزیره گمرک خانه تأسیس شده ولی عایداتی ندارد.

جزیره لارک

طول این جزیره ۱۱ کیلومتر و عرض آن ۷ کیلومتر است این جزیره از صخره های آتش فشانی تشکیل شده و تا بندرعباس در حدود ۱۸ میل دریائی است و تا رأس الجبال که محل صید مروارید است ۲۸ میل دریائی مسافت دارد عده سکنه آنجا را در حدود ۲۵۰ نفر میگویند که از قبيله شوهیان میباشد و اکثر آنها دریا نوردند - در این جزیره معادن خاك سرخ و گودرز (بنت الذهب) وجود دارد که تاکنون مورد استفاده واقع نشده است .

جزیره هندرابی

طول این جزیره ۹ کیلومتر و عرض آن ۴ کیلومتر است و تا بندر لنکه ۲۰ میل دریائی مسافت دارد. در نزدیکی بندر چیرو که از توابع شیگونه است واقع شده عده سکنه آنجا در حدود ۲۶۰ نفر میگویند و اکثر مردمش ماهیگیرند ضابط این جزیره یکی از مشایخ عبدلی است ارتباط این جزیره با بنادر عمان است و آب مشروب آنجا از چاه است -

جزیره تونب (نابیو)

این جزیره در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر لنکه واقع شده عده سکنه آنجا در حدود ۲۰۰ نفر میگویند و دارای چند کشتی برای

ماهیگیری و صید مروارید هستند در این جزیره يك فانوس دریائی از طرف انگلیس ها برای راهنمایی کشتی ها نصب گردیده و ارتباط مردمش با بندر لنکه و بنادر عمان است و ضابط آنجا شیخ راشد حکمران بندر رأس الخیمه میباشد. این جزیره در نتیجه عدم توجه اولیاء ایران در تصرف مشایخ سواحل عمان در آمده است.

جزیره نمب مارو

این جزیره نزدیک تونس واقع شده و خالی از سکنه میباشد در آنجا مارهای زیاد وجود دارد و کسی نمیتواند در آنجا سکنی کند دارای چند چاه آب شیرین است.

جزیره شتور نزدیک شیخ شعیب واقع شده و جزایر تهماد و شیخ کرامه - گرم از توابع ناحیه دشتی و بدون سکنه میباشد و مردمش بواسطه قحطی و مجاعه چند سست از آنجا مهاجرت کرده اند جزیره دیره و جزیره بنه نیز بین بنادر معشور و هندیخان واقع شده و بدون سکنه میباشد در این دو جزیره مار و موش زیاد وجود دارد.

جزیره بن موسی

طول این جزیره ۵۰ و عرض آن $4\frac{1}{4}$ کیلومتر این جزیره بین بندر لنکه و بندر دویی و شارجه واقع شده و تا بندر لنکه در حدود ۴۲ میل دریائی مسافت دارد. در سالهای پیش که مشایخ جواسم که حکمران لنکه بودند با رضایت و موافقت آنها این جزیره مرتع و چراگاه مواسی و چارپایان شیوخ بنادر دویی و شارجه بود و پس از شکست و فرار شیخ محمد حکامی که از طرف فرمانداران بوشهر ببندر لنکه میآمدند رفت و آمدی در این جزیره نداشتند در نتیجه عدم توجه آنها شیخ بندر شارجه این جزیره را تصاحب نمود از طرف دولت ایران مرحوم ملك التجار بوشهری

مأمور مذاکره و نصب بیرق ایران در این جزیره گردید ولی دسیسه دولت استعمار طلب که سالهاست در خلیج فارس نفوذ پیدا کرده مانع این عمل شد در زمان مسیو « سیمون » بلژیکی رئیس کل گمرکات ایران او مأمور شد که در جزیره بن موسی نصب بیرق و تأسیس گمرک نماید مجدداً دولت بیگانه مانع گردید.

در این جزیره معدن خاک سرخ وجود دارد در چند سال پیش ضابط آنجا قراردادی با حسن بن سمیه که یکی از بازرگانان بندر لنگه بود برای استخراج خاک سرخ منعقد نمود و او کارگران و مأمورینی وارد این جزیره نمود.

ضمناً برای حمل خاک سرخ با نماینده کشتی رانی آلمانی وارد مذاکره گردید ولی انگلیسیها استخراج خاک سرخ این جزیره را بیک شرکت انگلیسی واگذار کردند و شرکت مزبور چندی مشغول استخراج خاک سرخ بود که بعداً متوقف شد - عده سکنه آنجا را در حدود ۳۰۰ نفر می گویند و دارای بیست کشتی برای صید مروارید میباشند.

خور موسی

خور موسی يك دهانه دریائی است و تا بندر معشور بداخله خشکی کشیده شده و این دهانه بمسافت ۳۷ کیلومتر در خاور مصب رودخانه بهمن شیر واقع شده و بندر شاهپور بمسافت ۹۲ کیلومتر در داخله دهانه این خور قرار گرفته در کرانه این خور زمین پست و باتلاقی تشکیل یافته است و چون ۷۰ کیلومتر از خور رو بشمال رود کرانه و خشکی تنگتر شده و پنهای خور تا بندر شاهپور در حدود ۳ کیلومتر میگردد و در وسط خور موسی جزیره کوچکی موسوم بقبر ناخدا واقع شده است و عمق آنجا در نزد يك ساحل از ۲۵ متر و در بعضی نقاط از سی متر تجاوز میکند.

در بندر شاهپور اسکله‌ای بطول ۴۱۲ متر ساخته شده و کشتی‌های اوقیانوس پیما می‌توانند در آنجا لنگر اندازند در این بندر چند عمارت و انبار و مخازن بزرگ و کوچک برای کالا ساخته شده و فانوسهای دریایی برای راهنمایی کشتیها در اطراف دهانه خور موسی نصب گردیده است - مسافت بین بندر شاهپور و اهواز در حدود ۱۱۰ کیلومتر است .

در این بندر که ایستگاه راه آهن سرتاسر ایران است سد بندی شده و از نفوذ آب دریا جلوگیری گردیده است و در سایر قسمت های این خور هنگام بالا آمدن آب دریا تا ۱۴ کیلومتر زمین پوشیده میشود و از دو طرف خط آهن بین بندر شاهپور و اهواز تا ایستگاه سربند از میان باتلاق میگذرد. خور موسی در منتهی الیه خلیج فارس واقع شده و مسافت بین این خور تا مصب شط العرب در حدود ۸۰ کیلومتر است. طول خلیج فارس از بندر گواتر تا رودخانه بهمن شیر و بندر فلاحیه در حدود ۱۷۵۰ کیلو متر و عرض آن از بندر بوشهر تا بندر قطیف و لحسا در ساحل عربستان در حدود ۳۵۰ کیلومتر است و در نقاط دیگر عرض آن زیاد تر میشود - بندر فلاحیه (دورق) تابع استان خوزستان است و محصول آنجا اکثر کشت برنج میباشد و تا بندر معشور در حدود ۶۶ کیلومتر است . سکنه آنجا از قبیله بنی کعب میباشد در سال ۱۱۷۰ قمری شیخ سلمان رئیس آنها با عده‌ای از طایفه بنی کعب از خاک عراق به ایران مهاجرت نموده و شیخ خزعل حکمران پیشین خرمشهر نیز از اعقاب همین طایفه بوده است . بنادر تابع استان خوزستان عبارتند از فلاحیه - هندیجان - معشور . در سال های پیش سد و بند هایی از رودخانه های زیدون و جراحی در اطراف این ناحیه ساخته شده بود که زراعت آنجا را مشروب مینمود اکنون آن سد ها شکسته شده و ازین رفته است هرگاه این بندها تعمیر شود محصول

برنج و غله آن ناحیه افزون میگردد.

اهواز

از بوشهر با کشتی سریع السیر بعزم آبادان حرکت نمودم مسافت بین بوشهر و آبادان ۱۴۰ میل دریائی است و کشتی با ساعتی ۱۳ میل در میان امواج خروشان همچون کوه آهنین در شنا بود نسیم شمالی امواج نیل فام دریا را بحرکت درمیآورد و کف های سفید خود را نمایش میداد ناخدای کشتی با مهارت سکانرا میچرخانید و مأمور بی سیم با جدیت مشغول مخابرات تلگرافی بود و ملوانان کشتی هریک مشغول کار بودند آنجا بیاد آیه (ولقد کرمانا بنی آدم و حملناهم فی البر والبحر) افتادم که جوهر ذاتی انسانی و کمال حقیقت بشری را ظاهر میسازد تاریکی شب اطراف را فرا گرفته بود نصف شب نورافکن های مصب شط العرب کشتی را بطرف بندر فاو راهنمایی مینمودند و فانوس های دریائی در کرانه رودخانه نور خود را جلوه گر میساخت چهار ساعت از نصف شب گذشته کشتی در آبادان لشکر انداخت چراغ های برق با الوان مختلف مناظر دایکشی داشت و صدای نفیر کارخانه های تولید برق هیجانی بوجود میآورد پس از ورود بآبادان صبح پیش از طلوع آفتاب بطرف اهواز حرکت نمودم و از پل متحرک رودخانه بهمن شیر عبور کرده وارد قریه مارد شدم در این محل ۱۲ لوله نفتی که از نقاط مختلف میآمد تمرکز یافته و از رودخانه بهمن شیر گذشته برای تصفیه وارد پالاشگاه آبادان میگردد مسافت بین آبادان و اهواز در حدود ۱۴۵ کیلومتر است. راه شوسه احداث نشده و دارای پست و بلندی زیاد است گرچه این راه مورد استفاده شرکت نفت انگلیس و ایران میباشد هیچگونه اهمیتی در تسطیح و شوسه نمودن آن بعمل نیامده است زمین های لم یزرع و خشک در راه مآواقع شده و هوا بشدت

گرم است گومی طبیعت قهر و خشم خود را در اینجا نمایان کرده است .
دهستانی که مسیر راه ما واقع است عبارت از مارد - دارخوین - کوت
عبدالله که در آنجا دستگاه تجدید فشار و جریان نفت احداث شده و رشته
های لوله نفتی از مسجد سلیمان بآبادان کشیده شده است .

اهواز یکی از شهرهای قدیم و مرکز مهم استان خوزستان بوده
و انبار و مخازن زیادی برای کالا و مال التجاره احداث شده و در روابط بازرگانی
با کشورهای آسیا مقامی خاص دارا بوده و محصول غله و نیشکر خوزستان
از صادرات عمده آنجا بشمار میرفت « نیارکوس » دریا سالار اسکندریه
رومی و سایر سیاحان عرب و اروپائی در سالهای پیش باهواز آمده و کتب
و مجله هائی راجع باین شهر نوشته اند هنگامی که شاپوراول « والرین »
امپراطور روم و سایر اسرای رومی از جمله « بزانش » مهندس رومی را
بایران آورد آنها را بساختن سد کارون وادار نمود و هفت سد اهواز موسوم
به شادروان که آب رودخانه را برای آبیاری بالا میآورد و در اطراف
سد سه قنات بدریچه های مخصوصی احداث کرده بود که در موقع طغیان
آب آن دریچه ها را باز میکردند بدین وسیله شهر از خطر خرابی سیل
محفوظ بوده و نیز برای جمع آوری آب جهت آبیاری کشت و زراعت
بکار میرفت .

این استان یکی از پر حاصل ترین نقاط ایران بود مخصوصاً بهترین
نیشکر در آنجا بعمل می آمده اکنون آثار چهار سد آن هنوز باقیمانده
است . شاه شجاع معاصر خواجه حافظ استان خوزستان را جزء قلمرو
حکومت خود نمود ولی طولی نکشید که لشکریان امیر تیمور آنجا
را تسخیر نمودند در زمان شاه اسمعیل صفوی بعد از تصرف بغداد متوجه
خوزستان شده و اهواز را متصرف گردید و پس از ضعف صفویه افغانها

بر آنجا استیلا یافتند ولی نادرشاه افغانها را از آن استان رانده و فرماندار آنجا را بقتل رسانید - در دوره فتحعلی شاه فرزندش محمدعلی میرزا که والی کرمانشاه بود خوزستان را نیز ضمیمه حکومت خویش نمود و بند میزان شوشتر را تعمیر و مرمت کرد.

از سال ۱۸۸۰ میلادی بعد رودخانه کارون و اهواز مورد توجه انگلیس ها گردید و اهمیت آنجا در ارتباط راه ساحلی و حمل کالا بداخله ایران بر آنها معلوم و مشهود شد و در سال ۱۸۸۸ میلادی ناصرالدین شاه اجازه کشتی رانی رود کارون را طبق فرمان مخصوصی به شرکت «برادران لنچ» صادر نمود «لرد گرز» در کتاب موسوم «بمسئله ایران» مینویسد وضعیت سیاسی و اقتصادی کارون و اهواز از لحاظ ارتباط با شهرهای مرکزی و استفاده از آن شهر در توسعه تجارت با هندوستان نهایت لازم و قابل ملاحظه میباشد «ژنرال سایکس» در کتاب هشت سال در ایران» مینویسد «در مأموریت خودم بخوزستان بمقامات مربوطه و وزیر مختار انگلیس در ایران پیشنهاد نمودم که بجای نایب کنسولی در خرم شهر کنسول مستقلی برای خوزستان و لرستان که مرکز او در اهواز باشد مقرر نمایند و اهواز را از این نقطه نظر انتخاب نمودم که محل تقاطع راههای مختلف بداخله کشور میباشد و میبایست کنسول مادر افتتاح راههای بختیاری و لرستان مساعی لازم بکاربرد.»

شهر اهواز بدو منطقه تقسیم شده اهواز قدیم که نزدیک تپه های بیرون شهر واقع شده و در آنجا عده از اعراب بومی با خانه های محقر گلی سکنی دارند و با نهایت فقر و بیچارگی امرار معاش مینمایند در حوالی اهواز قدیم در زیر خرابه و آواره ها ظروف سفالی و اشیاء بهادر یافت می شود و احداث اهواز جدید (ناصری) از همت و مساعی مرحوم

معین‌التجار بوشهری و حسینقلی خان نظام‌السلطنه در عهد ناصرالدین‌شاه میباشد میگویند در آن زمان هر قطعه زمین برای ساختمان در مقابل يك کیسه قند خریداری میگردد ولی اکنون هر ذرع زمین از سی تا پنجاه تومان خرید و فروش میشود.

در اهواز جدید خانه‌های بزرگ دارای يك یا دو آشکوبه ساخته شده و باغهای عمومی در کنار رود کارون منظره باصفائی دارد. چند خیابان اسفالت شده بدون درخت در آنجا احداث گردیده و کوچه‌های وسیع این شهر که در دو طرف آنها جوی‌های پر از آب کثیف و عفن که در فصل تابستان پر از گرد و خاک و در زمستان از زیادی لای و لجن رفت و آمد با کمال صعوبت انجام میگردد وجود دارد.

جمعیت اهواز را در حدود ۵۰،۰۰۰ نفر میگویند و اکثر مردمش از اهالی شوشتر و دزفول و سایر شهرهای دیگر میباشند. عده زیادی از مردم آنجا بیکار و در کار خود حیران و سرگردانند و بازرگانان و حق‌العمل‌کاران سرگرم کسب و کارند و مقاطعه‌کاران ارزاق عمومی را از جمله غله - برنج و روغن بنام شرکت نفت انگلیس و ایران خریداری میکنند بهمین جهت سطح زندگانی مردم آنجا بالا رفته و خواربار گران میباشد. شرکتهای خشکبار - ریسندگی - برق - دخانیات - تجارتی - کمیسون خواربار و انجمن تعدیل نرخ بوسیله چند نفر اشخاص بانفوذ و نفع‌پرست اداره میشود کارخانه‌های ریسندگی - برق و یخ - آبیاری - صابون‌پزی - روغن‌گیری - و چند دستگاه آرد و گندم پاك‌کنی در این شهر وجود دارد و باغها و مزارع بوسیله چند دستگاه کوچک آبیاری میشود. چون سطح رودخانه از زمین چند متر پایین‌تر واقع شده دستگاه آبیاری زیادتری لازم است که مزارع آنجا را بعد کافی آبیاری کند - اهواز از احاطه بهداشت بسیار عقب مانده است.

در آنجا يك بیمارستان بنام شاهپور وجود دارد که تکافوی بیماران فقیر را نمیدهد و اکثر مریضهای مستمند بدون دوا و غذا در کوچه‌ها بسر میبرند و جان خود را فدای هوی و هوس متصدیان بیمارستان مینمایند. اخیراً در این شهر بنگاهی بنام خیریه عمومی تأسیس شده و از مردم آنجا مبالغی بعنوان خیریه گرفته میشود ولی عده کمی از فقرار را در آنجا جاداده و بیشتر گدایان و مستمندان در کوچه‌ها سربار نامالایمتهای این شهر میباشند. اعراب بادیه نشین اطراف اهواز از مأمورین دولت خاصه از نفرات زاندارمری که حافظ جان و مال مردم باید باشند در عذاب و آزارند و مردم از ادارات دولتی و مقامات مسئول شکایت دارند.

کالا و مال التجاره بازرگانان در گمرک مانده و وسیله حمل آنها بداخله نیست و مأمورین راه آهن در مقابل اخاذی قسمتی از مال التجاره را حمل میکنند و حمل و نقل کالا در اهواز نامنظم است - آب مشروب این شهر بوسیله لوله بخانه‌ها میرسد ولی آب گل آلود و تصفیه نشده است. در آنطرف رودخانه ساختمانهای مجملی از جمله بناهای بانک ملی ایران و سربازخانه و ایستگاه راه آهن و چند ساختمان دیگر نباشد. بای که بطرف بندر شاهپور احداث شده دارای ۵۱ چشمه است که هر يك بوسعت سه متر و روی سد قدیم اهواز قرار دارد و هر روز يك قطار برای حمل کالا به بندر شاهپور رفت و آمد دارد و پل فلزی دیگر که نیم پایه و بی پایه از بتون ساخته شده و روی پایه‌ها و تیرهای آهنی مانند نرده گذارده شده و تیرهای مزبور تا بلندترین سطح آب در بتون بکار رفته و در دو طرف آن راه پیاده روی از چوب و تیر آهن نیز ساخته شده است این پل از شاهکارهای صنعت معماری امروزه میباشد و طول آن ۱۱۰۰ متر است در اهواز و بندر شاهپور چند ساختمانهای بزرگ و کوچک بنا گردیده

- ۱۹۳ -

که اکنون مأمورین راه آهن در آنها سکونت دارند .

راه آهن ایران

اگرچه راه آهن سراسری ایران از بندر شاهپور کوتاه ترین راه بمرکز و شمال ایران است ولی خط سیر آن ناهموار و اکثر در مسیر جبال صعب العبور و دره های عمیق واقع شده - راه آهن شمال از بندر شاه در بحر خزر شروع شده پس از گذشتن از جلگه های سبز و با صفای مازندران و عبور از شهرهای ساری و شاهی وارد دره تنك تالار واقع در رشته کوههای البرز میگردد و گردنه مرتفع فیروز کوه را بوسیله تونل ها گذشته و پس از عبور از چند سلسله کوه داخل کویر و جلگه مسطح و رامین میشود سپس از جلگه های قزو اراك گذشته از دورود (رود بحرین سابق) مجدداً وارد نواحی کوهستانی و تنگهای آبدیز میگردد در این محل کوهستانی متجاوز از یکصد کیلومتر از میان تونل های طولانی و پلهای متعدد عبور کرده نزدیک اندیمشك (صالح آباد) دوباره وارد جلگه مسطح خوزستان میشود و از اهواز گذشته ببندر شاهپور میرسد .

طول خط آهن سراسر ایران از بندر شاه تا بندر شاهپور بالغ بر ۱۳۹۴ کیلومتر میباشد و در تمام مسیر راه آهن ۲۲۴ تونل بزرگ و کوچک ساخته شده که ۸۰ تونل آن در خط شمال یعنی از شاهی تا تهران و ۱۴۴ تونل دیگر در راه جنوب واقع شده و طولانی ترین تونل معروف کدوك در شمال است که زیاده از دو کیلومتر و نیم طول آن میباشد و نیز پل تنك آبدیز در جنوب است و ۴۷ پل سنگی و ۲۰ پل آهنی در مسیر راه آهن ساخته شده که بزرگترین آنها یکی روی دره ورسك نزدیک عباس - آباد در شمال و دیگر پل کارون در جنوب است - راه آهن ایران دارای نود ایستگاه بزرگ و کوچک است که ۳۱ ایستگاه آن از بندر شاه تا تهران

و ۵۹ ایستگاه دیگر از تهران تا بندر شاهپور واقع شده.

راه آهن ایران از لحاظ تنوع مناظر طبیعی و از حیث اشکالات فنی یکی از مشکل ترین راه آهنها و با بهترین خط آهن جهان رقابت میکند و از مناطق و نواحی گوناگون و از مناظر طبیعی و زیبا عبور مینماید. احداث خط آهن از سال ۱۳۰۶ خورشیدی از طرف شمال و جنوب شروع گردید و هزینه هر کیلومتر در حدود پنج هزار لیره بوده و مخارج کل ساختمان راه آهن بالغ بر سی میلیون لیره شده که از عواید انحصار قند و شکر و جای برداشت شده است.

راه آهن ایران از سالیهای متمادی مورد نظر خودی و بیگانه بوده و اولین کسی که از رجال ایران بفکر احداث راه آهن افتاد یکی مرحوم صنیع الدوله بود که مجله موسوم براه نجات راجع بفواید راه آهن و محسنات آن انتشار داد و دیگر ناصر الملک قره گوزلو نایب السلطنه میباشد.

پیش از مسافرت ناصرالدین شاه بفرنگ نمایندگان و متخصصین راه آهن از اروپا بایران آمده و بوسایل عدیده کوشش در گرفتن امتیاز آن میکردند در سال ۱۸۷۳ میلادی دولت انگلیس در نظر گرفت که یک رشته خط آهن از یکی از بنادر دریای مدیترانه شروع کرده و از وادی فرات و دجله آنرا عبور داده از طریق بنادر جنوب ایران و کرانه مکران ببندر کراچی و مرزهای هندوستان اتصال دهد برای انجام این منظور کمیسیوننی در لندن از متخصصین این فن تشکیل گردید «بارون جولایوس» انگلیسی که بعداً امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را در ایران بدست آورد امتیاز راه آهن بمدت هفتاد سال در زمان صدارت مرحوم میرزا حسین خان سپه سالار تحصیل نمود چون منظور عمده این امتیاز تهدید روس ها بود همینکه آنها در مقابل تقاضای انگلیسیها تعهد نمودند که دیگر در افغانستان

دخالت نکنند و بمانور سیاسی خود خاتمه دهند بنابراین امتیاز راه آهن مزبور لغو و باطل گردید - در سال ۱۸۷۴ میلادی یکی از مهندسين عالیرتبه روس « بارون فلکنهاین » بتهران آمد و میخواست امتیاز راه آهن را از سرحد جلفا تا تبریز بدست آورد چون معلوم شد که این امتیاز را برای دولت روسیه میخواهد و منظور اینست که خط آهن تبریز تهدیدی بر علیه دولت ترکیه در مرزهای آنکشور باشد این امتیاز عملی نگردید - در سال ۱۸۷۸ میلادی « الیون » نامی بنمایندگی شرکت فرانسوی امتیاز راه آهن از رشت بتهران را تحصیل نمود که بمرحله عمل نرسید بعداً یک نفر مهندس اطریشی « هرفون شیرر » داوطلب همین امتیاز شد ولی دولت ایران قبول ننمود برای سرمایه که در این کار مصرف میشد صدی هفت تنزیل پردازد لذا این امتیاز بجائی نرسید - سپس مأمورین رسمی انگلیس در تهران اصرار داشتند که امتیاز کشیدن راه آهن اهواز تا تهران را بدست آورند ولی بواسطه ضدیت روسها کوشش آنها عقیم ماند .

در سال ۱۸۸۲ میلادی « بواتال » بلژیکی امتیاز راه آهن از رشت بتهران را بدست آورد و میخواست که خط آهن مزبور را تابو شهر یابندر عباس امتداد دهد نیز امتیاز کشف معادن بین راه تا شعاع ده کیلومتر باو واگذار شد نامبرده پانصد هزار فرانک بعنوان ودیعه در بانک پاریس گذاشت ولی بواسطه مخالفت دول ذینفع این موضوع از بین رفت و بعداً « بواتال » اجازه کشیدن خط آهن از تهران بحضرت عبدالعظیم را تحصیل نمود سپس این امتیاز را بیک شرکت بلژیکی فروخت و کمپانی مزبور با سرمایه دو میلیون فرانک شروع بکار کرد در این بین روسها با شرکت نامبرده سازش کرده و با دادن اعتبار لازم بنام آن شرکت از دولت ایران اجازه گرفتند که تا مسافت ۳۰ کیلومتر دیگر خط آهن را بجنوب تهران امتداد دهد

که بالاخره عملی نشد.

در سال ۱۸۸۹ میلادی «پالشلوسکی» روسی که متخصص فنی راه آهن قفقاز بود درصدد گرفتن امتیاز راه آهن از غازیان تارشت برآمد و در سال ۱۸۹۰ میلادی دو نفر دیگر از اتباع روسیه بنام «نویچ» و «بیالیاکوف» بدولت ایران پیشنهاد امتیاز راه آهن از جلفای ارس تا تهرات و از آنجا بطرف یکی از بنادر جنوب در خلیج فارس را دادند ولی مذاکرات آنها بجائی نرسید بعداً آنها موفق بگرفتن امتیاز تأسیس بانک استقراضی روس گردیدند. در موقعیکه انگلیسیها در زمان ناصرالدین شاه اجازه کشتی رانی در رودخانه کارون و ساختن راه آهن خوزستان را بدست آوردند دولت روسیه جداً مخالفت نمود و دولت ایران مجبور شد رسماً تعهد نماید تا مدت پنج سال امتیاز راه آهن را بهیچ دولت دیگری ندهد بعداً این مدت تا ده سال دیگر تمدید یافت سپس در دوره مظفرالدین شاه مجدداً بر مدت این قرار داد افزوده گردید و سفیر دولت روس اصرار نمود که شاه قرار داد دیگری امضا نماید و متعهد گردد که بدون رضایت و موافقت دولت روس اجازه ساختن خط آهن در ایران بهیچ شرکت یاسندیکای خارجه ندهد و در قرارداد تصریح شده بود که هرگاه امتیازی از طرف شاه بدول بیگانه داده شود دولت روسیه خود را مقید بحفظ تمامیت و استقلال ایران نخواهد دانست.

«ونتیسن» وزیر مختار دولت آمریکا و بعد «مارگان شوستر» آمریکائی خزانه دار نیز نقشه راه آهن ایران را طرح نموده و در نظر داشتند که با کمک سرمایه داران و سندیکاهای آمریکائی اینکار را عملی کنند ولی بسبب توقف کوتاه او در ایران این قضیه از بین رفت - «لرد کرزن» معروف در کتاب خود مینویسد «تصور میکنم بعدها راه آهن ایران از کوههای

بلند و دره های عمیق از فلات ایران گذشته و دریای خزر را بخلیج فارس متصل سازد ».

یکی از رجال سیاسی انگلیس میگوید اینکه موضوع راه آهن ایران در این مدت ب نتیجه قطعی نرسید تقصیر طبیعت نیست که مواععی ایجاد نموده باشد بلکه مانع عمده آن حرص و آز دول ذی نفع است که محرك و مانع اصلی بوده و تاکنون از نقطه نظر رقابت سیاسی نگذاشتند راه آهن در ایران احداث گردد و حل این مسئله تا امروز مربوط باشکالات فنی و علمی نبوده که بتوان روی میز مهندسین این فن حل و تصفیه نمود بلکه موضوع اساساً يك مسئله بغرنج سیاسی است که باید در آرشيو وزراء و سفرای خارجه آنرا گشت و پیدا کرد و تصفیه نمود - راه آهن ایران يك بازی سیاسی و بدست کسانی است که آنرا در افاغنه دسیسه و تزویر پیچیده اند و صورتی بغرنج بدان داده اند هر گاه نوشته ها و مراسلات دیپلوماسی که بین سفارتخانه ها در تهران و در وزارت خانه های خارجه انگلیس و روس در خصوص راه آهن ایران رد و بدل شده ببینید مانع اصلی را خواهید فهمید . نویسنده در حیرتم که چگونه این راه آهن با صرف سی میلیون لیره دارائی این ملت فقیر و چند سال مشقت و رنج و زحمت زیاد عاقبت و بال جان ایرانی گردید و بمصداق « دشمن طاوس آمد پراو » ایران از فواید مادی و معنوی آن برخوردار نگردید در جنگ بین الملل دوم چهار سال سی و سه هزار نفر کارگر فنی و غیر فنی ایرانی بکار های حمل و نقل مهمات و مواد غذایی در راه آهن مشغول بودند و متجاوز از پنج میلیون تن مهمات جنگی و غیره متفقین را از خلیج فارس بکشور اتحاد جماهیر شوروی رسانیدند و در پرتو این فعالیت و حصول این موفقیت راه آهن ایران معروف به پل پیروزی شد و سران کشورهای بزرگ سند رضایت و لیاقت

- ۱۹۸ -

بایرانی سپردند اما علاوه بر اینکه چیزی ندادند بالغ بر چند میلیون دلار بهای اشیاء و لوازم کار از جمله لوکوموتیو و واگونهاى فرسوده خود را براین ملت فقیر تحمیل نمودند و برضعف بنیه اقتصادی این کشورافزودند و ایران فاقد همه چیز را بحال پریشانی گذاردند و راه آهنی خراب و فرسوده برای ایرانی باقی گذاشتند - و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون .

راه آهن فرعی ایران

مرحوم حاج محمدحسن امین الضرب باشرکت جمعی از تجار ایرانی خط آهنی در مصب رودخانه هراز بطول ۱۸ کیلومتر از کرانه بحر خزر تا شهر آمل کشید و در نظر داشت آنرا به تهران امتداد دهد ولی بواسطه عدم توجه این راه آهن از کار افتاد و نتوانست کاری انجام دهد - بعدها امتیاز راه آهن از جلفا تا تبریز و خط فرعی آن تا کرانه دریایچه رضایه و کلیه معادن اطراف آن تا شعاع ده کیلومتر بروسها واگذار گردید طول این خط آهن ۱۴۷ کیلومتر است و خط دیگری نیز از صوفیان در ۳۱ کیلومتری تبریز تا شرفخانه بطول ۵۳ کیلومتر ساخته شد و در نظر بود آنرا برای راه آهن قفقاز اتصال دهند بعداً طبق عهدنامه بین ایران و روسیه سویت در سال ۱۹۲۱ میلادی بدولت ایران منتقل گردید - راه آهن ماکو که از ایستگاه شاه تختی در قفقاز بوسیله پلی از رودخانه ارس گذشته و پس از عبور از ماکو وارد مرز ترکیه میگردد و طول آن ۱۰۰ کیلومتر بود و پس از جنگ جهانی اول در موقع انقلاب روسیه خراب شد و از بین رفت - در جنگ بین الملل اول انگلیسیها از سه نقطه خاك ایران خط آهن فرعی کشیدند یکی از بغداد تا قصر شیرین و دیگری از مرز هند تا زاهدان و خط آهن دیگر از بوشهر تا قصبه برازجان بود خط آهن زاهدان در بولان از راه آهن اصلی در هندوستان جدا شده و يك شعبه آن تا چمن - ۱۹۹ -

در شمال افغانستان می‌رود و دوشنبه دیگر از راه نوشکی بزااهدان می‌رسد که بیشتر جنبه نظامی و سوق‌الجیشی داشته ولی در حمل و نقل کالا از هندوستان به ایران نیز بکار می‌رفت بعد از جنگ گذشته بدولت ایران انتقال یافت و در نظر بود آنرا تا خراسان امتداد دهند که بصورت عمل در نیامد بالنتیجه از کار افتاده و از بین رفت - در سال ۱۹۱۸ میلادی راه آهنی از بوشهر تا برازجان بطول ۶۰ کیلومتر ساخته شد و این خط آهن نیز جنبه نظامی داشت و بعد از خاتمه جنگ گذشته از طرف مقامات نظامی انگلیس پیشنهاد فروش آن بشهرداری بوشهر شد چون بودجه شهرداری تکافوی خرید آنرا نداشت خط آهن مزبور را خراب کرده و لوازم فنی آنرا بصره انتقال دادند - اکنون پل چوبی خط آهن مزبور در محل سور احمدی باقیمانده است گویا این پل چوبی بمنزله پاداش خسارات و تلفات ایرانی در جنگ گذشته بوده که نمایندگان ایران برباست مشاور الممالک انصاری در کمیسیون غرامات مطالبه کردند ولی « لرد کرزن » مذاکرات این موضوع را منوط بعقد قرارداد بین ایران و انگلیس در سال ۱۹۱۹ میلادی نمود که عاقبت نمایندگان ایران بدون حصول نتیجه بایران مراجعت کردند - بيمناسبت نیست عین قرارداد ۱۹۱۹ میلادی برای مزید اطلاع خوانندگان این کتاب نوشته شود .

در تاریخ ۹ ماه اوت ۱۹۱۹ میلادی قراردادی بین دولتين انگلیس و ایران منعقد گردید که درلندن و تهران مفاد آن منتشر شد .

ماده اول - دولت بریتانیای کبیر تعهدی را که در گذشته مبنی بر استقلال و تمامیت ایران کرده است مجدداً تأیید و تضمین مینماید .

دوم - دولت انگلستان هر قسم متخصصین فنی که لازم باشد پس از

مشورت بین دولتین معاهدین برای ادارات مختلفه دولتی باختیار دولت ایران خواهد گذارد :

سوم - دولت بریتانیای کبیر افسران نظامی و مهمات و اسلحه‌هایی که کمیسئون نظامی طرفین برای تشکیل قوای متحدالشکل بمنظور نگاهداری امنیت داخلی و حفظ سرحدات لازم بداند خواهد داد .

چهارم - دولت انگلستان ترتیب قرضه کافی را برای اجرای مقاصد فوق خواهد پرداخت .

پنجم - دولت بریتانیای کبیر حاضر است برای تهیه کردن راهها و جاده ها بوسیله خط آهن یا راه شوسه طبق نظریات متخصصین بادولت ایران همکاری نماید .

ششم - دولتین معاهدتین قبول مینمایند که کمیسئون از طرفین برای تجدید نظر در تعرفه گمرکی تشکیل بدهند .

بعلاوه دولت بریتانیای کبیر بموجب مراسله جداگانه قبول مینماید برای اجرای مواد زیر در صورت لزوم بادولت ایران همکاری کند .

(۱) تجدید نظر در مرزهای کنونی بین دولتین انگلیس و ایران .
(۲) در مورد دعاوی دولت ایران راجع به خسارات وارده از طرف سایر دولتهای متخاصمین .

(۳) راجع به نقاط مرزی در مواردی که حکمیت طرفین موافقت نمایند دولت انگلیس تصدیق و قبول میکند .

تاریخ ۱۸ اوت ۱۹۱۹ شماره ۱۵۹۷

محل امضاء کاکس

سر «پرسی کاکس» امضاء کننده معاهده فوق مدت چند سال سر کنسول دولت انگلیس در بندر بوشهر بود پس از سقوط بغداد در جنگ بین الملل اول بسمت

مستشار عالی (قاضی عام) در بین النهرین برقرار گردید و بعد بوزیر مختاری دولت انگلیس در تهران منصوب شد و از رجال معروف آن دولت در خلیج فارس بود بفارسی و عربی بخوبی آشنا و در اغلب ملاقاتها با مشایخ عرب مقیم کرانه های خلیج فارس و خوانین جنوب ایران بدون واسطه مترجم مذاکره و کارهای سیاسی بنفع دولت متبوعه خود انجام میداد او چند سال پیش در لندن وفات کرد

صید مروارید

برخی از روان شناسان و علمای گذشته بر این عقیده بودند که تولید مروارید بواسطه باد های بهاری و رشحات آب باران که در صدف وارد شده تولید مروارید مینماید این عقیده پایه و اساسی ندارد بلکه اساس مروارید از دانه ریز کوچک از ماده آهکی و یا حشرات صغیره دریائی که بوسیله روزنه هائی داخل صدف وارد شده و در آنجا با آغشید و لعابات صدف پوشیده میشود کم کم دانه صاف و ملمع شده تولید مروارید میکند هر گاه این دانه ریز آهکی در وسط گوشت صدف قرار گیرد مروارید آن نفیس و گرانبه است که آنرا مروارید غلطان یا خشن مینامند و هر گاه دانه در گوشه یا در کنار گوشت صدف واقع شود مروارید آن از درجه پست و چندان قیمتی ندارد - مرواریدها اقسام مختلفی دارند اول مروارید غلطان موسوم بجیبون دوم مروارید خشن سوم مروارید رایکه چهارم مروارید قوله پنجم مروارید بدله ششم مروارید ناعم هفتم مروارید بو که این دو قسم اخیر همان مروارید خا که میباشد و بهائی ندارد - هر دانه که کرویت کامل دارد معروف بقوله و آنچه نصف کرویت موسوم به بطن الهند است آنچه مخروطی الشكل است بنام تنبول و قسم دیگر را کلوکی مینامند بهترین و نفیس ترین مروارید که غلطان نام دارد رنگ آن سفید هایل

بسرخی است دیگر مروارید که رنگ آن نباتی و قسم دیگر برنگ سفید
 هایل بسبز و نوع دیگر زجاجی قسم دیگر برنگ کبود معروف بگببازی
 میباشد بهترین مروارید در جزیره بحرین بدست میآید و تجار فرانسوی
 هندی عرب و بعضی بازرگانان ایرانی برای خرید ببحرین میآیند -
 محل صید مروارید موسوم به هیارات است که قسمت عمده آنها در سمت
 کرانه عمان و بحرین واقع شده و هیارات در کرانه های ایران زیاد
 نیست - شروع صید مروارید از خرداد ماه است و تا چهار ماه امتداد دارد
 بهترین محل صید مروارید در خلیج فارس بین دریای عمان و بحرین در
 حدود رأس الجبال واقع شده - کارگران وغواصان صید مروارید بدو دسته
 تقسیم میشوند آنها تیکه بقعر دریا فرو میروند و صدف های محتوی مروارید را
 جمع آوری میکنند بنام غیص و کسانی که در کشتی مانده و دورشته طناب را
 که در دست غیص است یکسر طناب را در دست خود دارد و غیص را
 بسطح آب میکشد موسوم بسیب است و دو رشته طناب عبارت از یک رشته
 که سرب بآن بسته شده و بواسطه سنگینی سرب غیص را فوری بقعر دریا
 فرو میبرد و پس از رسیدن ب زیر آب آنها را میکند و رشته دیگر در دست
 غیص میباشد چون نفسش زیر آب تنگی کند این رشته دوم را تکان میدهد
 و سبب او را بالا میکشد هرگاه سبب در کشیدن او غفلت نماید احتمال
 خطر جانی برای غیص دارد - همینکه غیص بسطح آب آمد سبب محتوی
 صدف ها را تسلیم سبب میکند پس از تجدید نفس مجدداً زیر آب
 می رود این کار را از صبح تا ظهر و از بعد از ظهر تا غروب آفتاب
 تکرار می نماید .

صدف های محتوی مروارید مانند گیاه در ته دریا ریشه دارد و غیص
 با انگشت بند چرمی مخصوصی صدف ها را چیده و در سبد میریزد و در هنگام

شب آنها را شکافته مرواریدها را از صدف بیرون میآورند و بدست ناخدای کشتی میسپارند .

صدف بردونوع است یکی بنام محار و دیگری معروف بزنی کسه مقدار زیادی بممالک اروپا برده برای مصرف دکمه و یادسته های کارد و چاقو و سایر اشیاء دیگر بکار میبرند و از صادرات عمده خلیج فارس بشمار میرود .

خطر جانی غیص در دریا برخورد بسنگهای صخره و یا غارهای دریائی و یا چند قسم حیوانات دریائی میباشد که یکی را دول و دیگری سنگ ماهی (کوسه) و نیز حیوانی است موسوم بلوسی و دیگری لحمه میباشد .

سک دریائی دارای دندان های تیز و برنده چون اره است همینکه کسی را در آب ببیند حمله نموده بادندان های تیز خود ضربت مهلکی بهدفعه میزند و او را ناتوان نموده و تلف میکند ولی حیوان دول دندان ندارد و انسان را گاز نمیگیرد که در نتیجه بدن سوزش نموده قادر بادامه کار نباشد چون این حیوان از آب بیرون افتد بفاصله چند دقیقه که تحت تأثیر آفتاب قرار گیرد از حرارت آفتاب گداخته شده و اثری از آن باقی نمیماند .

لوسی و لحمه وام علیمون که دارای خارهای تیزی هستند که در بدن انسان فرو برده و او را صدمه میرسانند چه بسا از غواص ها بخطر جانی گرفتار و تلف میشوند یا برخی از آنها که از آب در آیند بدنشان مرتعش و لرزان شود و با مراض ریوی دچار گردند و یا از اطاله فرو بردن نفس بضیق النفس مبتلا شوند . نویسنده در بحرین از بعضی غواص ها از احوال دریا داستانها شنیدم و از غارها و پستی و بلندی بحار و حیوانهای موزی و ماهی های معروف به آدم دریائی صحبت های شگفت آور دارند از جمله ماهی موسوم به گور گوشت جوف صدف مروارید را طعمه خود میسازد و این گوهر را ضایع و فاسد مینماید . بعضی از مروارید های نفیس هردانه ۱۵۰۰۰۰ روپیه یا زیاد تر

بفروش میرسد. در سال ۱۹۱۰ میلادی شرکت فرانسوی بنام «روزاتال» تجارت مروارید را در بحرین شروع نمود و هر ساله معادل ۱۰ میلیون روپیه داد و ستد میکرد.

دیگر یکی از بازرگانان ایرانی ساکن بندر لنگه بود که بعد ها تجارتخانه در بمبئی و بندر جده تأسیس نمود. در سال ۱۳۰۰ هجری قمری امین السلطان صدر اعظم ایران در مراسله خود بیکمی از تجار بندر لنگه چنین مینویسد: «از قرار معلوم در آبهای که در خلیج فارس متعلق بدولت ایران است صید مروارید بسیار خوب میشود تلکرافاً بحسین-قلیخان سعد الملك حکمران بنادر جنوب اطلاع دادم که سر بعبندر لنگه آمده در مقام ممانعت از صید کنندگان مروارید اتباع خارجه برآید و اگر موقع صید است برای دولت ایران صید مروارید نموده فوراً نمونه بفرستید بلکه صدفی که مروارید در جوف آن باشد بتهران روانه نمائید در این موضوع اهتمام کامل بعمل آورید و تحقیقات لازمه از داخل و خارج نموده گزارش بدهید هر گاه ممکن باشد از صید جدید با چاپار دو نمونه بفرستید یکی مروارید در جوف صدف و دیگری از صدف خارجه باشد» نویسنده گوید که مروارید در جوف صدف وسط گوشت قرار دارد هر گاه بهمان طریق چندی نگاه دارند عفونت پیدا کرده در نتیجه مروارید راضایع و خراب مینماید.

یکی از سیاحان انگلیسی مینویسد در سال ۱۸۱۱ میلادی چند کشتی انگلیسی ببندر لنگه آمده و معادل ۴۱۰۱۶۰ لیره مروارید خریداری نمود. مرواریدهایی که در اطراف جزایر هند و هلند و سیلان یا در خلیج مکزیک و رأس فوران یافت میشود بخوبی مروارید خلیج فارس نیست.

در سالهای اخیر هر وارید مصنوعی که در ژاپون ساخته میشده از رونق بازار این گوهر گرانبهای حقیقی کاسته است .

خلیج فارس

از دیر زمانی خلیج فارس یکی از مهمترین دریاها از لحاظ سیادت و اقتصاد بشمار میرفته و موقعیت آن نیز از لحاظ سوق الجیشی اهمیت زیادی داشته زیرا این خلیج سر راه و کلید دریائی اقیانوس هند قرار گرفته بنا بر این مناسبات خلیج فارس در جهان عامل مهمی از نقطه نظر ارتباط اقوام مختلف و راههای بازرگانی شرق و غرب میباشد و دریانوردی در خلیج فارس از قدیم معمول بوده و اقوام آشوریها و عیلامیها و سایر اقوام دیگر در ناحیه خلیج کشتی رانی داشتند چنانچه « نیارکوس » سردار یونانی با هر اسکندر از خاک سند از راه خلیج فارس تا رود خانه کارون و شط العرب را بازدید نمود و نیز « آلبو کرک » پرتغالی در سال ۱۵۱۵ میلادی با چند کشتی بخلیج فارس آمده و جزیره هرمز را تصرف کرد سپس بسواحل خلیج دست یافت . در سال ۱۶۳۹ میلادی هلندی ها هم با محمولات خویش وارد خلیج فارس شده و تجارتخانه خود را در بندر عباس و بعد در جزیره خارک تأسیس نمودند . سپس فرانسویها و انگلیسیها در خلیج فارس راه یافتند بنا بر این موقعیت جغرافیائی خلیج موجب گردید که ارتباط از خاور بباختر را دارا باشد در سال ۱۵۸۰ میلادی « جان نیوبری » انگلیسی و بعد « هوکن » هلندی برای تحقیقات راجع باوضاع اقتصادی بخلیج فارس آمدند و در سال ۱۸۹۲ میلادی « لرد کرزن » در مرتبه اول که بخلیج فارس آمده در اهمیت آن مینویسد « احداث بندرگاه در خلیج فارس از دیر زمانی جزء آمال و آرزوی روسها بوده هر گاه صورت عمل بخود گیرد آرامش و انتظامی که باصرف آنهمه مساعی و کوشش در خلیج فارس برقرار

گرددیده مختل خواهد شد هر دولتی در انگلستان که بروی کار آید و اجازه احداث بندری را در خلیج فارس بروسیه بدهد بعظمت انگلستان توهین نموده و در اختلال و تولید جنک بین ما و روس ها جدیت کرده من آن سفیر انگلیسی که در اینمورد تسلیم شود و اجازه احداث بندر را بروسیه بدهد گناه کار و خائن بمیهن خود میدانم * لرد نامبرده در سفر دوم خود بخلیج فارس در سال ۱۹۰۳ میلادی هنگامی که نایب السلطنه هندوستان بود بار دیگر برای جلب اطمینان و اعتماد مشایخ ساحلی عرب با هشت کشتی جنگی وارد خلیج فارس گردید و در بندر شارجه موقعیکه رؤسای قبایل عرب مقیم کرانه عمان برای ملاقات او آمده بودند رویه صریح خود را در موضوع موقعیت دولت متبوعه خود در خلیج فارس بیان نمود و نشان درجه اول * ستاره هند * را به بعضی مشایخ از جمله مبارک بن صباح حکمران بندر کویت و شیخ خزعل خان مرز دار ایران در خرمشهر عطاء نمود (هنگامیکه او وارد نگر گاه بوشهر شد علاء الدوله والی فارس در کنار ساحل حاضر برای پذیرائی او گردید ولی لرد نامبرده مایل بود که علاء الدوله بکشتی آمده و او را استقبال کند که بالاخره عملی نشد و لرد کرزن آزرده خاطر شده و در بوشهر پیاده نگردید و آنچه هزینه که برای پذیرائی او تهیه شده بود بهدر رفت) .

در سال ۱۹۱۹ میلادی * لرد هاردینگ * فرمانفرمای هندوستان بخلیج فارس آمد و اکثر بنادر خلیج را سرکشی نمود .
در سال ۱۸۰۰ میلادی * سرجان مالکم * معروف در سفر اول خود که بخلیج فارس آمده مینویسد :

* ما موریت من بایران برای این منظور بود که هندوستان را از شر تهاجم سرحدی زمان شاه امیر افغانستان نجات بدهم نیز اقدامات

و عملیات فرانسویها را در دربار فتحعلی شاه بی اثر گذارم زیرا هیئت نمایندگان فرانسه که بریاست « گاردن » بایران آمده بودند قراردادی با شاه منعقد نموده که دولت ایران روابط سیاسی و تجارتی خود را با انگلیسیها قطع نماید و نماینده ایران را از بمبئی احضار کند و عمل انگلیسی را از ایران و خلیج فارس خارج کنند و راه ارتباط را از راه خشکی و دریا بر انگلیسیها ببندند من در اجرای مقاصد خود پیشرفت نمودم و موفق شدم راجع بمسائل مربوطه بایران و خلیج فارس قراردادی با فتحعلی شاه منعقد نمایم و این قرار داد موسوم به « معاهده قطعی » بود که در نتیجه روابط تجارتی بین ایران و انگلیس که چندی روبضعف رفته بود بار دیگر رونق یافت و مناسبات سیاسی و اقتصادی بین طرفین برقرار گردید « لرد لانسدون » رئیس اداره سیاسی هندوستان در مجلس اعیان انگلیس اظهار نمود « سیاست ما در خلیج فارس در مرحله اول باید متوجه حمایت و حفاظت توسعه بازرگانی انگلیس در آبهای آنجا باشد ما باید استقرار يك تکیه گاه دریائی و بندری در خلیج فارس را بوسیله هر دولتی که بخواهد احداث کند مانند يك تهدید بزرگی بمنافع انگلیس تشخیص داده و باتمام وسائلی که در اختیار خود داریم از چنین پیش آمدی جلوگیری نمایم ».

« ارنست بوین » وزیر امور خارجه انگلیس در مجلس عوام انگلیس درباره منافع دولت متبوعه خود در جنوب ایران و خلیج فارس بیان نمود « دولت امپراتوری انگلیس مایل است که منافع او در هر جا باشد آنرا حفظ نماید » « مک لین » نماینده حزب محافظه کار از وزیر خارجه سؤال کرد که نظر به پیش آمد وقایع اخیر در ایران خوب است تضمین گفته های سابق « آنتونی ایدن » وزیر امور خارجه سلف را مجدداً تأیید کند زیرا

او بیان کرده بود که اراده دولت انگلیس در حفظ منافع امپراتوری در خلیج فارس تعلق گرفته و پای بند این منافع خود میباشد و این نکته قابل انکار نیست که ایران بخصوص جنوب ایران و خلیج فارس زنجیر مهمی در دستگاه امپراتوری ماست و انگلستان نمیتواند مشاهده نماید که وضع موازنه در خلیج فارس بهم بخورد مگر اینکه حس اعتماد و اطمینان در بین ملل بزرگ از میان برود ما نمیتوانیم این خطر که جنوب ایران و خلیج فارس بدست دشمن ما افتد تحمل کنیم .

در قرن هفتم پیش از میلاد « سناخریب » پادشاه آشور نیروی دریائی بزرگی تدارك نمود و از راه خلیج فارس به کلد و بابل حمله کرد سپس شاپوراول و بعد شاپوردوم با کشتیهای خود بر اعراب مهاجم تاخته و آنها را منهزم و شکست دادند - در قرن ششم میلادی انوشیروان بقصد تسخیر عربستان در ابوله نزدیک بصره نیروی دریائی تهیه کرد و از رأس الحد در ساحل عمان گذشته به بندر عدن رفت و ناحیه یمن را نیز ضمیمه ایران نمود و اقتدار سلطنت خود را در سراسر شبه جزیره عربستان برقرار ساخت و این نفوذ و اقتدار تادوره اسلام باقیماند - در زمان شاه عباس صفوی کوشش زیادی برای حفظ و امنیت خلیج فارس بعمل آمد آن پادشاه در نامه خود بشیخ غیث عرب مینویسد « تو محققاً اهمیت حدود و ثغور مملکت و مسئولیت حفظ و آرامش خلیج فارس و جزیره بحرین را دانسته اید مرزهای خلیج فارس باز و دشمن نزدیک میباشد بر تو لازم است برای نگاهداری آنجا اشخاص امین و عادل انتخاب نمائی و برای حفظ و حراست آن حدود مردان شجاع و با ایمان برگماری و در بکار بردن وسائل انتظام آنجا سفارشهای لازمه بنمائی - من تورا امیر بنادر و جزایر کردم و شهرهای خلیج فارس بتو واگذار نمودم برای اینکه مایل بفتح و غلبه باشی جدیت

و کوشش مبذول دار و از بزرگان قبایل عرب کمک طلب کن و در کارها هجاهد باش تا مورد پسند خداوند گردی » .

نادرشاه درصدد برآمد نیروی دریائی در خلیج فارس تشکیل دهد برای این منظور چند کشتی از هلندیها و انگلیسیها خریداری نموده و به نظام حیدرآباد دکن دستور داد که بیست کشتی بزرگ ساخته روانه خلیج فارس نماید هنگامیکه مشغول تسخیر داغستان بود کشتیهای هزبور از بندر سورت به خلیج فارس رسیدند بعلاوه آن پادشاه امر کرد که از جنگل های مازندران تخته و الوار بکرانه خلیج فارس آورده و چند کشتی ساختند و بندر بوشهر را مرکز نیروی دریائی خود قرار داد « هارفورد جانس بریدج » انگلیسی مینویسد « در سال ۱۷۸۴ میلادی که وارد بوشهر شدم سه کشتی از کشتیهای نادرشاه که هر یک ۵۰۰ تن ظرفیت آنها بود درلنگرگاه بوشهر درخور نادری باقیمانده بود » - تعداد کشتیهای نادر شاه در خلیج فارس سیصد کشتی بوده و در چند سال پیش بقایائی از این کشتیها و لوله های توپ در بنادر و بعضی جزایر خلیج فارس وجود داشت - نادر با این نیروی دریائی توانست بسواحل عربستان لشکرکشی کند و کلب علیخان افشار که سردار گرمسیرات بود مأمور تسخیر کرانه عربستان نمود - در نامه ای خطاب بشیخ نصرخان بوشهری مینویسد « سلام و رحمت و برکت بر کسانی باد که مارا بادست و زبان یاری میکنند بدانکه برای جنگ با دشمنان شما عده ای را که معروف بشجاعت و دلیری هستند بسوی شما فرستادیم - در موضوع سلطان مسقط و تسلیم نکردن بعضی جزایر باو یادآوری کرده اید بدان که بین ما و او شمشیر باید حکم کند - بوصول این نامه خود را مهیای جنگ با دشمنان کن زیرا امنیت آنها محدود مورد تهدید است » .

ناصرالدین شاه در نظر داشت که نیروی دریایی در خلیج فارس تشکیل دهد و چهار کشتی جنگی برای مراقبت بنادر خلیج تهیه نماید برای این منظور از یک شرکت کشتی سازی آلمانی کشتی « پرس پلیس » بظرفیت ۸۰۰ تن با قوه ۴۵۰ اسب که مجهز به چهار توپ کروپ و دو توپ کوچک بود خریداری نمود کشتی نامبرده در سال ۱۳۰۴ هجری قمری بوسیله افسران دریایی آلمانی در بوشهر تسلیم مأمورین ایران گردید - دیگر کشتی « شوش » بود که در رودخانه کارون رفت و آمد داشت اکنون این دو کشتی خراب و از بین رفته است .

در دوره مظفرالدین شاه برای جلوگیری از کالای قاچاق و سرکشی بکمرکات بنادر جنوب چند کشتی کوچک از جمله کشتی مظفری خریداری گردید که اکنون اثری از آن کشتیها باقی نمانده است - زمانیکه موضوع جزیره بحرین از راه مذاکرات سیاسی در میان بود انگلیسیها رسماً بوزارت امور خارجه ایران نوشتند که هرگاه دولت ایران دارای پنج کشتی جنگی باشد که بتواند حفظ و حراست بنادر خلیج فارس و جلوگیری از دزدیهای دریایی نماید دولت انگلیس از نظارت و سیادت خود در خلیج فارس و بحرین صرف نظر خواهد نمود .

در زمان رضاشاه به نماینده ایران در جامعه بین الملل (رضاءرفع الدوله) دستور رسید که برای خرید چند کشتی بمنظور نگهبانی بنادر خلیج فارس و جلوگیری از کالای قاچاق اقدام کند - بعضی از دول که منافع خاصی در خلیج فارس دارا بودند نمیخواستند که ایران دارای نیروی دریایی در خلیج فارس باشد ولی مرحوم ارفع الدوله با جدیت زیاد موفق گردید که چند کشتی به کارخانه کشتی سازی ایتالیایی سفارش و خریداری نماید برای آموختن فن دریانوردی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی دویست نفر از

افراد ارتش به ایتالیا روانه شدند. کشتی پلنگ بظرفیت ۹۵۰ تن و کشتی ببر نیز ۹۵۰ تن و کشتیهای کرگس - سیمرخ - شاهرخ - همای - شهباز هریک ۳۲۰ تن و کشتی یدک کش که ساختمان آنها خاتمه یافته بود وارد بندر بوشهر شد. هنگام ورود این کشتیها رضا شاه برای بازدید آنها ببوشهر رفت و همراه این کشتیها بخرمشهر حرکت نمود و مرکز پادگان و فرماندهی نیروی دریائی در آنجا برقرار گردید انبارها - تعمیرگاه و بیمارستان و آموزشگاه نیروی دریائی و اداره بندر درخرمشهر تمرکز یافت و ناوهای ببر - همای - سیمرخ - شاهرخ و یدک کش در آنجا مستقر شدند و ناو پلنگ در آبادان مأمور حفاظت مؤسسات و پالشگاه شرکت نفت ایران و انگلیس بود و بعداً ناوهای کرگس و شهباز و پنج موتور دریائی در بندر شاهپور مأمور حراست و نگهبانی پنج کشتی بازرگانی آلمانی و سه کشتی ایتالیائی که بآب بندر پناه آورده بودند شدند کشتیهای ببر و پلنگ نیز مأمور سرکشی بجزایر هنگام و قشم و سایر بنادر دیگر بودند. اعراب سکنه ساحلی خاصه قاچاقچیان از آمد و رفت این کشتیها در خلیج فارس خائف و بیمناک بوده بعلاوه قسمتی از نفرات نیروی دریائی در جزایر هنگام و قشم و در بندر باسعیدو برای حفظ ایستگاه دریائی استقرار یافت.

در نیمه شب سوم شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی که ملوانان ایرانی در خواب بودند غفلاً شش ناو جنگی انگلیسی که بزرگترین آنها کشتی «کنیمیل» ده هزار تنی بود بر تأسیسات بندری و کشتیهای ایران حمله نمودند ابتدا از طرف کشتیهای جنگی انگلیس در آبادان دوشوشک سبز رنگ بهوا رفت که در حقیقت اعلان خطر بود در همان لحظه چراغهای برق مؤسسات شرکت نفت خاموش شد و تلفونهای پادگان ایران در آبادان

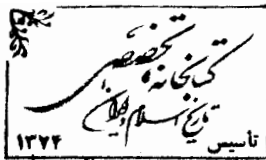
که از سیم‌های شرکت نامبرده استفاده میشد از کار افتاد و کلیه ارتباط‌پادگان قطع گردید و این عمل عامل مهمی برای برهم خوردگی و عدم انتظام آنها گردید. در این بین سپاهیان انگلیسی از سه طرف با مسلسل و توپهای کوچک به آبادان هجوم آوردند و غرش توپهای آنها شروع شد و به افراد نظامی و غیر نظامی صدمه و تلفات وارد آمد و عده‌ای از مردم بی‌گناه که غافلگیر شده کشته یا زخمی شدند.

ناو بلنک که مأمور پاسپانی بالشگاه شرکت نفت بود در شب مورد حمله يك كشتی نفت کش که مجهز بتوپ بود واقع گردید این كشتی در روز پیش از واقعه سوم شهر یوربلنگر گاه آبادان وارد شده و در اثر اصابت گلوله توپ بمخزن مهمات آن اعتدال خود را از دست داد و دود فغماً مشتعل و پس از چند ساعت غرق گردید و افسران جوان و چند ملوان آن که در خواب بودند غافلگیر و کشته شدند.

عده نفرات نیروی دریایی که در این حادثه شوم کشته یا زخمی شدند در حدود ششصد نفر میگویند.

ناو جنگی انگلیسی موسوم به «یارا» پیش از سایر كشتی‌های دیگر وارد خرمشهر شد و ناو ببر را گلوله باران نمود چون در اثر انفجار بمب که در مخزن مهمات آن روی داد بفاصله چند ساعت مشتعل و غرق گردید و كشتیهای همای - سیمرغ - شاهرخ و كشتی يدك کش که در آنجا لنگر انداخته بودند بتصرف انگلیسیها درآمد - اکنون که این سطور را مینویسم كشتیهای نامبرده که سالم و بدون عیب انگلیسیها تصرف کرده بودند پس از پنج سال بوضع معیوب و فرسوده بایران مسترد داشتند.

در آن موقع سپاهیان انگلیسی بوسیله قایق‌های موتوری شروع بتهاجم نموده و دریا دار بایندر فرمانده نیروی دریائی دستور میدهد



که اسناد و مدارك محرمانه نیروی دریائی را جمع آوری کنند که بدست انگلیسی ها نیفتد و بالاخره این کار عملی نگردید. او برای دستورات دفاعی باتفاق یکی از افسران بطرف خط دفاعی بهمن شیر حرکت میکند ولی در بین راه بآتش مسلسل‌های مهاجم روبرو گردیده و در نتیجه بایندر و افسر دیگر مقتول و جسدش نزدیک عمارت بی سیم دفن میشود..

در بندر شاهپور هنگام شب ناو جنگی ده هزار تنی «کنیمیا» و کشتی «لورنس» حمله و بمباران مینمایند در این بندر پنج کشتی بازرگانی آلمانی از جمله «ویزن فلس» - «هوین فلس» - «مارین فلس» و دو کشتی دیگر آلمانی و سه کشتی بازرگانی ایتالیائی پناه آورده بودند از صدای غرش توپ ناو جنگی «کنیمیا» با خبر شده تصمیم بانفجار خود میگیرند اولین کشتی آلمانی «ویزن فلس» که فرمانده آن کاپیتان «بطر» بود موفق میگردد خود را آتش زند ابتدا مخزن نفت سوخت کشتی را باز نموده تمام نفت ها را روی آب دریا پراکنده میکند سپس منبع بنزین و روغن کشتی را خارج مینماید در این موقع کشتی را محترق و تمام نفت و بنزین و روغنی که روی آب قرار گرفته بود مشتعل میگردد.

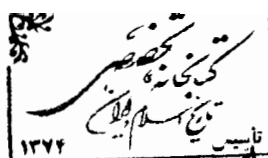
کشتی «هوین فلس» در حالی که مشغول استخراج نفت و بنزین بوسیله یکی از افسران خود بود مورد حمله انگلیس ها واقع میگردد و یکی از افسران انگلیسی از پشت سر با افسر آلمانی که مشغول بیرون نمودن نفت سوخت کشتی بود با طپانچه حمله میکند در این بین یکی از ملوانان آلمانی متوجه این منظره میشود از عقب با سر نیزه افسر انگلیسی را از پا در میآورد ولی کشتی نامبرده موفق بغرق خود نمیکردد سر انجام تمام کشتیهای آلمانی و ایتالیائی باستثنای کشتی «ویزن فلس» و سایر کشتیهای ایران از جمیع «شهباز» و «کرکس» که در بندر شاهپور لنگر انداخته بودند

بدست انگلیسیها افتاد و تمام افسران دریائی خارجی و ایرانی را دستگیر و در کشتی جنگی « کنیمیلا » زندانی کردند سپس آنها را به شعبه و بصره به اسارت بردند.

بعضی قسمت های پل ها و موتورهای کشتی های آلمانی و ایتالیائی که در حال اشتعال بود بر اثر اقدامات فوری انگلیسی ها خاموش گردید ولی کشتی « هوین فلس » روی يك پهلو بگل نشست - سپاهیان انگلیسی از کشتی جنگی « کنیمیلا » پیاده و شروع بهشروع نمودند و با مقاومت افراد نیروی دریائی ایران و يك گروه نظامی روبرو شدند - در این هنگام يك کشتی انگلیسی بسمت حوض شناور (گودی) حمله نمود و کارکنان آنرا از پای درآورده هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود که کشتیهای شهباز و کرکس بدست مهاجمین افتاد و پرچم انگلیس « یونین جاك » بر فراز دکل آنها به اهتزاز درآمد . مردم غیر نظامی مصمم بتخلیه بندر شاهپور شده و با قطار راه آهن در همان لحظه بطرف اهواز حرکت کردند ولی فرمانده کشتی انگلیسی دستور شلیك بطرف ترن حامل افراد غیر نظامی میدهد که گلوله توپ بترن اصابت نموده و موفق بحرکت میگردد .

قبل از ظهر روز سیم شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی آفتاب نیروی دریائی جوان ایران افول نمود و اثری از آن باقی نماند و ناوهای ببر و پلنك بقعر آب شط العرب فرو رفتند و آن همه تأسیسات و تشکیلات نیروی دریائی که با هزینه هنگفت و خون دل تهیه شده بود از میان رفت و بمصداق « تو پنداری خیالی بود و خوابی » نام و نشانی از این تشکیلات آبرو مند نیروی دریائی که بقای آن منتهی آمال ایرانیان بود در صحنه دریای خلیج فارس بجا نماند بعد ها تاریخ این بی اعتدالی دول دموکراسی را قضاوت خواهد نمود .

پایان



غلطنامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۶	۱۱	چاه سرخ	چاه سرخ
۱۴	۱۴	از طرف ترکیه	به ترکیه
۲۳	۵	سلطان عبدالعزیز	سلطان عبدالحمید
۴۰	۱۰	فردستان	فرستادن
۴۸	۲۰	در سال ۱۲۶۷ میلادی	در سال ۱۸۶۷ میلادی
۱۰۷	۸	آب جدول خانی در	آب جدول خانی در اطراف
		اطراف شیراز جریان دارد	شیراز جریان داشته
۱۰۷	۹	آب جدول حاجی آباد	از آب جدول حاجی آباد
		مزارع اطراف مشروب میسازد	اکنون استفاده نمیشود
۱۰۷	۱۲	آب جدول خانی مزارع	آب جدول خانی مزارع اطراف
		شیراز را مشروب میکنند	شیراز بیاورند
۱۲۹	۱۹	از حیث اهمیت	از حیث اهمیت
۱۵۳	۱۰	متواضع	متواضع
۱۵۵	۲۰	فقیر	فقیر
۱۶۳	۱	افزوده	افزوده
۱۶۵	۲۲	بندر صورت	بندر صورت
۱۶۸	۲۰	علی بن احمد	علی بن احمد
۱۸۲	۲۲	این قضیه موقعی اتفاق	این قضیه موقعی اتفاق افتاد
۱۸۶	۱۶	طول جزیره بن موسی	طول جزیره بن موسی
		۵۰ کیلومتر	۵ کیلومتر
۱۸۸	۱۹	شیخ خزئل	شیخ خزعل
۱۰۸	۱۸	ارتفاع کتل پیر زن	ارتفاع کتل پیرزن ۷۴۰۰
		۴۷۰۰ پا است	پا است
۱۹۳	۳	هوی	هوا
۱۹۴	۲۰	پل تنگ آبدیز در	تونل در تنگ چهار آبدیز
		جنوب	در جنوب
۱۲۱	۳	زیرا خضرخان	زایر خضرخان
۱۳۵	۱۱	۲۸ درجه	۲۸ درجه
۱۵۲	۱۴	دهستان های	دهستان